دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دانشکده هنر

گروه پژوهش هنر

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته پژوهش هنر

عنوان

شناسایی مبانی نظری اصل وحدت در زیبایی شناسی کاربردی براساس متون و معارف اسلامی

استاد راهنما

دکتر محسن مراثی

استاد مشاور

استاد محمد علی رجبی

دانشجو

فرشته پوراحمد

بهمن ماه

۱۳۹۴

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دانشگاه شاهد	اظهارنامه دانشجو	شماره: تاریخ:

اینجانب **فرشته پوراحمد** دانشجوی کارشناسی ارشد **پژوهش هنر دانشکده هنر دانشگاه شاهد**، گواهی می‌دهم که پایان‌نامه تدوین شده حاضر با عنوان:« **شناسایی مبانی نظری اصل وحدت در زیبایی شناسی کاربردی براساس متون و معارف اسلامی** » به راهنمایی استاد محترم جناب آقای **دکتر محسن مراثی** توسط شخص اینجانب انجام و صحت و اصالت مطالب تدوین شده در آن، مورد تایید است و چنان‌چه هر زمان دانشگاه کسب اطلاع کند که گزارش پایان‌نامه حاضر صحت واصالت لازم را نداشته، دانشگاه حق دارد مدرک تحصیلی اینجانب را مسترد و ابطال نماید؛ همچنین اعلام می‌دارد در صورت بهره‌گیری از منابع مختلف شامل: گزارش تحقیقاتی، رساله، پایان‌نامه، کتاب، مقالات تخصصی و سایر منابع اطلاعاتی، به منبع مورد استفاده و پدیدآورنده آن به طور دقیق ارجاع داده شده و نیز مطالب مندرج پایان‌نامه حاضر تاکنون برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی توسط اینجانب و یا سایر افراد به هیچ کجا ارائه نشده است. در تدوین متن پاین‌نامه حاضر، چاچوب مصوب تدوین گزارش‌های پژوهشی تحصیلات تکمیلی دانشگاه شاهد به طور کامل مراعات شده و نهایتاً این که، کلیه حقوق مادی ناشی از گزارش پایان‌نامه حاضر، متعلق به دانشگاه شاهد می‌باشد.

نام و نام‌خانوادگی دانشجو(دست‌نویس): فرشته پوراحمد

امضای دانشجو

تاریخ: ۱۳۹۵/۲/۱۴

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دانشکده هنر

صورتجلسه دفاعیه

جلسه دفاع پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم **فرشته پوراحمد** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته **پژوهش هنر** به شماره دانشجویی **۹۲۷۴۹۴۴۰۰** به ارزش **۱۰** واحد، در تاریخ **۹۴/۱۱/۴** در محل دانشکده هنر، تحت عنوان :

شناسایی مبانی نظری اصل وحدت در زیبایی شناسی کاربردی براساس متون و معارف اسلامی

تشکیل گردید. کمیته داوری پایان نامه کارشناسی ارشد پس از استماع دفاعیات و طرح پرسش های لازم در زمینه علمی و تحقیقاتی مرتبط با پایان نامه نامبرده، ارزشیابی نهایی خود را به شرح ذیل، اعلام نمودند:

طبق ماده ۲۰ آیین نامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته، مصوب جلسه ۷۱۴ مورخ ۸۸/۱/۱۵ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، پایان نامه و پروژه عملی نامبرده با نمره ۱۹/۶۲ (به عدد) و نوزده و شصت و دو صدم (به حروف) و با درجه عالی مورد تایید قرار گرفت.

اعضای هیات داوران

اعضای کمیته داوری	نام و نام خانوادگی	مرتبه علمی	امضاء
استاد راهنما (پایان نامه)	دکتر محسن مراثی	استادیار	
استاد مشاور	استاد محمدعلی رجبی	مربی	
داور ۱	دکتر پرویز اقبالی	استادیار	
داور ۲	دکتر خشایار قاضی زاده	استادیار	
ناظر تحصیلات تکمیلی	دکتر مرتضی اسدی	استادیار	

مدیر گروه رشته: پژوهش هنر

نام و نام خانوادگی: دکتر محسن مراثی

امضاء ۹۴/۱۱/۴

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تقدیم به:

پدر و مادر عزیزم

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

سپاسگزاری:

تقدیر و سپاس از اساتید و دوستان بزرگوارم

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

چکیده

امروزه در نقد آثار هنری، عناصر و اصولی موردبررسی قرار می‌گیرند که در به وجود آوردن زیبایی حائز اهمیت هستند. یکی از این اصول، اصل وحدت است که در نقد فرم اثر، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های اثر محسوب می‌شود. زیرا ارتباط تمامی عناصر هنری، نتیجه‌ی اصل وحدت است. به همین منظور در این پژوهش به شناسایی مبانی نظری اصل وحدت در زیبایی‌شناسی کاربردی پرداخته‌ایم. لازمه‌ی شناخت این مبحث، بررسی در متون مختلف را می‌طلبد. بدین منظور ضمن بررسی نظریه‌های نویسندگان متأخر و سنت‌گرایان، به ریشه‌یابی این نظریه‌ها در مباحث پیش از اسلام و فلاسفه یونانی پرداخته‌شده است. در ادامه نیز با بررسی سرچشمه‌های این مفهوم در متون و معارف اسلامی، مصداق‌های مؤلفه‌ها و شاخصه‌های دستیابی به این اصل موردبررسی قرارگرفته است. بنابراین می‌توان هدف از پژوهش حاضر را دستیابی به ریشه‌های مشترک مؤلفه‌های اصل وحدت بیان کرد. درنهایت این نتیجه به دست آمد که مؤلفه‌های اصلی اصل وحدت، به‌دست‌آمده از متون متأخر، یعنی تضاد و هماهنگی، در مباحث کیهان‌شناسی، اسطوره‌های آفرینش و مباحث مربوط به خلقت در متون اسلامی و غیر اسلامی قابل بسط است. این نشانگر آن است که کل نظام هستی بر اصل وحدت بناشده که لازمه‌ی آن وجود دو مؤلفه‌ی متضاد به همراه هماهنگی برای نیل به چنین مقصودی است و می‌توان این اجتماع ضدین را به وجوه مختلف در عالم هستی مشاهده نمود. بنابراین تحقیق پیش رو ضمن شناخت یکی از مهم‌ترین مبانی نظری هنر، در نقد آثار هنری به‌عنوان چهارچوب نظری به کار خواهد رفت. روش تحقیق نیز توصیفی- تحلیلی است و به شیوه‌ی کیفی داده‌ها های به‌دست‌آمده از منابع کتابخانه‌ای، مورد تجزیه‌وتحلیل قرارگرفته است.

کلیدواژه: مبانی نظری هنر، زیبایی‌شناسی کاربردی، وحدت، تضاد، هماهنگی،

قرآن مجید، احادیث و روایات، متون دانشمندان مسلمان.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فهرست مطالب

عنوان **صفحه**

فهرست مطالب ..... الف

فهرست جدول‌ها ..... ح

فهرست تصاویر و نمودارها ..... س‌س

فصل اول ۱

کلیات پژوهش ۱

۱-۱. مقدمه ۲

۱-۲. طرح تحقیق ٤

۱-۳. اهداف پژوهش ۷

۱-۳-۱. اهداف کلی ۷

۱-۳-۲. اهداف فرعی ۷

۱-٤. پرسش‌های پژوهش ۷

۱-٤-۲. پرسش‌های اصلی ۷

۱-۵. فرضیه ۸

۱-٦. اهمیت و ضرورت پژوهش ۸

۱-۷. نوآوری پژوهش ۸

۱-۸. نتایج اصلی تحقیق ۸

۱-۹. انجام تحقیق و روش گردآوری اطلاعات و ابزار آن ۸

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱۰-۱. معرفی جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و تعداد نمونه ۹
۱۱-۱. روش تجزیه‌وتحلیل اطلاعات ۹
فصل دوم ۱۰
مبانی نظری و پیشینه پژوهش ۱۰
۱-۲. مبانی نظری تحقیق ۱۱
۱-۱-۲. نقد هنری ۱۱
۲-۱-۲. زیبایی‌شناسی کاربردی ۱٤
۳-۱-۲. مبانی هنر ۲۰
٤-۱-۲. فرم ۲۰
۵-۱-۲. اصل وحدت ۲۲
۲-۲. پیشینه ۲٦
فصل سوم ۳۲
روش پژوهش ۳۲
۱-۳. روش پژوهش ۳۳
۲-۳. جامعه آماری تحقیق ۳۵
۳-۳. متغیرهای پژوهش ۳٦
٤-۳. روش نمونه‌گیری و حجم نمونه ۳٦
۵-۳. روش گردآوری اطلاعات ۳۷
٦-۳. روش تجزیه‌وتحلیل داده‌ها ۳۷
فصل چهارم ٤۳
تجزیه‌وتحلیل داده‌ها ٤۳

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱-٤. مبانی نظری اصل وحدت ٤٥

بر اساس نظریه‌های برگرفته از تألیفات متأخر ٤٥

۱-۱-٤. شاخصه‌های اصل وحدت از نگاه نویسندگان غربی دوران متأخر ٤٥

نویسندگان خارجی ٤٥

اوکویرک و همکارانش ٤٥

نوئل کارول ٦٥

رودلف آرنهایم ٦٧

یورگ گروتر ٦٨

پیرفون ٧٣

جرج دیوید بیرکهوف ٧٣

وی کوزین ٧٦

رابرت ونتوری ٧٧

لوکوربوزیه ٧٧

ادموند بورک فلدمن ٧٨

فرانسیس د.ک.چینگ ٨٢

نویسندگان ایرانی ٨٣

رویین پاکباز ..... Error! Bookmark not defined.

۲-۱-٤. شاخصه‌های اصل وحدت از نگاه سنت‌گرایان ٨٦

بورکهارت ١٠١

سید حسین نصر ١٠٧

کربن ١١١

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

کوماراسوامی ۱۱۲
۲-٤. سرچشمه‌های مبانی نظری اصل وحدت در پیش از اسلام ۱۲۱
بین‌النهرین(تمدن بابل) ۱۲۲
زرتشتیان ۱۲۳
عرفان مانوی ۱۲۸
یونان ۱۳٤
تالس ۱۳۸
آناکسیماندرس ۱۳۹
رواقیان ۱٤۳
هراکلیتوس ۱٤٥
پارمنیدس ۱٥۰
امپدوکلس و آناکساگوراس ۱٥۲
فیثاغورث ۱٥٤
افلاطون ۱٥٥
نوافلاطونیان ۱٦٦
ارسطو ۱٦۷
جالینوس ۱۷٤
صدر مسیحیت ۱۷٥
رساله هرمسی پویی ماندرس ۱۷٥
عرفان مندایی ۱۷۷
دیصانیان ۱۷۹

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹٥۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹٥/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۳-٤. مبانی نظری اصل وحدت در آیات، روایات و احادیث ۱۸۳

مبحث آفرینش عالم هستی در آیات قرآن ۱۸۵

مبحث آفرینش عالم هستی در احادیث و روایات ۱۹۳

مبحث آفرینش انسان درآیات قرآن ۱۹٦

مبحث آفرینش انسان در احادیث و روایات ۱۹۹

مبحث آفرینش جن در آیات قرآن ۲۰۲

مبحث ثنویت در آیات قرآن ۲۰۳

مبحث ثنویت در احادیث و روایات ۲۰٤

مبحث تضاد در نظام خلقت در آیات قرآن ۲۰٦

مبحث تضاد در نظام خلقت در احادیث و روایات ۲۱۲

مبحث تضاد و بحث زوجیت و جفت بودن در خلقت عالم در آیات قرآن ۲۱۵

مبحث تضاد و بحث زوجیت و جفت بودن در خلقت عالم در احادیث و روایات ۲۱۹

مبحث نظم و هماهنگی در نظام خلقت در آیات قرآن ۲۲۳

مبحث نظم و هماهنگی در نظام خلقت در آیات و روایات ۲۲٦

٤-٤. مبانی نظری اصل وحدت در علوم اسلامی بر اساس نگرش دینی و عرفانی ۲۳۰

اخوان‌الصفا ۲۳۸

ابوریحان بیرونی ۲٤٤

ابن‌سینا و حکمت مشایی ۲٦٤

سهروردی ۲۵۵

فلسفه ملاصدرا یا حکمت متعالیه ۲۵۷

ابن عربی ۲٦٤

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

علامه طباطبایی ۲۷۲
نتیجه‌گیری ۲۸۰
فهرست منابع ۲۸٤
فارسی و عربی ۲۸٤
منابع اینترنتی ۲۹۱
منابع خارجی ۲۹۱

فهرست جدول‌ها

عنوان **صفحه**

جدول۱-٤. مؤلفه‌های وحدت‌بخش سازمان‌دهی بر اساس گفته‌های اوکویرک و همکارانش به همراه نظریه گشتالت ٦۳
جدول۲-٤. مؤلفه‌های زیبایی شناسانه اثر از منظر نوئل کارول ٦۷
جدول ۳-٤. مؤلفه‌های ترکیب‌بندی از دیدگاه رودلف آرنهایم ٦۷
جدول ٤-٤. مؤلفه‌های ایجادکننده‌ی هماهنگی، هارمونی، یکپارچگی و تعادل ازنظر گروتر. ۷۲
جدول۵-٤. مؤلفه‌های ایجادکننده نظم ازنظر پیرفون ۷۳
جدول ٦-٤. مؤلفه‌های بیرکهوف برای محاسبه احساس زیبایی ۷٦
جدول ۷-٤. مؤلفه‌های دستیابی به زیبایی از منظر وی کوزین ۷٦
جدول ۸-٤. مؤلفه‌های یک معماری خوب از منظر رابرت ونتوری. ۷۷
جدول ۹-٤. مؤلفه‌های ساختار طبیعت ازنظر لوکوربوزیه. ۷۸

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول ۱۰-٤. روش‌های دستیابی به وحدت بین اجزاء از منظر ادموند بورک فلدمن ۸۲

جدول ۱۱-٤. مؤلفه‌های دستیابی به اصل وحدت ازنظر ادموند بورک فلدمن. ۸۲

جدول ۱۲-٤. مؤلفه‌های اصل وحدت از دیدگاه فرانسیس د. ک. چینگ. ۸۳

جدول ۱۳-٤. مؤلفه‌های رسیدن به یگانگی بصری (وحدت صوری) از دیدگاه پاکباز ۸٤

جدول١٤-٤. مؤلفه‌های مشترک و غیرمشترک اصل وحدت بین نویسندگان خارجی و ایرانی دوران متأخر. ۸۵

جدول١٥-٤. مؤلفه‌های اصلی اصل وحدت براساس دیدگاه نویسندگان متأخر. ۸٦

جدول١٦-٤. تطبیق مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) با مؤلفه‌های هنر اسلامی از دیدگاه بورکهارت ۱۰٦

جدول١٧-٤. نمود مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) در هنر اسلامی از دیدگاه بورکهارت ۱۰۷

جدول١٨-٤. نمود مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) براساس پایه‌ی فکری معماری اسلامی ازنظر بورکهارت. ۱۰۷

جدول١٩-٤. نمود مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) در بنیاد آیین‌های مذهبی از دیدگاه سید حسین نصر. ۱۱۰

جدول٢٠-٤. نمود مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) در پیوند میان آیین‌های مذهبی و عملکرد طبیعت از دیدگاه سید حسین نصر. ۱۱۱

جدول٢١-٤. مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی وتضاد) از منظر کربن. ۱۱۱

جدول٢٢-٤. مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی وتضاد) از منظر کوماراسوامی. ۱۱۲

جدول٢٣-٤. مقوله‌های مشترک و غیرمشترک دربردانده ی مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) براساس دیدگاه سنت‌گرایان. ۱۱۳

جدول٢٤-٤. سرچشمه مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) در روایت بابلی آفرینش کیهان و انسان(سرچشمه عالم و آدم). ۱۲۳

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول۲۵-٤. سرچشمه مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) در میان زرتشتیان، بر اساس **نظریه هماهنگی** در کتاب دینکرد. ۱۲۷

جدول۲٦-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس روایت اسطوره آفرینش مانوی. ۱۳۳

جدول۲۷-٤. سرچشمه مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس دیدگاه ثنویت مانوی ۱۳٤

جدول ۲۸-٤. سرچشمه مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس دیدگاه تالس درباره طبیعت. ۱۳۹

جدول۲۹-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس دیدگاه آناکسیماندرس، طبق اندیشه عدالت در قلمرو کیهان. ۱٤۲

جدول۳۰-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس دیدگاه رواقیان درباره هماهنگی ۱٤٤

جدول ۳۱-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس دیدگاه هراکلیتوس درباره لوگوس. ۱٤۸

جدول۳۲-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس دیدگاه هراکلیتوس درباره نظریه وحدت اضداد. ۱٤۹

جدول۳۳-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس دیدگاه هراکلیتوس درباره معرفت ۱٤۹

جدول ۳٤-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس دیدگاه هراکلیتوس درباره گوهر ۱۵۰

جدول ۳۵-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس دیدگاه هراکلیتوس درباره عدل و نظم عالم. ۱۵۰

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول۳٦-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس دیدگاه پارمنیدس ۱۵۲

جدول۳۷-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس دیدگاه آمپدکلس و آنکساگوراس درباره آفرینش عالم. ۱٤۳

جدول۳۸-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس دیدگاه فیثاغورث ۱٥٤

جدول۳۹-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس دیدگاه افلاطون در رساله تیمائوس و جمهوری.....۱٦٦

جدول٤۰-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) از دیدگاه نوافلاطونیان، بر اساس نظریه‌ی واحد در قسمت ششم رساله فلوطین.....۱٦۷

جدول٤۱-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) از دیدگاه ارسطو بر اساس نظریه عناصر چهارگانه (کیفیات محسوس). ۱۷۳

جدول٤۲-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) از دیدگاه ارسطو بر اساس نظریه عناصر چهارگانه (کیفیات محسوس). ۱۷۳

جدول٤۳-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) از دیدگاه جالینوس، بر اساس نظریه شکل‌گیری عناصر. ۱۷٤

جدول٤٤-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس سرچشمه‌های زمین، انسان و کیهان، در رساله‌ی هرمسی پویی ماندرس. ۱۷۷

جدول٤٥-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس اندیشه‌ی ثنویت عرفان مندایی.....۱۷۹

جدول٤٦-٤. سرچشمه مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس دیدگاه دیصانیان...۱۷۹

جدول٤۷-٤. مقوله‌های مشترک و غیرمشترک دربردانده ی مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) در پیش از اسلام. ۱۸۱

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول۴۸-٤. میزان اهمیت مقوله‌های دربردارنده‌ی مفهوم اصل وحدت(هماهنگی و تضاد) براساس دفعات تکرار در تفکرات پیش از اسلام. ۱۸۲

حدودل۴۹-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) درآیات و روایات با موضوع آفرینش عالم ۱۹٤

جدول۵۰-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) درآیات و روایات با موضوع آفرینش انسان. ۲۰۱

جدول۵۱-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) درآیات و روایات با موضوع آفرینش جن. ۲۰۳

جدول۵۲-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) درآیات و روایات با موضوع ثنویت. ۲۱۰

جدول۵۳-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) درآیات و روایات با موضوع تضاد در نظام ۲۱۳

جدول۵٤-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) درآیات و احادیث و روایات با موضوع تضاد و زوجیت و جفت بودن در خلقت عالم.....۲۲۱

جدول۵۵-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت(هماهنگی و تضاد) درآیات و احادیث و روایات با موضوع نظم.....۲۲۷

جدول۵٦-٤. موضوعات دربردارنده مفهوم اصل وحدت در آیات، احادیث و روایات ۲۲۸

جدول۵۷-٤. مقوله‌های در بردآرنده ی مؤلفه‌های اصل وحدت (به‌صورت دو مؤلفه‌ی متضاد در کنار یکدیگر، به همراه هماهنگی) براساس آیات و احادیث و روایت. ۲۲۹

جدول ۵۸-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (تضاد و هماهنگی) براساس مباحث فکری اخوان‌الصفا. ۲٤۳

جدول ۵۹-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (تضاد و هماهنگی) براساس مباحث فکری ابوریحان بیرونی. ۲٤۵

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول ٦٠-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (تضاد و هماهنگی) بر اساس مباحث فکری ابن‌سینا. ۲۵۸.....

جدول ٦١-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (تضاد و هماهنگی) براساس مباحث فکری ابن‌سینا. ۲۵۷.....

جدول٦٢-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (دو امر متضاد و هماهنگی) در مبحث **واحد و کثیر** از منظر ملاصدرا ۲۵۸

جدول٦٣-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (دو امر متضاد و هماهنگی) در مبحث **وحدت حقیقه و غیر حقیقه از منظر** ملاصدرا. ۲۵۹

جدول٦٤-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (دو امر متضاد و هماهنگی) در مبحث **اصالت وجود از منظر** ملاصدرا. ۲٦۰

جدول٦٥-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (دو امر متضاد و هماهنگی) در مبحث تقابل تضاد از منظر ملاصدرا.....۲٦۱

جدول٦٦-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (دو امر متضاد و هماهنگی) در مبحث **حرکت از منظر** ملاصدرا.....۲٦۳

جدول٦٧-٤. مطالبقت مؤلفه‌های اصل وحدت(تضاد و هماهنگی) با مباحث فکری ملاصدرا. ۲٦۳

جدول٦٨-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (تضاد و هماهنگی) براساس مباحث فکری ابن عربی. ۲۷۰.....

جدول٦٩-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (تضاد و هماهنگی) بر اساس مباحث فکری ابن عربی ۲۷۸.....

جدول ۷۰-٤. مقوله‌های مشترک علمای اسلامی بر اساس مطابقت داشتن با مؤلفه‌های اصل وحدت. ۲۷۹.....

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فهرست اشکال

عنوان **صفحه**

شکل۱. مربع تقابل عناصر و کیفیات ارسطویی. ۱۷۰

شکل۲. جهان ارسطویی. ۱۷۲

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱. مقدمه

۱-۲. طرح تحقیق

۱-۳. اهداف پژوهش

۱-٤. پرسش‌های پژوهش

۱-۵. فرضیه

۱-٦. اهمیت و ضرورت پژوهش

۱-۷. نوآوری پژوهش

۱-۸. نتایج اصلی تحقیق

۱-۹. انجام تحقیق و روش گردآوری اطلاعات و ابزار آن

۱-۱۰. معرفی جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و تعداد نمونه

۱-۱۱. روش تجزیه‌وتحلیل اطلاعات

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱-۱. مقدمه

نقد هنر در دوران باستان به‌عنوان یک فعالیت مستقل مطرح نبود و صرفاً کتابچه‌های احکام برای فنون مختلف و توصیفات شکل‌گیری آثار هنری تهیه می‌شد که به‌ندرت به سطح تعریف تاریخی و نقادانه دست می‌یافت. این روند ادامه یافت تا در سده پنجم میلادی، توجه به‌نقد هنر، مباحث **زیبایی‌شناسی فلسفی** را در قالب **نقد ادبی**، شامل شد. هم‌چنین جهت‌گیری مشخصی از نقد هنر را می‌توان در فلسفه **افلاطون** مشاهده کرد؛ زیرا وی در آثارش به دنبال شناسایی معیارهایی برای سنجش آثار هنری پیکرتراشی و نقاشی بود. همین امر، شروعی برای رابطه‌ی بین نقد هنر و فلسفه هنر بود تا جایی که می‌توان گفت، نقد هنر همیشه نمود عملی زیبایی‌شناسی است.

به همین ترتیب نقد هنر همچون سایر علوم با تحولاتی همراه بوده و از دیدگاه‌های مختلف قابل‌بررسی است. اما آنچه نقد هنری را حائز اهمیت می‌کند این است که در تمامی دوره‌ها می‌توان وجه اشتراکی در نظریه‌ها یافت، بدین معنا که اصول و معیارهای مشخصی برای نقد وجود دارد که با تحولات جزئی در تمام دوره‌ها قابل‌بررسی است. به‌ویژه در تمدن اسلامی نیز با توجه به فعالیت‌های هنری بسیاری که صورت می‌گرفت، به نظر می‌رسد معیارهایی برای اجرای آثار هنری وجود داشته، هرچند امکان وجود نقد و سنجش‌های ارزشی برای آثار هنری آن‌ها، به‌طور مشخص قابل‌مشاهده نیست. تا اینکه در دهه‌های اخیر تفکر غرب در فرهنگ اسلامی نفوذ کرد و بر آن تأثیر نهاد. به‌این‌ترتیب درزمینهٔ نقد هنر نیز شیوه‌های بررسی فلسفی و تاریخی وارد سرزمین‌های اسلامی شد، لذا این امر حاکی از وجود اصول و معیارهای مشترک برای اجرای آثار هنری و نقد هنری، بدون محدودیت فرهنگی و تاریخی است.

بااین‌حال برای بررسی و ارزیابی آثار هنری، اصول و شاخصه‌های مشخصی وجود دارد که همین موارد در تولید آثار هنری نیز حائز اهمیت است. از دیرباز تاکنون، این اصول از جنبه‌های مختلف موردمطالعه قرارگرفته‌اند که از آن جمله می‌توان به اصل **تناسب** اشاره کرد. تناسب ازجمله مباحثی است که درباره‌ی آن منابع متعددی در دسترس است و در هنر اسلامی شناسایی و از دیدگاه

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

پژوهشگران ایرانی موردبررسی قرارگرفته است. باوجوداین راهنمایی برای بررسی اصول دیگر، بر اساس نظریه‌های صاحب‌نظران اسلامی است.

ازجمله اصولی که اهمیت و ضرورت مطالعه آن حس می‌شود، اصل **وحدت** است. اهمیت وحدت ازآن‌جهت است که موفقیت یک فرم در وجود اصل وحدت، در ساختار آن اثر است و در کلیت ظاهری آن اثر، وحدت نمایان است. بر این اساس، امروزه در مباحث نقد هنر، توجه به معیارها و شاخصه‌هایی برای رعایت اصل وحدت در آثار هنری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین اهمیت این موضوع سبب شد در گام نخست در پی رسیدن به درک درست و شاخصه‌های مشخصی برای این اصل باشیم. بنابراین سعی شده است کلیه تعاریف اصل وحدت بر اساس تحقیقات متأخر گردآوری شود. در این بخش سعی شده است از تمام منابع مکتوب غربی یا ترجمه‌های آن‌ها که درزمینهٔ نقد هنر و زیبایی سخن گفته‌اند، تعاریف، دیدگاه‌ها و نظریه‌های کلی درباره اصل وحدت استخراج شود. نکته حائز اهمیت اینکه این تعاریف کاملاً از بعد **زیبایی‌شناسی کاربردی**[1] و هنرهای تجسمی در نظر گرفته‌شده‌اند. در این میان ذکر نظریه برخی از **سنت‌گرایان** معاصر در راستای زیبایی نیز حائز اهمیت است. در ادامه اصل وحدت و شاخصه‌های آن از منظر متفکران یونانی، رومی و مسیحیت موردبررسی قرار خواهد گرفت زیرا بسیاری از متون اسلامی که در ادامه قصد بررسی آن‌ها را داریم، ترجمه‌ی چنین منابعی هستند و می‌توان اشتراکاتی در نظریه‌های آن‌ها نسبت به شاخصه‌ها و تعاریف این اصل در میان آن‌ها یافت. در ذیل این بخش از منظر کیهان‌شناسی نیز تعاریفی ارائه خواهد شد. سپس به بررسی ریشه‌های آن در متون و معارف اسلامی با تأکید بر قرآن، احادیث، روایات و متون مربوط به متفکران اسلامی می‌پردازیم. بنابراین اشاراتی که به توحید و ... شده است در شناخت نظریه‌ی وحدت در تمدن اسلامی راه گشا خواهد بود. آنچه حائز اهمیت است اینکه با توجه به وسعت معانی، صرفاً تعاریفی که از بُعد تجسمی کارایی دارند مدنظر قرارگرفته‌اند. درنهایت اصل وحدت در **علوم اسلامی** بررسی‌شده و این شاخصه‌ها را در منابعی جستجو خواهیم کرد که توسط متفکران و دانشمندان اسلامی تدوین‌شده‌اند.

1 . Applied Aesthetics

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۲-۱. طرح تحقیق

طرح مسئله: امروزه در آموزش و نقد آثار هنری شاخصه‌هایی به‌عنوان اصول و مبانی نظری هنر مطرح است زیرا به نقل از **اوکویرک و همکارانش**(۱۳۹۰)، برای دستیابی به درکی هنر شناسانه و بررسی بسیاری از شکل‌های هنری که امروزه در دسترس ما هستند، فرد باید مبانی را که هنر از آن‌ها سر برآورده است بفهمد، که این مبانی اساساً برگرفته از منابع غربی است. اما با توجه به اینکه بحث ما در این پایان‌نامه به نقد هنری برمی‌گردد، یکی از مقدمات و ابزارش زیبایی‌شناسی کاربردی است. زیرا زمانی که برای نقد اثر از اصولی که در زیبایی‌شناسی مطرح است استفاده شود، جنبه کاربردی زیبایی‌شناسی مدنظر است و این اصول ازنظر اوکویرک و همکارانش(۱۳۹۰)، به‌عنوان اصولی برای سازمان‌دهی تصویر معرفی‌شده است. با این اوصاف در این پژوهش فرض بر آن است که زیبایی یک امر **ابژکتیو** است و به موارد **سوبژکتیو** که در زیبایی‌شناسی جدید همچون **کانت** که به **داوری ذوقی** پرداخته و فیلسوفان بعد از وی مطرح است نمی‌پردازد؛ زیرا به دنبال چگونگی به وجود آمدن زیبایی در اثر هنری و اینکه به چه عواملی بستگی دارد، هستیم، بنابراین زیبایی‌شناسی کاربردی دیدگاه ابژکتیو به آثار دارد. پس آن چیزی که به‌ظاهر اثر مربوط است نه باطن، مدنظر است، بااین‌حال بحث فارغ از مباحث عرفانی است. در زیبایی‌شناسی کاربردی اصولی برای سازمان‌دهی تصویر به کار می‌رود که از دوران یونان باستان تا دوران معاصر با تفاوت‌هایی به‌صورت مکتوب موردبحث قرارگرفته‌اند و فارغ از زیبایی‌شناسی و معانی فلسفی هستند. در اینجا زمانی که صحبت از زیبایی می‌شود، یعنی چه چیز در انسان احساس زیبایی را القا می‌کند، بنابراین بحث کاملاً **فرمالیستی** است.

برای نمونه یکی از اصولی که توسط **نجیب اغلو**(۱۳۷۹) موردمطالعه قرارگرفته، اصل تناسب است. وی بر این باور است که در بین دانشمندان مسلمان مصداق این بحث وجود دارد. وی می‌نویسد، تناسب یک اصل زیبایی‌شناسی است و در همه هنرها عامل ایجاد زیبایی اثر هنری است، مهم نیست هنر غربی باشد یا ایرانی؛ اما آنچه تفاوت ایجاد می‌کند نحوه بکار بردن تناسب است .وی بر این باور است که در بین دانشمندان مسلمان مصداق این بحث وجود دارد، زیرا زیبایی‌شناسی قرون‌وسطایی در روم غربی و روم شرقی و جهان اسلام بر میراث مشترک برگرفته از دورهٔ

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

کلاسیک(یونان و روم باستان) بناشده، اما روح جهت‌گیری‌های غیرمادی و موحدانه اسلام و مسیحیت را در آن دمیدند. هم‌چنین بر این باور است که نظریه‌های زیبایی‌شناسی مشابه در روم غربی و روم شرقی و ممالک اسلامی زبان‌های بصری متفاوتی به بار آورده، اما این زبان‌ها در طرز فکر معنوی اشتراک داشتند، طرز فکری که در کاربرد وسیع طرح‌های انتزاعی هندسی و رنگ‌های زنده تجلی کرد. در همین راستا نجیب اغلو آراء چند تن از حکمای مسلمان را موردبررسی قرارداده است. مطالعات نجیب اغلو دراین‌باره می‌تواند به‌عنوان الگوی پژوهشی این پایان‌نامه مطرح شود و هم‌چنین مصداقی ازاین‌گونه پژوهش‌ها نیز محسوب می‌شود.

به نظر می‌رسد این موارد در نقد فرم، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های اثر مدنظر قرار می‌گیرد. فرم دارای اصول سازمان‌دهی منسجمی است که از آن جمله می‌توان به اصل وحدت اشاره کرد. وحدت به‌عنوان موردی است که در همه منابع مرتبط با زیبایی‌شناسی کاربردی موردتوافق است. آنچه باعث اهمیت وحدت در آثار هنری می‌شود اجزا متفاوتی است که در محیط اثر هنری کنار هم قرار می‌گیرند و هنرمند با رعایت هماهنگی بین آن‌ها درنهایت به وحدت می‌رسد. بنابراین مهم نیست که کدام شاخه از آثار هنری باشد یا حتی نقاشی کلاسیک غربی باشد یا نگارگری ایرانی ،بلکه مبانی نظری این اصل در این پژوهش قابل‌تعمیم به همه آن‌ها است .

اما آنچه حائز اهمیت است اینکه در میان هنرمندان و هنرپژوهان در حوزه هنر اسلامی در ایران اختلاف‌نظرهایی وجود دارد. آن‌ها معتقدند که اصول تحلیل فرم (زیبایی‌شناسی کاربردی) از هنر غرب و مبانی آن سرچشمه گرفته است و در تحلیل هنر اسلامی قابل‌استفاده نیست. درحالی‌که بر اساس پژوهش پیش رو به نظر می‌رسد این اصل به‌عنوان یکی از اصول زیبایی‌شناسی کاربردی در فرهنگ اسلامی نیز ریشه دارد. بااین‌حال وقتی به سراغ منابع اسلامی برویم که در غالب زیبایی‌شناسی کاربردی وحدت را مطرح کرده‌اند، متوجه می‌شویم که این مفهوم زاییده مفاهیم **کیهان‌شناسی** است و سپس تداوم آن را در متون اسلامی اعم از قرآن مجید، احادیث (قرآن و سنت) و نوشته‌های دانشمندان اسلامی می‌توان جستجو کرد که همه ریشه در فرهنگ مشترک بشری دارد، اما در طول تاریخ به‌واسطه تحولات به گونه‌های مختلف به‌کاررفته است. بنابراین با توجه به اینکه نتایج پژوهش

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

حاضر فارغ از مباحث رمز پردازی و نمادین است، به نظر می‌رسد بُعد ادراکی انسان‌ها با یکدیگر فرق ندارد و این اصول قابل‌تعمیم به آثار هنری مختلف است.

درنتیجه با توجه به اینکه بررسی تمامی اصول تحلیل فرم در یک پایان‌نامه میسر نیست در این پژوهش به‌طور ویژه به اصل وحدت پرداخته می‌شود. اگر نتایج تحقیق نشان دهد که در منابع اسلامی به اصل وحدت همانند اصل تناسب، توجه کافی صورت گرفته، پس می‌توان پذیرفت که در این مورد خاص نقد فرم، آثار هنر اسلامی متمایز از سایر هنرها نیست و این اصل در نقد آثار هنر اسلامی نیز قابل‌تعمیم است.

۳-۱. اهداف پژوهش

۱-۳-۱. اهداف کلی

- شناسایی اصل وحدت به‌عنوان یکی از اصول سازمان‌دهی تصویر بر اساس متون اسلامی.
- رسیدن به شاخص‌هایی برای نقد و تحلیل آثار هنر اسلامی.

۲-۳-۱. اهداف فرعی

- هموار کردن زمینه‌های مطالعاتی متون اسلامی در راستای شناسایی سایر مبانی نظری هنر.

٤-۱. پرسش‌های پژوهش

۲-٤-۱. پرسش‌های اصلی

۱. آیا مبانی نظری اصل وحدت به‌عنوان یکی از اصول زیبایی‌شناسی کاربردی در متون اسلامی قابل‌شناسایی است؟
۲. سرچشمه‌های کهن مبانی نظری اصل وحدت چیست؟
۳. آیا تعاریف اصل وحدت در متون مربوط به هنر جهان غرب و منابع اسلامی یکسان است؟

۵-۱. فرضیه

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

با توجه به روش کیفی انتخاب‌شده در این تحقیق نمی‌توان در اینجا فرضیه در نظر گرفت زیرا بنا به گفته‌ی حافظ نیا (۱۳۸۹)، فرضیه براساس معلومات کلی و شناخت‌های قبلی یا تجارب محقق پدید می‌آید و به‌صورت حدس و گمان اندیشمندانه درباره‌ی ماهیت، چگونگی و روابط بین پدیده‌ها، اشیاء و متغیرها بحث می‌کند.

۱-٦. اهمیت و ضرورت پژوهش

تحقیق حاضر ضمن شناخت یکی از مهم‌ترین مبانی نظری هنر، سبب فهم این اصل در آثار هنری می‌شود و در نقد آثار هنری به‌عنوان یک چهارچوب نظری به کار خواهد رفت. و از سوی دیگر زمینه‌ای است برای تحقیقات بعدی پژوهشگران.

۱-۷. نوآوری پژوهش

با توجه به پیشینهٔ تحقیق، دربارهٔ مبانی نظری اصول زیبایی‌شناسی در هنر اسلامی و ایرانی تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. لذا، طرح به لحاظ موضوع جدید است.

۱-۸. نتایج اصلی تحقیق

تحقیق حاضر ضمن شناخت یکی از مهم‌ترین مبانی نظری هنر، سبب فهم این اصل در آثار هنری می‌شود و در نقد آثار هنری به‌عنوان یک چهارچوب نظری به کار خواهد رفت. و از سوی دیگر زمینه‌ای است برای تحقیقات بعدی پیژوهشگران.

۱-۹. انجام تحقیق و روش گردآوری اطلاعات و ابزار آن

روش انجام تحقیق توصیفی است. هم‌چنین شیوه گردآوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای و از روش فیش‌برداری استفاده‌شده است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱۰-۱. معرفی جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و تعداد نمونه

جامعه آماری شامل مطالعه‌ی تمام آثار مربوط به متون اسلامی است که در دسترس پژوهشگر است. روش نمونه‌گیری نیز به‌صورت انتخابی انجام‌شده و حداقل ۳۰ اثر مربوط به متون اسلامی موردپژوهش قرارگرفته است.

۱۱-۱. روش تجزیه‌وتحلیل اطلاعات

به روش کیفی است. بدین‌صورت که پس از جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای، کلیه داده‌ها به‌طور جداگانه دسته‌بندی‌شده و موردبررسی و تحلیل قرارگرفته است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فصل دوم

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱-۲. مبانی نظری تحقیق

۲-۲. پیشینه

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱-۲. مبانی نظری تحقیق

ازآنجاکه فصل گردآوری اطلاعات و تجزیه‌وتحلیل داده‌ها صرفاً به مفهوم اصل وحدت اختصاص دارد، در اینجا مهم‌ترین و کلی‌ترین مفاهیم و تعاریف از واژگان و اصطلاحاتی چون نقد هنری، زیبایی‌شناسی کاربردی، **مبانی هنر** و **فرم** ارائه‌شده است. زیرا اصل وحدت از آن جمله مباحثی است که از دیدگاه‌های مختلف قابل‌بررسی است و ضرورت دارد که با شرح این اصطلاحات بتوان محدوده این پژوهش را مشخص نمود. هم‌چنین درنهایت به کلی‌ترین نظریه‌ها و تعاریف مربوط به‌اصطلاح اصل وحدت که آشکارکننده دیدگاه پژوهش حاضر هست اشاره‌شده است.

۱-۱-۲. نقد هنری

باوجوداینکه ذیل معنای نقد در لغت‌نامه معین (۱۳۸۲) آمده است: یکی بودن و یگانه بودن. هم‌چنین تمیز دادن خوب از بد و آشکار کردن محاسن و معایب سخن. لذا باید توجه نمود که آنچه از مفهوم نقد در این پژوهش مدنظر است، اظهار عقیده شخصی هر نویسنده نیست بلکه نقد، اصول و مقدمات و محتوایی دارد که باید منتقد نسبت به آن‌ها آگاهی کامل داشته باشد. بر این اساس دکتر عبدالحسین زرین‌کوب (۱۳٥٤)، ادیب، مورخ و منتقد ادبی برجسته ایران معاصر، نیز اذعان دارد که نقد درست و عاری از غرض، نقدی است که به تجزیه‌وتحلیل خردمندانه‌ی همه گونه آثار ادبی، هنری و کاربردی و بررسی منطقی، استدلالی و اسلوبی انسان پرداخته و با قصد و نیت در توضیح و ارزشیابی شیوه‌ها و فن‌ها و فرآیند آن و با درک ارزش‌ها و بهینه کردن معیارهای به‌کاربرده شده صورت گیرد.

بااین‌وجود، زمانی که صحبت از **نقد هنری**[۲] می‌شود، منظور پویش و فرآیندی است که به یک سنجش کیفی در باب آثار هنری و تولیدات همان پویش و فرآیند می‌انجامد. معمولاً اصطلاح نقد هنر به سنجش ابژه‌های انسان‌ساخت از دیدگاه زیبایی شناسانه اطلاق می‌شود. ازاین‌رو نقد هنر را می‌توان شاخه‌ای از زیبایی‌شناسی به شمار آورد. این در حالی است که نقد هنر نظیر نقد ادبی، موسیقی و انواع دیگر نقد متمایز از زیبایی‌شناسی است، چون هدف نقد هنر سنجش آثار واحد و یا گروهی از

2. Art Criticism

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

آثار هنری است، حال‌آنکه زیبایی‌شناسی به ارزیابی کلی هنر می‌پردازد و راجع به آثار افراد و شخصیت هنرمند صحبت می‌کند و اگر نیازمند ارائه تئوری باشد، زیبایی‌شناسی درصدد قاعده بندی آن برمی‌آید. بااین‌وجود نقد هنر همیشه تجلی عملی زیبایی‌شناسی است و حتی زیبایی‌شناسی را می‌توان تئوری نقد هنر به شمار آورد (آژند، ۱۳۸۸).

به گفته دکتر آیت الهی (۱۳۸۷)، اگر بپذیریم که زیبایی یکی از الزامات اثر هنری است، بنابراین یک نقد خوب از هرگونه و در هر شیوه‌ای که انجام گیرد، باید از قلمرو زیبایی‌شناسی بیرون نباشد زیرا به عقیده اکثر منتقدان، زیبایی شناسان و متخصصان هنرهای مختلف، تنها آفرینش گری و خلاقیت، یا ابداع و نوآوری در بهینه‌سازی اثر هنری و یا در جهت تکامل یک شیوه یا یک جریان هنری شایان اهمیت است. درنتیجه آنچه خلق یا ابداع‌شده، از معیارهای زیبایی شناسانه برخوردار است و جنبه مصرفی ندارد و به هدف ایجاد لذت دیدار برای مخاطب اثر، به وجود آمده است. در این صورت اثری است هنری و سازنده یا ایجادکننده آن هنرمند است.

با توجه به اینکه ضابطه‌ی مشخصی برای معنای نقد هنری نیست، مصادیق بسیاری برای آن می‌توان لحاظ کرد همچون: نقد هنری مترادف با بررسی تاریخی آثار هنری است، هم‌چنین نقد هنری بیان شخصیِ واکنش مثبت یا منفی منتقد بدون توسل به هیچ ملاکی برای قضاوت و یا تعریفی دیگر که ممکن است روش‌های روان‌شناختی دریافت‌های شهودی و بازسازی شخصیت هنرمند در آن‌ها مطرح باشد. اما آنچه در این پژوهش مدنظر است فارغ از این تعاریف است و رایج‌ترین و بنیادی‌ترین معنای نقدهنری است. این تعریف مبتنی است بر داوری ارزشی زیبایی‌شناسی اثر هنری برحسب میزان و معیار زیبایی‌شناسی، و یا برحسب روش خاص دستیابی به ارزیابی زیبایی‌شناختی. در این معنا، انواع متنوعی از نقد هنری وجود دارد زیرا معیارهای نقد زیبایی‌شناختی یا روش‌های ارزیابی زیبایی‌شناختی گوناگون‌اند.

معیارهای فنی و اسلوبی در هنرکده‌ها، مفاهیم برگرفته از آثار استادان گذشته، مفاهیم عمده‌ترین دستاوردهای زیبایی‌شناختی، ضوابط فلسفی مقدم بر تجربه و زمینه‌های تجربی، جملگی در این ردیف جا می‌گیرند. در یک قطب، معلم هنر یا هنرمند استادی قرار دارد که مجموعه‌ای از اصول و

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

قواعد فنی تجربه‌شده را در نقد هنری به کار می‌گیرد، در قطب مقابل، فیلسوف یا متفکری جای دارد که معیارهای غیرتجربی، گرچه برخوردار از ملاحظات دقیق و سنجیده را به‌منظور توصیف و ارزیابی اثر هنری به کار می‌بندد (پاکباز، ۱۳۹۰).

درنتیجه یکی از ابزار و مقدمات نقد هنری که در این پژوهش مدنظر است، زیبایی‌شناسی کاربردی است زیرا برای نقد از اصول زیبایی شناسانه استفاده‌شده است. نکته قابل‌توجه دیگر در پژوهش حاضر که به آن در فصول بعد پرداخته‌ایم، آثار بی‌نظیری است که از تمدن اسلامی در عرصه‌ی نقد به‌جای مانده است و با وضع و تدوین معیارهایی برای نقد، همراه با تأملات وسیع و موشکافی‌های عمیق، سنت حسنه نقادی در ادب و هنر ایران اسلامی را نشان می‌دهد. تأمل در آن آثار نشان می‌دهد که نقد در آن روزگار به معنای سنجش و داوری اشعار و آثار، بر اساس معیارهای زیبایی‌شناختی بوده است. البته این نقد و فرهنگ نقادی در خدمت شعر و ادب بود نه فن و هنر، لیکن مفهوم نقد ادبی به دلیل حضور ذاتی خیال در ادب، می‌تواند حاوی مفهوم نقد هنر نیز باشد به‌ویژه که نسبت وسیع شعر با موسیقی و نیز جایگاه کلیدی آن در فلسفه، خواه‌ناخواه دامنه‌ی این مبحث را به حوزه‌ی هنر نیز می‌کشاند (بلخاری، ۱۳٤۱).

۲-۱-۲. زیبایی‌شناسی کاربردی

در لغت‌نامه معین (۱۳۸۲)، ذیل معنای زیبایی چنین آمده است: زیبایی عبارت است از نظم و هماهنگی‌ای که همراه عظمت و پاکی در شیء وجود دارد و عقل، تخیل و تمایلات عالی انسان را تحریک می‌کند و لذت انبساط پدید می‌آورد، بنابراین امری نسبی است. همین امر حاکی از اهمیت هنر در اقوام و فرهنگ‌های گذشته به‌اندازه‌ی جایگاه خرد، علم و فناوری در فرهنگ امروزی است که نتیجه آن شکل‌گیری علمی به نام **زیبایی‌شناسی**[۳] توسط بومگارتن در قرن هجدهم را به همراه داشت. همچنین در لغت‌نامه دهخدا (۱۳۳۹) در برابر واژه زیبایی‌شناسی آمده است: شناسانیدن جمال و هنر است و آن درباره‌ی مجموعه‌ی انفعالات و احساسات درونی و زیبایی و زشتی و هزل و فکاهت و ... گفتگو می‌کند.

3.Aesthetic

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

با این اوصاف زیبایی‌شناسی علمی است که دربارهٔ شرایط و معیارها، نظریه‌های زیبایی و دربارهٔ ذوق هنری و داوری‌های ارزشی وابسته به آثار هنری به بحث می‌پردازد و یکی از مباحث فلسفی را تشکیل می‌دهد. زیبایی‌شناسی بر دو گونه است: ۱) زیبایی‌شناسی نظری عام، که دربارهٔ خصوصیات مشترک چیزهای زیبا که احساس زیبایی را پدید می‌آورند بحث می‌کند و این احساس را به‌گونه‌ای روان‌شناختی تحلیل می‌کند و به شکلی فلسفی به تفسیر طبیعت زیبایی می‌پردازد.۲) زیبایی‌شناسی عملی خاص، شکل‌های گوناگون هنر را موردمطالعه قرار می‌دهد و نمونه‌های جداگانه‌ی آن را نقد می‌کنند. این نوع زیبایی‌شناسی را نقد هنر می‌نامند. نقد هنری تنها به ذوق تکیه نمی‌کند بلکه بر عقل نیز استوار می‌شود (بابایی، ۱۳۸٦). هم‌چنین به نقل از مجموعه مقالات گردهمایی زیبایی‌شناسی کاربردی(۱۳۸۱) نگاه زیبایی شناسانه به ما یاری می‌دهد تا درک هنری خویش را تعمیق بخشیده و از دغدغه‌های صرفاً ادراکی درگذشته راه را بر فهم معنای متعالی خلاقیت در حوزه‌های گوناگون هموارسازیم. زیبایی‌شناسی کاربردی به ما می‌آموزد تا از مرزهای محدود نگرش شخصی، درگذشته و به آستانهٔ ژرف‌بینی هنری قدم نهیم و به قول کانت بی‌غرضانه و رها از سوداهای سطحی به تجربه‌ها و دست آوردها نظر کنیم. بدین معنا که وقتی با اثر هنری برخورد می‌کنیم بیش از آن‌که به روابط آن اثر با خودمان یا حتی رابطه آن با هنرمندی که آن را ایجاد نموده است توجه کنیم به مناسبات درونی آن عنایت ورزیم. نگاه زیبایی شناسانه، مستلزم تمرکز دقیق و کامل بر روی پدیده‌ها و تجربه‌های هنری است و این امر به آثار هنری خاصی محدود نمی‌شود. تمام دستاوردهای بشری می‌توانند موضوع ژرف‌اندیشی زیبایی شناسانه قرار گیرند. نگاه زیبایی شناسانه نباید صرفاً به یک تابلوی نقاشی و یا یک مجسمه متمرکز گردد بلکه می‌توان متون مقدس، ذهن و زبان، محیط‌زیست، پوشاک و لباس، گفت‌وگو ارتباطات، تغذیه و شبیه‌خوانی، بازار و اقتصاد و حوزه‌های دیگر نظیر آن را در برگیرد. باید گفت زیبایی‌شناسی کاربردی همه‌ی تجربه‌ها و پدیده‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را می‌تواند موضوع تأمل و بحث قرار دهد. ازاین‌رو این گستره را نباید به حوزه‌های هنری خاص محدود نمود. درنتیجه می‌توان گفت زیبایی‌شناسی کاربردی می‌تواند به‌عنوان رهیافتی پژوهشی همهٔ دستاوردهای بشری را از منظری جدید موردمطالعه قرار دهد.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بااین‌حال اصطلاح زیبایی‌شناسی ازجمله مباحثی است که تعابیر متفاوت و نظریات و دیدگاه‌های متعددی به آن وجود دارد. اما آن مفهومی از زیبایی‌شناسی که در پژوهش حاضر مدنظر است، قابلیتی است برای درک بهتر اجسام و باعث تغییر در نگرش می‌گردد. هدف این است که چگونگی محیط اطراف و جایگاه شخص در محیط اطراف را به معنای واقعی درک کند. همان نقشی که عقل در علم اخلاق دارد، ذوق و سلیقه در علم زیبایی‌شناسی دارد. علاوه بر این نقد هنری تنها بر ذوق تکیه نمی‌کند بلکه بر عقل نیز استوار است. هرچند باید توجه شود که همان‌طور که پیش‌تر گفته شد این ذوق فارغ از داوری ذوقی است که افرادی همچون **کانت**[٤] از آن سخن گفته‌اند. از همین رو به دنبال چگونگی به وجود آمدن زیبایی در اثر هنری هستیم. باوجوداین ارزش زیبایی‌شناختی یک فضا هنگامی قابل‌درک می‌شود، که بتواند خود را به‌عنوان یک موجود مستقل از ذهن، برای ناظر مطرح کند و ذهن او را به فعلیت وادارد. مثلاً از معیارهای اصلی زیبایی در معماری می‌توان به فرم و صورت اشاره کرد که به‌عنوان یکی از معیارهای اصلی زیبایی‌شناسی است (قانعی فر، ۱۳۹۳).

با این اوصاف می‌توان گفت، با گذر از سایر مفاهیم و رویکردهای موجود نسبت به زیبایی‌شناسی، در اینجا آنچه مدنظر است اینکه در نقد هنر، کاربرد محدودتر اصطلاح زیبایی‌شناسی به کیفیت‌های ساختار صوری اثر هنری، در مقابل جنبه‌های توصیفی و ظاهری آن معطوف می‌شود . هم‌چنین زیبایی‌شناسی شاخه‌ای است از فلسفه که به تحلیل مفاهیم و حل مسائل می‌پردازد که با تفکر در باب موضوعات گوناگون مطرح می‌شود و موضوع زیبایی‌شناسی می‌تواند همه تجربیات فردی و اجتماعی انسان باشد. بدیهی است که وقتی از حل مسائل سخن به میان می‌آید جنبه کاربردی زیبایی‌شناسی مدنظر قرار می‌گیرد. بنابراین تنها درصورتی‌که تجربه زیبایی‌شناسی موضوع تأمل و بحث قرار گیرد می‌توان حوزه‌ها و مقولات آن را بازشناخت و آن را شکل‌بندی کرد (عبادیان، ۱۳۸۱).

اصطلاح **زیبایی‌شناسی کاربردی**، ازجمله مفاهیمی است که تعابیر متفاوتی از آن شده و تعاریف دقیقی از آن ارائه نگردیده است. باوجوداین در مطالعات اولیه‌ی پژوهش حاضر، ضرورت دیده شد با

٤. متولد ۱۳۷٤ میلادی، پروس شرقی، فیلسوف عصر روشنگری (مددپور، ۱۳۹۰).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

رجوع به منابع زیبایی‌شناسی، تعابیری از صاحب‌نظران درباره این اصطلاح استخراج شود تا رویکرد ما نسبت به این اصطلاح مشخص گردد. برای نمونه **دبنی تاونزند**، نویسنده مباحث زیبایی‌شناسی و فلسفه هنر بر این باور است که برخی از آثار هنری آشکارا به این منظور طرح‌ریزی می‌شوند که کاری انجام دهند، بنابراین وجه **کارکردگرایی**[5] هنری مطرح است. به‌ویژه یکی از نحله‌های مدرنیسم که از این زمینه نشئت می‌گیرد کارکرد بنا را تعیین‌کننده فرم آن می‌داند، چنانکه به لحاظ زیبایی‌شناختی مناسب کاربردی در نظر می‌گیرد که بنا بدان منظور طراحی‌شده است.طبق این نظر زیبایی بنا را باید برحسب فرم آن در ارتباط با کارکرد آن ارزیابی کرد.

نظریه‌های کارکردگرایانه ی هنر، ظاهراً به دوره‌ی پیش از پیدایش نظریه‌های مربوط به تجربه‌ی زیبایی‌شناختی و هنرهای زیبای برخوردار از استقلال، تعلق دارد. به همین ترتیب کارکردگرایی عبارت از این نظریه است که کارکرد اثر هنری در ویژگی‌های زیبایی‌شناختی آن تأثیر می‌گذارد. این در حالی است که کارکردگرایی از طریق همگون ساختن کارکرد با صورت ظاهر با نظریه‌های مربوط به نگرش زیبایی شناسانه نیز سازگار است. اما آنچه از این تفاسیر برمی‌آید اشاره به Functionalism دارد درحالی‌که در پژوهش حاضر، Applied Aesthetics مدنظر است که فارغ از تعاریف پیشین است. به‌عبارت‌دیگر می‌توان این اصطلاح را شاخه‌ای از فلسفه در ساختار فرهنگی دانست که در رشته‌های هنرهای کاربردی چون طراحی صنعتی، گرافیک، طراحی مد، طراحی داخلی، در نظر گرفته می‌شود. با این اوصاف هر شیء و اثر هنری کاربردی، را در برمی‌گیرد (www.whatartis.org).

هم‌چنین زیبایی‌شناسی کاربردی را از منظر چگونگی به کار بردن آن اصول زیبایی‌شناسی نیز در نظر می‌گیرند که این امر حاکی از شناسایی و بررسی مستقیم خصوصیات فنی در آثار هنری است. اما در اینجا زیبایی‌شناسی کاربردی عبارت از همان زیبایی‌شناسی هنری است. یعنی زیبایی‌شناسی که نخست به‌عنوان بحثی فلسفی بود، از شکل فلسفی خارج شد و در مصداق تحقق‌یافته است. در پژوهش حاضر صحبت از این می‌شود که چه چیز در انسان احساس زیبایی را القا می‌کند و این امر

5. Functionalism

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

محدود به تجربه‌ها و پدیده‌های خاص نمی‌شود بلکه همه‌ی دستاوردهای بشری را از منظری جدید موردمطالعه قرار می‌دهد (عبادیان، ۱۳۸۱).

آنچه مربوط به این پژوهش می‌شود، بر اساس گفته‌های گروتر(۱۳۷۵)، معمار و اندیشمند آلمانی، مربوط به نظریه‌ی ثنویت افلاطون و افرادی چون هگل است. افلاطون قائل به دو نوع زیبایی طبیعی و هندسی بود و در ادامه، فلسفه‌ی زیبایی‌شناختی هگل نیز بر بنیان ثنویت زیبایی طبیعی و هنری قرار گرفت. به همین ترتیب آنچه افلاطون به‌عنوان **زیبایی هندسی**[6] نامید، هگل **زیبایی هنری** و **لوکوربوزیه زیبایی‌شناختی مهندسی**[7] نامید.

درنتیجه بنا به گفته‌ی **آدولف لوس**، از برجسته‌ترین معماران مدرن قرن بیستم: «هدفی که انسان به‌سوی آن می‌رود این است که زیبایی را در فرم جستجو کند و آن را از تزیینات مبرا کند» (گروتر، ۱۳۷۵، ص ۱۰۳). بااین‌وجود بحث ما در اینجا کاملاً فرمالیستی است و برای نقد اثر هنری باید از اصولی که در زیبایی‌شناسی مطرح است استفاده شود. به گفته‌ی اوکویرک و همکارانش (۱۳۹۰)، این اصول به‌عنوان اصولی برای سازمان‌دهی تصویر معرفی‌شده‌اند. در همین رابطه نوئل کارول (۱۳۸۷)، فیلسوف معاصر و نظریه‌پرداز هنری آمریکا، بر این باور است که: به اثر هنری برمبنای خود اثر توجه کنیم. هنگامی‌که بی‌غرضانه به اثر هنری توجه کنیم، آن اثر را به خاطر خود آن ارزیابی می‌کنیم نه به خاطر ارتباطش با امور عملی و کاربردی، و آنچه اهمیت می‌یابد این است که صفات زیبایی شناسانهٔ شاخصه‌اش کدام است نه اینکه آیا اثر برای جامعه سودمند است یا زیان‌بار. «باید دل به اثر بسپاریم، یعنی اجازه دهیم که ساختارهای اثر و مقاصد آن ما را هدایت کند. این گفته حاکی از اهمیت یافتن اصول از منظر زیبایی‌شناسی کاربردی است نه سرزمینی خاص که اثر هنری در آن پدید آمده است. به همین ترتیب حتی مهم نیست که کدام شاخه از آثار هنری مدنظر باشد، نقاشی کلاسیک غرب باشد یا نگارگری، بلکه مبانی و اصول هنری در این پژوهش مدنظر است و قابل‌تعمیم به همه‌ی آثار است

6. Geometric Aesthetics
7. Engineering Aesthetics

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۳-۱-۲. مبانی هنر

بر اساس توصیفات پیشین، زمانی که در نقد آثار هنری جنبه کاربردی زیبایی‌شناسی مطرح باشد، شاخه‌ها و اصولی به‌عنوان مبانی هنر به کار می‌رود. بااین‌وجود پرداختن به مبانی تصویری هر اثر هنری می‌تواند نخستین گام باشد. دکتر نقی زاده (۱۳۹۲)، عضو هیئت‌علمی دانشکده‌ی هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی، اهم این اصول را چنین عنوان می‌کند: وحدت، تعادل، هماهنگی، زیبایی و ... این اصول، اصول کیفی هستند که تعاریف آن‌ها ازنظر جهان‌بینی‌ها و فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف، متنوع است.

هم‌چنین اوکویرک و همکارانش (۱۳۹۰)، مبانی هنر را همچون نطفه‌ای می‌دانند که ویژگی‌های بالقوه‌ی عالی‌ترین سطوح هنر را در خود دارد، لذا درک مبانی درگرو درک تعین آن در آثار هنری است. به همین ترتیب برای دستیابی به درکی هنر شناسانه برای بررسی بسیاری از شکل‌های هنری که امروزه در دسترس ما هستند، فرد باید مبادی که هنر از آن‌ها سر برآورده است را بفهمد. این در حالی است که برای همه‌ی حوزه‌های هنری همچون موسیقی، نقاشی، مجسمه‌سازی، و ادبیات، ساختار ضرورت دارد و بدون ساختار بیان هنری فهمیده نمی‌شود و اثر فاقد جذابیت خواهد بود.

٤-۱-۲. فرم

در جهت شناسایی و تعیین مختصات یک اثر هنری، شناسایی و معرفی فرم، اولین موضوعی است که محقق باید به آن بپردازد. این امر ازآن‌جهت حائز اهمیت است که وقتی یک اثر هنری ازنظر زیبایی‌شناسی کاربردی موردنقد قرار می‌گیرد، اصول سازمان‌دهی آن فرم بررسی می‌شود. فرم یک اصطلاح است که در حوزه‌های مختلف علوم و دانش بشری معانی خاص و کاربردی ویژه دارد و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم معرفت‌شناسی، متافیزیک و ... است. در طول تاریخ متناسب با نوع نگرش فیلسوفان به طرق گوناگون نیز از آن تعابیری شده است. لیکن در این پژوهش رویکرد زیبایی شناسانه‌ی آن مدنظر است. در همین راستا یونانیان باستان مترادف‌هایی برای فرم قائل بودند، همچون تناسب و نظم اجزاء متشکله. یونانیان این کلمات را به‌طور تصادفی برای توصیف زیبایی به کار نمی‌بردند، زیرا معتقد بودند که زیبایی در آرایش و تناسب اجزاء آن، یعنی در فرم آن است و این

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بزرگ‌ترین سهم آن‌ها در شکل‌گیری نظریه‌ی زیبایی‌شناختی بود. بااین‌وجود فرم به معنای آرایش و نظم اجزاء متشکله هر اثر دانسته می‌شود. با این دلالت در برابر عناصر و ارکان و مؤلفه‌هایی قرار می‌گیرد که فرم آن‌ها را به‌صورت یک کل درمی‌آورد (رامین، ۱۳۷۷).

با این اوصاف می‌توان در اینجا مفاهیم **گشتالت** و فرم را در ارتباط با یکدیگر دانست. صورت (= فرم) و شکل (گشتالت)، هر دو لغت از ریشه Forma در زبان لاتین هستند، به‌این‌ترتیب می‌توان آن‌ها را تعریف نمود که گشتالت یا شکل عبارت است از کلیت قابل‌رؤیت، محاط در حدود، کم‌وبیش مرکب از اجزاء و دارای وحدت کلی در تظاهر یک شیء در زیبایی‌شناختی فرم یا صورت تظاهر حسی واضح یک شیء است و این بیانی است که خود، را در معرض قضاوت قرار می‌دهد. بااین‌وجود هر دو گویای جلوه ظاهری یک شیء هستند اما هر دو باهم برابر نیستند (گروتر،۱۳۷۵).

به همین ترتیب غلامحسین نامی (۱۳۷۱)، نقاش معاصر ایران، فرم را شکل یا صورت هر اثر هنری می‌داند که جنبه‌های عینی و مرئی اثر را در برمی‌گیرد و نتیجه‌ی آرایش و ترکیب اجزاء و عناصر تشکیل‌دهنده‌ی اثر است. فرم یک اصطلاح است که در حوزه‌های مختلف علوم و دانش بشری معانی خاص و کاربردی ویژه دارد. بااین‌وجود، فارغ از تعاریف ذکرشده می‌توان به معادل کلمه‌ی فرم در فلسفه اسلامی نیز اشاره کرد زیرا در فصول بعدی در تبیین مفاهیم اصلی پژوهش به این منابع اشاره خواهد شد. در متون اسلامی معادل آن واژه، صورت آمده است. **امام جعفر صادق (ع)** می‌فرمایند: **حَقیقَه الشیء لابِمادِه**، صور شیء همان ذاتیات شیء است. چیستی شیء به صورتش است نه به ماده‌اش به‌علاوه صورت بدون ماده تحقیق نمی‌پذیرد. هر محتوا و مضمونی به صورتی ظهور می‌یابد. صدرالدین شیرازی (ملاصدرا) می‌گوید که تمام معانی و اطلاقاتی که برای صورت هست در این معنی که **ما بِیَکونَ الشِیء هُو بالفِعل** (یعنی وجود فعلی دلیل بر تحقق فعلی است) مشترک است و این معنی جامع همه است (ظفرمند،۱۳۸۱).

درنتیجه بر اساس گفته‌ی اوکویرک و همکارانش (۱۳۹۰)، در این پژوهش منظور فرم سازمان‌دهی یا آرایش خلاقانه تمامی عناصر بصری بر طبق اصولی است که نهایتاً منحصر به وحدت در اثر هنری هست و وضعیت کامل و نهایی اثر را به نمایش می‌گذارند.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۵-۱-۲. اصل وحدت

همان‌طور که می‌دانید فرم دارای اصول سازمان‌دهی منسجمی است که از آن جمله می‌توان به اصل وحدت اشاره کرد. **وحدت**[8] ازجمله مباحثی است که در منابع مرتبط با زیبایی‌شناسی کاربردی و مباحث هنری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بااین‌وجود از ابعاد مختلف قابل‌بررسی است، زیرا باوجود تحولات فکری و تمایزات حاکم برجهان بینی، تعاریف جوامع و صاحب‌نظران از بسیاری مفاهیم و ازجمله زیبایی و وحدت متفاوت شده است. به همین ترتیب اصل وحدت از یک‌سو می‌تواند از منظر زیبایی‌شناسی کاربردی و هنرهای تجسمی تعریف شود و از منظری دیگر آراء عرفا و سنت‌گرایان و حتی علوم دیگر را در برداشته باشد. بنابر آنچه گفته شد در مباحث آینده شاخصه‌های تشکیل‌دهنده‌ی وحدت ازنظر صاحب‌نظران متعدد و با رویکرد زیبایی‌شناسی کاربردی به‌طور مفصل ارائه خواهد شد، لذا مباحث دیگری که در ذیل این نظریات بیان می‌گردد مربوط به بعضی از آثار هنر اسلامی است. زیرا در آن‌ها علاوه بر هدف و معیارهای صوری، جنبه‌های عرفانی هم مدنظر قرارگرفته و صرفاً مباحث فرمالیستی در مورد آن آثار صدق نمی‌کند. این ازآن‌جهت است که از منظر عرفا ممکن است آن هنرمند فقط در عوالم عرفانی دست به خلق آن آثار زده باشد و در وجه جانبی آن به‌صورت آگاهانه یا ناآگاهانه و ناخودآگاه وجه صوری و فرمالیستی وحدت هم رعایت شده است. بااین‌وجود بخش گسترده‌ای از دیدگاه‌های عرفا برگرفته از کلام خداوند یگانه در قرآن کریم است. قرآن کریم ازآنجاکه کلام خدا است، منبع و سرچشمه‌ی اصلی نقد و تعالیم اسلامی نیز هست (هاشم، ۱۳۸۷).

درنتیجه برخلاف صوفیان و عارفان نخستین، عرفای متأخر با به‌کارگیری زبان کلام و زبان فلسفه که برای عارفان قابل‌فهم‌تر بود، عرفان نظری را پی ریختند و مقبولیت بیشتر به عرفان و عرفا بخشیدند. عرفان نظری در اسلام با ظهور ابن عربی در قرن ششم هجری به اوج خود رسید. اما ظهور اکهارت به‌عنوان اوج عرفان نظری در مسیحیت، سیزده قرن پس از میلاد مسیح بوده است. بنابراین عرفای مسلمان و مسیحی ازجمله ابن عربی و اکهارت در تعابیر خود به‌ویژه برای مبحث وحدت وجود، بسیار تحت تأثیر آیات و روایات فراوانی از متون مقدس هستند که در فصول بعد به‌طور

8.Unity

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مفصل به آن پرداخته خواهد شد تا دیدگاه این عرفا در ارتباط با اصل وحدت آشکار گردد. درنتیجه آنچه در اینجا حائز اهمیت است اینکه در جهان اسلام مسلمانان از طریق ترجمه متون فلسفی، با چنین افکاری آشنا شدند. تا جایی که برای نمونه می‌توان به افکار عارف بزرگ یونانی فلوطین اشاره کرد که اتحاد را به‌عنوان تجلی و یا وحدت ذاتی، محور تعلیماتش قرارداده است(کاکایی، ۱۳۷۹).

نجیب اغلو(۱۳۷۹)، ازجمله پرکارترین محققان معماری و هنر اسلامی، هم‌چنین بر این باور است که با ترجمه کتاب‌های فلسفی عربی به زبان لاتینی، نه‌تنها متون باستانی، بلکه آثار مؤلفان مسلمان نیز در قرون ششم/دوازدهم هجری و هفتم/سیزدهم میلادی در اروپا به وسعت در دسترس قرار گرفت و موجب شبکه ارتباطی پیچیده‌ای میان دو تمدن اسلامی و مسیحی شد. بااین‌وجود ازآن‌پس پیدا کردن سرنخ عوامل مؤثر در نظریه‌های زیبایی‌شناسی اروپایی قرون‌وسطی، که شباهت زیادی به همتایان اسلامی خوددارند، دشوار شده است. درنتیجه آنچه برای ما حائز اهمیت است طرز فکر معنوی مشترکی است که در کاربرد وسیع در آثار هنری تجلی یافت.

بر اساس آنچه گفته شد به نظر می‌رسد بین مفاهیم اصل وحدت در زیبایی‌شناسی کاربردی و عرفان بتوان پیوندی یافت، بنابراین ضرورت دارد مفاهیمی که ذیل مباحث عرفانی بیان می‌شوند، به‌صورت اشاره وار بررسی شوند. ازجمله اصطلاح وحدت وجود است که از عرفان سرچشمه گرفته است. در عرفان با نوعی وحدت انگاری مواجهیم. عارف کسی است که درجه‌ای از شهود را دارا باشد، به همین خاطر تاریخچه (وحدت وجود) با تاریخچه عرفان گره‌خورده است (کاکایی، ۱۳۷۹).

با این اوصاف در طول دوران اسلامی شاهد مکاتب فکری و شیوه‌هایی هستیم که هر یک از آن‌ها معیارهایی را برای اصل وحدت برای ما آشکار می‌سازد، که این امر حاکی از تأثیرپذیری از فلسفه یونانی در آغاز شکل‌گیری خود است. لکن جایگاه یونان در فلسفه اسلامی صرفاً آغاز راه است و نه متن و غایت آن. با این اوصاف در پژوهش پیش رو بر این منابع نیز متمرکزشده تا بتوان مبانی نظری اصل وحدت را در قالبی که در هنر اسلامی مطرح است، موردمطالعه قرارداد و سرچشمه این اصل را از این بُعد بررسی نمود.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بنا بر آنچه گفته شد، در میان متفکران سنت‌گرا نیز، تعاریفی که از وحدت در علوم اسلامی‌شده است، کاملاً و یا تقریباً فرمالیستی است، چون بر اساس علوم جهان شناختی و طبیعت شناختی و کیهان‌شناختی و ... کارشده و نتیجه‌گیری‌هایی از جانب علمای آن‌ها صورت گرفته است که موردتوجه است. درنتیجه با رجوع به نظریات و گفته‌های برخی از این علماء می‌توان به ریشه‌ی مشخصه‌ها و شاخصه‌های این اصل پی برد. با این اوصاف در پژوهش حاضر، نظریه‌ها و دیدگاه‌هایی از متون و معارف اسلامی مدنظر است که در راستای همان جنبه‌های صوری است که پیش‌تر به آن پرداختیم، یعنی نظریه‌هایی که در بخش وجه صوری گفته شد و در تمامی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها و حتی همه‌ی شاخه‌های هنری مشترک است و درنتیجه می‌توان این نظریه‌ها را در مطالعه تمامی آثار هنری مدنظر قرارداد.

در تعریف اصل وحدت با مفاهیم متعددی نیز روبرو هستیم که از آن جمله می‌توان به هماهنگی و تنوع اشاره کرد. مراد از هماهنگی در این پژوهش نظمی است که بین اجزاء تشکیل‌دهنده‌ی یک پدیده وجود دارد. این در حالی است که هماهنگی تنها زمانی امکان وجود دارد که تضاد نیز وجود داشته باشد، زیرا هر نوع ادراک تنها به دلیل وجود تضاد، صورت می‌گیرد، بدین معنا که یک‌شکل تنها هنگامی قابل‌دیدن است که به‌نوعی بتواند خودش را از زمینه‌اش جدا سازد. به همین ترتیب هماهنگی نتیجه‌ی ارتباط میان دو چیز متضاد است (گروتر، ۱۳۷۵) که می‌توان آن را کیفیت پیوند عناصر بصری یک ترکیب‌بندی دانست. بنابراین آنچه از هماهنگی مدنظر است از طریق تکرار ویژگی‌هایی حاصل می‌شود که یکسان یا مشابه هستند زیرا تکرار یا عرضه مداوم یک تمهید یا عنصر منجر به سازگاری امور متضاد با یکدیگر می‌شود. اما آنچه در این بحث مطرح است آن است که عرضه مناسب هماهنگی از ضروری‌ترین اجزاء سازنده‌ی وحدت به شمار می‌رود. هم‌چنین می‌توان هماهنگی را یکی از عوامل انسجام تلقی کرد، این در حالی است که ناهمخوانی در هنر بصری نیز هنگامی، به وجود می‌آید که اجزاء نامرتبط در کنار یکدیگر قرار گیرند. از مفهوم تنوع نیز تعابیر متعددی شده است، لذا در این پژوهش به‌عنوان یکی از عوامل **تفکیک بصری**، متعادل‌کننده هماهنگی و یکی از اصول سازمان‌دهی ضروری برای ایجاد وحدت است. در فصول بعد نیز به‌طور مفصل به این اصول خواهیم پرداخت (هاشم، ۱۳۸۷).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۲-۲. پیشینه

نظر به اینکه از سال ۱۳۷۲ تاکنون پژوهش‌هایی در راستای نقد هنری و مبانی نظری هنر صورت گرفته، با استناد به اهم آن‌ها و پژوهش‌های اخیر، حدوداً یازده پایان‌نامه استخراج شد. هم‌چنین مجموع چهل کتاب و مقاله با موضوع مذکور موردبررسی قرار گرفت. از آن جمله می‌توان به پایان‌نامه رسول کمالی دولت‌آبادی (۱۳۸۸) با عنوان **مبانی هنرهای تجسمی ایران مبتنی بر متون دو کتاب مرصادالعباد و گلشن راز، به‌مثابه تجلی معنا** و رساله دکترا گرایش مبانی نظری اسلام رشته مدرسی معارف اسلامی، نوشته سید مجید میردامادی با عنوان **رابطه مفهوم و مصداق از حیث وحدت و کثرت** اشاره کرد که همگی به‌واسطه پرداختن به مباحث عرفانی مبانی هنر، از موضوع پروژه حاضر فاصله دارد. هم‌چنین کوثر افضلی در پایان‌نامه‌ی **تبیین الگوهای ایرانی- اسلامی در آموزش مبانی هنرهای تجسمی**، نیاز به تبیین الگوهای ایرانی- اسلامی را در آموزش مبانی هنرهای تجسمی امری ضروری می‌داند و سعی در پژوهش این الگوها داشته است.

مهدیه معین صمدانی در پایان‌نامه **تبیین مبانی طراحی سنتی با رویکرد به آثار چوبی، فلزی و فرش**(۱۳۸۹)، منظور از مبانی سنتی را بنیان‌ها و اساس طراحی کاربردی و البته سنتی سرزمین ایران می‌داند. یعنی اصولی که یک طراح برای خلق یک طرح و نقشه برای تولید یک اثر صنایع‌دستی باید رعایت کند به‌عنوان اولین اصل کاربردی بودن یک طرح است. محقق آزاده دالایی در سال (۱۳۸۹) در پایان‌نامه‌ی **مبانی نظری هنر در دنیای اسلام با تکیه‌بر آراء متفکران** ضمن بررسی فلسفه و بنیان‌های نظری تفکر اسلامی به مروری بر آراء متفکران اسلامی در باب هنر پرداخته است. وی ظهور و مبانی نظری هنر اسلام را دغدغه‌ای می‌داند که امروز محافل فرهنگی و هنری ایران و دنیای اسلام را فراگرفته و این امر نیز معلول برخی قضاوت‌های ناعادلانه و شرح و تفسیر خودخواهانه برخی اندیشمندان به‌اصطلاح شرق‌شناسی غربی است که معتقدند هنراسلامی، فاقد فلسفه و مبانی نظری است و پشتوانه ثبت‌شده از جهت تفکر هنری ندارد. به گفته دالایی درگذشته هم مبادی نظری نزد هنرمندان وجود داشته اما به‌صورت شهودی و نه مبحثی. وی حکمت، عرفان و خیال را مسئله اساسی در مبانی نظری هنرهای اسلامی مطرح می‌کند.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

علاوه بر پایان‌نامه‌های مذکور دکتر حبیب‌الله آیت‌اللهی در کتاب خود تحت عنوان **نوشتارهای هنری** در مقاله‌ای با عنوان **زیبایی‌شناسی نگارگری ایرانی-اسلامی**، معتقد است هر ملتی اصول و معیارهای زیبایی شناسانه‌ی خود را دارد و نمی‌توان با معیارهای زیبایی شناسانه‌ی ملتی آثار هنری ملت‌های دیگر را سنجید و داوری کرد. وی اصول زیبایی شناسانه بیست‌گانه‌ای را به‌مثابه‌ی کلیدی برای هنر ایرانی در نظر گرفته‌اند. همچنین **مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی** از دکتر بلخاری، **مبانی نظری هنرهای تجسمی** دکتر حبیب‌الله آیت‌اللهی و **مبانی هنر اسلامی** از بورکهارت و نمونه‌های دیگر به این موضوعات اذعان دارند.

از میان حدود هفت مقاله و چندین کتاب بررسی‌شده در این پژوهش، نوشته‌های **اخوان‌الصفا** و **ابن هیثم** در سال‌های اخیر موضوع بسیاری از مقاله و کتاب‌ها بوده که به مبانی هنر پرداخته‌اند. یکی از مهم‌ترین آن‌ها کتاب گل رو نجیب اوغلو با عنوان **هندسه و تزیین در معماری اسلامی** (۱۳۷۹) است که با مباحث پژوهش حاضر همخوانی بیشتری دارد زیرا در راستای نظریه زیبای شناسی به تعاریف مطرح‌شده از این دانشمندان رجوع داشته است و می‌توان آن‌ها را نظری در زیبایی‌شناسی تلقی کرد که لازمه‌ی فهم رخدادهای فرهنگی بصری اسلامی آن زمان است.. همچنین می‌توان به مقاله‌ی **مبانی و الگوهای وحدت و تفرقه در قرآن کریم** (۱۳۷۹) نوشته‌ی زهره شاکر اردکانی اشاره کرد. علاوه بر این مقاله آقای بلخاری، با عنوان **معنا و مفهوم زیبایی، المناظر و تنقیح المناظر** (۱۳۸۷) از همان جمله است. این در حالی است که ادموند بورک فلدمن پیش از آن در کتاب **تنوع تجارب تجسمی** (۱۳۷۸) به روش‌های دستیابی به وحدت اشاره‌کرده است.

محمد مددپور نیز ازجمله محققین ایرانی است که همچون سید حسین نصر به مباحث مبانی هنر اسلامی پرداخته و کتاب و مقالات بسیاری از آن‌ها به چاپ رسیده است. در نوشته‌های مددپور درباره مبانی هنر و آراء فردید، هنر را به نحوی تجلی حقیقت وجود موجود می‌داند و به مباحث عرفانی هنری می‌پردازد. علاوه برنوشته‌های مذکور، در مقاله **اصول و مبانی زیبایی‌شناسی هنر ایرانی** (۱۳۸٦)، مددپور بر این باور است که آثار بصری هنرمندان ایرانی به‌ویژه در دوره‌ی اسلامی به شکلی تجریدی، بانظمی تزیینی و تناسبی هندسی تجسم‌یافته است. این مؤلفه‌ها خود عناصر مهم مبانی

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

زیبایی‌شناسی هنر هستند. هم‌چنین زهرا رهنورد در مقاله‌ی **مبانی نقد اسلامی هنر** (۱۳۶۰) ضمن اینکه معتقد است برای بررسی آثار هنری‌مان، مبانی نقد نداریم؛ محوری‌ترین نکته و مبنای نقد اسلامی هنر را در این می‌داند که اثر هنری و شخص هنرمند نباید واقع‌گرا باشد بلکه آیه گرا باشد.

محمد زمان لیلیان و دیگران در مقاله **جستاری بر مبنای و مفاهیم زیبایی‌شناسی و تبلور آن در ساختارهای معماری**(۱۳۸۸) به بررسی دو نوع زیبایی فرمال و سمبولیک پرداخته‌اند که زیبای مصور یا فرمال آن، با مباحث ما همپوشانی دارد. محقق به گروه گشتالت به‌عنوان گروهی که با دیدگاه علمی و روان‌شناسی به بررسی عوامل مؤثر در ادراک زیبایی فرمال پرداخته‌اند اشاره دارد.

کتاب **حس وحدت** (۱۳۹۰) نیز یکی از موفق‌ترین کتاب‌های معماری درزمینهٔ اصول و پایه‌های ایرانی است و مؤلفان با در نظر گرفتن اساسی‌ترین اصل سنت اسلامی یعنی توحید و تلاش برای درک اینکه چطور معماری ایرانی دوره اسلامی تلاش کرده با یکدست کردن تمام خصوصیات خود به این توحید دست یابد، کمکی مهم به مطالعه هنر کرده است.

در کتاب **مبانی هنر، نظریه و عمل** نوشته اوکویرک و دیگران (۱۳۹۰) نیز، اشاره‌شده که در مطالعه مبانی هنر با اصول سازمان‌دهی عناصر مواجه هستیم که برای رسیدن به وحدت مفید هستند. بنابراین بر اساس کتاب **مبانی هنر نظریه و عمل** این اصل ذیل بحث فرم قرار می‌گیرد که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های نقد و تحلیل زیبایی‌شناسی کاربردی است.

علاوه بر پژوهش‌های اشاره‌شده، ۲۹ مورد کتاب و مقاله و پایان‌نامه دیگر شناسایی‌شده که به بحث فرم پرداخته‌اند. در اکثر پژوهش‌ها چون کتاب **آفرینش فرم** از جعفر اعرابی(۱۳۸۹) و **تجزیه‌وتحلیل فرم** از لوکوربوزیه، بااین‌وجود اهمیت اصل وحدت به‌عنوان یکی از اصول سازمان‌دهی هر فرم سبب شده پژوهش‌های گسترده‌ای راجع به آن صورت گیرد. آنچه حائز اهمیت است دو دیدگاه متفاوت برای بحث اصلی وحدت است. یک دیدگاه از سوی عرفا صورت گرفته و دیگری از جانب زیبایی‌شناسی کاربردی مطرح است یعنی بحث فرمالیستی است. باوجود بررسی حدود ۱۲ مقاله‌ی ۲۵ پایان‌نامه با موضوع اصل وحدت از منظر عرفا، از آن‌ها جز بعضی موارد، در این پژوهش صرف‌نظر می‌شود زیرا بحث اصلی اکثر آن‌ها موضوع وحدت در کثرت و کثرت در وحدت است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

همچون مقاله فیروز مهجور با عنوان **جلوه وحدت در هنر و معماری اسلامی** (۱۳۷۷) یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های هنر اسلامی را وحدت می‌داند که این اصل منبعث از **توحید** است. اما با توجه به اینکه هدف این پژوهش بررسی اصل وحدت در زیبایی‌شناسی کاربردی است، معدودی از پژوهش‌های مذکور در متون اسلامی به بررسی آن پرداخته‌اند. هم‌چنین کتاب **مقایسه نظریه وحدت وجود از دیدگاه ابن عربی و مایستر اکهارت**(۱۳۷۹)، نوشته قاسم کاکایی که برگرفته از رساله دکترای وی هست، به‌طور اختصاصی به شباهت‌ها و تفاوت‌های دیدگاه این دو متفکر پرداخته است. دکتر محسن مراثی در پایان‌نامه خود با عنوان **شناسایی مبانی نظری کاربرد رنگ در نگارگری ایرانی**(۱۳۸۹) به مبانی نظریه رنگ در متون اسلامی همچون قرآن، احادیث روایات و متون دانشمندان مسلمان پرداخته است. از نمونه‌های دیگر می‌توان به **مبانی و مفاهیم تفسیر رنگ در قرآن کریم** (۱۳۹۲) از ابوالفضل صادق پور فیروزه آباد و دیگران اشاره کرد. لیکن در پژوهش حاضر با محوریت قراردادان اصل وحدت در زیبایی‌شناسی کاربردی به مطالعه این اصل در متون اسلامی می‌پردازیم.

در راستای پژوهش حاضر سعی شد برای فهم بهتر اصطلاح وحدت منابع زبان‌اصلی نیز موردبررسی قرار گیرند. از آن جمله می‌توان به کتاب **Aesthetic Order- APhilosophy Of Order,Beauty And Art** نوشته‌ی Ruth Lorand اشاره کرد. این کتاب در تلاش است نظریه‌ای جامع از زیبایی‌شناسی ارائه دهد که از تحلیل مفاهیم **نظم** و **بی‌نظمی** و نمونه‌های مختلفش، می‌توان رابطه‌ی متقابلشان را استخراج نمود. با این اوصاف نظریه‌ای پایه‌ریزی شده، اشاره به نظم در زیبایی‌شناسی دارد. در ذیل مباحث کتاب که به‌طور تخصصی به فلسفه‌ی نظم و زیبایی و هنر پرداخته است، در فصلی که مربوط به زیبایی به‌عنوان مفهوم اکتسابی و غیر اکتسابی است به نظریه‌ای اشاره دارد که مرتبط با تئوری مبحث اصل وحدت است. نویسنده به ریاضیدانانی اشاره دارد که به ترجمه دستورهای سنتی پرداخته و روانشناسانی که به زیبایی‌شناسی تجربی توجه کرده بودند که **بیرکهوف**[۹]

۹ .G.D. Birkhoff

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ازجمله این افراد است. درنتیجه وحدت در تنوع، تبدیل شد به متغیر قابل‌اندازه‌گیری و رمزهای پنهان زیبایی‌شناسی آشکار گردید.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فصل سوم

روش پژوهش

۱-۳. روش پژوهش

۲-۳. جامعه آماری تحقیق

۳-۳. متغیرهای پژوهش

٤-۳. روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

۵-۳. روش گردآوری اطلاعات

٦-۳. روش تجزیه‌وتحلیل داده‌ها

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱-۳. روش پژوهش

در این فصل به‌تناسب پژوهش پیش رو، روشی را برگزیده‌ایم تا با برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته نتایج لازم حاصل آید. روش مدنظر توصیفی است و به لحاظ هدف بنیادی نظری است زیرا از روش کتابخانه‌ای و بررسی متون و محتوای مطالب که در ادامه توضیح داده می‌شود، برای گردآوری اطلاعات استفاده‌شده و صرفاً آنچه در منابع در دسترس است مطالعه، توصیف و تشریح شده است. با این اوصاف شناختی کلی در پژوهش حاصل‌شده اما با توجه به اینکه موردی خاص را موردمطالعه و شناسایی قرارگرفته و می‌توان این ویژگی‌ها را به موارد مشابه تعمیم داد و بر اساس آن، نظریه ارائه نمود. بنابراین پژوهش حاضر از ارزش علمی بالایی برخوردار است. انجام چنین تحقیقاتی که به‌صورت عمیق به شناسایی موضوع خاصی می‌پردازند، روش تحقیق کیفی را می‌طلبد تا محقق درنهایت به نتایج مدنظر برسد (انصاری مهابادی، ۱۳۸۱)، زیرا روش کیفی، حالت توصیفی دارد (خالدی، ۱۳۸۸) یعنی نوعی از پژوهش است که یافته‌های حاصل از آن از طریق روش‌های آماری یا سایر ابزارهای کمّی سازی به دست نیامده است، و بخش عمده‌ی تحلیل‌ها جنبه‌ی تفسیری دارند (حریری، ۱۳۸۵)

نخست پژوهشگر می‌تواند با تأکید بر تحقیقات پیشین که با پرسش اصلی پژوهش حاضر در ارتباط است، مسئله تحقیق را به صورتی دقیق‌تر بیان کند و متوجه کسری و کمبودها در تحقیق‌های مدنظر شود. اگرچه ازیک‌طرف تلاش می‌کند تا آن‌ها را استفاده نماید لیکن از طرف دیگر درصدد برمی‌آید تا با رفع نقایص و کمبودهای تحقیقات پیشین به شیوه‌های نو و بدیع و نیز اطلاعات جدید دست یابد (انصاری مهابادی، ۱۳۸۱). بنابراین در تحقیق حاضر، روش کیفی انتخاب‌شده تا نگاهی نو درباره آن چیزهایی که میزانی از آگاهی درباره‌شان وجود دارد، حاصل شود و جزییات ظریفی از پدیده‌هایی که ارائه‌ی آن‌ها به روش کمّی مشکل است به دست دهد (استراس، ۱۳۹۰). این مورد حاکی از آن است که تحقیق کیفی با معانی، مفاهیم، تعاریف، نمادها و توصیف ویژگی‌ها سروکار دارد و این تنوع تعاریف خود حاکی از تنوع نگرش‌ها، گرایش‌ها و تکنیک‌هاست. همین امر باعث می‌شود که تحقیق کیفی بیشتر هنر باشد تا علم زیرا خلاقیت و نوآوری را هم در پی دارد.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

همان‌طور که محمدی (۱۳۹۰) نقل می‌کند، در تحقیقات کیفی همچون خلق آثار هنری باید به چند مرحله توجه ویژه داشت. نخست اینکه، انتخاب موضوع موردعلاقه، از میان موضوع‌های جدید درزمینهٔ کاری موردنظر، حائز اهمیت است. پس محقق مجبور است موضوع موردنظرش را کوچک‌تر و عملی‌تر سازد. بعدازآن تعیین حدود طرح تحقیقاتی و تعریف مسئله تحقیق، به‌عنوان چارچوبی برای انجام کار است. بنابراین جمع‌آوری داده‌ها در راستای مسئله تحقیق صورت می‌گیرد. در مرحله‌ی بعد آنچه اهمیت دارد این است که محقق باید دارای یک طرح کلی باشد زیرا او بهتر است در مطالعات اولیه، تصویری کلی از همه‌ی ابعاد موضوع، از اول تا آخر برای خودش داشته باشد. هم‌چنین بهتر است همچون رمان‌نویس‌ها ابتدا به‌طور خلاصه از اول تا آخر تحقیق را برای خود نوشته و سپس به گردآوری مطالب و پر کردن شکاف‌ها و جاهای خالی بپردازد. بااین‌وجود لازم است تصور کلی از طرح خود داشته باشیم و در ادامه به تکمیل جزئیات بپردازیم. در مرحله‌ی بعدی محقق باید از دیدگاه‌های مختلف به موضوع کارش بنگرد و داده‌های گوناگون مربوطه را گردآوری کند، اما به صورتی که همه‌ی آن‌ها یک‌جهت را نشانه بگیرند. بااین‌وجود در تحقیق کیفی توصیف منطقی پدیده‌ها کافی نیست بلکه آن‌ها را باید آن‌ها را باید طوری در ارتباط باهم دیگر و از منظری تشریح کرد که برای خواننده معنی‌دار باشد. سپس آنچه اهمیت دارد این است که، تحقیق علمی خوب، از جنبه‌ی خلاقیت خالی نیست، این امر به‌ویژه در تحقیق کیفی بیشتر صدق می‌کند چون‌که در این نوع مطالعات، به سبب فقدان استانداردهای از پیش طراحی‌شده، محقق فرصت مانور بیشتری جهت نوآوری دارد، بنابراین خلاقیت یکی از اجزای مهم تحقیق کیفی است. درواقع رویکرد خلاق سبب می‌شود تا محقق بر پیش‌فرض‌ها و تعصبات خود فائق آید و به طراحی و نظمی نو از عناصر قدیمی بپردازد. بااین‌وجود در تحقیق پیش رو، سعی بر آن است که این شاخصه‌ها، تا حد ممکن مدنظر قرار گیرند و با پرداختن به موارد پیش رو، به تهیه و تنظیم تحقیق کیفی پرداخته‌شده است. مواردی همچون چگونگی روش تحقیق، انتخاب مکان یا جامعه‌ی موردمطالعه، نمونه‌گیری و روش جمع‌آوری داده‌ها و ... موردبررسی قرار خواهند گرفت.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۳-۲. جامعه آماری تحقیق

یکی از نخستین و مهم‌ترین تصمیمات کلی که باید در پژوهش اتخاذ کرد، همانا تعیین مکان، جامعه یا پدیده‌ی موردنظر است که درروش تحقیق نقش محوری دارد و راهنمای پژوهشگر خواهد شد، زیرا این تصمیم اولیه و مهم به‌گونه‌ای است که به تصمیمات بعید شکل می‌دهد (مارشال، ۱۳۸۱). بااین‌وجود در تحقیق کیفی، عموماً روی یک جامعه آماری به معنای تحقیقات کمی مطالعه نمی‌شود. بنابراین جامعه‌ای که در اینجا در نظر گرفته‌شده، شامل آثار مکتوب درزمینهٔ زیبایی‌شناسی در میان متون و معارف اسلامی است که در دسترس پژوهشگر است تا بتوان از میان منابع دسته اول، اطلاعات مدنظر را استخراج نمود.

۳-۳. متغیرهای پژوهش

با توجه به موضوع تحقیق و نوع تحقیق به روش کیفی، با مفاهیم پیچیده و قابل‌دسترسی سروکار داریم که به‌سادگی نمی‌توان به آن‌ها متغیر اطلاق نمود. زیرا ما در مورد اصلی صحبت می‌کنیم که تعریف دقیقی از آن نداریم و با توجه به اینکه این مفهوم به مباحث فلسفی نزدیک است، لذا مفهوم پیچیده‌ای است که قابل‌اندازه‌گیری نیست.

٤-۳. روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

با توجه به اینکه در بیشتر موارد امکان ندارد همه‌ی رویدادها، امور یا اشخاص، موردتحقیق قرار بگیرند، لذا محقق به نمونه‌گیری می‌پردازد. بنابراین هنگامی‌که کانون توجه محقق بر روی یک جامعه‌ی خاص باشد، پژوهشگر برای نمونه‌گیری از آن جامعه باید یک استراتژی ارائه کند و سعی شود تصمیم‌گیری درباره‌ی نمونه‌گیری هم‌زمان با تصمیماتی که درباره‌ی شیوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات گرفته می‌شود، اتخاذ گردد (مارشال، ۱۳۸۱). بااین‌وجود هدف از چنین تحقیقی، شناسایی، رشد، توسعه و مرتبط کردن مفاهیم با یکدیگر است. لذا باید بر مبنای مفاهیمی که از دیدگاه نظری به نظریه‌ی موردنظر محقق، مربوط‌اند، نمونه‌گیری شود که به این نمونه‌گیری، نمونه‌گیری نظری گفته می‌شود (محمدی، ۱۳۹۰). هم‌چنین باید اذعان داشت که پرسش‌های تحقیق نیز حول محور مکان و

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

نمونه‌گیری می‌گردند که در این شیوه‌ی نمونه‌گیری سعی شده است به‌صورت انتخابی حداقل ۳۰ اثر مربوط به متون اسلامی موردپژوهش قرار گیرند.

۳-۵. روش گردآوری اطلاعات

یکی از روش‌های اصلی که برای گردآوری اطلاعات در تحقیقات کیفی به کار می‌رود، روش کتابخانه‌ای است. بدین‌صورت که بعد از فیش‌برداری از داده‌های موجود از اسناد و مدارک کتبی در دسترس، درنهایت با تجزیه‌وتحلیل آن‌ها به بررسی آن‌ها پرداخته‌شده است. هم‌چنین این فرایند می‌تواند با پرسش‌های تحقیق که در چارچوب نظری مطرح‌شده‌اند مرتبط باشد (مارشال، ۱۳۸۱). بنابراین با توجه به پرسش‌های مطرح‌شده در تحقیق، از روش نمونه‌گیری، برای جمع‌آوری داده‌های گردآوری‌شده در کتابخانه استفاده‌شده است.

۳-۶. روش تجزیه‌وتحلیل داده‌ها

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد روش گردآوری کتابخانه‌ای را برای تحقیق پیش رو برگزیده‌ایم، لذا اطلاعات جمع‌آوری‌شده مستلزم تجزیه‌وتحلیل هستند. به گفته‌ی مارشال (۱۳۸۱)، تجزیه‌وتحلیل عبارت است از فرآیند تدوین، تنظیم، شالوده‌ریزی و بیان مفاهیم یا معنی انبوهی از داده‌های جمع‌آوری‌شده. درواقع تجزیه‌وتحلیل داده‌های تحقیق کیفی، تلاشی است درراه ابراز نظر در مورد روابط بین طبقه‌هایی از داده‌ها که بنای یک تئوری را شالوده‌ریزی می‌کند.

روش‌های مختلفی برای طبقه‌بندی داده‌های جمع‌آوری‌شده در تحقیق کیفی وجود دارد که بسته به نوع تحقیق از هرکدام استفاده می‌شود تا درنهایت به اهدافشان برسند. در این پژوهش از روش **تحلیل محتوا**[10] استفاده‌شده است. درواقع تحلیل محتوای کیفی عبارت است از مجموعه تکنیک‌هایی به‌منظور استنتاج ویژه از یک متن که این حاکی از آن است که تحلیل محتوا، فقط محتوای ظاهری چمطالب را بررسی نمی‌کند بلکه سطوح مختلفی از محتوا وجود دارد که موردتوجه قرار می‌گیرند (حاجیلو، ۱۳۸۳). هرچند باید توجه نمود که نقش اندیشه محقق بیش از نظریه‌ها و اطلاعات اوست.

10 .Content analysis

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

هم‌چنین با تحلیل آثار گروهی خاص از نویسندگان، می‌توان خطوط اصلی اندیشه آن‌ها را بیرون آورد، با یکدیگر تلفیق نمود و درنهایت مجموعه‌ای تشکیل داد که مشخص‌کننده‌ی نحله، فلسفه یا مکتبی خاص است (ساروخانی، ۱۳۷۷). بنابراین به گفته‌ی حریری (۱۳۸۵)، شیوه‌ها و روندهایی که برای تفسیر و سازمان‌دهی داده‌ها به کار می‌رود معمولاً، مفهوم‌پردازی، کاستی از حجم داده‌ها، تشکیل مقوله‌ها برحسب ویژگی‌ها و ابعاد مشترک و ارتباط دادن آن از طریق یک سلسله عبارت‌های ربطی را شامل می‌شوند و این موارد تحت عنوان رمزگذاری خوانده می‌شوند.

در تحلیل محتوای کیفی، انبوه کلمات گردآوری‌شده در مصاحبه‌ها با داده‌های حاصل از مشاهده، نیاز به تلخیص و توصیف دارند و مسئله پژوهش نیز ممکن است پژوهشگر را به جستجوی روابط میان مضمون‌های تشخیص داده‌شده سوق دهد. بدین ترتیب تحلیل داده‌های کیفی مستلزم استنباط است و پژوهشگران از داده‌های مربوط به جزییات موضوع، استنباط‌هایی به عمل می‌آوردند. منظور از استنباط، استفاده از استدلال، قضاوت و رسیدن به نتایج بر اساس شواهد است. نتیجه‌گیری با استفاده از استدلال انجام می‌گیرد و بدین ترتیب پیچیدگی موجود در داده‌ها، ساده و قابل‌فهم می‌گردد.

یکی از مشخصه‌های داده‌های کیفی این است که جنبه‌های مختلف شواهدی را که گردآوری‌شده، به‌صورت درونی و یا با شواهد مرتبط، مقایسه می‌شود. درواقع پس از تشخیص فرآیندها، علل، ویژگی‌ها و سازوکارهای مختلف در بین شواهد موجود، الگوها، همانندی‌ها، تفاوت‌ها و جنبه‌های مشابه و نامشابه مورد جستجو قرار می‌گیرد. نکته‌ی قابل‌توجه اینکه فرآیند تحلیل محتوا در تحقیق کیفی به‌جای اینکه مرحله مشخصی باشد که در انتهای پژوهش به اجرا درآید، بُعدی از تحقیق است که اجرای آن در تمام مراحل تحقیق استمرار دارد.

بدین ترتیب با توجه به اینکه در تحلیل کیفی فنون ثابت و سریعی برای تحلیل داده‌ها وجود ندارد، بااین‌حال وجوه مشترکی در فرآیند تحلیل داده‌ها وجود دارد و معمولاً مراحلی که در این فرآیند طی می‌شود در پژوهش‌های کیفی مشترک است. فرآیند تحلیل داده‌های کیفی با نسخه‌برداری آغاز می‌شود و با اجرای یکی از شیوه‌های رمزگذاری، مانند رمزگذاری نظری، رمزگذاری مضمونی و

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تحلیل محتوا و یا سایر شیوه‌های تحلیل ادامه می‌یابد. به‌طورکلی یکی از راهبردهای اساسی در تحلیل داده‌های کیفی، رمزگذاری مواد مورد تحلیل باهدف مقوله‌بندی و یا تکوین نظریه است.

در بسیاری از تحقیق‌های کیفی، تحلیل داده‌ها با تشخیص مضمون‌ها و الگوهای کلیدی آغاز می‌شود و برای انجام این کار داده‌ها رمزگذاری می‌شوند. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، در تحلیل کیفی، محققان باید بتوانند معنی‌دارترین بخش‌های داده‌ها را سازمان‌دهی، مدیریت و بازیابی کنند و برای این کار معمولاً بر اساس مفاهیم، برچسب‌ها و نشانه‌هایی به داده‌ها اختصاص می‌دهند. درواقع آنچه در این مرحله انجام می‌گیرد، فشرده ساختن داده‌ها در واحدهای قابل‌تحلیل از طریق ایجاد مقوله‌هایی از داده‌ها است که این فرآیند معمولاً رمزگذاری نامیده می‌شود و می‌توان آن را این‌گونه در نظر گرفت که این فرآیند را ایجاد مفاهیم با استفاده از داده‌ها از طریق رمزگذاری بدانیم. درواقع هدف محقق کیفی بیرون کشیدن مفاهیم از دل داده‌ها است و رمزگذاری به‌عنوان وسیله‌ای برای این منظور به کار می‌رود.

رمزگذاری بخشی از فرآیند تحلیل است که بخش‌های متفاوت داده‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد. به‌این‌ترتیب که پژوهشگر با در کنار هم قرار دادن بخش‌هایی از داده‌ها، مقوله‌هایی را به وجود می‌آورد که عناصر یا ویژگی‌های مشترکی دارند. یعنی مربوط به موضوع یا مضمون ویژه‌ای هستند. به‌این‌ترتیب، رمزگذاری، تمامی آن بخش‌های داده‌ها را به ایده یا مفهوم ویژه‌ای پیوند می‌دهد چنانکه به یکدیگر مرتبط می‌شوند و به‌این‌ترتیب رمزها، مقوله‌ها و مفاهیم، پیوند نزدیکی با یکدیگر می‌یابند. بااین‌وجود اساس کار تحلیل داده‌های کیفی نه در رمزگذاری ظاهری و سطحی، بلکه در اندیشیدن به پیوندها و ایجاد کردن این ارتباط‌های نهفته است. درواقع چگونگی استفاده از رمزها و مفاهیم است که در فرآیند تحلیل کیفی اهمیت دارد. با این اوصاف مفاهیم جدیدی را از دل داده‌ها استنتاج نموده و یا مفاهیم موردنظر بر اساس داده‌های گردآوری‌شده پالایش می‌شود. تشکیل مفاهیم نیز بخشی از تحلیل داده است و در جریان گردآوری داده‌ها آغاز می‌شود.

بدین‌صورت که محقق داده‌ها را با سازمان‌دهی در مقوله‌ها تحلیل می‌کند و در این فرآیند مفاهیم جدیدی به وجود می‌آورد و تعاریف مفهومی ارائه می‌دهد و روابط میان مفاهیم را موردبررسی قرار

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

می‌دهد و درنهایت مفاهیم را به‌عنوان گروه‌هایی از مقوله‌های متضاد یا مشابه در عبارت‌های نظری به یکدیگر پیوند می‌دهد. یک گزارش تحقیق قابل‌اعتماد، خواننده را از منشأ مفهوم‌پردازی‌ها آگاه می‌کند و گویای این است که هر یک از مفهوم‌پردازی‌ها برخاسته از اکثریت قاطع موارد یا از یک مورد خاص و مهم و یا برخاسته از گمان‌های محقق بر اساس شواهد موجود در مجموعه‌ی محدودی از داده‌ها است.

هم‌چنین باید اذعان داشت که یکی از روش‌های تحلیل داده‌ها، رمزگذاری نظری است که از شیوه‌های مختلفی در این نوع تحلیل استفاده می‌شود. اولین گام تحلیل در شیوه رمزگذاری نظری، رمزگذاری آزاد است که داده‌ها به بخش‌های مجزا تقسیم‌شده، از نزدیک بررسی و ازنظر شباهت و تفاوت‌هایشان مقایسه می‌شوند. وقایع و رخدادها، اشیاء، کنش‌ها و تعاملاتی که به لحاظ مفهومی دارای ماهیت مشابهی هستند و یا ازنظر معنایی با یکدیگر ارتباط دارند، تحت مفاهیم انتزاعی‌تری که مقوله (مؤلفه) نامیده می‌شود، گروه‌بندی می‌شوند. بدین منظور به نقل از ساروخانی(۱۳۷۷)، تحلیل محتوا مقوله‌بندی همه اجزای یک متن در جعبه‌های مختلف است. بدین ترتیب مقدار اجزاء عناصری که در هر جعبه مرتب‌شده‌اند، متن را مشخص می‌کنند. منظور از جعبه‌ها، مقوله‌ها است که می‌توانند متنی چند هزارصفحه‌ای را در یک جدول ارائه دهند به‌طوری‌که خواننده با پیام‌های اساسی اثر آشنا شود.

حریری(۱۳۸۵) می‌نویسد، در گام بعدی مثل رمزگذاری محوری یا گزینشی، داده‌ها در قالب عبارت‌هایی که بیانگر ماهیت روابط میان مقوله‌های مختلف و مقوله‌های فرعی آن‌ها هستند، دوباره با یکدگر پیوند می‌خورند. هدف از رمزگذاری آزاد بیان داده‌ها و پدیده‌ها در قالب مفاهیم است و برای این منظور داده‌ها ابتدا ساده یا به‌عبارت‌دیگر تقطیع می‌شوند. یعنی داده‌های نسخه‌برداری‌شده به‌دقت و سطر به سطر توسط محقق مطالعه شده، به واحدهای تحلیلی معنادار تقسیم می‌شوند که این شامل مطرح کردن پرسش‌هایی در مورد داده‌ها، مقایسه ازنظر مشابهت و تفاوت‌ها میان رخدادها و مقایسه میان سایر نمونه‌های پدیده‌ها است. به‌این‌ترتیب رخدادهای مشابه برچسب‌گذاری شده و برای تشکیل مقوله‌ها گروه‌بندی می‌شوند. لذا حاصل رمزگذاری آزاد فهرستی از رمزها و مقوله‌هایی است که به متن اختصاص‌یافته‌اند. آنچه این فهرست را تکمیل می‌کند، یادداشت‌های مربوط به توضیح و تعریف

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

محتوای رمزها و انبوهی از تذکارها است که ملاحظات مهم و شایان توجه در داده‌ها و نیز اندیشه‌های مربوط به تکوین نظریه را شامل می‌شوند.

در ادامه رمزگذاری محوری، روابط میان مقوله‌های حاصل از رمزگذاری آزاد را مشخص می‌کند. درواقع گام بعدی پالایش و تمیز دادن مقوله‌های حاصل از رمزگذاری آزاد است. به‌این‌ترتیب از انبوه مقوله‌هایی که در رمزگذاری آزاد به دست آمدند، مقوله‌هایی انتخاب می‌شوند که به نظر می‌رسد دقیق شدن در آن‌ها نتایج ثمربخش‌تری خواهد داشت. بدین ترتیب برای ارائه‌ی توضیح کامل‌تر و دقیق‌تری از پدیده‌ی موردنظر، مقوله‌ها با مقوله‌های فرعی خود ارتباط داده می‌شوند.

به گفته‌ی مارشال(۱۳۸۱)، درنهایت می‌توان برای ثبت داده‌هایی که به روش تحلیل محتوای کیفی جمع‌آوری می‌شوند جدول‌هایی ارائه نمود که از این طریق مسئله نظارت بر داده‌ها و مدیریت داده‌ها را تسهیل می‌نماید. بااین‌وجود طبقه‌بندی داده‌ها و تهیه جدول‌هایی خاص در این زمینه می‌تواند این موضوع را مشخص کند که در تحقیق مزبور چه چیزهایی از اهمیت بیشتری برخوردار است زیرا در تحقیق کیفی، جمع‌آوری و تجزیه‌وتحلیل داده‌ها، بر روی‌هم، موجب بروز یک تئوری خواهد شد که بر پایه‌ی داده‌های تجربی قرار دارد. این امر بدان جهت است که داده‌های متعلق به تحقیق کیفی به‌صورت فزاینده‌ای پیچیده‌اند و با پرسش‌های مطرح در تحقیق، تفاوت‌های زیادی دارند. لذا محقق می‌تواند در سراسر تحقیق، طبقه‌ها و گروه‌ها را مشخص نماید و به یکدیگر مرتبط سازد.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فصل چهارم

تجزیه‌وتحلیل داده‌ها

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱-۴. مبانی نظری اصل وحدت

بر اساس نظریه‌های برگرفته از تألیفات

متأخر

۱-۱-٤. شاخصه‌های اصل وحدت از نگاه نویسندگان غربی دوران متأخر

۲-۱-٤. شاخصه‌های اصل وحدت از نگاه سنت‌گرایان

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۱-۱-٤. شاخصه‌های اصل وحدت از نگاه نویسندگان غربی دوران متأخر

درباره‌ی اصل وحدت در منابع مربوط به مبانی هنر و اصول سازمان‌دهی تصویر مطالب زیادی نوشته‌اند، بااین‌وجود در نظر داریم در این بخش کتاب‌هایی که در قرن‌های متأخر در اروپا نوشته‌شده و در آن‌ها تعاریف و شاخصه‌هایی برای اصل وحدت ارائه داده‌اند را موردبررسی قرار دهیم، تا درنهایت به شاخصه‌های اصل وحدت از منظر این نویسندگان پی ببریم. این کتاب‌ها اغلب کتاب‌هایی هستند که به فارسی ترجمه‌شده‌اند . درنتیجه با بررسی شاخصه‌های اصل وحدت در تحقیقات جدید ، زمینه لازم برای بررسی تاریخی آن در بخش‌های بعدی فراهم می‌گردد.

نویسندگان خارجی:

اوکویرک و همکارانش: در میان کتاب‌های متعددی که به فارسی ترجمه‌شده‌اند، کتاب **مبانی هنر، نظریه و عمل**، ازجمله تحقیقاتی است که در فصل مربوط به فرم ، اصول وحدت‌بخش سازمان‌دهی اثر هنری را نیز موردبررسی قرار داده و در تحقیق پیش رو نیز حائز اهمیت است. در کتاب مذکور بر این باورند که یک اثر هنری تمام‌شده سه مؤلفه دارد : **موضوع**، **فرم** و **محتوا**. از طریق مؤلفه‌های فرم، اصول ساختاری انتظام بصری، بررسی می‌شود. هنرمندان فرم دهندگان بصری با یک نقشه‌اند، آن‌ها با مواد خامشان، عناصر، خط‌ها، شکل‌ها، ارزش‌های نور، بافت‌ها و رنگ‌ها را طبق ساختارهایشان می‌چینند. عناصر مورداستفاده آن‌ها باید مهار شوند و با یکدیگر تلفیق گردند. هنرمندان از طریق اصول وحدت‌بخش سازمان‌دهی این امر را مدیریت می‌کنند که اصول عبارت‌اند از: **هماهنگی**، **تنوع**، **تعادل**، **تناسب**، **تسلط**، **حرکت** و **ایجاز**. این اصول فضا و کلیت را می‌آفرینند و درصورتی‌که هنرمند در انجام این نقشه موفق باشد، وحدت به دست خواهد آمد. وحدت در این مورد به معنای یکپارچگی و سازمان‌دهی اجزاء، متناسب بانظم یک کل است، به‌نحوی‌که هر یک از اجزاء جنبه‌ی حیاتی بیابند. بااین‌وجود فرم وضعیت کامل و نهایی اثر است هنرمند برای تولید این وضعیت غایی از عناصر ساختار هنر، تحت هدایت اصول سازمان‌دهی، استفاده می‌کند. معمولاً نقشه هنرمند، ترکیبی است از شهود و عقل. در شرایط مطلوب، نقشه حتی اگر در جریان تکمیل اثر تغییر نماید، به‌طور مؤثری عواطف هنرمند را انتقال خواهد داد. ویژگی‌های منحصربه‌فرد هر یک از عناصر

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

در این فرآیند سازمان‌دهی، آن‌قدر مهم‌اند که قابل‌تفکیک از آن نیستند. هنگامی‌که یک هنرمند می‌کوشد از خط برای وحدت‌بخشیدن به اثرش بهره جوید، هماهنگی نهایی عملاً در پیوند با یک یا همه‌ی آن ویژگی‌ها، طول، پهنا، کیفیت و ... آفریده می‌شود.

بنابراین مشاهده می‌کنیم که اصول سازمان‌دهی را می‌توان در مورد تک‌تک ویژگی‌های هر عنصر به کاربرد یا به‌عبارت‌دیگر، ویژگی‌های منحصربه‌فرد هر عنصر ممکن است در معرض اصول سازمان‌دهی قرار گیرند تا به یک ترکیب‌بندی وحدت‌بخش‌اند. سازمان‌دهی در هنر عبارت است از شکل دادن به کلیتی وحدت یافته از واحدهای گوناگون که این امر حاصل پیوند دادن تباین‌ها به کمک شباهت‌هاست. برای مثال هنرمند می‌تواند از دو نوع خط متضاد عمودی و افقی در یک ترکیب‌بندی بهره بگیرد، زیرا هر دو خط عمودی و افقی پیشاپیش مستقیم‌اند. این شباهت می‌تواند آن دو را به یکدیگر پیوند دهد. وحدت و سازمان‌دهی در هنر وابسته به ثنویت شباهت و تباین است، تعادلی میان هماهنگی و تنوع. با این اوصاف وحدت، نتیجه گرد هم آوردن عناصر هنر بر اساس نسبت مناسبی میان تنوع و هماهنگی، برای القای حس یکپارچگی است.

هماهنگی را می‌توان یکی از عوامل انسجام تلقی کرد. پیوند اجزاء گوناگون تصویر، همسو کردن نیروهای متضاد سطح تصویر با اعطای عناصر مشترک ، نظیر رنگ، بافت، ارزش نور و ...، به همه‌ی آن‌ها حاصل می‌گردد. تکرار یا عرضه‌ی مداوم یک تمهید یا عنصر ثابت منجر به سازگاری امور متضاد با یکدیگر می‌شود. هماهنگی چه از طریق **تکرار**[11] و چه از طریق **ریتم** [12] به وجود آمده باشد،

---

۱۱. بهره‌گیری چندباره از یک جلوه‌ی بصری مشابه در ترکیب‌بندی‌ای واحد. تکرار ممکن است منجر به تسلط یک ایده‌ی بصری، احساس یک رابطه‌ی هماهنگ، الگویی با طرح مشخص یا حرکتی ریتمیک گردد. بااین‌وجود بدیهی است که این اصطلاح به معنای تکرار شدن چیزهای مشخصی است. در هنر، این چیزها غالباً مشتمل‌اند بر عناصر هنر، ویژگی‌های این عناصر، یا موتیف های مشخصی که از ترکیب آن عناصر حاصل‌شده‌اند. پیوندها با تکرار امور مشابه به وجود می‌آیند و اثر هنری از این طریق آکنده از هماهنگی می‌شود. تکرار لزوماً کپی عین به‌عین یک عامل نیست، بلکه استفاده‌ی مکرر از امور همانند یا بسیار شبیه است. وقتی آن شباهت‌ها به نحوی تقلیل یابند، کمترین پیوند هم اهمیت می‌یابد و توجه را به عدم شباهت‌ها معطوف می‌نماید. پیوندهای هماهنگ در هنر نیز از طریق تکرار ایجاد می‌شود (اوکویرک و دیگران، ۱۳۹۱).

۱۲. تداوم، جریان یا حس حرکتی که با تکرار واحدهای بصری مرتب حاصل می‌شود. هم‌چنین یکی از خصائص تکرار، قابلیت تولید ریتم است. ریتم در هنرهای تجسمی، همچون موسیقی، پیامد ضربه‌ای تکراری، گاهی به‌صورت

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

وقتی به‌افراط گراید، موجب ملال و یکنواختی می‌گردد. اما عرضه مناسب هماهنگی از ضروری‌ترین اجزاء سازنده‌ی وحدت به شمار می‌رود. هم‌چنین تکرار و ریتم بسته به اینکه چگونه مورداستفاده قرار گیرند می‌توانند اثر هنری را هم با ایجاد هیجان و هم با خلق هماهنگی خوشایند سازند.

هنرمند با هماهنگی، اثر خود را یکپارچه می‌کند، اما از طریق تنوع به یگانگی و جذابیت دست می‌یابد. این امر ازآن‌جهت برای ما حائز اهمیت است که ترکیب‌بندی بیش‌ازحد هماهنگ، موجب ملال بصری می‌شود، بنابراین جذابیت بصری نتیجه‌ی مستقیم افزودن تنوع به مؤلفه‌های تصویری است. در این زمینه به موسیقی نیز استناد شده است، زیرا ترکیب‌بندی آن بسیار شبیه ترکیب‌بندی یک اثر بصری است. هماهنگی در موسیقی هنگامی قابل‌تشخیص است که نت‌های سازنده متناسب با تولید یک آوا باشند. البته گاهی آهنگ‌سازان آگاهانه نت‌های ناهمخوان را در اثرشان می‌گنجانند و بعد آن را در ترکیب‌بندی کلی حل می‌کنند. ناهمخوانی در هنر بصری نیز هنگامی به وجود می‌آید که اجزاء نامربوط در کنار یکدیگر قرار گیرند. هم‌چنین ازآنجاکه پیوندها لازمه نیل به هماهنگی محسوب می‌شوند، در یک اثر هنری، یک عنصر یا موتیف مشترک، تکرار یکرنگ، بافت، ارزش نور یا نوعی پیکربندی مشترک خط و شکل، نیروی اتصال‌دهنده و پیوند یک بخش از اثر هنری به بخش دیگر به‌حساب می‌آید. هم‌چنین ریتم وقتی به وجود می‌آید که واحدی به‌طور منظم تکرار شود. در هنر همچون موسیقی، اگر اجزاء باهم سازگار باشند، هماهنگی حاصل می‌شود.هماهنگی، وقتی درست استفاده شود، یکی از ضروری‌ترین ارکان سازنده‌ی وحدت است و منجر به‌هم‌پیوستگی گسترده‌تر اجزاء می‌شود.

در مورد پیوستگی یا دسته‌بندی بصری هم‌چنین اشاره‌شده است که در اوایل قرن بیستم، مارکس ورتهایمر"Max Wertheimer" ، روانشناس آلمانی مکتب **گشتالت**[۱۳]، و همکارانش در این

قاعده‌مند و گاهی هم غیرمعمول است. ریتم در هنر نشئت‌گرفته از بازگویی و سبک و سنگین کردن اجزاء مشابه یا همسان است. البته این بازگویی مترادف با تکرار است. درنتیجه، تکرار عناصر و موتیف ها، در عمل، اگر به طرز مناسبی اجرا شود، منجر به ریتم می‌گردد (اوکویرک و دیگران، ۱۳۹۱).

۱۳. گروه گشتالت به‌عنوان گروهی که با دیدگاه علمی و روان‌شناسی به بررسی عوامل مؤثر در ادراک زیبایی فرمال پرداخته‌اند اشاره دارد. حاصل نظریه‌ی این مکتب در ادراک شکل چنین است که یک‌شکل سازمان، متشکلی است که نمی‌توان آن را مانند مجموعه‌ای از عناصر کنار هم قرارگرفته دانست زیرا دارای کیفیتی است که در هیچ‌کدام از عناصر

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

موردتحقیق کردند که بیننده چگونه عوامل سازنده‌ی فرم نظیر الگوها و شکل‌ها یا پیکره‌بندی کلی را به‌جای اینکه به‌صورت مجزا ببینند برحسب پیوندهای گروهی تشخیص می‌دهد. آن‌ها عوامل متعددی چون نزدیکی و اندازه را کشف کردند که به پیوند بصری اشیاء کمک می‌رسانند. بااین‌وجود مفهومی را که از طریق گرد هم آوردن عوامل منجر به خلق الگو می‌گردد، **پیوستگی** نامیده می‌شود. اصل پیوستگی می‌گوید که انسان اطلاعات یا الگوی ناقص را به‌مثابه کلیتی یکپارچه و کامل می‌بیند. این گرایش به پیوستگی وقتی رخ می‌دهد که هنرمند کمترین اطلاعات یا سرنخ‌های بصری را تدارک ببیند تا بیننده بتواند با بازشناسی، آن‌ها را به‌صورت الگویی قابل‌فهم و هیئتی به‌هم‌پیوسته درآورد. مسلماً اصول زیادی در پیوستگی نقش دارند، نظیر **قانون مجاورت** یا **قانون شباهت**. کشف این نظم دهی بصری به ورتهایمر کمک کرد تا توضیح دهد که چگونه هنرمند الگو یا سازمان‌دهی ساختاری اثرش را می‌بیند و خلق می‌کند. برای روانشناسان گشتالت، کلیت(الگوی کلی) فراتر از قسمت‌های مجزایی است که آن را شکل می‌دهند. بااین‌وجود پیوند میان اجزاء در حقیقت پیوندی روان‌شناختی است که همه‌ی تصاویر مجزا و مختلف را بخشی از یک کلیت بزرگ‌تر می‌نماید و ما گروه‌های بزرگ‌تر را بیشتر از بخش‌های مجزایی که آن‌ها را پدید آورده‌اند می‌بینیم.

همانند پیوستگی که با جابه‌جایی و به‌قدر کفایت نزدیک کردن اشیاء و شکل‌ها، آن‌ها را متحد می‌کند و در یک پیوند ضمنی یا نظام شکلی جدید دخیل می‌نماید، دیگر روش‌های وحدت‌بخش ترکیب‌بندی نیز عناصر را چنان به هم نزدیک می‌کنند که کاملاً مماس می‌شوند. وقتی چنین چیزی رخ دهد، تمهید انسجام بخش یا عامل مؤثر وحدت‌بخش، خود فضای مشترک میان عناصر خواهد بود. ازجمله این روش‌ها می‌توان به **مرزهای مشترک**، **هم‌پوشانی**، **شفافیت**، **تداخل** و **امتدادها** اشاره کرد.

تشکیل‌دهنده‌ی آن وجود ندارد و تغییر دریکی از این عناصر کافی است که شکل کلی آن را تغییر دهد. روانشناسان گشتالت به این نتیجه رسیدند که ذهن با توجه به اصولی، این کار را انجام می‌دهد، و آن اصول را اصل تقرب به تشابه، انسداد، استمرار و هم‌جهتی دانسته و اذعان دارند که این عوامل در سازمان‌دهی اجزای بصری شرط لازم است. (لیلیان و دیگران، ۱۳۸۸).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

در مورد مرزهای مشترک می‌توان اذعان داشت، شکل‌هایی که مرز مشترک دارند غالباً آسان‌تر به وحدت می‌رسند، زیرا این امر پیوندهای مشترک دیگری را تحمیل می‌نمایند که به آن‌ها کمک می‌کند آن‌ها به یکدیگر جذب شوند. هم‌چنین یکی از راه‌های رسیدن به وحدت در ترکیب‌بندی‌هایی که به سطوح تخت و فضای کمتری می‌پردازند، بهره‌گیری از شکل‌هایی است با اندازه‌های یکسان و دارای رنگ و ارزش نوری مرتبط. اگرچه باید اذعان داشت که این تکنیک دشواری‌هایی برای تکوین فضایی توهمی یا سه‌بعدی به دنبال خواهد داشت، زیرا حتی دو شکل با مرزهای مشترک و ارزش نور متباین قابلیت چندانی در خلق مرجع فضایی ندارد. تفاوت اندازه‌ی شکل‌های هم‌مرز تشخیص اینکه آن‌ها جلو قرار دارند یا عقب را آسان‌تر می‌کند. وقتی شکل‌های هم‌مرز دارای ارزش نور یا رنگ مشابهی باشند، کناره‌های تفکیک‌کننده‌ی آن‌ها معمولاً به‌سختی دیده می‌شوند و حتی گاهی در محل ادغامشان کاملاً ناپدید می‌گردند و از ترکیب آن‌ها به لحاظ بصری، شکل‌های جدید زاده می‌شود. علاوه بر این حتی در پیوندهای تزیینی هم استفاده از مرزهای مشترک خطرناک است. بهترین عملکرد مرز تفکیک‌کننده‌ی مشترک وقتی رخ می‌دهد که کم‌وبیش خنثی یا فاقد هرگونه مشخصه‌ای باشد. برای مثال، وقتی کناره چیزی قابل‌تشخیص را القا کند، سمتی را که به نقش تعلق دارد مجزا می‌کند و بنابراین آن را به شکلی مثبت تبدیل می‌کند. این امر موجب خلق مرجع فضایی معینی می‌شود و شکل هم‌مرز باقی‌مانده را وامی‌دارد تا به‌صورت منطقه‌ی منفی دیده شود. تغییر در ارزش نور یا بافت آن نیز تفاوت‌هایی ایجاد می‌کند که موقعیت را حادتر می‌نماید.

باهم پوشانی، هم‌چنین مناطق دخیل توسط یک عامل پیونددهنده‌ی مشترک به یکدیگر مرتبط می‌شوند. البته این عامل از صرف اشتراک در مرز کمی پیچیده‌تر است و میان شکل‌ها باید منطقه‌ای مشترک وجود داشته باشد. مادامی‌که رنگ، ارزش نور، بافت و ... مشابه یا مرتبط باهم باشند، هم‌پوشانی مناطق منجر به وحدت عوامل دخیل می‌گردد. اما از سویی فضای ارائه‌شده شاید کم‌عمق یا تا حدی مبهم باشد. اشیاء کاملاً نامرتبط می‌توانند از این طریق هماهنگ گردند. هم‌پوشانی همواره به معنای فضای محدود و روابط منسجم نیست، زیرا شاید از طریق تفکیک بصری یا تفاوت در پرداخت نقش‌ها ،فضای عمیق‌تری حاصل آید. شیء پوشیده می‌تواند به‌مثابه شیء دورتر تلقی گردد. رنگ و انتخاب ارزش نور می‌تواند عمق فضایی شکل‌های هم‌پوشان را کمتر کند یا برعکس موجب

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

اغراق در آن شود. در کاربرد مجازی‌تر این جلوه، هرگونه اطلاعات نمادین کاملاً مستقل، می‌تواند درون یا بر روی نماد یا منطقه تصویری کاملاً متفاوت قرار گیرد و به‌مثابه تصویری موجه پذیرفته شود.

شفافیت نیز طریقه‌ی دیگری است که هنرمند می‌تواند با آن تصاویری را که در یک منطقه واقع‌شده‌اند به هماهنگی برساند. وقتی یک‌شکل یا نقش از خلال شکل یا نقش دیگری دیده شود، عامل بصری پیونددهنده‌ای که به آن‌ها هماهنگی و وحدت می‌بخشد در خود منطقه‌ی مشترک لایه‌های فضایی که با یکدیگر تلاقی کرده‌اند و ویژگی سطح تک‌تک نقش‌ها (مناطق براق، سایه‌ها، رنگ‌ها و ...) نهفته است. این تکنیک همچون هم‌پوشانی ساده، عمق بصری را کم می‌کند و تمهید پیونددهنده‌ی دیگری است که موجب خلق هماهنگی می‌شود.

در مورد تداخل می‌توان گفت که وقتی نقوش متعدد نه‌فقط منطقه‌ی مشترک یکسانی دارند، بلکه از درون یکدیگر نیز عبور می‌کنند، نوعی پیوند هماهنگ در آن‌ها پدید می‌آید که صرفاً ناشی از اشتراک در محل قرار گرفتن آن‌ها نیست، بلکه حاصل عمق واقعی فضایی است که درون آن قرار دارند. خود این فضا به سطحی، چه عمیق، توهمی یا تصنعی، موجب هماهنگی بصری نقشه‌ای گوناگون می‌شود.

امتدادها (کناره‌ها، خطوط و شکل‌های ذهنی و نهفته) نیز همچون خطوط خیالی یک نقشه‌کش که شهرها، جاده‌ها و مرز کشورها را سازمان‌دهی و تعیین می‌کند، کناره‌های امتدادیافته(امتداد ذهنی کناره‌ی شکل‌ها) نیز هنرمند را یاری می‌کنند. تا میان همه بخش‌های ترکیب‌بندی پیوندی هماهنگ به وجود آورد. تا اینجا متوجه شده‌ایم که هماهنگی از طریق مرزهای مشترک، مناطق مشترک به‌وسیله‌ی هم‌پوشانی شکل‌ها، شفافیت سطوح، یا حتی پیوند میان فرم‌ها با عبور آن‌ها از درون یکدیگر ، حاصل می‌شود. اما همه این مفاهیم فقط موجب پیوند عوامل نسبتاً نزدیک با یکدیگر می‌شوند، درحالی‌که امتدادها-کناره ها، خطوط و شکل‌های نهفته- به لحاظ بصری نظامی متحد در اختیار هنرمند می‌گذارند. این امتدادها به مکان‌یابی مؤلفه‌های دیگر ترکیب‌بندی یاری می‌رسانند و مناطق، نقش‌ها و

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

شکل‌ها را در مکان‌های دور و متفاوت به یکدیگر پیوند می‌دهند، اشتراکاتی ایجاد می‌کنند، میان اجزاء تماس برقرار می‌کنند، یا آن‌ها را هماهنگ می‌نمایند.

امتدادها می‌توانند همه‌ی مناطق موجود در ترکیب‌بندی را یکپارچه کنند و از طریق کشش میان مناطق مختلف فضا بیافرینند. امتدادها پیوندهای پنهان می‌آفرینند. آن‌ها با پدید آوردن نیروهای جهت‌دار، خلق حرکت و تکرار فاصله‌های قابل پیش‌بینی میان واحدهای بصری، هماهنگی پدید می‌آورند. با این کناره‌های ذهنی (امتدادهای نهفته ، نامرئی و ناخودآگاه) نوعی کشش جهت‌دار قوی القا می‌شود که در بیننده انتظار کشف امور دیگر در منطقه‌ای جدید را فراهم می‌آورد و کمک می‌کند تا چشم بیننده به محل جدید کشیده یا هدایت شود. این تمهید همچون نسیمی که در امتداد خطوط شکل ساز اطلاعات بصری، در سراسر ترکیب‌بندی می‌وزد، می‌توان اجزاء اثر را در هم بیامیزد. خط به‌مثابه یک عنصر، به‌خودی‌خود می‌تواند همه بخش‌های چیدمان را به یکدیگر سوق دهد. خط ممکن است واضح و غالب باشد یا برعکس محو و دارای تأکید کمتر، به‌نحوی‌که حتی کناره‌ها حل شوند و ناپدید گردند. خطوط جدید همچون علائم جهت‌دار قوی، همه‌جا مطرح و تکرار می‌شوند، زیرا امتداد نامرئی یک خط می‌تواند آن را به خطی دیگر پیوند دهد. امتداد نامرئی خط (خط ذهنی) چنان تمهید مؤثری برای پیوند دادن مناطق مختلف ترکیب‌بندی است که طراحان در صفحه‌آرایی از آن برای شکل دادن به‌نظام صفحه و سازمان‌دهی ستون‌های حروف چاپی، لوگوها و اطلاعات گرافیکی بهره می‌گیرند.

شکل نیز مانند خط، می‌تواند حرکت جهت‌دار مؤثری پدید آورد و همچون وسیله‌ای برای سازمان‌دهی، پیوندهای منسجم(هماهنگ) با دیگر شکل‌ها خلق کند. یک‌شکل به دو طریق توجه بیننده را به سمت اشیاء و شکل‌های دیگر هدایت می‌کند: ۱- شکل بر یک‌جهت کلی تأکید می‌نماید و بیننده را به‌سوی شکل و تصویر دیگری درون ترکیب‌بندی هدایت می‌کند. ۲- کناره‌های بیرونی شکل جهت‌دار می‌توانند توسط خطوط نهفته و ذهنی امتداد یابند و بیننده را به دو جهت جدید هدایت کنند. می‌توان این امتداد ذهنی یا نهفته کناره‌ی شکل را برای استقرار شکل‌ها و اشیاء جدید در کل گستره‌ی ترکیب‌بندی به کار گرفت و آن‌ها نیز می‌توانند به‌نوبه‌ی خود با همان نیروی جهت‌دار به هماهنگی برسند.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

شکل‌های بی‌قاعده نیز می‌توانند در پیوندی هماهنگ و الگوهای گروهی (پیوستگی) قرار گیرند. برای این منظور باید آن‌قدر آن‌ها را جابه‌جا کرد تا امتداد ذهنی کناره‌هایشان (امتداد نامرئی کناره‌هایشان) همسو گردد یا همدیگر را قطع نماید. گروهی از شکل‌ها در یک ترکیب‌بندی می‌توانند به گروهی دیگر یا شکل‌های مجزای کمی دورتر گرایش یا پیوستگی داشته باشند. با استفاده از کناره‌های ذهنی، می‌توان حرکت ر ا کنترل و به هر سو هدایت کرد، حجم‌ها را در فضا چرخاند و مجدداً بیننده را به سطح تصویر بازگرداند. درحالی‌که بسیاری از مفاهیمی که موجب هماهنگی می‌شوند عمق تصویری و فضایی را محدود می‌کنند، مفاهیم وحدت‌بخش امتداد می‌توانند به‌طور یکسان در تکوین فضای تجسمی و تزیینی یا هر میزانی از انتزاع به کار روند. خطوط نهفته می‌توانند از میان مناطق محاصره‌شده توسط دیگر تصاویر و شکل‌ها، یا از وسط مناطق باز رنگی و دارای بافت که با دیگر تصاویر احاطه نشده‌اند عبور کنند. ازآنجاکه امتدادها ابزار بسیار مهمی در سازمان‌دهی‌اند، باید بسیار دقت کرد که نحوه‌ی عملکردشان بیش‌ازحد عیان نباشد. لذا هنرمندان به مخفی کردن نیروهای جهت‌دار، توسط قطع کردن آن‌ها با حرکات و تأکیدات عکس جهت یا برهم زدن ظریف نظمشان، علاقه‌ی شدیدی دارند.

از اصول دیگر سازمان‌دهی، تنوع است. تنوع عامل متعادل‌کننده‌ی هماهنگی است و یکی از اصول سازمان‌دهی ضروری برای ایجاد وحدت است. هنرمند با هماهنگی، اثر خود را یکپارچه می‌کند، اما از طریق تنوع به یگانگی و جذابیت دست می‌یابد. در اینجا جذابیت به قابلیت برانگیختن کنجکاوی و جلب‌توجه بیننده اشاره دارد. اگر هنرمندی بتواند نیروهای بصری را کاملاً برابر کند، اثر معمولاً متعادل می‌گردد، اما درعین‌حال ممکن است ایستا، بی‌روح و بی‌احساس شود. هنرمند با افزودن تنوع به نیروهای بصری، عامل اصلی جلب‌توجه مداوم نظیر گوناگونی یا تفاوت را معرفی می‌کند. پس جذابیت بصری نتیجه‌ی مستقیم افزودن تنوع به مؤلفه‌های تصویری است. تنوع یکی از عوامل تفکیک بصری است. این عمل طوری صورت می‌گیرد که مؤلفه‌ها دگرگون و گسسته شوند.این تفکیک (تنوع) با استفاده از **تباین**[۱۴] و **تفصیل**[۱۵] حاصل می‌شود.

۱۴. تباین وقتی رخ می‌دهد که عناصر به نحوی تکرار شوند که به نظر نامرتبط برسند، مثل چند خط پهن در منطقه‌ای مملو از خطوط باریک. وقتی عناصر متضاد و یا اجزاء آن‌ها در نزدیکی و مجاورت یکدیگر قرار می‌گیرند، این

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

وقتی از گوناگونی استفاده شود، سطح یکنواخت تصاویر هیجان‌انگیزتر می‌شود. در موسیقی بالاترین ارتفاع صوت بیشترین میزان ارتعاش را دارد. به همین ترتیب، در هنرهای بصری، وقتی از تباین استفاده می‌شود، ارتفاع یا هیجان افزایش می‌یابد، کاهش تباین موجب کاهش احساس ارتعاش می‌گردد. در هنر بصری، لازم است که بر بعضی از تباین‌ها بیش از دیگران تأکید شود. چنانچه تباین در سراسر ترکیب‌بندی بیش‌ازحد استفاده شود، تنوع پی‌درپی موجب حس اغتشاش بصری می‌شود. اما تنها اندکی از آن می‌تواند کاملاً جذاب باشد.

به نظر می‌رسد شیوه‌های هماهنگی لزوماً همبسته با تباین‌اند، گرچه میزان شباهت با میزان تفاوت هرگز نسبتی برابر نخواهد یافت. هماهنگی می‌تواند بر تنوع، یا تنوع بر هماهنگی، غالب باشد. هر نسبتی میان هماهنگی و تنوع انتخاب شود، به مفهوم یا وسیله‌ای تبدیل خواهد شد که به کاوش در دیگر اصول سازمان‌دهی کمک خواهد کرد. استفاده هوشمندانه از هماهنگی و تنوع به خلق فضا یاری می‌رساند و در شکل‌گیری تعادل، حرکت، تناسبات، تسلط و ایجاز تأثیر خواهد داشت.

تعادل مورد دیگری است که ما هرروز با آن سروکار داریم و نحوه‌ی عملکرد آن با نیروهای گرانشی را می‌شناسیم یا پیش‌بینی می‌کنیم. گرانش تجربه‌ای است حسی و همگانی. راه رفتن، ایستادن بر روی یک‌پا، نیاز حسی ما به تعادل را آشکار می‌کند. وقتی تعادل به هم می‌خورد، انتظار می‌رود که گرانش حالت معلق ما را برطرف کند و آن‌وقتی است که به زمین می‌خوریم. ما به‌عنوان جانوران

ناهمانندی‌ها توسط تباین اغراق‌شده تر می‌گردند. برای مثال، لکه‌های قرمز در برابر لکه‌های سبز، یا تاریکی مطلق در برابر روشنایی مطلق ... وقتی این تباین‌ها شدت می‌یابند مناطق دخیل هر چه بیشتر از هماهنگی دور می‌شوند و البته به همان نسبت شور و هیجان بصری افزایش می‌یابد. از طریق تشدید ابن تباین‌هاست که یک منطقه ، نقش یا شکل به عامل مسلط تصویر تبدیل می‌شود (اوکویرک و دیگران، ۱۳۹۱).

۱۵. تفصیل طریقه‌ی دیگری است که می‌تواند موجب تنوع یا همانندی در مناطق فاقد جذابیت بصری شود. شاید بتوان آن را پرداختن به جزئیات ریز یا شاخ و برگ دادن به مناطق معینی دانست. بهبود ظاهر از طریق اطلاعات ظریف یا ناسازگار موجب تشدید جذابیت می‌شود. اگرچه تفصیل و تباین ممکن است شبیه تکرار به نظر برسند، نیت اصلی آن‌ها برخلاف تکرار، تشدید پیوند در اثر نیست بلکه نشان دادن تدریجی تفاوت یا تناقض بصری است. هنرمندان پیوسته بر روی مناطق تصویر کار می‌کنند تا بیان کامل‌تری بیابند و سرانجام به جذاب‌ترین راه‌حل برسند. سطح تصویر با دگرگونی‌های گسترده تکمیل می‌شود و تصویر هنرمند معمولاً معنایی دقیق و فوق‌العاده مستحکم پدید می‌آورد (اوکویرک و دیگران، ۱۳۹۱).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ایستاده، کل حیاتمان را صرف مقابله با تأثیر گرانش می‌کنیم. به همین ترتیب، در هنر بصری نیز انتظار عمل متقابل نیروهای گرانشی را داریم. بیشتر آثار هنری برحسب بالا، پایین و طرفین، به‌صورت عمودی دیده می‌شوند. تعادل بصری ترکیب‌بندی با فشار رو به پایین و وزن گرانشی مؤلفه‌ها به دست می‌آید.

بنابراین برداشت ما از یک نقش یا نماد خاص، برحسب وزن روان‌شناختی‌اش و تعادل حاصل در ترکیب‌بندی تعیین می‌شود و آنچه ما درباره وزن واقعی اشیاء می‌دانیم در نحوه قضاوت ما درباره تعادل سطح تصویر تأثیر می‌گذارد. اگر مجبور بودیم که اشیاء را با عناصر بصری که ما به ازایی در عالم واقع ندارند جایگزین کنیم، آنگاه وزن روان‌شناختی آن‌ها با شکل، ارزش نور و یا رنگ تعیین می‌شد و تلقی ما از تعادل بازهم تغییر می‌کرد. مؤلفه‌های به‌کاررفته چه عینی باشند و چه غیر عینی امکان بالقوه خلق وزن/تعادل روان‌شناختی گوناگون و تنظیم ترکیب‌بندی، بی‌نهایت است. تعادل چنان برای وحدت حیاتی است که امکان ندارد اصول سازمان‌دهی را بدون آن تصور نمود. در ساده‌ترین سطح، تعادل مستلزم موازنه‌ی گرانشی یک لکه‌ی تنها بر روی سطح تصویر است. واضح است که اگر فردی می‌خواهد یک واحد مثبت به هر رنگی را بر روی سطح سفید بوم قرار دهد باید آن را هرجایی جز مرکز تصویر قرار دهد.

تعادل همچنین اشاره به موازنه‌ی گرانشی میان یک جفت یا گروهی از واحدها نظیر خط‌ها یا شکل‌ها دارد که در دو طرف محور مرکزی قرارگرفته‌اند. این تعادل به بهترین وجه در نمونه‌های گوناگون ابزارهای وزن‌کشی و ترازوهایی دیده می‌شود که شاهینشان از نقطه یا خط محوری(محل اتکا) معلق است و می‌تواند آزادانه حرکت کند. اما باید در نظر داشته باشیم که مفهوم تعادل در هنر نباید به‌مثابه فرایند وزن‌کشی واقعی دیده شود، بلکه باید قضاوت بصری بیننده بر اساس تجربه‌های قبلی و دانش شهودی‌اش درباره‌ی اصول مشخص علم فیزیک تلقی گردد. در تصویرسازی، تعادل به معنای حس توازن بصری در همه‌ی بخش‌های اثر است. هنرمند همه‌ی نیروهای عمودی، افقی و شعاعی[۱۶] را در همه‌ی جهات و موقعیت‌ها متعادل می‌کند.

۱۶. تعادل نیروهایی که حول یک مرکز توزیع می‌شوند (اوکویرک و دیگران، ۱۳۹۱).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

عوامل متعددی در به تعادل رسیدن یک اثر سهیم‌اند. این عوامل یا متغیرها عبارت‌اند از: **موقعیت، مکان، اندازه، تناسب، ویژگی** و **جهت عناصر بصری**. البته مکان مهم‌ترین نقش را در میان این عوامل دارد. اگر دو شکل باکیفیت فیزیکی برابر نزدیک حاشیه‌ی چپ قاب تصویر قرار داشته باشند، سمت راست و سمت چپ تصویر نامتعادل به نظر می‌رسند. محل استقرار این شکل‌ها باید به نحوی تعیین گردد که در تعادلی کلی اجزاء تصویر شرکت کنند. به همین ترتیب، عوامل دیگر بسته به استفاده‌ای که از آن‌ها شده است می‌توانند چیدمان تصویر را متعادل یا نامتعادل سازند.

چشم در حین حرکت بر روی سطح تصویر، لحظاتی بر روی اجزاء مهم آن توقف می‌کند. این مراکز توجه، معرف نیروهای جهت‌دار و متحرکی‌اند که همدیگر را متعادل می‌کنند و می‌توان آن‌ها را گشتاورهای نیرو نامید. هنرمند، برای رسیدن به تعادل، باید بداند که عناصر گوناگون گشتاورهای نیرو پدید می‌آوردند و انتخاب دقیق جای آن‌ها منجر به کشاکش بصری کنترل‌شده‌ای می‌گردد. تعادل را نیز می‌توان به چند دسته تقسیم نمود: تعادل متقارن، تعادل تقریباً متقارن، تعادل شعاعی و تعادل نامتقارن یا پنهان.

اصول سازمان‌دهی دیگری که در رسیدن به وحدت مفید است، **تناسب** نام دارد. تناسب مربوط می‌شود به نسبت هر یک از بخش‌ها با دیگری. و به‌عبارت‌دیگر ارتباط نسبی میان واحدها یا اجزاء یک کل به لحاظ اندازه. در آثار هنری، مشکل می‌توان روابط میان بخش‌ها را با دقت سنجید، زیرا تناسب معمولاً به موضوع قضاوت شخصی تبدیل می‌شود. بخش‌های متناسب در ارتباط با کل سنجیده می‌شوند و وقتی نسبتی میان آن‌ها برقرار باشد، این بخش‌ها **هماهنگی** و **تعادل** می‌آفرینند. همان‌طور که در منابع متعددی اذعان داشته‌اند، هنرمندان از دوران باستان به دنبال استانداردهای آرمانی برای روابط متناسب بوده‌اند. فلسفه‌ی کلاسیک یونان این دیدگاه را بیان می‌نمود که ریاضیات، نیروی عمده‌ی جهان است و میانگین طلایی، که گاهی تقسیم طلایی هم نامیده می‌شود، عرضه‌کننده‌ی استانداردهای آرمانی تناسب و تعادل در زندگی و هنر است. درنتیجه مقیاس برای تأکید و خلق جلوه‌های بیان گرایانه به کار می‌رود و موقعیت فضایی را القا می‌کند.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مورد پنجم برای رسیدن به وحدت، **تسلط** نام دارد. هر اثر هنری برای اینکه جذاب باشد باید تفاوت‌هایی را به نمایش گذارد که بر میزان اهمیت بخش‌های متنوعش تأکید کنند. این تفاوت‌ها ناشی از رسانه و ملاحظات ترکیب‌بندی است و درواقع، طرق دستیابی به تفاوت‌ها بسیارند. بنابراین بدین معناست که عناصر مشخصی در یک طراحی یا ترکیب‌بندی واحد از دیگر عناصر اهمیت بیشتری داشته باشند. برخی مشخصه‌ها مورد تأکید واقع می‌شوند و دیگران اهمیت کمتری داده می‌شود. روشن است که هنرمند قصد دارد از تباین برای جلب‌توجه به بخش‌های مهم اثرش بهره گیرد، به همین دلیل آن‌ها را غالب می‌نماید. هنرمندانی که از تسلط در آثارشان اجتناب می‌کنند، تلویحاً می‌گویند که همه‌چیز اهمیت برابر دارد. چنین هنری نه‌فقط از برقراری ارتباط قاصر می‌ماند، بلکه نقش بصری گیج‌کننده‌ای نیز می‌آفریند که بیننده در آن هیچ جهتی نمی‌یابد. به یک معنا، همه بخش‌ها مهم‌اند، زیرا حتی بخش‌های فرعی، هنجاری پدید می‌آورند که در آن تباین بخش‌های غالب دیده می‌شود. نوعی نظم بنیادی از طریق تنوع موجود در میزان تسلط و سلسله‌مراتب خلق می‌شود که در تمام سطوح زندگی می‌توان شکل‌های گوناگونی از آن را یافت.

حرکت به‌عنوان ششمین اصل سازمان‌دهی است که شاید بسیاری از بینندگان متوجه نشوند که در حین تماشای اثر هنری به سواری، یا به بیان دقیق‌تر به یک سفر می‌روند. راهنمای سفر قطعاً هنرمند است که چشم را در خلال راه‌ها و توقفگاه‌هایی که تدارک می‌بیند به سیاحتی راحت و آموزنده می‌برد. درراه‌هایی که به توقفگاه منتهی می‌گردد. زمان توقف در هر ایستگاه نیز از پیش تعیین‌شده است. راه‌های هنرمند درواقع گذر میان توقفگاه‌ها یا واحدهای دیدنی است. این گذرها که حرکت چشم را تعیین می‌کنند، توسط جهت باعث می‌شود آن‌ها را به یکدیگر پیوند دهیم، پدید می‌آیند. خطوط، شکل‌ها(عموماً آن‌هایی که پر طول‌وتفصیل‌اند) و کناره‌های شکل‌ها به‌طورکلی با جهتی یکسان به‌سوی یکدیگر نشانه رفته‌اند. گرچه ممکن است گاهی مماس باشند، به‌طورمعمول حرکت چشم توسط فاصله‌ی میان آن‌ها قطع می‌شود. گاهی جهش‌های چشم نیازمند رانش‌های جهت‌دار نیرومند یا جذابیت‌های مؤثر است. هم‌چنین واحدهای دیدنی‌ای که ما را هدایت می‌کنند شامل اطلاعات بصری اصلی‌اند. بنابراین حرکت بدین معناست که چشم توسط گذرگاه‌های بصری در یک اثر هنری هدایت می‌گردد.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

آخرین اصل سازمان‌دهی مدنظر **ایجاز** است. هنرمند غالباً هنگام تکوین یک اثر، متوجه می‌شود که راه‌حل‌های مسائل گوناگون بصری منجر به پیچیدگی بیهوده‌ای می‌گردد. مشخصه‌ی این مشکل تنزل وجوه ساده و کلی اثر به امری چندپاره است. این فرایند ظاهراً بخشی ضروری در مرحله تکوین اثر است، اما از سویی نیز امکان دارد یافتن راه‌حل مسائل، آن‌چنان حائز اهمیت گردد که وحدت اثر قربانی شود.گاهی هنرمند می‌تواند با رجوع به مبانی اصلی، حذف کردن جزئیات پرزرق‌وبرق، و ارتباط دادن اجزاء با کل، نظم را به اثر بازگرداند. این قربانی کردن به‌سادگی صورت نمی‌گیرد و پذیرفته نمی‌شود.، زیرا در جریان یافتن راه‌حل‌ها، کشفیات جالبی رخ‌داده است. اما باید از این جلوه‌ها، چه جالب باشند چه نباشند، برای خوانایی بیشتر و بیان مستقیم‌تر صرف‌نظر نمود. ایجاز پیامد طبیعی شم هنرمند است و قاعده‌ی مشخصی ندارد. اگر چیزی در خدمت کل اثر باشد حفظ می‌گردد و اگر اخلال‌گر باشد جرح‌وتعدیل می‌گردد یا کاملاً کنار گذاشته می‌شود.

ایجاز غالباً همبسته با اصطلاح انتزاع است. انتزاع مستلزم فرایند فعال زدودن حشو و زوائد، تا حد مبانی ضروری سبک بیانی هنرمند است. این عمل موجب تقویت وجوه مفهومی و سازمان‌دهی اثر هنری می‌شود. به یک معنا، سبک میزان انتزاع را تعیین می‌کند، اگرچه همه‌ی هنرمندان تا حدودی از انتزاع بهره می‌گیرند.

درنهایت ضروری به نظر می‌رسد به نتایج عناصر یا اصول اشاره شود. نویسندگان این کتاب، فضا را به‌عنوان یکی از اصول سازمان‌دهی و یک عنصر در نظر نمی‌گیرند، بلکه آن را پیامد فرعی عناصری می‌دانند که به کار گرفته می‌شوند. هرچند برخی فضا را به‌خودی‌خود یک عنصر تلقی می‌کنند. به هر طریقی که مفهوم فضا را طبقه‌بندی کنیم، چیزی از اهمیت حیاتی آن کاسته نمی‌شود زیرا بر اساس گفته‌های پیشین برای خلق یک عنصر استفاده از یک رسانه ضروری است و وقتی یک عنصر همچون خط، به رؤیت درآمد، خودبه‌خود موقعیتی فضایی در تضاد با پس‌زمینه‌اش می‌آفریند.

یک هنرمند وقتی به فضا در یک اثر می‌پردازد، باید در پی یکدستی روابط باشد. هیچ‌چیز به‌اندازه‌ی آشفتگی فضایی اثر هنری را از شرایط مطلوب دور نمی‌کند. اگر هنرمندی با یک نوع از

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فضا، مثلاً بازنمایی تخت و دوبعدی یک پیکره، آغاز به کار کند، باید در تمامی صحنه‌های به‌هم‌پیوسته‌ی اثر هنری تصورات دوبعدی را گسترش دهد. **یکپارچگی** سهم به سزایی در وحدت دارد.

آشنایی ما با فضا تا حدی ناشی از کاوش ما در فضای بیرونی است. البته ما در خلال حرکت از نقطه‌ای به نقطه دیگر برای انجام فعالیت‌های طبیعی روزمره، در سطح نازل‌تری شخصاً با فضا آشنا می‌شویم. در حین این کار، ما به‌طور ناخودآگاه فاصله میان نقطه‌ها و حتی حد نهایی بینایی‌مان (خط افق) را درمی‌یابیم. هنرمند باید از عناصر هنری برای تولید توهم پدیده‌ی فضایی‌ای که می‌کوشد در اثر هنری بازنمایی کند بهره گیرد. خیلی وقت‌ها جلوه موردنظر این است که بیننده به قاب به‌مثابه‌ی پنجره‌ای به فضا که درجایی به پایان می‌رسد، یا تا بی‌نهایت ادامه دارد، بنگرد. چنین فضایی در یک زمینه‌ی هنری، به بعدی، نامیده می‌شود، زیرا کل این فضا در سطح نقاشی یا طراحی فشرده‌شده است. درست است که سطوح نقاشی حدومرز طبیعی خود را دارند، اما علاوه بر آن دارای ابعاد ضمنی گسترده‌تری نیز هستند، توهم عمق فضایی سه‌بعدی می‌آفرینند.

درنتیجه هنرمندان سطح تصاویر را که با ابعاد مشخصی قاب گرفته‌شده است برمی‌گزینند. آن‌ها ابزار و مواد خود را دارند و با آن‌ها به خلق عناصر بر روی سطح مبادرت می‌ورزند. در پی این کار، القائات فضایی‌ای رخ می‌دهد که می‌تواند با مفاهیم اصلی آن‌ها مطابقت داشته باشند. اما اگر مطابقت نداشتند فرایند تعدیل آغاز می‌شود. وقتی هماهنگی و تنوع برای حصول به تعادل، تناسب، تسلط، حرکت و ایجاز به کار گرفته می‌شوند، تعدیل شتاب می‌گیرد و ادامه می‌یابد. در جریان تکوین اثر هنری، هنرمندان متکی به عقل، عاطفه و غرایزشان هستند. نسبت میان این سه عامل از یک هنرمند به هنرمند دیگر، و از یک اثر به اثر دیگر تفاوت دارد. ماحصل راهبردهای هنرمند اثری هنری است که فرم متمایز خود را دارد. اگر اثر موفق باشد فرمش دارای وحدت است و همه بخش‌هایش به یکدیگر وابسته‌اند و باهم عمل می‌کنند. یک اثر هنری وحدت یافته همچون ارکستر سمفونی در موسیقی شکل می‌گیرد. آهنگ‌ساز عموماً با یک تم آغاز می‌کند که در جریان چند واریاسیون به دست می‌آید. نت‌نویسی‌ها، ضرباهنگ و دینامیک را برای اجرا تعیین می‌کنند. هر یک از سازها با پیروی از نت‌ها با اجرای بخش‌های مربوط به خود در جلوه‌ی موسیقایی کلی سهیم می‌شود. علاوه بر این، نوعی

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تاروپود مضمونی از طریق محتوای اثر پدید می‌آید و بخش‌هایش را هماهنگ می‌نماید. یک اثر موسیقایی موفق با تک‌تک میزان‌هایش، که به نظر جایگزین ناپذیر می‌رسند، با شیوایی سخن می‌گوید.

تمامی عناصر موسیقایی یادشده ما به ازایی در هنر دارند. در تمام رسانه‌های خلاق ازجمله موسیقی، هنر بصری، رقص، نظم، نثر یا نمایش، هدف وحدت است. از دید خالق، وحدت پیامد گزینش تمهیدات مناسب مخصوص هر رسانه و بهره‌گیری از اصول معین برای پیوند دادن آن‌هاست. در هنر بصری، شناخت اصول فرم–ساختار ضروری است. عناصر هنر بصری–خط، شکل، ارزش نور، بافت و رنگ، که فرم مبتنی بر آن‌هاست، به‌ندرت به‌خودی‌خود وجود دارند. نیروی آن‌ها در کلیت اثر به هم می‌پیوندد. سهم هر یک از آن‌ها به‌طور مجزا قابل‌تأمل است، اما در جریان تکوین یک اثر باید همواره به راه‌های پیوند آن‌ها با یکدیگر توجه کرد (اوکویرک و دیگران، ۱۳۹۱). درنتیجه بر اساس گفته‌های اوکویرک و همکارانش سازمان‌دهی به‌عنوان کلیتی وحدت یافته از واحدهای گوناگون حاصل شباهت‌ها و تباین‌هاست که در جدول شماره (۱–٤) به‌صورت تفکیک‌شده، مؤلفه‌های آن عنوان‌شده‌اند.

جدول۱–٤. مؤلفه‌های وحدت‌بخش سازمان‌دهی بر اساس گفته‌های اوکویرک و همکارانش به همراه نظریه گشتالت

اشخاص	مؤلفه‌ها	مؤلفه‌های مؤثر		تعریف	نتیجه
اوکویرک و همکارانش و نظریه گشتالت	هماهنگی (شباهت)	مرز مشترک		عامل ایجادکننده یکپارچگی کار	• یگانگی و جذابیت • هماهنگی بعلاوه تنوع جذابیت بصری و عدم ملال بصری را به همراه دارد زیرا تنوع زیاد اغتشاش بصری ایجاد می‌کند. مثل: دو خط عمودی و افقی شباهت در مستقیم + تباین در حالت دو خط بودن دو خط • هماهنگی می‌تواند بر تنوع غالب باشد یا تنوع بر هماهنگی غالب باشد.
		هم‌پوشانی			
		شفافیت			
		تداخل			
		مؤلفه‌های مؤثر	امتداد		
		خط			
		شکل جهت‌دار			
		شکل بی‌قاعده			
		اندازه یکسان			
		رنگ مرتبط			
		ارزش نور مرتبط			

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

اشخاص	مؤلفه‌ها	مؤلفه‌های مؤثر	تعریف	نتیجه
اوکویرک و همکارانش و نظریه گشتالت		تکرار		• تعادل بعلاوه هماهنگی ممکن است ایستا، بی‌روح و بی‌احساس شود، بنابراین با تنوع متعادل می‌شود.
		ریتم		
	تنوع (گوناگونی یا تفاوت)	تباین	عامل متعادل‌کننده هماهنگی و جلوگیری از ملالت بصری	
		تفضیل		
	تعادل	موقعیت عناصر بصری	برابری نیروهای بصری	
		مکان عناصر بصری (مهم‌ترین)		
		اندازه عناصر بصری		
		تناسب عناصر بصری		
		ویژگی عناصر بصری		
		جهت عناصر بصری		
		گشتاورهای نیرو		
	تناسب	-	عامل ایجادکننده یکپارچگی و ریتم	برای ایجاد هماهنگی و وحدت ضرورت دارند.
	تسلط	-	عامل ایجاد یکپارچگی و حصول وحدت	
	حرکت	-	عامل ایجاد تنوع و گریز از ایستایی	

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

اشخاص	مؤلفه‌ها	مؤلفه‌های مؤثر	تعریف	نتیجه
اوکویرک و همکارانش و نظریه گشتالت	ایجاز	-	موجب حذف عناصر اضافی و حصول هماهنگی	برای ایجاد هماهنگی و وحدت ضرورت دارد.

نوئل کارول[۱۷]: کارول (۱۳۸۷) بر این باور است که تجربه زیبایی شناسانه را تجربه‌ی صفات زیبایی شناسانه اثر می‌داند. صفات زیبایی شناسانه اثر عبارت‌اند از صفات بیانی اثر، صفاتی که ظاهری چشم‌نواز به اثر می‌بخشد مثل: **خوش‌ترکیبی، ظرافت، یادمانگی** و **نسبت‌های صوری** آن. این صفات تحت سه عنوان عام دسته‌بندی می‌شوند: وحدت، تنوع و شدت. بنا به **روایت محتوا محور**، توجه به این سه مؤلفه همان تجربه زیبایی شناسانه اثر است.

کارول درباره تنوع اذعان دارد که دلایل نقادانه آثار هنری به برخورداری اثر از **وحدت، تنوع** و با **شدت** معطوف است. بنابراین هر اثر هنری ناگزیر باید به‌قصد ارائه‌ی وحدت یا تنوع برای درک مخاطب پدید آمده باشد، زیرا نبود یکی از این دو به حضور ویژگی دیگری می‌انجامد، بنابراین ارائه وحدت یا تنوع برای درک مخاطب شرطی لازم برای همه‌ی آثار هنری است. اگر مراد از ارائه صفت تنوع برای درک مخاطب این باشد که در عین وحدت اثر، مفهومی از تنوع اثر به ذهن مخاطب خطور کند، در این صورت قطعاً آثاری هنری وجود دارد. نظیر برخی از نقاشی‌های اکسپرسیونیستی تجریدی، که آرایش محسوس عناصر نقاشی به‌جای آنکه در نظر مخاطب متنوع بنماید، پریشان و آشفته به نظر می‌رسد. وانگهی این آشفتگی همان چیزی است که هنرمند در پی آن است، نه حس **کثرت در وحدت** (تنوع در عین یکپارچگی).

به همین ترتیب، اثری که در آن به تنوع بهای اندکی داده‌شده باشد، لازم نیست که قصد هنرمند خالق آن ارائه وحدت و یکپارچگی جهت فهم مخاطب بوده باشد. مثل فیلم **اندی وارهول** به نام

۱۷. noel Carroll، متولد ۱۹۴۷میلادی، فیلسوف آمریکایی، در زمره نظریه پردازان نظریه شناختی و مبدع پسانظریه(https://guionterror.files.wordpress.com, 2015)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

امپایر، شاید کسانی آن را منسجم و یکپارچه وصف کنند ولی قصد فیلم‌ساز این نیست که ما وحدت و یکپارچگی آن را درک کنیم. بدین ترتیب لازم نیست که اثری هنری که در آن به تنوع اهمیت داده نشده باشد، به‌قصد ارائه‌ی وحدت برای درک مخاطب پدید آمده باشد. ممکن است که حالت مختلف دیگری در میان باشد. با این اوصاف وقتی از وحدت، تنوع و شدت به معنای زیبایی شناسانه سخن می‌گوییم، مرادمان نحوه‌ی تأثیر آن‌ها بر خاطر ما و مردمانی چون ماست. درنتیجه تجربه زیبایی شناسانه‌ی هنر که بر مبنای روایت محتوا محور تجربه‌ی زیبایی شناسانه بیان شد، معرف شرطی لازم برای همه‌ی هنر نیست. لیکن اثری هنری است اگر و فقط بدین قصد پدید آمده باشد که وحدت، تنوع و یا شدت را برای درک مخاطب ارائه کند. اثری که به‌قصد چنین ویژگی‌هایی به مخاطبمان توفیق یابند، آثاری خوب‌اند ولی آثاری که از این لحاظ ناموفق باشند، آثاری بد شمرده می‌شوند. بدیهی است که در اینجا وحدت و تنوع با یکدیگر نسبت متقابل دارند و باهم تغییر می‌یابند. درنتیجه صفات زیبایی شناسانه‌ی اثر از منظر کارول، در جدول شماره (۲-٤) ذکرشده است.

جدول۲-٤. مؤلفه‌های زیبایی شناسانه اثر از منظر نوئل کارول

شخص	مؤلفه‌ها	نتیجه
نوئل کارول	وحدت و یکپارچگی	• تنوع در عین یکپارچگی(وحدت در کثرت) • به نسبت قصد هنرمند می‌شود به هرکدام که ضرورت دیده می‌شود، اهمیت بیشتری داد.
	تنوع	
	شدت	• دارای نسبت متقابل و با یکدیگر نیز تغییر می‌کنند.

رودلف آرنهایم[۱۸]: آرنهایم (۱۳۸٦) می‌نویسد، اصول ترکیب‌بندی را به دودسته **اصلی** و **فرعی** تقسیم می‌کند که اصل **وحدت** و **هماهنگی** و **تنوع** را ذیل گروه اصلی قرارداده است و معتقد است پویش یک ترکیب، زمانی موفق است که عناصر هر سطح، کنشی هماهنگ با یکدیگر داشته باشند (جدول شماره ۳-٤).

۱۸. متولد ۱۹۰٤ میلادی، برلین، روانشناس، زیبایی‌شناس و نظریه‌پرداز آلمانی فیلم است. تألیفات وی درزمینه ی فلسفه‌ی زیبایی‌شناسی فیلم و ... است. هم‌چنین آرنهایم مقالات مفصل و پرحجمی درزمینه ی روانشناسی هنرهای بصری دارد که عمدتاً به نظریه‌ی (بیان) در مکتب گشتالت مربوط می‌شود (ضابطی جهرمی، ۱۳۷۷).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول ۳-٤. مؤلفه‌های ترکیب‌بندی از دیدگاه رودلف آرنهایم

شخص	مؤلفه‌ها
رودلف آرنهایم	وحدت
	هماهنگی
	تنوع

یورگ گروتر[۱۹]: به گفته‌ی گروتر (۱۳۷۵)، وحدت اثر به نسبت‌ها و روابط صوری آن بستگی دارد. هرگاه مؤلفه‌های اثر بعضاً یا کلاً هماهنگ باشند، اثر یکپارچه است. ممکن است یکپارچگی اثر به خاطر نقش‌مایه‌ها یا مضامین تکرارشونده حاصل‌شده باشد، که امکان دارد اجزاء اثر به هم شباهت داشته باشند یا از برخی جهات یکدیگر را تداعی کنند یا ممکن است که اجزای اثر جلوه‌ای یگانه و منسجم بدان بخشند، نظیر پی‌رنگ یک داستان که بیشتر عناصر آن به خاتمه‌ی ماجرا رهنمون می‌شوند. هنگامی‌که به ویژگی‌های وحدت‌بخش اثر و روابط میان آن‌ها توجه می‌کنیم، این تجربه‌ی زیبایی شناسانه‌ی وحدت است.

به دیگر سخن، وحدت همان محتوا یا متعلق تجربه‌ی ماست که این تجربه را زیبایی شناسانه می‌سازد. بااین‌وجود می‌توان گفت، تشخیص چیزی به‌عنوان یک کل، دست‌کم وجود **شباهتی** میان اجزاء آن است. این بدان معنا است که وقتی چیزی را به‌صورت یک کل می‌بینیم بایستی بین اجزاء آن حداقل دریکی از زمینه‌های **فرم**، **اندازه**، **جنس**، **رنگ** و یا **محتوا** شباهتی موجود باشد. نوع تک‌تک اجزاء اثر مهمی بر بیان یک کلیت دارد. هر چه اجزاء از یکنواختی بیشتری برخوردار باشند زودتر در جمع به‌صورت یک کل به چشم خواهند آمد و هر چه هر جزء به‌تنهایی کامل‌تر باشد، مجموعه به مجموعه‌ای نامتناجس شبیه خواهد شد و کل فاصله بیشتری از یک واحد همگون پیدا می‌کند. برای نمونه در سبک باروک به‌ندرت از تناسبات طلایی استفاده‌شده است، چراکه این تناسبات بر هماهنگی و تمامیت کل تأثیر می‌گذاشته‌اند و این کاملاً برخلاف هدف باروک بوده است. باروک سعی بر ایجاد تنش و نظم دادن اجزاء در سطحی پایین‌تر از سطح کل است. اگر یکی از اجزاء در یک یا چندعاملی

۲۰. متولد ۱۹٤۸، وی تحصیلاتش را در رشته‌ی معماری در آلمان و ژاپن به اتمام رسانده است (گروتر، ۱۳۷۵).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

که ذکر شد با سایر اجزاء اختلاف داشته باشد، به جزئی ویژه تبدیل خواهد شد و به‌این‌ترتیب از کل متمایز می‌گردد. درنتیجه بیان یک کل به سه عامل بستگی دارد: تعداد اجزاء، نوع اجزاء و روابط اجزاء با یکدیگر. بااین‌وجود ترکیب اجزاء بایستی بر اساس یک سیستم نظم‌دهنده‌ی مشخص انجام شود.

این سیستم نظم‌دهنده است که سرسختانه وحدت بین اجزاء را حفظ می‌کند، زیرا اجزاء را به هم مرتبط کرده و به‌کل هماهنگی و تناسب می‌بخشد. چنین است که برای نمونه یک ستون تنها از معابد یونان چیزی است زیبا اما پیکره یک فرشته‌ی باروک، در خارج از چهارچوب یکپارچگی‌اش در یک کل، چندان نمودی ندارد.

هماهنگی ازنظر گروتر اصطلاحی است که در اغلب علوم طبیعی و عقلی از آن صحبت می‌شود. در زیبایی‌شناختی، منظور از هماهنگی یا **هارمونی** نظمی است که بین اجزاء تشکیل‌دهنده‌ی یک پدیده وجود دارد. هماهنگی نتیجه ارتباط هر چیز متضاد است. این واقعیت یکی از مبانی دانش شرق نیز هست، که **لائوتسه** آن را بیان می‌کند و علامت یین و یانگ نیز مظهر آن بوده است. هر نوع ادراک تنها به دلیل وجود تضاد، صورت می‌گیرد، بدین معنا که یک‌شکل تنها هنگامی قابل‌دیدن است که به‌نوعی بتواند خودش را از زمینه‌اش جدا سازد. هماهنگی تنها زمانی امکان وجود دارد که تضاد نیز وجود داشته باشد. ادراک از هر نوع که باشد بر پایه‌ی اصولی مشخص در ذهن نظم می‌یابد. این نظم می‌تواند از نوع منطقی و شعور بوده و یا اینکه شکلی و ظاهری باشد. نتیجه نظم اول تغییر علمی و نتیجه دوم تغییر هنری است.

هماهنگی یکی از ارکان اصلی زیبایی‌شناسی معماری است و حوزه عملی آن به‌هیچ‌وجه محدود به ابعاد فضا نمی‌شود. مواد، رنگ‌ها، جنس، طرح ظاهری و ... باید با یکدیگر **همخوانی** داشته باشند و نیز لازم است که تابع **نظمی** برتر و فراگیر باشند. دستگاه‌های ادراک فیزیکی و روان‌شناختی همگی تمایل دارند به وضعی برسند که در میزان تنش به حداقل ممکن رسیده باشد یا به‌عبارت‌دیگر متعادل‌تر باشد. چنین است که برای نمونه زاویه‌ای که کاملاً قائمه نباشد به‌وسیله‌ی سیستم ادراک ما خودبه‌خود به زاویه‌ی ۹۰ درجه نزدیک می‌شود. در برابر هر ترکیب تحریک‌کننده همواره دستگاه ادراک بصری آن است که تا حد ممکن یک تعادل بصری بیابد.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

هنگام تماشای یک ترکیب مناسب، این احساس در ما به وجود می‌آید که هر جزء دقیقاً سر جای خودش است و هر نوع تغییر در آن، در ذهن ما تعبیر به بی‌نظمی می‌شود. عدم تعادل تأثیرات متناقض بر بیننده می‌گذارد که نتیجه‌ی آن چیزی جز احساس عدم اطمینان نخواهد بود. تعادل در سیستم ادراک ما زمانی وجود دارد که کلیه‌ی نیروهای واقع در میدان دید ما، به‌طور متقابل یکدیگر را خنثی نمایند در اینجا دو عامل از اهمیت بسیاری برخوردارند: وزن و جهت نیرو.

هر شکلی کاملاً جدا از وزن فیزیکی احتمالی آن دارای یک وزن ادراکی هست که تابع مؤثر مختلفی است. مثلاً شکل ظاهری در این زمینه نقش عمده‌ای دارد. اندازه، فرم، رنگ و تیرگی و روشنی همه در وزن ادراکی مؤثرند. برای مثال یک شیء به رنگ روشن ممکن است هم‌وزن شیء کوچک‌تر به نظر بیاید که رنگ تیره‌تر دارد. عامل دیگر جرم ظاهری است. مثلاً یک ساختمان کوچک که از بتن ساخته‌شده است ممکن است ازنظر ادراکی هم‌وزن یک ساختمان با حجم به‌مراتب بزرگ‌تر اما با سقف چادری باشد. عامل مؤثر بعدی، ارزش محتوایی جسم است که خود این عامل شدیداً تابع عوامل روانی–اجتماعی هست. مثلاً یک مقبره یا یک بنای یادبود می‌تواند ازنظر ادراکی سنگین‌تر از ساختمان یک انبار باشد چراکه چنین بناهایی توجه بیننده را بیشتر به خود جلب کرده و در نظر آنان جلوه می‌کنند. به‌موازات وزن، جهت نیز بر روی ادراک تعادل بصری اثر می‌گذارد، فرم‌های با تحرک دارای جهت هستند و نهایتاً اطلاعات معنایی یک پدید یا علائم گویای آن نیز جهتی را به ذهن تداعی می‌کنند. برای نمونه یک اتومبیل ایستاده یا یک فلش نیز برای ذهن جهت‌دارند.

درنتیجه بنا به نظر گروتر که سه عامل تعداد اجزاء، نوع اجزاء و روابط اجزاء با یکدیگر، باعث هماهنگی و تناسب در کل کار می‌شوند لذا عدم تعادل عدم اطمینان را به همراه دارد. بااین‌وجود عوامل ایجادکننده هماهنگی، هارمونی، یکپارچگی و تعادل ازنظر گروتر در جدول شماره (٤–٤) دسته‌بندی‌شده است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول ٤-٤. مؤلفه‌های ایجادکننده‌ی هماهنگی، هارمونی، یکپارچگی و تعادل ازنظر گروتر.

شخص	مؤلفه‌ها به ترتیب اولویت	تعریف	مؤلفه‌های مؤثر	نتیجه
یورگ گروتر	نظم	بین اجزاء تشکیل‌دهنده و چیزی سر جای خودش.	-	• تعادل بصری • هماهنگی با حضور تضاد ایجاد می‌شود.
	تضاد	بین اجزاء تشکیل‌دهنده.	-	
	تکرار	نقش‌مایه و مضامین تکرارشونده.	-	-
	شباهت	شباهت بین فرم، اندازه، جنس، رنگ، محتوا، زیرا هرکدام اثر مهمی بر بیان یک کل دارند.	-	-
	وزن	منظور وزن ادراکی است.	اندازه فرم رنگ تیرگی شکل ظاهری روشنی ارزش محتوایی	-
	جهت نیرو	منظور فرم‌های با تحرک و کلیه نیروهای واقع در میدان دید ما که به‌طور متقابل یکدیگر را خنثی می‌کنند.		-

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

پیرفون[۲۰]: گروتر (۱۳۷۵) در ارتباط با نظریه پیرفون نیز اذعان دارد که، نظم فقط زمانی معنا پیدا می‌کند که با بی‌نظمی و آشفتگی در ارتباط باشد. نظم به‌خودی‌خود ارزشی ندارد، مگر در چهارچوب محدودیت‌هایش باشد. **نظم فراگیر** و **آشفتگی** همه‌جانبه، هر دو به میزان یکسان، شرایط سختی را ایجاد می‌کنند که در طولانی‌مدت غیرقابل‌تحمل می‌شوند (جدول شماره ۵-٤).

جدول۵-٤. مؤلفه‌های ایجادکننده نظم ازنظر پیرفون

شخص	مؤلفه‌ها	تعریف	نتیجه
پیرفون	نظم	منظور نظم فراگیر است چون ممکن است در چارچوب‌های محدودیت‌هایش به‌تنهایی ارزش داشته باشد.	نظم با بی‌نظمی معنا پیدا می‌کند.
	بی‌نظمی و آشفتگی	آشفتگی همه‌جانبه.	

جرج دیوید بیرکهوف[۲۱]: به نقل از گروتر (۱۳۷۵)، بیرکهوف در سال ۱۹۳۳، روشی برای محاسبه **احساس زیبایی** تدوین کرد. این(اندازه) را نمی‌توان به‌سادگی(اندازه زیبایی) نامید اما این اندازه مهم‌ترین جزء قابل‌اندازه‌گیری در (احساس زیبایی) است. ادراک نیاز به کوشش دارد و مقدار این کوشش بستگی به مقدار پیچیدگی آن چیزی دارد که درصدد درک آن هستیم. این پیچیدگی یکی از صفات سوژه ماست و چیزی است که آن را می‌توان با عدد و رقم نشان داد. بنابراین به گفته‌ی Lorand (2000)، نتیجه‌ی کار این بود که لذت مشتق شده از اثر هنری یا شیء زیبا، وابسته به دو متغیر است، یکی **میزان نظم وحدت شیء** که با حرف"O"، به‌عنوان مخفف"Order" نشان داده و دیگری میزان **پیچیدگی** که با حرف "C" که مخفف واژه‌ی "Complexity" است معرفی‌شده است.

۲۰. Meiss Pierre Von، متولد ۱۹۳۸، سوییس، معمار و طراح و نظریه پردازد در سی سال اخیر، و دارای کتاب های متعددی در زمینه معماری (http:// people.epfl.ch, 2015)

۲۱. متولد ۱۸۸٤ میلادی، متوفی ۱۹۹٤. ریاضیدان آمریکایی (گروتر، ۱۳۷۵).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

درواقع هر پیام از علاماتی تشکیل‌شده است و تعداد این علامات با عدد C نسبت مستقیم دارد. وی هم‌چنین برای درجه‌ای از لذت زیبایی‌شناسی که از هر شیء مشتق شده، حرف "M" را در نظر گرفته است و برای آن این فرمول را تعیین نموده: " M=O/C".

گروتر (۱۳۷۵) نیز اذعان دارد که علامات یک پیام، با یکدیگر در ارتباط هستند یا به‌عبارت‌دیگر بین آن‌ها نظمی برقرار است. به نظر بیرکهوف تشخیص این نظم یک شرط لازم برای به وجود آمدن احساس جذابیت است. این **نظم** به‌گونه‌ای مختلف تظاهر می‌کند از آن جمله می‌توان تقارن را نام برد. هم‌چنین یک شیء وقتی خیلی زیبا است که کمترین علامات ممکن بیشترین نظم ممکن را عرضه کند. اما باید توجه داشت که این به این معنا نیست که یک سوژه هر چه منظم‌تر باشد زیباتر است. بیرکهوف فرمولش را در مورد نمونه‌های زیادی از کارهای هنری درزمینهٔ موسیقی و شعر و نمونه‌های زیورآلات و گلدان‌ها آزمایش کرده است. در اینجا تنها نمونه چند نمونه از محاسبه زیبایی‌شناختی چند گلدان را ذکر می‌کنیم. فرم تمامی گلدان‌های موردمطالعه فرم‌های متقارن دورانی هستند و در آزمایش تنها به خطوط بیرونی شکل اکتفا شده است. همچنین تزیینات روی سطح و زوائدی مثل دسته گلدان‌ها در نظر گرفته نشده‌اند. برای مشخص کردن میزان پیچیدگی" C" بیرکهوف از **نقاط شاخص** استفاده کرده است. این نقاط نقاطی هستند که توجه بیننده را بیشتر به خود جلب می‌کنند مهم‌ترین نقاط شاخص این نقاط هستند: الف) چهار نقطه‌ای که حدود خارجی شکل را در خود محدود می‌کنند. ب) نقاطی از منحنی شکل که محل تماس مماس‌های افقی و عمودی هستند. ج) رئوس شکل. د) نقاطی از شکل که در آن‌ها منحنی تغییر جهت می‌دهد(نقاط عطف) . ه) نقاط تلاقی محور قائم با خطوط افقی‌ای که نمودار قطر بزرگ‌ترین و کوچک‌ترین دایره شکل هستند. برای محاسبه اندازه نظمی"O" بیرکهوف چهار عامل در نظر گرفته‌شده است. این چهار عامل را بیرکهوف با توجه به این واقعیت مشخص کرده است که خطوط افقی و عمودی که باهم برابر باشند یا نسبت بین طول‌هایشان برابر ۱/۲ باشد به ترکیب خاصی ادراک می‌شوند: الف) تعداد به وجود آمدن چنین نسبت‌هایی به‌وسیله نقاط شاخص روی خطوط قائم(V). ب) تعداد به وجود آمدن چنین نسبت‌هایی به‌وسیله نقاط شاخص روی خطوط افقی(H). ج) تعداد به وجود آمدن چنین نسبت‌هایی به‌وسیله نقاط شاخص روی خطوط افقی و عمودی بدون شمارش مجدد نسبت‌هایی که در قسمت الف و ب

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

شمرده‌شده‌اند(HV). د) تعداد به وجود آمدن چنین آزمودن‌هایی به‌وسیله نقاط شاخص روی خطوط مماس(T). به‌این‌ترتیب محاسبه مقدار اندازه زیبایی‌شناختی از فرمول زیر به دست می‌آید:

. M=H+V+HV+T/C

فرمول بیرکهوف تنها در قسمت‌های خاصی قابل‌استفاده است و نمی‌توان آن را به‌عنوان پایه‌ای برای یک نظریه کامل و شامل در ادراک زیبایی‌شناختی کافی دانست. مثلاً فرمول در چهارچوب نظریه علائم محدود است و این دلیل نمی‌توان با آن ارزش کامل زیباشناختی را محاسبه کرد. در این محاسبه بیننده با تمامی صفات ویژه‌ای که دارد اصلاً دخالت داده نشده است. بیرکهوف ممکن است کمپوزیسیون یک قطعه موسیقی را به‌این‌ترتیب ارزیابی اما اجرای همان قطعه را به‌وسیله‌ی یک موسیقی‌دان خاص نمی‌تواند ارزیابی کند و آنچه نهایتاً با این نظریه به‌هیچ‌وجه قابل ارزیابی نیست احساسی است که این قطعه موسیقی به هر یک از شنوندگان می‌دهد (جدول شماره ٦-٤).

جدول ٦-٤. مؤلفه‌های بیرکهوف برای محاسبه احساس زیبایی

شخص	مؤلفه‌ها	تعریف	مؤلفه‌های تأثیرگذار	نتیجه
جرج دیوید بیرکهوف	Order (o)	میزان نظم وحدت شیء	تقارن	لذت زیبایی که از هر شیء مشتق می‌شود حاصل نسبت بین نظم و پیچیدگی است. بر اساس فرمول: M= O/C
			به‌کارگیری کمترین علامت‌های ممکن	
	Complexity (C)	میزان پیچیدگی	کاربرد نقاط شاخص	

وی کوزین: گروتر (۱۳۷۵) می‌نویسد، وی کوزین بر این باور است که بایستی توجه داشت درست نیست که یک سوژه هر چه منظم‌تر باشد زیباتر است. وی در سال **۱۹۵۳** در این مورد چنین توضیح می‌دهد که زیبایی را نمی‌توان تنها از طریق **نظم** و **قاعده** به دست آورد بلکه زیبایی نتیجه **دو صفت متضاد** است که هر دو نیز به یک اندازه ضروری هستند: **وحدت و تنوع** (جدول شماره ۷-٤).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول ۷-٤. مؤلفه‌های دستیابی به زیبایی از منظر وی کوزین.

شخص	مؤلفه‌ها	تعریف	نتیجه
وی کوزین	وحدت تنوع	این دو را با عنوان صفت نام‌گذاری می‌کنند.	• زیبایی از طریق نظم و قاعده‌ی صرف به دست نمی‌آید. • اهمیت این دو صفت به یک اندازه است.

رابرت ونتوری[۲۲]: به نقل از گروتر (۱۳۷۵)، ونتوری چنین اظهارنظر می‌کند که، من زنده‌بودن را هر چه هم که بد نشان داده‌شده باشد بر **وحدت کسالت‌بار ترجیح** می‌دهم. من **تنوع** عقاید را برتر از وضوح عقیده می‌دانم، من مفاهیم پنهان و سربسته را همان‌قدر مهم می‌دانم که بیانیه‌ها را. من (هم این و هم آن) را بر (این‌وآن) و (سیاه‌وسفید و یا حتی گاهی هم خاکستری) را بر (سیاه یا سفید) ترجیح می‌دهم. یک معمار خوب سطوح مختلف را طرف خطاب قرار می‌دهد و انواع ارتباطات را عرضه می‌کند. فضای آن و اجزاء آن به طرق مختلف و به‌طور هم‌زمان قابل‌درک و استفاده‌اند (جدول شماره ۸-٤).

جدول ۸-٤. مؤلفه‌های یک معماری خوب از منظر رابرت ونتوری.

شخص	مؤلفه	تعریف	نتیجه
رابرت ونتوری	تنوع	به‌کارگیری سطوح مختلف و انواع ارتباطات با یکدیگر همچون سیاه+سفید این+آن	• معماری خوب نتیجه دو امر متضاد با یکدیگر است. • مؤلفه‌ی تنوع به نسبت مؤلفه‌های دیگر ارجحیت دارد.

۲۲. وی در سال ۱۹۲۵ میلادی در فیلادلفیا، پنسیلوانیا به دنیا آمد و مدرک معماری لیسانس و فوق‌لیسانس خود را در سالهای ۱۹٤۷ و ۱۹۵۰ از دانشگاه پرینستون اخذ نمود. وی به‌وسیله چاپ کتاب **پیچیدگی و تضاد در معماری** در سال ۱۹٦٦ شهرت کلی یافت (ونتوری، ۱۳۸۹).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

لوکوربوزیه[۲۳]: لوکوربوزیه به نقل از گروتر (۱۳۷۵) نیز، ساختن را ایجاد ارتباط صحیح و سودمند بین عناصر ساختمانی می‌نامد چون طراحی یک ساختمان چیزی نیست جز کنار هم قرار دادن مجموعه‌ای از اجزاء منفرد با رعایت قواعد کاملاً مشخص ریاضی- منطقی، علمی – تکنیکی، اقتصادی و زیبایی‌شناسی. هم‌چنین هواردبیکر(۱۳۸٦) می‌نویسد، لوکوربوزیه بر این باور است که اصل **تضاد** و **هماهنگی** را در جوار یکدیگر مطرح کرده‌اند و اذعان دارد که طبیعت **منظم** است و **قانونمند، متحد** و **متنوع، بی‌انتها**، دارای **هماهنگی‌های** زیرکانه و قدرتمند است (جدول شماره ۹-٤).

جدول ۹-٤. مؤلفه‌های ساختار طبیعت ازنظر لوکوربوزیه.

شخص	مؤلفه‌ها	تعریف	نتیجه
لوکوربوزیه	تضاد	تنوع	این دو مؤلفه در جوار یکدیگر مطرح‌شده است.
	هماهنگی	نظم و قانونمندی	

ادموند بورک فلدمن[۲٤]**:** فلدمن (۱۳۷۸) در تعریف وحدت بر این باور است که محتملاً وحدت اصل عمده‌ی سازمان بخش بصری است. مطمئناً اصول دیگری نیز در خدمت هستند تا هر یک از راه خود تکوین وحدت را به کمال رساند. درنهایت امر، وحدت بازتاب این واقعیت طبیعی است که هر یک از آدمیان واحدی جداگانه است، و با سازوبرگ جداگانه‌ی بدن و مغز خود می‌بینند، حس می‌کند و می‌اندیشد. ما همه کل‌هایی مجزا در خود هستیم و فطرتاً باید تجربه‌ی بینایی خود را از چیزی در لحظه‌ای منفک سازیم تا بتوانیم نظر به چیز دیگر بگذاریم. تعیین خصلت علت اصلی نیاز فطری ما به برخورداری از (وحدت بینایی) است.

۲۳. Lo korboziye، متولد ۱۸۸۷-۱۹٦۵ میلادی، معمار فرانسوی سوئیسی تبار، ساختمان‌ها و نوشته‌هایش در توسعه جهان معماری جدید اثرگذار بود. او را یکی از چهار استاد بزرگ معماری نوین به شمار می‌آورند (انوری، ۱۳۸۷).

۲٤. استاد ممتاز هنر در دانشگاه جورجیا و صاحب دانشنامه هاییی از دانشگاه. هم چنین وی در مقام داور نمایشگاه های هنر و مشاور آموزشی هنرهای تجسمی با نهادهای دولتی و خصوصی همکاری داشته و اکنون با سابقه ی ریاست سازمان ملی آموزش هنری در بنیانگذاری دانشکده اصلی علوم انسانی مشارکت داشته است.آثاری که تاکنون از او به چاپ رسیده عبارتند از: تفکر درباره ی هنر و مقالات بیشماری درباره ی هنرهای تجسمی و نقد هنر (بورک فلدمن، ۱۳۷۸).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

کوشش هنرمند نیز بر این است که با سازمان‌بخشی به اجزاء هر اثر هنری، (کلی وحدت یافته) را در برابر دید نگرنده قرار دهد. قصور در اجرای این هدف، یعنی طراحی بی‌تأثیر، موجب می‌شود که نگرنده از تماشای آن اثر زودتر ازآنچه باید روی بگرداند. این‌گونه روی گرداندن دیگر به اعتبار آنچه در بالا گذشت، پایان دادن به تجربه‌ی بینایی برای آغازیدن تجربه‌ای نیست بلکه بریدن رابطه با اثر هنری، و شکست تجربه‌ای است که می‌بایست ثمربخش بوده باشد، بنابراین، هدف طرح بیرون آمده از زیردست هنرمند باید ایجاد وحدتی نیکو اثر، وحدتی ارادی در میان اجزاء باشد، پیش از این‌که آن اجزاء در برابر دید نگرنده یا قرارگرفته باشند. روش‌های دستیابی به این هدف را چنین می‌توان عنوان کرد: ۱) **چیرگی و وابستگی** یا **زبردستی و زیردستی** عناصر نسبت به یکدیگر است. ۲) با در کنار هم نشاندن **شکل‌های نامشابه** ۳) وحدت حاصل از **خطوط متقارن** و **خطوط شعاعی**. آنچه اهمیت دارد عوامل ایجادکننده چیرگی است که از آن جمله **تمایز** و **انسجام** (پیوستگی به تعلق به همدیگر) را مطرح می‌کند. درواقع هنرمند به برقراری (توالی) در میان پدیده‌ها تجسمی می‌پردازد و طول مدت توجهی را که باید به هر یک از آن‌ها معطوف شود در نظر می‌گیرد. عنصر چیره در هر اثر آن است که عناصر دیگر را از جهت محتوای ذهنی و ارزش دیدگانی به تبعیت وابستگی خود درمی‌آورد. چیرگی در مرحله‌ی ابتدایی به تعبیه‌ی بزرگی اندازه، که ساده‌ترین راه است، حاصل می‌شود، چراکه شکل بزرگ‌تر همواره پیش از شکل‌های کوچک‌تر در دیده می‌نشیند. در مرحله‌ی بعدی چیرگی با تندی رنگ تضمین می‌شود (رنگ‌های تند). هم‌چنین سطحی بارنگ گرم بر سطحی بارنگ سرد چیره می‌شود. زیرا رنگ گرم پیش‌نشین است و نگاه نگرنده را زودتر می‌رباید.

روش دیگر برای نشان دادن چیرگی تعیین مکان در سطح تصویر است زیرا دیدگان انسان عادتاً به مرکز هر میدان دید که در برابر انسان قرار گیرد متوجه می‌شوند و به میان دیگر عناصر و اجزائی که در مرکز تماشاگر واقع‌شده‌اند زودتر و بیشتر نگاه نگرنده را به‌سوی خود می‌کشند، به همین سبب است که در چهره‌سازی عموماً سروصورت به فاصله‌ای تقریباً تساوی از چپ و راست و اندکی بالاتر از نقطه مرکزی بوم جا داده می‌شود، که نیز چون بر دیوار آویخته شود تقریباً برابر با مسیر نگرنده قرار می‌گیرد. دیگر اینکه مسیر متقارب خطوط و شکل‌ها رو به ژرفای صفحه‌ی نقاشی، همانند تشعشع خطوط و شکل‌ها از مکانی به اطراف، موجب چیرگی بخشیدن به آن ساحت‌های تصویر

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

می‌گردد. روشنایی عامل چیرگی بخش دیگری است و دیده ، کمتر می‌داند در برابر جذابیت مکان یا عنصری تابان مقاومت کند. بااینکه نور خورشید دیدگانمان را آزار می‌دهد، در مواقعی بی‌اختیار به آن چیره می‌شویم. بدین قرار بخش روشن‌تر نقاشی نیز بر مساحت‌های تیره‌تر پیرامونش چیرگی می‌یابد. همان‌گونه که قرص خورشید بر پهنه‌ی آسمان چیرگی دارد. سرانجام چیرگی را می‌توان از راه تمایز یا مستثنا سازی به تجسم درآورد. همه می‌دانیم که ناهمشکلی نیز به چشم می‌زند یا جلب نظر می‌کند: اگر شکلی بیضی در میان شمار زیادی شکل‌های چهارگوش قرار بگیرد، توپی میان توده‌ی پراکنده‌ی آجر بیفتد، چون عنصری استثنایی، بیرون می‌نشیند و به رؤیت درمی‌آید. بر روی جلد رمانی معروف شکلی شبیه به نهالی سبز و نحیف در فضایی محصور میان دیوارهای آجری جسیم به رنگ زرد نقش شده و همین شکل است که در وهله‌ی نخست توجه ما را جلب می‌کند، چراکه هم‌شکل است و جنبه‌ی استثنایی دارد. در دیده‌ی ذهنمان نیز شکل درخت نحیف را پیش از دیوارهای جسیم گرداگردش مجسم می‌یابیم.

انسجام به یک معنا دلالت بر پیوستگی یا تعلق به همدیگر، در میان اجزاء اثر هنری می‌کند. در زندگی ممکن است اجزائی کاملاً مجزا از هم یا نامرتبط به هم باشند اما در اثر هنری رنگ‌ها، شکل‌ها، اندازه‌ها، بافت‌ها و مانند آن‌ها باید باهم پیوستگی یابند تا جایی که از یکدیگر جدانشدنی بنماید. مفهوم انسجام خاصیت طلسم آسا دارد.، یعنی همین‌که حاصل افتاد، هر تصرفی در آن موجب گسستگی پیوندهایش می‌شود و کل اثر را به نابودی می‌کشاند. واکنش ما در برابر اثری منسجم، یعنی دارای اجزاء به‌هم‌پیوسته، گویی این است که خود را در برابر ذاتی زنده می‌بینیم، چیزی که زیستنش در وحدتش است. اینجا است که نگرنده، سامان یابی عناصر یا طرح اثر هنری را اجتناب‌ناپذیر می‌یابد، که جز این می‌توانست بود و هنوز هم هست.

انسجام تصویری اغلب با به‌کارگیری رنگ و رنگ مایه‌ی مشابه، رنگی منفرد که با مشتاقش سراسر پرده را فراگیرد به دست می‌آید. هر نوع مشابهت دیگر در شکل، رنگ ، اندازه، نورپردازی یا بافت نیز می‌تواند بر خاصیت انسجام بیفزاید. اما تشابهات مخاطراتی هم در پی دارد. ازآنجاکه همسانی بیش‌ازحد ممکن است موجب یکنواختی و دل‌زدگی بشود. تحمل ما در برابر همسانی محدود است، چون همگان نیاز به **تنوع** داریم. با در کنار هم نشاندن **شکل‌های نامشابه** می‌توان به آن‌ها نوعی

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

وحدت‌بخشید، که نزدیکی القاگر پیوستگی است. شکل‌های نامشابه هنگامی‌که در فضای گشاده‌ای محیط، بر خود تنگ قرار گیرند، چون واحدی مدنظر می‌نمایند، زیرا دیدگان آدمی ذاتاً **شباهت** را بر **تفاوت**، و **نزدیکی** را بر جدا اُفتادگی ترجیح می‌دهد. هم‌چنین وحدت حاصل از خطوط متقارب و خطوط شعاعی به‌آسانی قابل‌اجرا و بهره‌گیری از آن در نقاشی و پیکره سازی کاملاً معمول است.

درنتیجه فلدمن اصل سازمان بخش بصری را وحدت می‌داند و اصول دیگر وحدت را به کمال می‌رسانند. حال برای رسیدن به‌کلی وحدت یافته نیاز به سازمان‌بخشی به اجزاء اثر هنری است که در جدول شماره (۱۰-٤ و ۱۱-٤) مؤلفه‌های موردنیاز ذکرشده است. علت اهمیت کل وحدت یافته، وجود وحدت در واقعیات طبیعی است، مثل انسان. انسان‌ها هرکدام واحدی جداگانه‌اند یعنی کلی مجزا هستند. بنابراین وی نیز به وحدت طبیعت اشاره نموده است.

جدول ۱۰-٤. روش‌های دستیابی به وحدت بین اجزاء از منظر ادموند بورک فلدمن

مؤلفه‌ها	تعریف	نتیجه
چیرگی و وابستگی	بین عناصر	ایجاد تضاد
نامشابه بودن	بین شکل‌ها	
متقارن و شعاعی بودن	خطوط منظور است	

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول ۱۱-٤. مؤلفه‌های دستیابی به اصل وحدت ازنظر ادموند بورک فلدمن.

شخص	مؤلفه‌ها	مؤلفه‌های ایجادکننده		تعریف	نتیجه
ادموند بورک فلدمن	انسجام	مشابهت	**مشابهت بین** رنگ	رنگ منفرد با مشتقاتش و رنگ مایه‌های مشابه	• انسجام و تمایز با یکدیگر اهمیت دارند چون همسانی باعث دلزدگی و یکنواختی است لذا تنوع به کار گرفته می‌شود. • چیرگی (به معنای وابسته کردن عناصر از دو جهت : محتوای ذهنی و ارزش دیدگانی.
			شکل	-	
			اندازه	به‌تنهایی یکنواختی و دلزدگی ایجاد می‌کند پس نیاز به عاملی دیگر	
			نورپردازی	-	
			بافت	-	
	تنوع تمایز	شکل‌های نامشابه	-	شکل‌های نامشابه + فاصله نزدیک= واحد به نظر می‌رسند	

فرانسیس د.ک.چینگ[۲۵]: به گفته‌ی د. ک چینگ (۱۳۸۸)، نظم به‌تنهایی و به‌سادگی از یک هندسه‌ی منظم سرچشمه نمی‌گیرد بلکه بیشتر از آن، به حالتی اطلاق می‌شود که هر جزء از یک کلیت در جایگاه، شایسته خود نسبت به سایر اجزاء قرارگرفته‌اند، منظور اصلی را که ایجاد چیدمان هماهنگ است به‌جا آورد. **نظم** بدون **تنوع** می‌تواند به یکنواختی یا خستگی منجر شود، تنوع بدون نظم موجب هرج‌ومرج می‌شود. بنابراین احساسی از وجود وحدت به همراه گوناگونی، مطلوب خواهد بود (جدول شماره ۱۲-٤).

۲۵. Francis D. K. Ching، متولد ۱۹٤۳ میلادی، پروفسور در رشته معماری و طراحی گرافیک و نویسنده کتاب فرم، فضا، نظم(Ching,2003).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول ۱۲-٤. مؤلفه‌های اصل وحدت از دیدگاه فرانسیس د. ک. چینگ.

شخص	مؤلفه‌ها	تعریف	نتیجه
د. ک. چینگ	نظم	حاصل هندسه منظم و چیدمان هماهنگ است یعنی هر جزء از یک کلیت در جایگاه شایسته خود نسبت به سایر اجزاء قرارگرفته باشد.	نظم بعلاوه تنوع، احساسی از وحدت همراه با گوناگونی مطلوب است، در غیر این صورت یکنواختی، خستگی، هرج‌ومرج ایجاد می‌شود.
	تنوع	گوناگونی	

نویسندگان ایرانی:

رویین پاکباز: پاکباز (۱۳۹۰)، وحدت در هنر را بدان معنا می‌داند که تمامی اجزای تشکیل‌دهنده اثر هنری به طریقی ترکیب و تلفیق شوند که درنهایت یک کل منسجم حاصل آید ولی تمایزی میان **وحدت صوری** و **وحدت معنوی** وجود دارد. وحدت صوری، یگانگی بصری ناشی از روابط متقابل همه‌ی بخش‌های **هماهنگ** و **ناهماهنگ** است . به سخن دیگر، کیفیت‌هایی چون ریتم و قیاس و ... که در اثر هنری تنوع ایجاد می‌کند و باعث جلب‌توجه تماشاگر می‌شوند، نباید به اغتشاش بصری بیانجامد. وحدت معنوی، همگرایی کلیه عناصر مضمونی، عاطفی و شخصیت به‌سوی یک مفهوم جامع در اثر هنری است. هر چه همبستگی وحدت صوری و معنوی بیشتر باشد و هر چه وحدت کلی منطقی‌تر باشد، اثر هنری قانع‌کننده‌تر به نظر می‌رسد (جدول شماره ۱۳-٤).

جدول ۱۳-٤. مؤلفه‌های رسیدن به یگانگی بصری (وحدت صوری) از دیدگاه پاکباز

شخص	مؤلفه‌ها	تعریف	نتیجه
پاکباز	بخش‌های هماهنگ	بدون تنوع و شامل یکپارچگی	رابطه متقابل این دو ایجادکننده کل منسجم
	بخش‌های ناهماهنگ	شامل کیفیت‌هایی چون ریتم و قیاس و ... که در اثر هنری تنوع ایجاد می‌کنند و جلب‌توجه می‌نمایند.	

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

درنتیجه با توجه به نخستین سؤال پژوهش مبنی بر مبانی نظری اصل وحدت در زیبایی‌شناسی کاربردی در میان نظریه‌ها و نوشته‌های نویسندگان متأخر، برای این اصل از منظر هرکدام مؤلفه‌ها و شاخصه‌هایی در نظر گرفته‌شده است. نکته قابل‌توجه اینکه بر اساس جداول تدوین‌شده برخی از این مؤلفه‌ها در میان اکثر نویسندگان اشتراک دارند. از میان آن‌ها دو مؤلفه‌ی هماهنگی و تضاد، باهدف نیل به اصل وحدت، نسبت به بقیه ارجحیت دارند. بدین ترتیب با تعریفی از اصل وحدت روبرو هستیم که در ادامه تحقیق نیز به دنبال سرچشمه‌ها و نمود آن و مؤلفه‌هایش در میان آراء دیگر خواهیم بود. زیرا علاوه بر اینکه در میان مطالب مربوط به اصول سازمان بخش و فرم به چنین مفهومی دست‌یافتیم، لذا در ادامه مهم‌ترین بخش سرچشمه‌های اصل وحدت را در، دانش کهن، مباحث کیهان‌شناسی و اسطوره‌های آفرینش بررسی‌شده است (جدول شماره ١٤-٤ و ١٥-٤).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول۱٤-٤. مؤلفه‌های مشترک و غیرمشترک اصل وحدت بین نویسندگان خارجی و ایرانی دوران متأخر.

	مؤلفه‌ها / اشخاص	هماهنگی	تنوع	تعادل	تناسب	تسلط	حرکت	ایجاز	شدت	تکرار	وزن	جهت نیرو
نویسندگان خارجی	اوکویرک و همکارانش به همراه نظریه گشتالت	❊	❊	❊	❊	❊	❊	❊				
	نوئل کارول	❊	❊						❊			
	رودلف آرنهایم	❊	❊							❊	❊	❊
	یورگ گروتر	❊	❊									
	پیرفون	❊	❊									
	جرج دیوید بیرکهوف	❊	❊									
	وی کوزین	❊	❊									
	رابرت ونتوری	❊	❊									
	لوکوربوزیه	❊	❊									
	ادموند بورک فلدمن	❊	❊									
	فرانسیس د. ک. چینگ	❊	❊									
نویسنده ایرانی	رویین پاکباز	❊	❊									
نتیجه	مؤلفه‌های هماهنگی و تنوع به‌عنوان دو عنوان اصلی در راستای دستیابی به اصل وحدت حائز اهمیت هستند.											

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول۱۵-٤. مؤلفه‌های اصلی اصل وحدت بر اساس دیدگاه نویسندگان متأخر.

مؤلف	عناوین دیگر	تعاریف مشترک
هماهنگی	شباهت، وحدت، یکپارچگی، نظم، قانونمندی، انسجام و هماهنگی.	• نظم بین اجزای تشکیل‌دهنده. • قرارگیری هر چیز سر جای خودش. • عامل ایجاد یکپارچگی.
تنوع	گوناگونی، تفاوت، تضاد، بی‌نظمی، ناهماهنگ، تمایز، آشفتگی و پیچیدگی.	• عامل متعادل‌کننده هماهنگی و جلوگیری از ملامت بصری بین اجزای تشکیل‌دهنده. • آشفتگی همه‌جانبه. • به‌کارگیری سطوح مختلف و انواع ارتباطات با یکدیگر. • شکل‌های نامشابه.

۲-٤. شاخصه‌های اصل وحدت از نگاه سنت‌گرایان

اردلان (۱۳۸۰) می‌نویسد سخن از سنت سخن از اصول تبدیل‌ناپذیر است با منشأ آسمانی و سخن از کاربردشان در مقاطع مختلفی از زمان و مکان. سخن از تداوم آموزه‌های خاص و صوری قدسی است که محمل‌هایی هستند برای انتقال این آموزه‌ها به انسان و به فعلیت درآمدن تعالیم سنت در درون انسان. سنت، در حدی که اینجا به تعریف آمد، نه خلق‌وخوی و عادت است، و نه شیوه‌ای گذرای یک عصر مستعجل. سنت که ضروری‌ترین عنصرش مذهبی به معنای عام آن است، مادام که تمدنِ نشئت‌گرفته از آن، و قومی که این سنت، حکم اصل رهنمون را برایشان دارد، پایدارند، بقاء و دوام خواهد داشت و حتی هنگامی‌که در بقای ظاهری‌اش متوقف می‌شود، تسلیم مرگ نخواهد شد. در این حال سایه زمینی‌اش ناپدید می‌شود و خود سنت در واقعیت ذاتی و روحانی‌اش به مبدأ خود بازمی‌گردد. هر جا سنت حکم براند، خواه در جوامع سنتی خواه در تمدن‌های که بر بخش عمده‌ای از تاریخ سلطه داشته‌اند، هر وجهی از حیات و نه‌فقط مصنوعات بشر(هنرها)، با اصول روحانی سنت مرتبط خواهد بود. بااین‌وجود می‌توان گفت هنرها، یکی از مهم‌ترین و سرراست‌ترین تجلیات اصول

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

سنت‌اند، چراکه انسان در میان صور زندگی می‌کند و برای گرایش سوی متعالی، باید با اصول احاطه شود که مُثُل متعالی را پژواک می‌دهند. تمدن اسلامی ارائه‌دهنده‌ی نمونه‌ی برجسته‌ای از یک تمدن سنتی است که در آن حضور بعضی اصول تبدیل‌ناپذیر که بر کل این تمدن مسلط بوده‌اند به‌روشنی پیداست.

هنر اسلامی چیزی جز تفکر و نعمتی در عالم ماده، عالم نفس و حتی عالم وحی قرآنی نیست، اما دریغا این هنر تاکنون بندرت و قطعاً به‌مراتب کمتر از هنر سنتی هند، چین، ژاپن یا اروپای قرون‌وسطی، به‌منظور درک مفاهیم نمادین و لاهوتی‌اش موردبررسی قرارگرفته است. بنیادی‌ترین اصل سنت اسلامی اصل وحدت است که معماری ایرانی در دوران اسلامی نیز تا حد مطلوب، در تلفیق همه‌ی جنبه‌هایش برای نیل به این وحدت تلاش می‌کرد. بااین‌وجود مفهوم سنت به‌گونه‌ای که گفته شد طی چند دهه اخیر به نحو شایانی توسط نویسندگانی چون کوماراسوآمی، ت. بورکهارت، سید حسین نصر، کربن و شماری دیگر مرتبط با مطالعات سنتی تفسیر و تشریح شده است.

مبنای شناخت و درک معماری سنتی که اصول معماری قدسی را از مسجد تا هر واحد معماری دیگر و درنهایت تا خود در طراحی شهری گسترش می‌دهد، رابطه‌ی بین کیهان، انسان به مفهوم سنتی حضرت آدم آسمانی، و معماری ست. وانگهی، این رابطه از اصل الهی که سرچشمه‌ی همه‌ی این واقعیت‌هاست استمرار می‌یابد و ریشه در آن دارد. به‌عبارتی‌دیگر، از دیدگاه سنتی انسان و کیهان خود محصول (هنر قدسی)اند. انسان، کیهان و معماری قدسی، از حیث واقعیت هستی‌شناسی شان، نهایتاً وابسته به ذات الهی‌اند، حال‌آنکه از دیدگاه معرفت باید گفت همه‌ی مقوله‌های کیهان‌شناسی، انسان‌شناسی، و فلسفه هنر به‌طور سنتی مصداق کاربردهای بسیار متعدد اصول لاهوتی(متافیزیکی) در حوزه‌های متفاوت‌اند. دیدگاه توحیدی سنت نه‌تنها معماری و کلیت آن را شامل می‌شود، بلکه دربرگیرنده‌ی همه‌ی عناصر به وجود آورنده‌ی یک صورتِ معماری، از قبیل فضا، شکل، نور و رنگ و ماده هم هست. هم‌چنین باید اذعان داشت که کوه کیهانی یا کوه قاف همراه با عرش، کرسی الهی و درخت کیهانی (طوبا) همگی عناصری پراهمیت در کیهان‌شناسی اسلامی‌اند.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ازآنجاکه دیدگاه وحدت‌گرایانه‌ای که در اسلام چنین بر آن تأکید می‌شود هیچ‌چیز را خارج از حیطه‌ی خود نمی‌داند و حوزه‌ی عقلی کاملاً ناسوتی(دنیوی) یا نامقدس متضاد با امور قدسی را به رسمیت نمی‌شناسد. کل معماری اسلامی، کاربردش هر چه باشد، در جایگاه سنتی‌اش به همان دیده‌ای نگریسته می‌شود که یک معماری کاملاً قدسی چون مسجد. همان دریافت و فضا و شکل که مسجد به ما منتقل می‌کند عیناً در خانه یا بازار نیز محسوس است، چون فضائی که انسان اهل سنت همواره در آن زندگی می‌کند هر جا که پیش آید همانی است که همواره هست. حتی در مسیحیت که بین مذهب و امور دنیوی جدائی افتاده است، در دوران رواجِ سنت نظیر قرون‌وسطی، این تالار شهر بود که به کلیسا شباهت داشت و نه برعکس، حال ادعای آن دسته از معماری متجدد هر چه می‌خواهد باشد، معمارانی که خواهان نابود کردن همه‌ی نشانه‌های سنت در معماری هستند با این استدلال که کلیساها باید همانند بناهای غیرمذهبی باشند همچنان که در قرون‌وسطی چنین بودند برای ادراک معماری سنتی اسلامی یا هر صورت دیگری از معماری سنتی به این منظور، شناخت شیوه‌ی نگرش انسان اهل سنت نه‌تنها به کلیت معماری، ازجمله بعد کیهانی‌اش، بلکه به اجزایش نیز ضروری ست، که از آن میان شاید فضا اساسی‌ترین جزء باشد. فلسفه دکارتی درزمینهٔ کمیت بخشیدن به فضا برای انسان غربی وسیله‌ساز بود تا عملاً همه‌ی خاطرات فضای کیفی‌اش را فراموش کند که مبنای همه‌ی مناسک و جهت‌گیری‌های مذهبی بودند. در معماری اسلامی فضا هرگز از صورت جدا نشده است. این فضا همان فضای انتزاعی اقلیدسی نیست که صورت خارجی پذیرفته است و به‌تبع آن چارچوبی را برای (جایگیری) صورت فراهم می‌آورد. فضا توسط صورت‌هایی که در آن واقع‌اند جنبه کیفی می‌یابد.

یک مرکز قطبی، قطبی کننده‌ی اطراف خود است، عیناً همانند مکه که برای مسلمانان در حکم نقطه‌ای خاکی روی محوری ست که آسمان و زمین را به یکدیگر پیوند می‌دهد و بر این اساس خود مرکز زمین است، قطبی کننده‌ی همه‌ی فضا برای بجا آوردن عالی‌ترین فریضه اسلامی است. مکه که مسلمین پنج بار در روز سوی آن نماز می‌گذارند و مساجد در اصل برای ادای این فریضه ساخته‌شده‌اند، همه‌ی فضا را قطبی می‌سازد و به شیوه‌ای عملی به نحوه‌ی احداث شهرها تأثیر

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

می‌گذارد. اما جدا از این مرکز متعالی، اماکن مقدس کوچک‌تری هم وجود دارند که بازتابنده‌ی حریم‌های مقدس متعالی هستند و در محیط‌های مختص به خود، حکم کیفی کننده‌ی فضا را دارند.

هم‌چنین عوامل طبیعی، چون کوه‌ها و رودخانه‌ها، طبق یک جغرافیای قدسی به فضا کیفیت می‌بخشند. دانش این جغرافیا در همه‌ی تمدن‌های سنتی موجود است و شاید هم واضح‌ترین ترکیب‌بندی‌اش را از خاور دور کسب کرده باشد مفهوم فضای کیفیت یافته به معماری نظم و ترتیب می‌بخشد و ابزاری را برای معمار سنتی فراهم می‌آورد تا به وحدت و هم نهاده(سنتز) دست یابد و بنا یا شهری را به وجود آورد که به انسان یاری می‌دهد تا حرکات روزانه‌اش را درون یک مرکز، یکپارچه نماید. فضای تحقق‌یافته‌ی درون معماری سنتی در طلب آن است که یا این مرکز را به‌طور مستقیم ایجاد کند یا آنکه به‌طور غیرمستقیم القایش نماید.

در سرتاسر معماری سنتی، اشکال هندسی چیزی بیش از تمهیدات صناعی صِرف هستند هرچند که همیشه عملکردی معمارانه دارند. اما در فراسوی عملکردشان که نظمی مادی دارد، واحد عملکردی دیگر بااهمیتی فزون‌تر هستند که همانا یادآور اصول معنوی به انسان از طریق جنبه‌ی نمادینشان است، اصولی که یک ساختمان یا باغ یا چشم‌انداز سنتی در سطح واقعیت خود بازتاب می‌دهد و درعین‌حال با حالات درونی خود انسان همخوانی دارد. در معماری سنتی، مانند همه‌ی هنرهای سنتی، هیچ‌چیز هرگز از معنی منفک نیست و معنی هم چیزی جز معنویت نیست، درست همان‌گونه که خود واژه‌ی معنی در هر دو زبان عربی و فارسی بر هر دو مفهوم، یعنی معنی و هم معنویت، دلالت دارد.

حضور الهی در معماری اسلامی یا در مساجد ساده و سفیدرنگ اولیه جلوه‌گر شده است که بی آرایه بودن کاملشان به‌شدت یادآور وحدتی ست که همه‌ی غنای عالم را به تنهائی داراست و یا در نماهای استادانه رنگ‌آمیزی شده و طاق‌های آشکار است که هماهنگی‌شان خود تجلی جلوه‌ی وحدت در کثرت و بازگشت کثرت به وحدت است. در هنر و معماری جامعه سنتی اصولِ سنت الهام‌بخش نیروهای خلاقه‌ی آدمی است و همه‌ی جامعه را در کلیتی واحد ادغام می‌کند. در چنین جامعه‌ای آن تمایز که معمولاً امروز میان مقدس و نامقدس گذاشته می‌شود یا به میانجی دانشی

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ماورائی و رخنه کننده و در همه حجاب‌های قائل اعتلا می‌یابد یا به‌واسطه‌ی ادغام تمامی جنبه‌های زندگی در وحدتی مقدس که بیرون از آن چیزی وجود ندارد از میان برداشته می‌شود.

نمادها نیز بر دو نوع است: طبیعی و وحیانی، یا عام و خاص. نمادهای طبیعی از قبیل فرآیندهای طبیعت، انتظاماتی با نظامی قرینه یا با نواخت، یا هر دو را تشکیل می‌دهند. آدمی از راه صُور هندسی‌اش، این انتظام‌ها را سرمشق قرار می‌دهد و با خلق صور هندسی که نسبت به مرکزشان قرینه‌اند نمادی از (وحدت در کثرت) به دست می‌دهد که نخستین اصل اسلام است (توحید). نمادهای وحیانی نمادهایی خاص‌اند که سنت‌های مختلف جهان آن‌ها را تأیید و تقدیس کرده است. در سنت اسلامی، خود واژه به‌صورت، حروف و اعداد همچون (حساب جُمل) نقشی بنیادی می‌گیرد و ذاتاً زبان عقل است. اعداد به‌ویژه تبدیل به نوع پرقدرتی از نمادگرائی می‌گردند که در صور مختلفِ قابل‌درک، توسط هر یک از حواس یافت می‌شوند. درست ازآن‌روی که در نمادگرائی ریاضی همه‌ی اعداد و همه‌ی صُور هندسی وابسته به مرکزند، این نوع نمادگرایی بازتابی از وحدت در کثرت است یا به‌واسطه‌ی وجه اشتراک تداعی و ارتباط عددی، بازتاب کثرت به‌مثابه کاربرد از وحدت. هر یک از این دو نماد بازتاب ثبات در جهانی ست دستخوش تغییرات زمانی. این کیفیت ابدی گوهر و ذات تمامی نمادهاست. به یاری حقایق مابعدالطبیعی، حقایقی نهفته در آنچه جهان کهن آن را (جهان اکبر) می‌خواند، منعکس در اسرار اصغر علوم کیهان‌شناختی انسان بر آن می‌شود تا نمادها را به اصل مبدأشان بازگرداند. از طریق شعائری که جزو هنر قدسی است انسان قادر است نماد را به اصل و مبدأش رجوع دهد چراکه هنر قدسی به علوم کیهان‌شناختی وابسته است و هم به اصول و مبادی مابعدالطبیعی.

صورت هنری به‌مثابه یک ظرف یا حاوی (جسم یا ظاهر) از رده قوانین عینی خلق می‌شود. مظروف یا محتوا (روح یا باطن) تکرار تکاملی مُثُل (عین ثابته یا نمونه‌ی ازلی) است. صُور هنری، که گوهرهای برونی و درونی نیز دارد، از طریق حالات متعدد هستی و در ساختاری مبتنی بر سلسله‌مراتب به وحدت وابستگی می‌یابند. این کارکرد نمادین به‌سادگی در ساختار گنبد مشهود است. گنبد شکل ظرف یا حاوی را دارد و بر اساس قوانین عینی ریاضیات و ایستائی ساخته‌شده است. کارکردی همتای گنبد، این است که در عین راه بردن به نقطه‌ای مرکزی، یک فضای کروی را

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

هم در برمی‌گیرد. این کیفیات فطری و دائمی گنبد را باید در حکم تجلی و مظهر صغیر گنبد کبیر افلاک، یعنی آسمان دانست، کیفیاتی که دست‌به‌دست هم داده نمادی از (روح اعظم) را دلالت می‌کنند که دربرگیرنده‌ی عالم است، همان مبدأ که همه‌ی آفرینش از آن نشئت می‌گیرد. هنرمند سنتی صورت ظاهر هنر را در پرتو الهامی می‌آفریند که از جانب روح دریافت کرده است.، از این رهگذر صور هنری قادرند انسان را به شئون والاتر هستی و سرانجام به وحدت رهنمون شوند. انسان به یاری نمادها، به میانجی عقل خود، فرایندهای طبیعت را به تأویل می‌گیرد. درحالی‌که پیشاپیش آمادگی یافته تا از راه شعائر مقرر با این فرآیندها در هماهنگی باشد.

در کیهان‌شناسی و کیهان‌زایی سنتی، سطوح گوناگون هستی کیهانی که با ذات الهی به‌مثابه‌ی مبدأ کیهان آغاز می‌شود، در قوس نزولی به وجود می‌آیند. این قوس سرانجام به زمین می‌رسد که تنها پس از آفرینش هیولا و فضای اولیه، و همچنین پس از خلقت نور، در وجود می‌آید. چنین انگاشته‌اند که فرایند آفرینش به میانجی نَفَس رحمانی وقوع یافته است و جوهر خلقت کیهانی را همین نَفَس تشکیل می‌دهد. نخستین مرحله در این فرایند، هستی بخشیدن به عقل بود که عالم را سراسر فراگرفته است. از طریق عقل، یا کلمه‌الله، است که افاضه‌ی وجود در سلسله‌مراتبی از نزول به ما می‌رسد زیرا عقل کل، در قوس نزول، عالم اسماء و صفات الهی قرار دارد، سپس عالم پاک معنوی «اعیان ثابته» (عالم مُثُل نوریه) و سرانجام عالم مثال یا ملکوت (عالم مُثُل معلقه) که بازتابی از سطوح بالاتر وجود هستی ست. این ملکوت همان مکانی ست که تمامی صور سنتی آن را انعکاس می‌دهند. ازآنجاکه انسان «عالم صغیر» آینه‌دار تصویر «عالم کبیر» است، همه‌ی امکانات عالم را درون خویش دارد. انسان همان نقطه‌ی محوری میان قوس نزول و عروج است. بدین‌جهت انسان، در حد واپسین مرحله‌ی خلقت، هم‌نهاده ای از تمامی واقعیت کیهانی است. به این دلیل دریافتی که انسانِ با اصل، از واقعیت دارد شامل جنبه‌ای کمی ست و به توازنی می‌انجامد که او قادر است میان جهان مادی از سوئی و جهان معنوی از سوی دیگر برقرار کند. انسان بر آن است تا این سرشت خداوارش را در جامعه‌ای سنتی به فعلیت درآورد. ازآنجاکه انسان‌ها هم در یک سطوح واحد معنوی نیستند، به زبانی مشترک نیاز دارند. اگر زبان بناست نمایشگر و پرورنده‌ی وحدتی باشد دلخواه آدمی پس به بنیادی مستحکم نیاز است. نظام آموزشی به‌گونه‌ای است که می‌توان از طریق مجموعه‌ی از اصول، انسان‌های مختلفی

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

را برای پیشه‌های مختلف پرورش دهد. دوره‌ی آموزشی در مدرسه که خود مراتبی دارد شامل علومی از قبیل حساب، هندسه، نجوم، موسیقی، و علم مناظر (اُپتیک) است. از راه تعلیمات سنت، که سخت بر ریاضیات و طبیعیات و کیمیا متکی است، زبانی نمادین به دست می‌آید.

اعداد، خطوط، اشکال و رنگ‌ها ارائه گر نحوه‌های منسجم بیانی برای نُفوس بیدار و هوشیار است که در جستجوی تبیین صُور بیرونی ست. نمود جسمانی(فیزیکی) این تبیین‌ها از اهمیت ژرفی برخوردار است، چون انسان خلاق به میانجی آن از راه ذکر آیینی اسماء الهی، خلقت را از نو به فعالیت درمی‌آورد. ازآنجاکه انسان به چشم نفس رحمانی می‌نگرد، سخن گوئی میان جهان جسمانی و جهان روحانی که آدمی را از زندگی در قفس جسم می‌رهاند. استاد صنعتگر خود هنروری ست که در فرایند آفرینش سهیم می‌شود، از راه شعائر سنتی که آماده‌اش می‌سازند آثار هنری بیافریند که بازتابی از صور در ملکوت یا عالم مثال دارند. هدف این شعائر ذاتاً یکی ست. خلق یک حالت آگاهی که به تفکر در چندوچون حقیقت الهی راه دهد. بخش عمده‌ای از این حالت تعمق نواختِ (ریتم) دوره‌ی زندگی آدمی ست که از راه انجام نماز، روزه و قوانین شریعت در سرتاسر وجود بشری او نفوذ می‌کند.

این رویه‌ی بنیادی انسان را با نواخته‌ای طبیعت و کیهان مرتبط می‌سازد که خلوتشان و صفایشان وسیله‌ساز نخستین مرحله در عروج معنوی اوست. شیء که خلق می‌شود، زیبایی درونی ماده را به درجه‌ای هم‌تراز تجربی هنرورز با استادش، از تعلق می‌رهاند و آزادی‌اش می‌بخشد. این هنر آئینی محیط بشری را قادر می‌گرداند تا به اراده‌ی انسانی در نظم آفرینی و توحید سهیم شود. روح را مجال می‌دهد تا ازملک جدائی گیرد و در پرتو لطف و صفای آنچه خلق‌شده است ورای زمان رود و سوی لایتناهی عروج کند. بدین‌سان انسان سنتی بر آن است تا از رهگذر هنری که نمایشگر تعادل و صفا و صلح و سلم است جهانی بنا کند. تمامی تنش میان زمین و آسمان را نادیده می‌گیرد تا آرامش وضع ازلی وجود یک‌بار دیگر تجربه و برقرار شود. از میان آفرینش‌های آدمی، معماری ارائه گر حیاتی‌ترین و جامع‌ترین ساخته‌هاست و ازاین‌روی در میان هنرها موقعیتی محوری به خود می‌گیرد. معماری نمایشگر کثرت و مسائل و گوناگون‌ترین راه‌های نیل به وحدت است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

هنرمند لزوماً ناچار نیست الهیات سنت را، برای هنرپردازی یکسره بشناسد. سنت قواعد کلی را به دست می‌دهد و از این راه برای هنرمند ضامن ارزش معنوی صورت‌هاست. به پشت‌گرمی صوری که از عنایت خداوندی الهام می‌شوند و به پشت‌گرمی روحیِ ساحتِ باطن ست که سنت زنده است، و به توفیق خداست که انسان می‌تواند جزئی از سنت باشد و به هنرش بپردازد. لازمه‌ی هر هنر با اصل، رعایت اصول معنوی ست که خودِ مبنای **اصالت**[۲۶]، چنین هنری را تشکیل می‌دهد.

انسان سنتی تمامی آفرینش را فیضانی، از واحد، می‌شمارد و به این مکاشفه می‌رسد که او و طبیعت در ساختار و تناسب اشتراکی دارند که از راه ریاضیات سنجیدنی ست. از آن‌سو، تمامی آفریده‌های انسان و طبیعت به‌مثابه صوری هستند پذیرای قوانین ریاضیِ تشابه، تقارن، و هندسه. آن زیبایی که در بلور برف می‌توان دید با انتظام هندسی‌اش همان‌قدر بستگی دارد که ظرفیتش در آینه‌داریِ انتظامی والاتر و ژرف‌تر. چنین برمی‌آید که تمامی شکل‌ها، سطح‌ها و خط‌ها موافق با تناسبات طبیعت انطباق یافته‌اند و آینه‌دار دار دلخواه‌ترین نظام‌های زیبایی‌اند. انتظام و تناسب به‌منزله‌ی قوانینی کیهانی‌اند و بر عهده‌ی آدمی ست تا فرآیند ایشان را از راه حساب، هندسه و هماهنگی دریابند. نسبت شکل با تناسب همان‌گونه است که نسبت نواخت(ریتم) به زمان، و هماهنگی به صدا. همچنان که نواختِ کیهانی و صداهای هماهنگ برحسب عدد، دریافت می‌گردد، دریافتِ تناسب نیز از همین رهگذر آغاز می‌شود.

انسان سنتی طالب آن بود که تا سر حد توانائی‌اش عشقی را که به آفریدگار خود داشت اظهار کند. آدمی، در حد نقطه‌ای محوری در عالم صُور، بران است تا مبین همان کثرت و همان گزافه نمائی باشد، نه از طریق هنری طبیعیگرای بلکه به مدد هنری نمادین که از نحوه‌ی تجلی طبیعت تقلید می‌کند و سطوح را همان‌گونه اصیل می‌گرداند که آفرینش به خاک اصالت می‌بخشد. اصیل گردانی سطح‌ها از راه تبدیل ماده قصد اولیه‌ی سطح آرائی است، تنها از این راه است که ماده می‌تواند از سنگینی خود به درآید. موضوع چه معماری یادمانی باشد، چه فرش و ...، به‌هرتقدیر این فرایند

۲۶. اصالت در اینجا به معنای جامع واژه است. شرط اصالت توانایی هنرمند است به این‌که (پی ببرد) اصلی هست که هم از رهگذر آن ب هویت خود دست یابد، تمایل اوست به پیروی از قوانینی که سنت گزارده و پرهیز از هر آنچه و بدون کارایی ست. (اردلان، ۱۳۸۰)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

کیهانی اعمال می‌شود. هم‌چنین طرح‌های تک سطح، استحکام و وضوحی بسیار به چنگ می‌آورند. کیفیت بدوی‌شان، الگوهای بی‌تکلفشان و کاربرد بالنسبه محدودشان از دستمایه‌ها و صناعت‌ها، با صراحتی خموشانه رسانای وحدت است.

توسعه اصولِ اسلامی برای تبیین وحدت از راه سازمان‌بندی اشکال و فضاهای کمی و کیفی در قرارگاه‌های انسانی، پذیرای سه‌نظام مشهودِ نظم آفرینی بوده است: طبیعی، هندسی و هماهنگ. هر نظام متکی به آن دو دیگر است، اما به خاطر هیچ‌یک از دو نظام دیگری از پیشرفت در طول زمان بازنمی‌ماند. هر یک از آن‌ها حتی امروز هم بازشناختی ست. آدمی با این سه‌راه بنیادی به محیطش شکل می‌دهد. بادیه گردان و روستائیان که از دیگران به طبیعت نزدیک‌ترند، نظم و انتظام طبیعی را گسترش دادند. نظم هندسی به‌مثابه گونه‌ای وحدت در وحدت با نظام کهن‌ترین شهرهای آدمی مرتبط است. شکل‌های هندسی، در چارچوب یک هندسه‌ی فرا آگاهانه در الگوهای طبیعی با یکدیگر پیوندیافته‌اند. اما نظم طبیعی یا نواخت طبیعی حاصل تلفیق ناآگاهانه قوانین کیهانی به دست انسان است. کوه‌ها، دره‌های عمیق، بستر رودخانه‌ها یا فراز و نشیب سرزمین‌ها، همگی عملاً در حد مرزهای طبیعی هستند که انسان در آن‌ها نظام‌های به وجود می‌آورد که نمایشگر گرایش‌های مشخص تصادفی، خطی یا خوشه‌ای‌اند. نظم تصادفی یا نسنجیده در روستاهای ایران معمولاً در مناطق گرم و مرطوب به چشم می‌خورد. آنجا به خاطر میان کنش ایده‌های مالکیت، نظام کشت و کار، شرایط اقلیم- زیستی، آدمیان واحدهای جداجدا ساخته‌اند که به تک اخترانی در آسمان می‌مانند. اما این واحدها، با الگوهای جامع به هم ربط یافته‌اند که برای کسانی که نسل‌اندرنسل با این الگو زیسته‌اند مشهود است. این طرح کلی، کیفیتی یک‌شکل دارند که ساختار خاصی از وحدت را تشکیل می‌دهد، ساختاری که تا بی‌نهایت قابل توسعه است.

معماری ایرانی محمل گسترش دو گونه تبیین آگاهانه در دو قطب رویارویی بوده است، روش بنیادی‌تر از طریق حداقل وسایل بیانی هنر معماری، دستمایه‌ها، رنگ‌ها و شکل‌ها به وحدت دست می‌یابد. این روش اصولاً می‌کوشد صورتی واحد را برگزیند که از ماده‌ای واحد ساخته‌شده و از راه تکرار و تفضیل این صورت به وحدتی بدیهی دست یابد (نظم هندسی). نقطه مقابل این روش آن است که از راه کاربرد حداکثر وسایل بیانی هنر معماری به وحدت می‌رسد(نظم هماهنگ). ماهیت

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

چیزها (اشیاء) چنان‌اند که آدمی میان بسیط و مرکب در نوسان است، او تجزیه‌وتحلیل می‌کند. ذهن فکور از کثرت بار وحدت می‌گیرد و از وحدت بار کثرت. ایرانیان در تجلیل از مفهوم توحید به نظمی شاعرانه رسیده‌اند، و از رهگذر نظم هماهنگ به پایه‌ی برتری از تحقق معنوی ارتقاءیافته‌اند. اساس این نظام بر این عقیده است که سالم‌ترین شکل زندگی انسان در محیطی است که با خود او همساز باشد. اما اینکه چگونه این عناصر گوناگون جسماً وابسته‌ی هم هستند و وحدت در کثرت به دست می‌آید قابل‌توجه است. تداوم اولیه طرح و مفهوم فضای مثبت نتیجه می‌شود که از راه کاربرد هوشمندانه‌ی تقارن و نواخت به تعالی رسیده است. میان شکل مثبت کل شهر، که توده‌ای سه‌بعدی به شمار می‌رود و پیرو الگوی وضع کالبدی ست که ذکرش رفت، فضای مثبت سلسله‌مراتبی از حجم‌های منفی هندسی نقر می‌کنند که حرکت آدمی از خلال آن‌ها انجام می‌گیرد. نظم هماهنگ پیونددهنده‌ی این دو مفهوم زمان و مکان است که متضاد می‌نمایند (چون زرد و آبی) اما در درون شامل یکدیگرند و ازاین‌رو مکملین هستند. هم نهاده از راه تداوم مکان به دست می‌آید و با صوری هندسی که دور به دور تکرار می‌شوند، مشخص می‌شود و از طریق حرکت به‌طور یکجا محسوس می‌شود. حرکت، زمان و مکان را در وحدتی ادغام می‌کند تا لایتناهی در فضا بسط یافتنی ست و بااین‌همه در هر نقطه‌ی مفروضی از زمان تمامی می‌گیرد.

نظام چهارگانه: چهاردر حد عدد، و در حد مربع در هندسه، بازتابی از نقش‌بندی تصوری نفسِ کل است که به‌گونه‌ای صفات فاعلیِ طبیعت(گرم، سرد، تر، خشک) و کیفیات انفعالی ماده، (آتش، آب، هوا، خاک) ظاهر گشته است. چهار ربع روز، تربیعات قمر، چهارفصل، و بهره‌های چهارگانه‌ی زندگانیِ اینجهانیِ آدمی بازتاب‌های ثانوی این نظام‌اند. چهارعنصر، آتش، هوا، آب‌وخاک نمادهای صفاتِ کلی و عمده‌ای می‌گردند که به‌موجب شأن ماده‌ی جسمانی در عالم تحت القمر (عالم سفلا) پدیدار می‌شود. هرکدام در درون شامل جفتی از صفاتِ طبیعی، گرمی، سردی، تری و خشکی در حد عواملی فعال در میان ماده‌ی جسمانی‌اند. عناصر چهار حالت بنیادی ماده را تشکیل می‌دهند. هر جسم شامل همه‌ی چهار نمود است هرچند که تسلط تنها با یکی ست. واقعیت جسم‌های مادی تنها به‌ظاهر بیرونی ادا نمی‌شود بلکه جسم‌ها صاحب ذات و گوهری درونی‌اند وابسته با کلمه الله یا روح و تثبیت‌کننده‌های بسیار نَفس رحمانی‌اند. طبق کیهان‌شناسی سنتی، آتش گرم است و خشک. آتش با

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

توان خود به این‌که پخته گرداند، تلطیف سازد، بازپرداخت کند و هم‌آمیزی دهد، همه‌چیزی را به هماهنگی می‌آورد. گرما و روشنایی جنبه‌های آتش‌اند و برای هنر معماری از همه‌چیزی مهم‌تر.

نه‌تنها بدن یا جسم از حیث کالبد به شهر و کیهان تشبیه شده است، بلکه عملکرد اجزاء بدن به‌صورت عددی امری حائز اهمیت است. برای مثال، رشد بدن از طریق هفت وسیله صورت می‌گیرد: جاذبه، تغذیه یا ماسکه، هاضمه، دافعه، غازیه، نامیه، مُصور و ...(هفت قوه نباتی)، عدد چهار مهم است: چهارعنصر با چهار قسمت بدن(سر، سینه، شکم و پا) و با چهار دروازه‌ی شهر همخوانی دارند. شهرهای مدور یا چهار دروازه، چهار جهتِ اصلی داشتند.

جمادات و کانی‌ها: در عالم طبیعت، اولین صورتی که عنصرها به خود می‌گیرند صورت جمادات به معنای فلزها و کانی‌هاست. علم سنتی که به‌ویژه با این حوزه‌ی ماده‌ی جسمانی سروکار دارد علم کیمیاست. علم کیمیا، علمی ست که با مواد زمینی سروکار دارد که منادی از حضور روح در طبیعت است. عالم نمادها وسیله‌ساز تبیین مراحل این فرایند است. مایه‌ی اصلی کیمیا، فلزات است. اما فلزات مرکب از چهارعنصرند، که نه‌تنها بر سطح زمین به ترکیب‌های گوناگون به‌صورت کانی‌ها یا معدنی‌ات وجود دارند بلکه نیز در سلسله‌مراتبی میان زمین و آسمان مترتب هستند. عناصر به‌نوبه‌ی خود مرکب‌اند از صفات طبیعی گرمی، خشکی، تری و سردی که هر یک شامل جفتی از این صفات هستند. این صفات طبیعی همه‌جا بر زمین حضور دارند و از طریق آن‌هاست که ما رابطه‌ای مختلف و ترکیب‌هایشان را فهم می‌کنیم. در هر جسمی جنبه‌ی گرم و خشک مکمل جنبه‌ی سرد و تر است. فرآورده در این هم‌آمیزی متضادها، تحویل‌پذیر به این یا آن دیگری نیست، بلکه خود هم نهاده‌ای از این کیفیات متضاد است، چون یین و یانگ که نمادشان پیداست چگونه هرکدام دیگری را در حد مکمل درون خود نگه‌داشته است. بعلاوه، طبایع گرم، خشک، سرد و تر با چهار فرایند عنصرها، همین‌که یکپارچه گردند، به تعادلی می‌رسند که در آن این کنش‌های متضاد هماهنگی می‌گیرند. کیمیاگری چون هنر راستین، از طبیعت در نحوه‌ی عملکردش پیروی می‌کند، با کنشی همساز با طبیعت که قدرتی جهان‌شمول و کیهانی به شمار می‌رود. نمادها مبحث مهمی در شکل شناسی اجزای معماری تشکیل می‌دهند که در حد بازتاب‌های مُثل، که نوعاً در صُور مادی روی می‌نمایند هستند،

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

این صورت‌ها سپس توسط آدمی متبلور یا منجمد می‌شوند و زمینه‌ی خلاقه برای تحقق زمینی مثل‌ها یا اعیان ثابته فراهم می‌سازند.

هم‌چنین به گفته‌ی بورکهارت (۱۳۸۹) در ادامه باید اذعان داشت، شالوده‌ی جهان‌شناسی مسیحی و عنصری که پیوند اسطوره‌ی کتاب مقدس را با میراث یونانی ممکن می‌سازد، آموزه‌ی انجیلی لوگوس(کلمه‌الله)، به‌منزله‌ی منشأ وجود و نیز سرچشمه معرفت است. این آموزه، فی النفسه از جهان‌شناسی برمی‌گذرد (این در حالی است که انجیل به‌ندرت حاوی عناصر جهان‌شناسی است)، درعین‌حال محور معنوی آن را تشکیل می‌دهد، و از طریق همین آموزه، علم مخلوق بامعرفت نا مخلوق پیوند می‌یابد. بدین‌سان جهان‌شناسی به سبب پیوند با مابعدالطبیعه با الهیات از در آشتی درمی‌آید. جهان‌شناسی قبل از هر چیز نوعی امتداد عرفان به شمار می‌آید. این سخن را در باب همه‌ی جهان‌شناسی‌های سنتی، خصوصاً جهان‌شناسی اسلام و یهودیت نیز می‌توان گفت که محور ثابت این جهان‌شناسی‌ها همواره آموزه‌ی وحیانی روح و یا عقل کلی بوده است. این در حالی است که علم جدید از ما می‌خواهد که بخش اعظم آنچه به نظر ما واقعیت جهان را می‌سازد فدا کنیم و در عوض پاره‌ای از قواعد ریاضی در اختیار ما می‌نهد که تنها مزیتش این است که به ما در استفاده‌ی صحیح از ماده در مرتبه‌ی مربوط به آن، که همان مرتبه‌ی کمّی است، یاری خواهد رساند. بااین‌وجود هر معرفت جهان شناختی راستینی بر جنبه‌ی کیفی و به‌عبارت‌دیگر، بر صورت‌های اشیاء بناشده است، چراکه این صورت‌ها نشانه‌هایی از ذات اشیاء هستند. بدین سبب، جهان‌شناسی هم مستقیم است و هم‌نظری، زیرا هم کیفیات اشیاء را به‌طور مستقیم درمی‌یابد و درباره‌ی آن‌ها هیچ شکی به خود راه نمی‌دهد و هم درعین‌حال این کیفیات را از تعلقات خاصشان رها می‌سازد تا بررسی اشیاء به لحاظ مراتب مختلف ظهورشان ممکن گردد. بدین‌سان، عالم وحدت درونی خود را منکشف می‌سازد و در همان حال طیف بی‌پایانی از وجوه و ابعاد خویش را آشکار می‌گرداند. هرچند که این بینش گاه صورت شاعرانه به خود می‌گیرد، اما واضح است که زیانی متوجه آن نخواهد بود، زیرا هر احساس شاعرانه‌ی ناب متضمن نوعی گواهی قلبی از هماهنگی ذاتی جهان هستی است و سخن حضرت محمد(ص) که فرمود: اِنٌ مِنَ الشعرِ لَحِکمه، به همین معنی است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بااین‌وجود علم جدید رخنه‌هایی را نشان می‌دهد که معلول این واقعیت است که جهان پدیدارها بی‌حدومرز است و درنتیجه هیچ علمی را هرگز امید دستیابی به نهایت آن نیست. این حفره‌ها به‌خصوص حاصل علم جدید است که همه‌ی ساحت‌های غیر جسمانی واقعیت را به‌طور نظام‌مند طرد کرده است. با این اوصاف، به چشم‌انداز جهان‌شناسی سنتی می‌پردازیم.

بورکهارت[۲۷]: به گفته‌ی نجیب اغلو (۱۳۷۹)، رویکرد ماهیت باورانه ی بورکهارت به فرهنگ بصری اسلام خلاصه‌شده، رویکردی که حاکی از مردود بودن شیوه‌های تحلیل تاریخی ازنظر اوست. وی شیوه‌ی تحلیلی مدرن تاریخ هنر را بدین‌جهت که در آن بُعد معنوی هنر اسلامی لحاظ نمی‌گردد، محکوم می‌کرد و بر این باور بود که در چنین شیوه‌ای هر چه در هنر فارغ از زمان است، مغفول می‌افتد. بنابراین شیوه‌های تاریخی تحلیل، که برای سنت‌های هنری مابعد رنسانس در غرب مطرح‌شده، برای فهم سنت بصری اسلامی نامناسب است.

هم‌چنین اردلان (۱۳۸۰) می‌نویسد، بورکهارت بابیان ریشه‌های تفکر در اسلام، علیرغم تنوع در مکان‌های بروز هنر اسلامی و تنوع اقلیمی، معتقد به وحدت در هنر و مداومت آن است که این امر را نتیجه‌ی نوعی الهام ثانویه می‌داند. به‌زعم وی، این امر متأثر از به هم رسیدن دین اسلام و نظام اجتماعی در سده‌ی دوم هجری است که موجب شکوفایی سریع هنر شده است. بااین‌وجود نجیب اغلو (۱۳۷۹) اذعان دارد که، در میان متفکران سنت‌گرا، بورکهارت ازجمله فلاسفه‌ای بود که می‌گفت سنت بصری اسلامی در اصل از تعمق در وحدانیت الهی(توحید) ناشی شده که در قرآن به‌صورت بارقه‌های گذرایی ظاهرشده است. بورکهارت همچون سایر سنت‌گرایان وحدت هنر اسلامی را مبتنی بر زبان عام می‌دانست و آن را به مفهوم اساسی توحید همراه با قول به وحدت وجود در عرفان، و خصایص معنوی فرهنگی متأثر از وحی اسلامی نسبت می‌داد. **سید حسین نصر**[۲۸]

۲۷. حکیم هنرمند و هنرشناس سوئیسی آلمانی‌تبار، در سال ۱۹۰۸ میلادی در خانواده‌ای اهل فضل و هنر در فلورانس ایتالیا دیده به جهان گشود. در دوران نوجوانی هم شاگردی فریتیوف شوآن(۱۹۰۷–۱۹۹۸)، حکیم متأله قرن گذشته بود(بورکهارت، ۱۳۸۹).

۲۸. متولد ۱۳۱۲، فیلسوف ایرانی، پیوند با جریان فکری حکمت خالده (نصر، ۱۳۹۱).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

نیز بورکهارت را ستوده است که توانسته از درون سنت تصوف از اصولی‌ترین جنبه‌ی حکمت چنان سخن گوید که تنها از وجدان و شهود عالم روح برمیاید.

هم‌چنین اردلان (۱۳۸۰) بر این باور است که بهره‌گیری از هندسه افلاطونی و تناسب میان دایره و مربع، نوعی کنش میان ایستایی و پویایی و تفاهم میان زمان و مکان را فراهم می‌آورد. بهره‌گیری کیفی از هندسه (هشت‌ضلعی) در معماری پایه فکری برای درآمیختگی کثرت با وحدت است. تبدیل کُره به مکعب که در معماری اسلامی در اوج قرارگرفته تمثیلی است از اتصال گنبد آسمان به زمین خاکی. زمانی که کره به مکعب می‌رسد، لحظه به فضا می‌پیوندد که این امر، از مضامین اساسی معماری اسلامی است. هم‌چنین بهره‌گیری از روشنایی وسیله‌ای برای جلوه‌ی اندیشه‌ی وحدت وجود در دستان هنرمند اسلامی است. بااین‌وجود به گفته بورکهارت، هنرمندی که بخواهد اندیشه وحدت وجود را نمودار سازد، سه وسیله در اختیار دارد: ۱) هندسه که وحدت را در نظم فضایی جلوه‌گر می‌سازد. ۲) ریتم که وحدت را در نظم دنیوی و غیرمستقیم در فضا نمودار می‌سازد.۳) نور که نسبت آن به شکل‌های قابل‌رؤیت مانند وجود مطلق است به موجودات محدود. روشنایی به‌خودی‌خود دیدنی نیست و سرشت آن با تقسیمات آن به رنگ‌ها دگرگونی و با افزایش و کاهش آن به درجات میان نور و تاریکی کاستی نمی‌پذیرد.با این اوصاف بورکهارت نمود اصل وحدت را در همه‌چیز در نظر می‌گیرد و اساساً هنر اسلامی را نمایانگر بعضی وجوه وحدت الهی می‌داند که می‌توان در شرح وی از هنرهای مختلف به رویکرد وی پی برد.

فرش: در نظر بورکهارت فرش به‌مثابه نمودی از یگانگی اجزاء متکثر است. در فرش علی‌رغم تعدد نقوش و گره‌هایی که ذره‌ذره فرش را به وجود می‌آورد، هماهنگی و انسجامی در کلیت طرح و کالبد فرش موجود است که در عین کثرت نقوش و اجزاء وحدت در آن جلوه‌گر است.

خطاطی: بورکهارت نوعی وحدت را در پیوستگی حروف و کثرت را در گستره‌ی عمودی کلمات می‌انگارد و حرکات عمودی خط عربی را مایه وحدت و حرکت‌های افقی را عامل کثرت می‌داند. نفس ساختار خط، مرکب از کشیده‌های به‌هم‌بافته طولی و عرضی در بافتی سخت غنی است. کشیده‌های طولی، چون تار قالی، سبب می‌شود تا طرح با هستی و رابطه برقرار سازد و درعین‌حال

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ساختاری به خود گیرد، حال‌آنکه کشیده‌های عرضی، همچون پود، با آفرینش همخوانی دارند که توسعه توازن و سیلان طرح تصوری اصلی است. از طریق بافته‌های هماهنگ کشیده‌های طولی و عرضی است که وحدت به دست می‌آید.

رنگ: عالم رنگ خالی از تضاد نمی‌تواند باشد، وقتی‌که یکی به گونه‌ی بسیار نمود می‌کند، وحدت در صُوری هرچند به‌ظاهر متضاد روی می‌نماید که به‌راستی هیچ نیستند. عدد سه در حد عدد، و در حد مثلث در هندسه، بازتابی از مفهوم بنیادی روح، نفس و جسم است که تمامی آفرینش را می‌سازد. نور هم که ازلحاظ نمادین سفید تلقی می‌شود، از خورشید نازل می‌شود و نماد توحید است. هم‌چنین در ارتباط با علم کیمیا و رنگ می‌توان اذعان داشت که با علم کیمیا خود را در فرایند خلقت دنیوی شرکت می‌دهد. کیمیا جنبه‌ای دوگانه دارد. از سوئی دانش تبدیل نفس آدمی ست. از سوئی دیگر از طریق هنرها و صنایع سنتی، دانشی پیرامون ذوات و فرآیندهای طبیعت است. انسان سنتی در فرآیند آفرینش سهیم می‌شود، از طریق فرآیند استحاله‌ی ماده، بازگرداندن ماده، به فطرت ازلی‌اش به‌مثابه (طلای مخفی) همان‌گونه که بود. هماهنگی‌های رنگ در طبیعت گر چه فراوان‌اند، نمایشگر ویژگی‌های بارز گروهی هستند که ترجیحاً دارای نظام‌های همساز یا هماهنگی است. هم‌چنین در ارتباط با هماهنگی رنگ‌های ناهمساز می‌توان گفت که تضاد رنگ‌های ناهمساز(مخالف) روی دایره‌ی رنگ در طبیعت نیز به همان فراوانی رنگ‌های موافق و همساز رخ می‌نماید.

اسلیمی: هر اسلیمی بازنمای تحرکی ست که تکرار منتظم ویژگی‌ها، عناصر، و پدیده‌ها بر آن دلالت می‌کنند، هم ازاین‌روی دارای تناوب است. ترنجی مرکزی با آویزه‌ها و شرفه‌های متعدد، ترنج‌های تشعشعی که تا نقطه‌های گوناگون بسط می‌یابند، ساقه‌های مارپیچ، مشبک‌کاری‌ها و خانه‌بندی‌های مختلف، همه و همه تجلی از طرح تصویری روضه‌ی اخوان است. صورت‌ها، از راه قانون هرلحظه به شکل دیگر تکرار می‌گردند که به میانجی دستمایه‌های جدید و متغیرهای زیرکانه، خود مبین وحدت‌اند. درباره نقش اسلیمی، بورکهارت (۱۳۸۹) بر این باور است که در این هنر هرگز توجه به یک نقطه معطوف نبوده و پویایی در تکرار منظم آن ، بین وحدت الوهیت است بر پایه‌ی گوناگونی بیکران جهان.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

پیچش نقش‌های اسلیمی درعین‌حال که موجب دوران دید بیننده و متضمن کثرت است، باکیفیت آهنگین خود متجلی وحدت نیز هست. پیچاپیچگی هندسی اشاره بسیار آشکاری است بر اندیشه‌ی اینکه یگانگی الهی یا وحدت الوهیت زمینه و پایه گوناگونی‌های بی‌کران جهان است. از طریق هماهنگی تابیده برجهان است که وحدت الوهیت در جهان نمودار می‌شود و هماهنگی هم چیزی نیست جز وحدت در کثرت، و به همان‌گونه که کثرت در وحدت است.

بورکهارت درباره‌ی هماهنگی، کثرت در وحدت یا گوناگونی در یگانگی و یگانگی در گوناگونی اذعان دارد که، هنر در پهنه‌ی دنیای اسلام دارای تعدد سبک‌هایی است که منشعب و کثرت اقوام مولد آن است. اما تعمق در سبک‌های اسلامی گویای وجود منشأ واحدی است که به گوناگونی آن وحدت می‌بخشد و این خود بیانگر هماهنگی موجود در روح اسلام است. هماهنگی که مخلوق بشر است. بااین‌وجود این نیروی پیوستگی در هنر اسلامی موجب بروز خاصیت ایستایی در هنر اسلامی و خود مایه پایداری این هنراست.

بورکهارت عامل واحد زیر بنایی تشکل جهان را وحدت می‌داند و تمام منکثرات از ذاتی واحد سرچشمه می‌گیرند. به ترتیبی که بورکهارت اذعان دارد که در هنر اسلامی وحدت هرگز پیامد پیوستگی عوامل تشکیل‌دهنده نیست، بلکه ذاتی است و همه‌ی شکل‌های ویژه فرعی از آن حاصل می‌شود. مضمون اصلی اسلامی، وحدتی است که همواره در همه‌جا و همه‌وقت موجود است و تنها باید آن را بازشناخت. پس کوشش آدمیان تنها شناختن و نمایان ساختن این وحدت است. نقش هنر اسلامی تجلی وحدت الهی در جمال و نظم عالم است، و هنر باید به روح مدد رساند تا از قید کثرت رها شود و به‌سوی وحدت بازگردد. بااین‌وجود هنر هرگز از هیچ برنمی‌خیزد و اصالت آن در درهم آمیختن عوالم موجود در گذشته نهفته است.

به گفته‌ی فرهمند بروجنی (۱۳۸٦)، وحدت در شهرهای ارگانیک منوط به نسبت و رفتارهای اجتماعی بوده که بر معماری و شهر مؤثر واقع می‌شوند. چنان‌که در بسیاری از بلاد اسلامی درون‌گرایی عناصر شهر و معماری آن متأثر از فرهنگ عمومی در جامعه اسلامی است. اما نکته جالب بیان‌شده در خصوص شهرهای ارگانیک، یگانگی وحدت عوامل تشکیل‌دهنده‌ی شهر است که در

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

نمایش عمومی آن گویای همسازی و توازن در چیدمان اجزاء کشیده آن هست(وحدت در کثرت تک‌دانه‌های عناصر شهری). نوع نظم حاکم بر جامعه در شکل‌پذیری شهر مؤثر هست. همچنین آداب طواف به دور کعبه به‌مثابه‌ی تمثیلی از گردش آسمان به گرد قطب محور کعبه دانسته شده و توجه به مرکزی واحد برای عبادت عامل وحدتی است که در کثرت مسلمانان متجلی شده است (جدول شماره ١٦-٤، ١٧-٤ و ١٨-٤).

جدول١٦-٤. تطبیق مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) با مؤلفه‌های هنر اسلامی از دیدگاه بورکهارت.

	مؤلفه‌ها	تعریف	نتیجه
هنر اسلامی	تنوع	در مکان‌های بروز هنر اسلامی.	سنت بصری اسلامی در اصل از تعمق در وحدانیت الهی (توحید) ناشی شده است.
	وحدت	در هنر و مداومت آنکه نتیجه‌ی نوعی الهام ثانویه است.	

جدول١٧-٤. نمود مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) در هنر اسلامی از دیدگاه بورکهارت.

مقوله‌ها	مؤلفه‌ها	تعریف	نتیجه
فرش	هماهنگی و انسجام	در کلیت طرح و کالبد فرش.	• هماهنگی چیز نیست جز وحدت در کثرت و به همان‌گونه که کثرت در وحدت. • در عین کثرت، وحدت جلوه‌گر است. • زیربنای تشکیل جهان وحدت است. • تمام متکثرات از ذاتی واحد سرچشمه گرفته‌اند.
	کثرت	در تعداد نقوش و گره‌ها.	
خطاطی	وحدت	در حرکات عمودی.	
	کثرت	در حرکات افقی.	
رنگ	وحدت	-	
	تضاد	-	
اسلیمی	وحدت	در دوران دید بیننده.	
	کثرت	تجلی وحدت.	

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ١٩٥٩٢٩/و تاریخ ١٣٩٥/٩/٦) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (١٣٤٨) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول۱۸-٤. نمود مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس پایه‌ی فکری معماری اسلامی ازنظر بورکهارت.

	مؤلفه‌ها	تعریف
پایه فکری در معماری اسلامی	بهره‌گیری کیفی از هندسه	درآمیختگی کثرت با وحدت، مثل تبدیل کره به مکعب که در معماری گنبد در اوج است، تمثیلی است از اتصال گنبد آسمانی به زمین خاکی.
	بهره‌گیری از روشنایی	جلوه اندیشه‌ی وجود در دستان هنرمند.

سید حسین نصر: به نظر نصر (۱۳۷۷)، اسلام بر مفهوم توحید استوار است. بنابراین توحید ملاک اساسی اسلامی بودن و فکر و عقیده است و می‌توان گفت که آن فکر و نظریه‌ای اسلامی است که، مبتنی بر اصول توحید باشد. درواقع سرشت اسلام، بلا واسطه مرتبط با این حقیقت است که هم‌مذهبی ازلی است و هم آخرین مذهب در حیات فعلی ابناء بشر. اسلام خود را مذهبی ازلی می‌انگارد (الدین الحنیف)، چراکه مبتنی بر اعتقاد به وحدتی است که همیشه وجود داشته است و در طبیعت چیزها قرار دارد. بنیاد هر مذهبی درنهایت به وحدت است طوری که اسلام در این مورد می‌گوید: (التوحید واحد) اعتقاد به وحدت، اعتقادی واحد است که همه‌ی مذاهب بر آن تأکید می‌ورزند و اسلام چیزی را دگرباره تأکید می‌کند که همیشه بوده و هست و بدین‌سان به مذهب ازلی‌ای رجعت می‌نماید که از همان آغاز وجود داشته و همیشه هم وجود خواهد داشت.

اسلام کوشیده است تا از طریق تأکید مصالحه ناپذیرش بر (وحدت الهی) و با طلبِ بازگشت انسان به طبیعت اصلی‌اش (فطرت) این رجعت را به انجام رساند. رجعت به فطرتی که از چشم انسانِ به خواب غفلت رفته پنهان مانده است. اسلام تأکید بر حقیقتی ازلی ست که در چارچوب سنت ابراهیمی و در اوج روحانیت سامی (اقوام یهود و عرب) به تأکید رسیده است و سه عنصر عقل، اراده و کلام را به‌مثابه بنیادی به کار می‌گیرد که تحقق وحدت را امکان‌پذیر می‌سازد.

هم‌چنین نصر (۱۳۹۰) می‌نویسد، در اسلام سه شخصیت مشابه وجود دارد، حضرت آدم، ابراهیم و محمد پیامبر، که رحمت خداوند بر آنان باد. مذهب ازلی مبتنی بر وحدت با ظهور خود حضرت

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

آدم آغاز شد. او از همان آغاز یک موحد بود. ازآنجاکه حضرت آدم اولین انسان و اولین پیامبر بود و در نقطه‌ی آغازین تاریخ این جهانی انسان قرار داشت، حضرت ابراهیم هم بر همین اساس تأیید مجددش از نقش وحدت را به قوم سامی ارائه می‌نماید. اگر اسلام ازاین‌رو مذهبی ازلی باشد پس آخرین مذهب هم هست و در حقیقت به‌واسطه‌ی این ویژگی، مذهبی معمولی و عادی نیست بلکه مذهب ویژه‌ای ست که باید به آن گروید و باید از آن پیروی کرد. زیبایی مذهب ظهور یافته دقیقاً در این است که هرچند ظاهراً یک صورت(فرم) است اما صورت بسته‌ای نیست بلکه باطناً به‌سوی لایتناهی راه می‌گشاید. این مذهب طریقه‌ی نیل از جزء به‌کل است به‌شرط آنکه هر کس که طالب آن است صورت اش را بپذیرد و از آن پیروی کند و صورت را به خاطر نیل به یک کلیت نفی نکند.

بااین‌وجود به گفته‌ی نجیب اغلو (۱۳۷۹)، نصر با ستودن آثار بورکهارت و شوأن، قول تجلی مفاهیم روحانی در هنر اسلامی را تکرار کرد: معنویت اسلام صرفاً هنری قدسی در توافق با ظاهر و باطن خود پدید آورد. عقیده وحدت، که کانون وحی اسلامی است، با روح‌گرایی بادیه‌نشینان درآمیخت، و اسلام از آن برای ایجاد هنری انتزاعی استفاده کرد که در آن عالم معنا در عالم محسوسات منعکس می‌شود، و این کار نه با استفاده از اقسام شمایل، بلکه با استفاده از هندسه و ضرباهنگ صورت گرفت، از طریق عربانه و کتیبه که مستقیماً عوالم علوی و درنهایت شمس ملکوتی وحدانیت الهی را منعکس می‌کرد.

وی می‌گفت منشأ کاربرد عدد و اشکال هندسی به‌مثابه‌ی کلید نظام عالم و نماد عالم مثال، سنت فیثاغورثی- افلاطونی بوده است و از برکت تلاش معدودی از نویسندگان، و مقدم بر همه **شوأن** و **بورکهارت**، هنر اسلامی کم‌کم بدان جا می‌رسد که چنان‌که هست فهمیده شود، یعنی چون ابزار پیوند کثرت با وحدت فهمیده می‌شود، پیوندی که با شکل‌های مشهود ریاضی برقرار می‌گردد که نه مجردات ذهنی، بلکه مظهر مثال‌های ملکوتی چه در عالم و چه در دل و روح آدمیان‌اند.

هم‌چنین نصر (۱۳۸٦)، از عوالم دینی مختلف شواهد بی‌شماری بر تأیید پیوند میان آیین‌های مقدس و هماهنگی و عملکرد طبیعت ارائه نموده است. یعنی پیوند میان آیین‌های مقدس و نظم طبیعت، برمبنای تأثیر این قبیل آیین‌ها بر عنصر اثیری سنتی که مبدأ عناصر تشکیل‌دهنده‌ی مرتبه‌ی

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فیزیکی است، به دست می‌دهند. بنابراین به همین دلیل است که مکان مسجد که در فضاهای شهری بناشده، درواقع نوعی امتداد مکان طبیعت بکر است. بدین ترتیب آیین نمازهای یومیه مرتبط با زمین است که خداوند آن زا زمینه‌ای قرار داده است که می‌توان مقدس‌ترین آیین دین را بر روی آن به‌جای آورد. هم‌چنین در مورد اوقات نماز باید گفت که این اوقات به لحاظ سازه شناختی تعیین‌شده و با اوقات کیهانی منطبق است. این نمازها نه‌فقط نفس و بدن آدمی را نشاط می‌بخشند بلکه هماهنگی زندگی بشری با آهنگ‌های طبیعت را مورد تأکید قرار می‌دهند هماهنگی طبیعی را تقویت و تکمیل می‌کنند. انسان در عمیق‌ترین سطح، در نمازهای یومیه به‌عنوان خلیفه‌الله یا جانشین خدا، نه‌فقط از طرف نوع بشر، بلکه از طرف کل همان نظم طبیعی که خداوند به خاطر همان، او را جانشین خویش بر روی زمین قرار داده است، دعا می‌کند. قطعاً جنبه‌ای از نماز با فضای طبیعی پیرامون انسان ارتباط می‌یابد و آدمی در حین برگزاری نماز این فضا را به نحوی ملموس احساس می‌کند. همین رابطه‌ی کیهانی را در آیین زیارت یا حج مکه، مرکز عالم اسلامی، می‌تواند دید. قطعاً این آیین دارای جنبه‌ای کیهانی است. به‌علاوه پیوند میان آیین‌های مقدس و هماهنگی و نظم طبیعت، چندان در اسلام مورد تأکید قرارگرفته است که بر طبق حدیثی از پیامبر (ص) مادام که بر روی زمین هستند انسان‌هایی که نام خدا را زنده نگه می‌دارند و همچنان به ذکر الله‌اکبر، از آداب اصلی تصوف، ادامه می‌دهند، عالم به پایان نخواهد رسید(جدول شماره ۱۹-٤ و ۲۰-٤).

جدول۱۹-٤. نمود مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) در بنیاد آیین‌های مذهبی از دیدگاه سید حسین نصر.

	مقوله‌ها	نتیجه
آیین‌های مذهبی	ظاهر، صورت و فرم	-
	باطن	نیل به وحدت

جدول۲۰-٤. نمود مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) در پیوند میان آیین‌های مذهبی و عملکرد طبیعت از دیدگاه سید حسین نصر.

	مقوله‌ها	تعریف	نتیجه
انطباق آیین‌های مذهبی و طبیعت	آیین‌های مذهبی	آیین‌ها هماهنگ	همگی نیل به وحدت دارند
	طبیعت	با طبیعت هستند.	و اصل توحید.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

کربن[۲۹]: اردلان (۱۳۸۰) دراین‌باره می‌نویسد، کربن درباره ماده چنین توضیح می‌دهد که، درست همچون دَمی که از آدمی برمی‌آید و کار شکل‌گیری هجاها و کلمات شمرده شمرده را انجام می‌دهد، نَفَس رحمانیِ ذات احدیت، هنگام ادای کلمات که موجودات‌اند، به صور موردنیاز جوهره‌ی ازلی آن‌ها شکل می‌دهد. آنچه به آن‌ها شکل می‌بخشد اصالت فاعلی همانند آن چیزی است که در آن‌ها شکل می‌گیرد(حالت انفعالی). خداوند (خویشتن) را با (آه رحمانی) توصیف می‌کنند. اما آنچه کیفیت می‌یابد ضرورتاً همه‌ی ملازمات و پیامدهای آن کیفیت را تجسم می‌بخشد و بر آن‌ها دلالت می‌کند. درنتیجه مؤلفه‌های هماهنگی و تضاد در این اینجا نیز، مفهوم کثرت در وحدت را در پی دارند زیرا کثرات در تلاش برای رسیدن به جوهره ازلی برای محقق شدن وحدت هستند (جدول شماره ۲۱-٤).

جدول۲۱-٤. مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) از منظر کربن.

	مقوله‌ها	تعریف	نتیجه
مبحث شکل‌گیری ماده	کثرت	کثرات در تلاش برای رسیدن به وحدت	بنابراین از کثرت می‌توان به وحدت و هماهنگی نیل پیدا کرد.
	وحدت		

کوماراسوامی[۳۰]: به گفته‌ی اردلان (۱۳۸۰)، کوماراسوامی بر این باور است همه‌ی صور معماری سنتی از یک الگوی کیهانی پیروی می‌کنند و هر مخلوقی تکرارکننده‌ی یک کار سترگ کیهانی ست. ازآنجاکه هرگونه صورت جسمانی تجلی‌یافته به‌ظاهر حالت مادی دارد لذا طبیعت درونی‌اش

۲۹. در سال ۱۹۰۳ میلادی در شهر پاریس به دنیا آمد. وی برجسته ترین مفسر غربی حکمت معنوی ایران و فلسفه اسلامی این سرزمین است (نصر، ۱۳۷۹).

۳۰. آناناداکنتیش، متولد ۱۸۷۷- ۱۹٤۷ میلادی، نویسنده و تاریخ نگار هندی، در نهضت تعلیم و تربیت که در هند شکل گرفت فعالیت داشت. از سال ۱۹۱۷ میلادی به آمریکا رفت و در موزه زیبای بوستون درباره ی هنر هنر و ایران به تحقیق پرداخت. از آثار وی رقص شیوا و تاریخ هنر هندی و اندونزیایی است (انوری، ۱۳۸۷).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

معنوی ست، درست همان‌طور که طلا، از جنبه‌ی کیمیاگری، باطناً سرب است و سرب درونی‌ترین طلا را داراست. مفهوم تأویل از قرآن نشئت می‌گیرد. همان‌طور که در سوره آل‌عمران، آیه‌ی ۵آمده است: "ان الله لا یخفی علی شی فی‌الارض و لا فی اسماء"، همانا چیزی در آسمان و زمین از خدا پنهان نیست (جدول شماره ۲۲-٤)

جدول۲۲-٤. مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) از منظر کوماراسوامی.

	مقوله‌ها	مؤلفه‌ها	نتیجه
صور جسمانی تجلی‌یافته از	ظاهر مادی، مثل طلا	کثرات	به تبعیت از الگوی کیهانی
	طبیعت درونی معنوی، مثل سرب	وحدت	

درنتیجه مفهوم وحدت بر مبنای دو مؤلفه‌ی هماهنگی و تضاد، در میان سنت‌گرایان نیز تداوم یافت که رد میان مباحث کیهان‌شناسی اسلامی می‌توان مفهومی از این مؤلفه‌ها را یافت. درواقع انسان و کیهان نهایتاً وابسته به ذات الهی‌اند که این نشانگر دیدگاه توحیدی است. بدین‌جهت همه مخلوقات و حتی اشکال هندسی دارای جنبه مادی و معنوی هستند. این در حالی است که انسان و طبیعت در ساختار و تناسب باهم اشتراک دارند و صوری هستند پذیرای قوانین ریاضی همچون تشابه، تقارن و هندسه. بدین ترتیب قوانین کیهانی را می‌توان انتظام و تناسب عنوان نمود. هم‌چنین ازآنجاکه انسان (عالم صغیر)، آینه‌دار تصویر عالم کبیر است، همه‌ی امکانات عالم را درون خویش دارد. لذا انسان دارای دو قوس نزولی و صعودی است که یکی روی به کثرت و دیگری به وحدت دارد . نکته قاب توجه اینکه چون انسان‌ها در یک سطوح واحد معنوی نیستند، هم‌زبانی مشترک نیاز دارند. به‌علاوه درباره نظم، اشاره به شرایط اقلیم زیستی روستاییان داد که آدمیان به‌صورت واحدهای جداجدا هستند اما این واحدها با الگوهای جامع به هم ربط یافته‌اند یعنی نیل به هماهنگی و وحدت دارند. بدین ترتیب مفهوم کثرت نمودی از تعدد مخلوقات و وحدت برای نیل آن اصل ازلی یعنی خداست (جدول شماره ۲۳-٤).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول۲۳-٤. مقوله‌های مشترک و غیرمشترک دربردانده ی مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس دیدگاه سنت‌گرایان.

اشخاص	مقوله‌ها	
	کثرت و وحدت	ظاهر و باطن
بورکهارت	*	
سیدحسین نصر		*
کربن	*	
کوماراسوآمی	*	*
نتیجه	مباحث مربوط به کثرت و وحدت و ظاهر و باطن از مهم‌ترین مقوله‌های نشانگر مؤلفه‌های اصلی وحدت(هماهنگی و تضاد) در میان سنت‌گرایان.	

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۴-۲. سرچشمه‌های مبانی نظری اصل وحدت در پیش از اسلام

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

در این بخش به بررسی سرچشمه و سوابق مبانی نظری اصل وحدت در پیش از اسلام، به‌خصوص در میان متفکران یونانی و همچنین قبل از شکل‌گیری تمدن بشری پرداخته‌شده است. بنابراین شاخصه‌های اصل وحدت را می‌توان از میان نظریه‌های فیلسوفان و متفکرانی که درباره‌ی طبیعت، بحث وجود، پیدایش کائنات و بخصوص علوم کیهان‌شناسی سخن گفته‌اند، موردبررسی قرارداد.

کیهان‌شناسی اولین بار توسط یونانی‌ها، علی‌الخصوص تالس(۶۲۵-۵۴۷ سال قبل از میلاد) و آناکسیماندرس (۶۱۰-۵۴۰ ق.م)، به‌صورت یک‌رشته‌ی علمی ظاهر شد. کلمه‌ی کیهان‌شناسی Cosmology برگرفته از کلمه یونانی (کوسموس) Cosmos به معنی عالم به‌صورت یک نظام کامل و منظم، است که معانی وحدت و تمامیت نیز لازمه‌ی آن است. هم به روی واژه نظم و هم بر روی کامل بودن تأکید دارد، زیرا در زبان یونانی کلمه کوسموس(کیهان) مخالف کلمه‌ی بی‌نظمی و آشفتگی Chaos است (کُلز، ۱۳۹۰). بااین‌وجود این علم به خاستگاه و ساختار جهان، آفرینش یا پیدایش یا جاودانگی آن و احتمالاً قوانین طبیعت می‌پردازد و به‌عنوان شاخه‌ای از مابعدالطبیعه محسوب می‌شود (اکرمی،۱۳۸۰). هم‌چنین به گفته‌ی بورکهارت (۱۳۸۹)، کوسمولوژی علم جهان هستی است، از آن حیث که علت یگانه‌ی جهان، یعنی هستی مطلق را منعکس می‌سازد. این انعکاس نا مخلوق در مخلوق ضرورتاً به وجود گوناگون، و حتی نامحدود، جلوه‌گر می‌شود، که هر یک از آن‌ها به‌جای خود تام و تمام است، به‌طوری‌که جهان‌بینی‌های بسیاری وجود دارد که همه‌ی آن‌ها به نحو یکسانی ممکن و موجه است و از اصول کلی یکسان و ثابتی سرچشمه گرفته است .

بررسی در چنین علومی بدین‌جهت است که با پرداختن به علم نظری، به دانستن اینکه کاری را چگونه انجام دهیم نمی‌پردازیم بلکه به دانستن اینکه چرا اشیاء چنین رفتار و عمل می‌کنند می‌پردازیم. مثلاً انسان می‌تواند با موفقیت به کارهای ظریف و بسیار پیچیده‌ی نجاری بپردازد بی‌آنکه علم و دانش نظری نسبت به الواری که به کار می‌برد داشته باشد. بنابراین قواعد و قوانین علمی روزمره را می‌توان حتی با نادیده گرفتن کلی اصول نظری که در ورای آن‌ها قرار دارد، به نحو مؤثر و فایده‌بخش به کاربرد. بااین‌وجود می‌توان چگونگی انجام کاری را بدون آگاهی از دانش نظری

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

آن دانست. آنچه حائز اهمیت است اینکه پیش از آنکه دانش بشری از جهت دانش نظری رو به رشد باشد، درباره پیدایش جهانی که در آن می‌زیستند، درباره‌ی طبیعت و ...، اعتقاداتی داشتند.

با این اوصاف تفکرات بدوی نشانگر آن است که بشر همیشه به موضوعات پیرامون عالم اندیشیده است و این‌گونه نظریات و مدل‌ها در ابتدا به‌صورت افسانه و اسطوره‌هایی مطرح بوده‌اند. در مقایسه با تاریخ، اسطوره‌ها، روایت‌هایی از گذشته‌اند که زمان حال را توضیح می‌دهند، آن‌ها این حس را در ما پدید می‌آورند که چه کسی هستیم، چگونه به اینجا رسیده‌ایم و چگونه خود را با جهانی آکنده از اجتماعات متفاوت سازگار می‌کنیم. اسطوره‌ها را به شیوه‌های گوناگون می‌توان تفسیر کرد. می‌توانند تصویر تجسم‌یافته‌ی نیروهای کیهانی باشند، مانند زمانی که هرج‌ومرج مقهور نظم می‌شود، می‌توانند بازتاب رویدادهای تاریخی از قبیل احداث دیوارهای شهر و بازگشت پیکره‌های آیینی باشند، می‌توانند صرفاً در خدمت مقاصد آیینی باشند. بااین‌وجود کتاب‌های قدیمی تاریخ با اسطوره‌ها آغاز می‌شدند و داستان‌هایی را بازگو می‌کردند که جوامع درباره‌ی منشأ خود بیان می‌کردند (مک کال و دیگران، ۱۳۸۵). بنابراین در این بخش نخست به بحث پیدایش عالم از منظر دانش کهن پرداخته‌شده که مربوط به علوم کیهان‌شناسی است .

به گفته‌ی ضمیران (۱۳۷۹)، درواقع آنچه در کلیه آثار به‌جای مانده، ملاحظه می‌شود، ماهیت و منش اسطوره‌ای آن‌ها در رویکرد به هستی و معنای حیات است. هرچند یونانیان باستان نیز تا قبل از ظهور فلاسفه‌ی هفتگانه بخصوص سقراط، همچون آثار فوق، از منظر اساطیر به هستی می‌نگریستند. در حقیقت آن‌ها واقعیات هستی را در قالب سرگذشت‌های مینوی بیان می‌کردند و در کلیه‌ی این روایات، آفرینش کیهان نقشی کلیدی می‌یافت. بااین‌وجود در این بخش، با گذاری از اسطوره به فلسفه مواجه هستیم. درحالی‌که فلاسفه‌ای چون **تالس**، خود را از محدودیت‌های اساطیری رها نمودند، زیرا سنت‌های اساطیری به رشد و گسترش اندیشه‌هایی مدد رساند که بعدها پیش‌زمینه‌ی تأمل فلسفی قرار گرفت. درواقع نخستین فیلسوفان یونانی مضامین و مفاهیمی را مطرح ساختند که همگی ریشه در فرهنگ اساطیری داشت. بدین ترتیب در یونان باستان نوعی تداوم منطقی میان فرهنگ اساطیری و نگرش فلسفی وجود داشته است این در حالی است که در فرهنگ‌هایی چون مصر، بین‌النهرین، ایران و ... قرن‌ها پیش از یونان مسئله حیات و معنای زندگی و فرجام هستی

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ پایان‌نامه‌ها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

موردبحث قرارگرفته بوده است. پیش از پرداختن به مباحث مذکور، لازم است به شاخه‌ای از علوم به نام زمین‌شناسی اشاره شود زیرا نخست می‌توان نظریه‌هایی کلی از پیدایش عالم ارائه داد و در ادامه بر اساس سرزمین و مذاهب مختلف، آن‌ها را از یکدیگر تفکیک نمود.

همان‌طور که می‌دانید زمین شناسان هستند که بُعد تاریخی را در عالم وارد می‌کنند زیرا آن‌ها برای اولین بار به مشاهده‌ی لایه‌های زمین‌شناختی پرداختند و متوجه نادرستی این نظریه شدند که همیشه همه‌چیز در همه‌جا مشابه بوده است. آن‌ها طی حفاری‌ها و مشاهداتشان از لایه‌های قدیمی زندگی، به‌وضوح مشاهده کردند که زندگی آن روزگار با زندگی‌ای که امروز بر روی کره‌ی زمین جریان دارد، تشابهی نداشته است. هرچند این دیدگاه پیش‌تر توسط **لوکرس**[۳۱] مطرح‌شده بود ولی در چارچوب علمی قرار نگرفته بود تا اینکه دو قرن پیش توسط زمین شناسان موردتوجه قرار گرفت (ریوز و دیگران، ۱۳۸٦).

۳۱. لوکرس در قرن اول میلادی در رُم زندگی می‌کرد. او شخصی است که احتمالاً بیش از هر متفکر عهد باستان از بینش و بصیرت بالایی برخوردار بوده است. .وی با این نظر که عالم ابدی و غیرقابل تغییر است موافق نیست، برعکس معتقد است که کهکشان از ابتدا وجود نداشته و حتی فکر می‌کند سن زیادی هم نداشته است. امروزه متوجه شده‌اند که دیدگاه وی و دلایلش از پایه بوده است. دیدگاه وی مبنی بر اینکه عالم ابدی نیست به‌این‌علت است که در یک عالم ابدی که همیشه وجود داشته است، زمان لازم برای روی دادن تمام پیشرفت‌ها در تکنیک‌های مختلف وجود داشته است و این تغییرات، صدها یا هزاران و میلیون‌ها مرتبه اتفاق افتاده است. وی می‌گوید در یک عالم ابدی هیچ‌چیز نمی‌تواند تغییر کند و می‌بایست به حالت تعادل رسیده باشیم، همان‌طور که در فیزیک می‌گوییم، یعنی به یک حالت ایستا رسیده بودیم که هیچ‌چیز دیگر قابل‌تغییر نبود. هم‌چنین می‌گوید پیشرفتی که در زندگی‌اش دیده است این نکته را نشان می‌دهد که گذشته می‌بایست خیلی ساده‌تر از این بوده باشد. بنابراین خود را در یک تحول و تکامل و در دنیایی در حال تحول می‌بینیم. درنهایت می‌توان گفت که عالم همیشه وجود نداشته است و نسبتاً هم جوان است. همان چیزی که تمام دانشمندان امروزی با تکیه‌بر مشاهدات بی‌نهایت خود اظهار می‌دارند که در عالمی هستند که در حال تحول است. این تحول از سادگی به‌سوی پیچیدگی و کامل‌تر بودن حرکت می‌کند. از کارایی کمتر به‌سوی کارایی بیشتر می‌رود، و این دقیقاً همان چیزی بود که لوکرس عقیده داشت (ریوز و دیگران، ۱۳۸٦).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

در چندین اسطوره چون، سخنان **هسیود**[۳۲]، در انجیل و در میان سرخپوستان آمریکا در این مورد آمده است که در ابتدا یک نوع بی‌نظمی وجود دارد که به‌تدریج سازمان می‌یابد. وقتی شما به گذشته بازمی‌گردید نبودن نظم به‌صورت کاملاً مشخصی در قدیمی‌ترین مدارک موجود نمایش داده‌شده است. آنچه امروزه تشعشع یا درخشندگی فسیل می‌نامند، عبارت است از تشعشعی که حدود پانزده میلیارد سال پیش تأیید می‌کند. پس در اینجا مدرک معتبری وجود دارد که به ما نشان می‌دهد تغییر بنیادی از پانزده میلیارد سال پیش تا به امروز در عالم به وجود آمده است و آن عبارت است از بی‌نظمی و مشاهده‌ی نظمی که هم‌اکنون بر عالم حاکم است. بنابراین به نظر می‌رسد اسطوره‌های هسیود و دیگران تصویرخوبی از واقعیت ارائه کرده‌اند(اسماعیل‌پور، ۱۳۸۱). باوجوداین، تفاوت جالبی که درعین‌حال کمی هم عجیب به نظر می‌رسد، وجود دارد و آن عبارت است از این‌که اغلب این اسطوره‌ها تاریکی را هم به نظریه‌ی بی‌نظمی در آغاز پیدایش عالم اضافه کرده‌اند. آغازه همه‌چیز در تاریکی شروع‌شده و نور و روشنایی کم‌کم ظاهر می‌گردد. این کاملاً عکس تصویر است که علم به ما معرفی می‌کند. این مجموعه‌ی نامنظم، یک مجموعه‌ی نامنظم فوق‌العاده نورانی است، و علم به ما نشان داده است که در نابسامان‌ترین و بی‌نظم‌ترین وضعیت خود، یعنی در بالاترین حد بی‌نظمی، دقیقاً نور است. روشنایی و نور از یک جسم گرم ساطع می‌شود، چیزی که به آن تشعشعات گرمایی می‌گویند. بی‌نظم‌ترین ماده‌ای که تاکنون علم فیزیک در بالاترین حد آنتروپی، یعنی بی‌نظمی کامل شناخته است نوری است که از یک جسم گرم ساطع می‌شود و این دقیقاً همان چیزی است که تشعشعات فسیلی به ما نشان می‌دهد. یعنی در آغاز عالم پر از تشعشعات، روشنایی بوده است. ولی ذرات دیگری هم بوده‌اند و آن عبارت است از ماده. این‌که اغلب می‌گوییم در ابتدای عالم فقط نور وجود داشته است، طرز تلقی صحیحی نیست. انواع ذراتی که امروزه می‌شناسیم به‌صورت آزاد و در کمال بی‌نظمی موجود بوده است. نکته‌ی دیگر اینکه پیش‌زمینه و مقدمه‌ای از تصور و مفهوم تاریخ داریم. نمی‌گوییم که یک آغاز وجود دارد بلکه می‌گوییم تاریخ و پیشینه‌ای وجود دارد زیرا اگر ما به مقایسه‌ی عالم به‌طوری‌که پانزده میلیارد سال پیش بوده است، با عالمی که امروز وجود دارد بپردازیم

۳۲. شاعر اخلاقی یونانی که در حدود ۷۰۰ پیش از اسلام، شکوفا شد. او فرزند یک ناخدا اهل آسکرا Ascra، یعنی شهری در پای کوه هلیکون بود. یکی از نخستین شاعران یونانی است که اندکی پس از هومر به سر می‌برد. او شاعر آثاری چون کارها و روزها و تئوگونی نامور است (نیکسون کندی، ۱۳۸۵).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تفاوت فاحشی دیده می‌شود و دوباره به این مطلب می‌رسیم که عقیده لوکرس درست بوده است. گذر و عبوری است از یک ماده‌ی بسیار نامنظم، بسیار ساده (به معنای واقعی دارای عیب و نقصان، یعنی عدم وجود سازمان و ترتیب) و تبدیل آن به چیزی بیش‌ازپیش منظم و مرتب. امروز تاریخ علم را می‌توان به این شکل توصیف کنیم. اینکه چگونه ماده منظم شد و سازمان یافت، چگونه از بی‌نظمی ابتدایی به حالت فوق‌العاده متفاوت و متنوع، یعنی همان چیزی که ما امروز شاهد آن هستیم رسید. یکی از مشخصه‌های عالم ما، تنوع فوق‌العاده‌ی آن است. پس یکی از خصیصه‌های عالم ما، همین گوناگونی، تنوع و عملکرد کارآمد است، یعنی وجود نظامی که بیش‌ازپیش سازمان‌یافته و کارآمدتر شده است، یعنی قادر است کارهایی انجام دهد و نقش‌هایی ایفا کند. آنچه می‌توانیم تاریخ علم بنامیم، آن است که چگونه این عالم از مرحله‌ی بی‌نظمی ابتدایی به گوناگونی و تنوع موجود امروزی رسیده است. هم‌چنین هر یک از علومی که به‌طور مستقل توسعه‌یافته و پیشرفت کرده‌اند به زبان خود فصل‌هایی از این تاریخ را بیان می‌کنند، یا به‌عبارت‌دیگر هر یک از این علوم را می‌توان به‌عنوان یکی از بخش‌های این تاریخ دانست که به گونه‌ی خودش نقل می‌شود، مثلاً شیمی به ما می‌گوید که چگونه اتم‌ها برای تشکیل مولکول‌ها به یکدیگر پیوستند.

گفته‌ی دیگری که قابل‌توجه است اینکه، برای نمونه یک فیزیکدان در آزمایشگاه با این عقیده که یک قرینه‌سازی کامل بین ماده و ضد ماده وجود دارد، کار می‌کند. درواقع می‌توان یک اتم ماده و یک اتم ضد ماده را جدا کرده و در کنار هم بگذاشت. در آن هنگام روشنایی دریافت خواهد شد. درواقع اگر قبول کنیم که عالم به دو قسمت تقسیم‌شده است: در یک‌طرف ماده داریم و در طرف دیگر ضد ماده را و در وسط روشنایی(نور) وجود دارد. بنابراین همیشه می‌توان نور را تولید کرد. یک جفت ماده، یک‌ذره ماده و یک‌ذره ضد ماده را باهم مخلوط‌کنید، نور حاصل می‌شود. این قرینه‌سازی، یعنی ماده و ضد ماده و نور در میان آن‌ها، همیشه وجود دارد. نور نه ماده و نه ضد ماده است، بلکه چیزی بین هر دو این‌هاست. نور سرزمین مشترک بین ماده و ضد ماده است (ریوز و دیگران، ۱۳۸٦).

نظریه‌ی دیگری که به‌عنوان نظریه‌ی وحدت کیهانی و هماهنگی در عصر یونانی‌مآبی‌تا رنسانس از آن یاد می‌شود، نظریه‌ای ست که در بسیاری از نوشته‌های دوران‌های مختلف به نحوی به آن اشاره‌شده است. این هماهنگی به‌صورت پیوند اجزاء و حتی اختلاط چهارعنصری که انسان و پیش از

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

آن کیهان، از آن‌ها ساخته‌شده است را شامل می‌شود. به‌ویژه پیوند و هماهنگی روح و تن، ازجمله مواردی است که در این نظریه جای دارند. چهارعنصر جهان ماده، آب، آتش، هوا و خاک، علاوه برساختن کیهان، اجزای تن انسان را هم می‌سازند. بااین‌وجود نیروهای آن‌ها باید در هماهنگی با نیرویی باشد که از غذا می‌گیریم، چراکه همواره به دلیل تضاد قوای آن چهارعنصر، خطر مداخله‌ی نیروهای شر وجود دارد، مثلاً رطوبت در تضاد با خشکی و گرما در تضاد با سرما. برای مثال آتش خوراک با آتش عنصری، آمیخته می‌شود تا آتش عنصری با سردی اهریمنی سرد نشود و بادی که در خوراک است با باد عنصری که در طبیعت است آمیخته می‌شود تا باد عنصری به‌واسطه‌ی ضعف اهریمنی از حرکت بازنماند. بااین‌وجود با توجه به اینکه اجزای تن کیهان عناصر، آتش، هوا (باد)، آب‌وخاک هستند و اجزای تن مردمان، هوا (باد)، خون، سودا و بلغم است. پس انسان نیز به‌مانند همه‌ی آفریدگان گیتی از چهارعنصر اولیه ساخته‌شده است. بااین‌وجود این چهارعنصر نخستین صورت جهان پدیدار هستند و دومین صورت چهار خلط موجودات زنده است. هم‌چنین در مورد آب‌وآتش در جوامع کهن، شواهد دال بر مکمل بودن این دو عنصر در سراسر ادبیات پهلوی سده‌های نهم و دهم میلادی دارد.

دایره المعارف نویس سریانی، ایوب رهاوی، در کتاب گنجینه‌ها، از این دو صورت آفرینش اصلی تعریفی متفاوت کرده است. وی آتش، آب، خاک و هوا را عناصر (مرکب) توصیف کرده و حال‌آنکه کیفیات این عناصر، گرمی و سردی، خشکی و رطوبت، نزد وی عناصر بسیطاند. علت آن است که عناصر کیهانی هر یک مرکب از دو بخش، یعنی دو کیفیت هستند، چنان‌که آتش از گرما و خشکی، هردو ،و آب از سرما و رطوبت، هر دو، پدید می‌آید. بااین‌وجود اگر آتش فقط گرما بود آن را مرکب نمی‌نامیدند. بااین‌وجود وی با نظریه‌ی ارسطویی اضداد آشنا بوده است که آتش در مقابل آب، و هوا در مقابل خاک قرار می‌گیرد، ولی روحانیان زرتشتی ظاهراً این‌گونه تضادها را نپذیرفتند. به‌هرحال باید اذعان داشت که عناصر نمی‌توانند بدون یکدیگر وجود داشته باشند اما درعین‌حال با یکدیگر در ستیزند و وضع همه‌ی آفریدگان چنین است که در ادامه به‌طور جداگانه دیدگاه‌های متفاوت، در هر دوره، نسبت به این نظریه ارائه‌شده است (ژینیو، ۱۳۹۰).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بین‌النهرین(تمدن بابل):

بین‌النهرین یا میان‌رودان خاستگاه اسطوره‌های کهن است. سرزمینی در ایران‌زمین، جایی که بشر شهرنشینی و پیشرفت را ازآنجا آغاز کرد. مردمانش با اساطیر زندگی می‌کردند. روایت **انومالیش** یا الواح هفتگانه‌ی آفرینش به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین روایت‌های آفرینش در تمدن بین‌النهرین کهن است که روایت بابلی آفرینش کیهان و انسان را در غالب مجموعه‌ای از افسانه‌های منظوم بیان می‌کند. درواقع مسئله سرچشمه‌ی عالم و آدم مورد و موضوع تفکر در این الواح قرارگرفته و در لباس اسطوره بحث‌هایی به میان آمده است. این افسانه حدود ۱٤٥۰ سال قبل از میلاد مسیح شکل گرفت ولی احتمالاً بر مبنای نسخ بسیار قدیمی‌تر سومری ساخته‌شده است. بدین‌جهت که متن الواح نخست به زبان سومری سروده شده بود و بعد در روایت آکدی به دست ما رسید (وکیلی، ۱۳۹۳). همان‌طور که کُلز (۱۳۹۰) اذعان دارد، بر اساس این روایت از داستان پیدایش، حالت اولیه **بی‌نظمی و آشفتگی** در دریا وجود داشت. تعدادی خدا از دریا ظاهر می‌شوند. این خدایان درواقع مظهر ویژگی‌های بنیادین جهان هستند، مانند آسمان ، افق و ... دو تا از رب‌النوع‌ها، مردوک و تیامات، باهم می‌جنگند و تیامات، الهه دریا و مظهر بی‌نظمی و آشفتگی اولیه، کشته می‌شود. سپس مردوک، خدای بابلی، نظم جهانی را ایجاد کرد و کره زمین را از بدن تیامات ساخت. بنابراین در بسیاری از اساطیر جهان، نظم از بی‌نظمی نشئت می‌گیرد و این اعتقاد هنوز در برخی از جوانب کیهان‌شناسی علمی جدید پابرجاست (جدول شماره ٢٤-٤).

جدول٢٤-٤. سرچشمه مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) در روایت بابلی آفرینش کیهان و انسان(سرچشمه عالم و آدم).

	مؤلفه‌ها	نتیجه
آفرینش کیهان و انسان	تیامات(مظهر بی‌نظمی و آشفتگی اولیه)	• کشته شدن تیامات توسط مردوک، سبب شکل‌گیری نظم جهان. • بنابراین در اساطیر جهان، نظم از بی‌نظمی نشئت‌گرفته. • آفرینش از دو امر متضاد
	مردوک	

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

زرتشتیان: ژینیو(۱۳۹۰) دراین‌باره می‌نویسد، چهارعنصری که انسان و پیش از او کیهان را می‌سازند، نزد **مزدیسنان**[۳۳] مقدس و الهی بوده‌اند. بااین‌وجود حتی نظریه‌ی هماهنگی را می‌توان در فصل پزشکی کتاب سوم **دینکرد**[۳٤] دید که در آن پزشکی تن و پزشکی روح بسیار به‌هم‌پیوسته‌اند، چندان‌که یکی بدون دیگری به سرانجام نمی‌رسد و این هماهنگی میان تن و روح برای نیکی خود جهان سودمند است. هم‌چنین عناصر چهارگانه نمی‌توانند بدون یکدیگر وجود داشته باشند اما درعین‌حال با یکدیگر در ستیزند و وضع همه‌ی آفریدگان چنین است. علمای زرتشتی این نظریه را در مورد کیفیات عناصر، که دوبه‌دو با یکدیگر در ستیزند به کار بستند، زیرا که هیچ‌چیز بهتر از این نبود، چنان‌که در کتاب چهارم دینکرد آمده است که معارض‌اند گرمی و سرد، رطوبت و خشکی و ... و زندگی به‌واسطه‌ی آن‌ها ترتیب یافته و دلیل ماندگاری تن‌ها وجود عوامل نابودکننده‌ای مانند سردی و خشکی است. این نابودی را عوامل وجود، یعنی گرمی و رطوبت، نیز باعث می‌شوند و این چهار عامل باید در پیوندی متناسب و معتدل ترتیب و سامان یابند. هم در افزونی (افراط) و هم در کمبود (تفریط) نابودی است. هر یک به‌وسیله‌ی حریف اصلی‌اش نابود می‌شود، مثلاً سردی با گرمی و خشکی با رطوبت نابود می‌شود. اگرچه ممکن است تصور کنیم که دو عنصر آب‌وآتش ناسازگارند(گرم و خشک، سرد و مرطوب)، ازنظر روحانیان زرتشتی که آن‌ها را چنان‌که گفتیم، (عوامل حیات) می‌نامند، به‌هیچ‌وجه این‌گونه نیستند. بااین‌وجود به نظر می‌رسد در باب توالی عناصر

---

۳۳. مزدگرایی، مزداپرستی، دین مزدیسنا، این دین به نام پیشوای آن زرتشت به دین زرتشتی خوانده می‌شود. مزدگرایی یا پیروی از مزدا، که به پیروی از تفکر بین‌المللی، برای کسانی به کار می‌رود که اهورامزدا، خدای اصلی و تنها خدای دین مزدایی را می‌پرستند (گواهی،۱۳۹۰).

۳٤. کتاب راجع به مسائل دینی و رسوم و سنت‌ها و تاریخ ادبیات مزدیسنا است و به زبان پهلوی در ۹ جلد . این کتاب بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کتاب پهلوی است و در عهد خلافت مأمون در بغداد پیشوای بزرگ زرتشتی آترفرن بغ، آن را تألیف کرده است. پس از آترفرن بغ که از مؤبدان و پیشوایان روحانی بزرگ بوده است، مؤبدی از همان خاندان به نام آذرپاد، هم‌زمان با خلیفه المعتمد عباسی کار دینکرد را در سال ۲٦۸ هجری به پایان رسانید. درواقع دینکرد تفسیر و دایره المعارف معروف پهلوی و یکی از بزرگ ترین تفاسیر پهلوی اوستایی ساسانی بوده و توضیحاتی که در این کتاب راجع به مسائل دینی و مباحث مذهبی دین زرتشت و تشریح اوستا داده‌شده سرآمد سایر کتب است و تفاسیر پهلوی به شمار می‌رفته است (اوشیدی، ۱۳۷۱).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

اولیه، نظریه‌ای وجود دارد که می‌توان آن را مثلاً در **بندهشن**[۳۵] دید که می‌گوید آتش را از نور، هوا را از آتش، آب را از هوا و خاک را از آب آفرید. هم‌چنین همان‌طور که پیش‌تر به مکمل بودن آب‌وآتش اشاره شد، در کتاب دینکرد نیز، این مکمل بودن به پیوند میان مرد و زن مانند شده و نماد از ازدواج با نزدیکان است که کامل‌ترین پیوند دانسته می‌شود. همه‌ی موجودات که در این جهان می‌بالند و سامان می‌یابند از پیوند متعادل آبِ ماده و آتشِ نر است. به‌واسطه‌ی آفرینش به‌هم‌پیوسته‌شان برادر و خواهرند و هم چنان‌که وقتی ازدواج با نزدیکان ترک شود، نطفه‌ی کودک خود نابود می‌شود، به دلیل تناسب آب‌وآتش نیرویی در مغز به وجود می‌آید، زیرا وقتی آب زیاد باشد (نطفه) می‌پوسد و اگر آتش زیاد باشد می‌سوزد. بندهشن نیز توضیح می‌دهد که در ابتدا همه‌ی موجودات یک قطره آب بودند، به‌جز تخمه‌ی نران که از آتش است، بنابراین دو عنصر آتش‌وآب در آفرینش موجودات زنده کاملاً به‌هم‌پیوسته‌اند و چون آب‌وآتش به ذات خود خیر هستند، پیروان مزدیسنان نمی‌توانند بپذیرند که آب‌وآتش ممکن است انسان را بکشند بلکه دیو مرگ است که سبب مرگ انسان می‌شود. بنا بر کتاب **زادسپرم**[۳۶]، اهریمن است که زمان آفرینش جهان با دادن مزه‌ی بد به آب و افزودن دود به آتش به این دو عنصر آسیب رسانده است. موجودات زیان‌بار نیز از آتش‌وآب ترکیب یافته‌اند. شاید به این دلیل که باوجود بد بو بودن می‌توان آن‌ها را همچون دارو به کاربرد و ازاین‌جهت برای انسان سودمندند. هم‌چنین در این کتاب اذعان دارد که تن به سبب سه عامل عمل می‌کند که عبارت‌اند از، غذا، آب‌وآتش که آتش در همه‌جای تن حضور دارد و به‌اعتدال از آب جداست. درواقع آب‌وآتش عناصر اصلی‌اند و چنان‌که خواهیم دید متضاد هم نیستند، بلکه آشکارا با یکدیگر سازگارند زیرا که در غیر این صورت نمی‌شد وظایف الاعضای انسان را توضیح و تبیین کرد.

---

۳۵. Bundahishn، آفرینش در آیین زرتشتی، متنی به زبان پهلوی به همین نام وجود دارد که به موضوع‌های چون خواستگاه، مقصد، ذات آفرینش می‌پردازد. این متن به شکل کنونیش در قرن دهم نگاشته شده اما در اصل نشان دهنه‌ی مجموعه‌ای از آموزه‌هایی است که در اوستا مندرج‌اند (جان راسل، ۱۳۸٦).

۳٦. یا زات سپرم، دستور بزرگ سیرگان (سیرجان) که در حدود ۲٦۸ هجری در زرتشت نامه‌ی خود مطالبی از ظهور دین تا آسیب یافتن آن نوشته است. زادسپرم (اسپرغم زاد) مردی آزادمنش و برادر کهتر منوشچهر پسر یووان یّمان مُوبد بزرگ پارس و کرمان در نیمه‌ی دوم از سده‌ی نهم میلادی بوده است. از زادسپرم نامه‌ای به ما رسیده که به نام ویچیتکهای (برگزیده، منتخبات) زادسپرم شناخته می‌شود (اوشیدی، ۱۳۷۱)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

هم‌چنین در چند افسانه و اسطوره‌ی ایرانی نیز این دو عنصر را به‌هم‌پیوسته دانسته‌اند، به‌این‌ترتیب که گفته‌اند آتش‌وآب زاده می‌شوند و در اسطوره‌ای دیگر درمی‌یابیم که ایرانیان پدیده‌ی طوفان را ترکیب آتش غران و آب می‌دانسته‌اند. بنابراین در سراسر فلسفه و کیهان‌شناسی و آیین‌ها و اسطوره‌شناسی، آب‌وآتش همواره پیوندی محکم و تنگاتنگ دارند. نکته‌ی حائز اهمیت اینکه شالوده‌ی مفهوم عالم صغیر همین نظریه‌ی چهارعنصر کیهانی است که در متن دینکرد، که این اصل بر آن استوار است، به تعادل میان عناصر و چهار خلط انسان پرداخته است. روایات متعدد و متنوعی از این نظریه در ایران و در منابع مانوی، گنوسی، یونانی و سریانی آمده است ولی به نظر می‌رسد منشأ این مفاهیم یونان است و از یونان به گنوسی ها و درنهایت به مانویان رسیده است. باید اذعان داشت که نظریه‌ی عالم صغیر تازه در دوره‌ی ساسانی و به‌واسطه‌ی مانی وارد اندیشه‌ی زرتشتی شده است اما می‌توان چنین فرض کرد که این آموزه اساساً از هند آمده است.، هرچند در هند رویکرد متفاوتی به این عقاید داشتند. به‌هرحال نظریه‌ی **عالم صغیر و عالم کبیر** که نباید آن را با اساطیر آفرینش بیامیزیم، چنان‌که در منابع تاریخی آمده است، تصوری است موزون از جایگاه انسان در کیهان (جدول شماره ۲۵-٤).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول۲۵-٤. سرچشمه مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) در میان زرتشتیان، بر اساس **نظریه هماهنگی** در کتاب دینکرد.

	مؤلفه‌ها		تعریف	نتیجه
کتاب دینکرد (نظریه هماهنگی)	تن		پیوستگی تن و روح سبب نیکی جهان.	• همه‌ی موجودات جهان نتیجه پیوند متعادل این دو مؤلفه‌ی متضاد با یکدیگرند. • تغییر در ترکیب مؤلفه‌ها (همچون عملکرد اهریمن) سبب آسیب به ترکیب. • نتیجه ستیز این عناصر پیدایش انسان و کیهان است.
	روح			
	آب (ماده)		• مکمل یکدیگرند. شبیه پیوند زن و مرد (به‌عنوان کامل‌ترین پیوند). • پیوندشان متناسب و متعادل است زیرا آب زیاد سبب پوسیدن نطفه و آتش زیاد سبب سوزاندن نطفه. • اهریمن با دادن مزه بد به آب و افزودن دود به آتش به این دو عنصر آسیب می‌رساند.	
	آتش(نر)			
	عناصر چهارگانه	گرمی و سردی	ستیز دوبه‌دو	
		رطوبت و خشکی		
	عالم صغیر		• منظور از عالم صغیر تعادل میان عناصر چهار خلط انسان است. • ترکیب این دو تصوری است موزون از جایگاه انسان در کیهان.	
	عالم کبیر			

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

عرفان مانوی: اسماعیل‌پور (۱۳۸۱) می‌نویسد، **عرفان مانوی**[۳۷] در بطن خود گنوسی بود. و تأثیر دو بن نگری زرتشتی متأثر از فرهنگ ایرانی بر دیدگاه ثنوی مانوی انکارناپذیر است. او مروج دو بُن بود که بر جدایی ازلی روح و ماده و بر جدایی نور و ظلمت تأکید داشت. این دو بُن نگری با آنچه گنوسیان پیش از او باور داشتند، اندکی تفاوت داشت زیرا مانی برای نور و ظلمت ازلیت قائل بود درحالی‌که گنوسیان به هُبوط نور معتقد بودند و می‌گفتند که نور از زادگاه راستین خویش به‌سوی این جهان مادی سقوط کرده است. پس مانی نگره‌ی نور و ظلمت را از آیین زرتشت به وام گرفت و آن را با باورهای گنوسی درآمیخت و کیش نوینی را عرضه داشت که قرن‌ها پایید. بااین‌وجود اندیشه ثنوی گنوسیان در سده‌ی سوم مسیحی در آیین مانی به اوج خود رسید. مانی آورده است که بُن روشنی از بالا، یعنی از بهشت روشنی، به هر سو گسترده است، مگر از سوی پایین. و بُن تاریکی از پایین، یعنی از دوزخ یا جهان تاریکی است که به هر سو گسترده است، به‌جز از سوی بالا. این دو بُن ازلی و همیشه با یکدیگر در تضادند. نور زیبا، روشن و با ایزد یگانه است، اما تاریکی، زشت و با ماده و اهریمن یگانه است. با این اوصاف به گفته مانی سرچشمه‌ی کیهان از دو هستی است، یکی روشنی و دیگری تاریکی، که هر یک از دیگری جدا بوده است که این‌ها در متون یونانی، دو گوهر نیک و بد نام‌گرفته‌اند. روشنیِ نخستین بزرگی است که در شمار نیاید، و او ایزد و شهریار بهشت روشنی است و هستی دیگر که تاریکی است. آن هستیِ نورافشان در کنار هستیِ تاریکی بود و

---

۳۷. مانی بنیان‌گذار و مروج آیین روشنی، در آغاز سده‌ی سوم مسیحی است. خاستگاه فرهنگی مانویت، نخست بابل و بین‌النهرین بود. مانی خود در جامعه‌ی گنوسی بابل پرورش یافت، اما چون تباری ایرانی داشت، طبعاً اسطوره‌ها و باور دینی–عرفانی اش صبغه‌ی ایرانی هم گرفت. مانی خرد ، دانش، معرفت را بر ایمان و سنت ترجیح می‌داد. البته خردی که همیشه مانی از آن سخن می‌گفت مبتنی بر اشراق بود. وی تطهیر روح را مطرح کرد و آن را بر تطهیر بدن مرجح دانست. هم‌چنین در وهله‌ی اول نخست عرفانی بیدارگر و روشنگر بود. عرفانی که انسان را از حقیقت و از بُن راستین خودآگاه می‌کرد. چه به‌زعم مانویان، انسان‌ها در این جهان آمیخته از نور و ظلمت اسیرند و باید خود را از چنگ ظلمت برهانند که نخستین شرط این رهایی، معرفت است و معرفت به خود و خدای نور، خدای متعالی که ورای این کیان مادی میزید و با وی هم‌گوهر است. البته پاره‌ای از وجود انسان، پاره یا نورانی و روحانی، که در زندان تن اسیر است، باخدای نور هم‌گوهر است. این گوهر زندانی و تبعیدی که به گونه‌ی پارخ نور تصویر می‌گردد، روح یا خرد(Nous) نام دارد و برابر گنوس (Gnosis) است که عارفان صدر مسیحیت از آن سخن می‌گفتند (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۱).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

پرده‌ای میانشان نیست. روشنی از یک‌سو با آن برخورد دارد، و نور را از سمت بالا و راست و چپ، پایانی نیست و تاریکی نیز از سمت پایین و راست و چپ پایانی ندارد. شیطان نیز از آن سرزمین تاریکی است، ولی نه اینکه ذاتاً ازلی باشد، بلکه گوهرهایی که در عناصرش هست، جاودانی است، و آن گوهرها که در عناصرش جمع گردید، اهریمن از آن‌ها هستی یافت. شهریار بهشت روشنی که از آن آگاه شد، برای سرکوبی او نیرنگی به کاربرد و باآنکه لشگریانش را توانایی سرکوبی او بود، خواست به‌خودی‌خود این کار را انجام دهد. به برکت خود و عوالم پنج‌گانه و عناصر دوازده‌گانه‌اش، نوزادی پدید آورد که همان انسان قدیم (هرمزدبغ) باشد و او را نامزد ستیزه با تاریکی نمود. به دنبال آن اجناس پنج‌گانه‌ی تاریکی با اجناس پنج‌گانه نور آمیخته شدند.

بااین‌وجود در عرفان مانوی، از هبوط روح، بدان گونه که گنوسیان قرن دوم و سوم میلادی مطرح می‌کردند، سخنی نیست، بلکه جهان خود به دو قلمرو کاملاً مجزای نور و ظلمت تقسیم گردیده است. روح فی‌نفسه از ماده جدا بوده است. تنها رشکِ اهریمن و دیوان باعث شده که به جهان نور بتازند و در جنگی شگفت‌آور که میان ایزدان نور و اهریمن و دیوان رخ می‌دهد، پاره‌هایی از نور ایزدان به چنگ دیوان می‌افتد و بدین گونه دوران آمیختگی نور و ظلمت آغاز می‌گردد. انسان در جهان شناختِ مانوی، زاده همین دوران آمیختگی است. درواقع مانی جهانی را که در آن چشم به جهان گشود، جهانی برشمرد که آمیزه‌ای از نور و ظلمت است. تن انسان دیوی و روح او علوی و آسمانی است. انسان باید این روحِ دربند را از زندان تن برهاند تا رستگار شود، وگرنه در این جهان پُر از درد و اندوه باز زاده خواهد شد و در رنج خواهد بود. نکته حائز اهمیت اینکه رستگاری به اعتقاد مانی، طی روندی پیچیده میسر می‌شود. این روند هاله‌ای اسطوره وَش به خود می‌گیرد. ازاین‌رو شرحی کیفیت رستگاری و نجات روح در عرفان مانوی مستلزم توجیهی اساطیری است. بنابراین عرفان مانوی با جهان اسطوره‌ها گره می‌خورد و از یکدیگر جدانشدنی‌اند. شناختن عرفان مانوی مستلزم شناخت اساطیر مانوی است. ازآن‌رو که مانی خود تحلیلی اساطیری از جهان و کائنات داشت و برعکس دیگر گنوسیان برجسته‌ی صدر مسیحیت که ذهنی تحلیلی و فلسفی داشتند، به اسطوره و هنر بیشتر گرایش داشت. حتی هنگامی‌که از تکوین جهان و روند آفرینش سخن می‌گفت و می‌خواست توجیهی نجومی داشته باشد، گاه مطالب نجومی را با باورهای اساطیری پیرامون اختران

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

درآمیخته است. هم‌چنین نوآوری مانی در نگرش دینی–عرفانی در هنرش نیز متجلی شد، به‌نحوی‌که آزاد شدن از جهان خاکی، که آمیزه‌ای از نور و ظلمت پنداشته می‌شد، مهم‌ترین درون‌مایه‌ی هنر مانوی به شمار می‌رفت.

اسماعیل‌پور (۱۳۸۱) نیز به اسطوره‌ای که حاکی از این آمیزش است اشاره دارد، بدین شرح که پدربزرگی برای دفاع از ایزدان روشنی، مادر زندگی را فرامی‌خواند تا افزار نبرد را فراهم کند و هم او است که هُرمزدبَغ را می‌آفریند تا به جنگ اهریمن و دیوان گسیل شود. هُرمزدبغ نماد انسان دربند این جهان خاکی است. چه او در سرزمین ظلمت اسیر می‌شود و مدهوش می‌افتد و منتظر نجات بخشی است. پنج فرزندش، اَمَهرسپندان نیز به چنگ نیروهای اهریمنی گرفتار می‌آیند. بدین گونه، نور با ظلمت آمیخته می‌گردد. ایزد و ایزدانی که این دو را از هم جدا کند. در این دوران آمیختگی نور و ظلمت بایسته‌تر آن‌که این دو بُن از هم جداشده، به اصل خویش واصل گردند. مهر ایزد پس از نبردی سخت و سنگین ، هرمزدبغ را از بند می‌رهاند و جهان را می‌آفریند به‌گونه‌ای شگفت‌آور، با ده آسمان و هشت زمین، که تن دیوان شکست‌خورده ساخته‌شده‌اند. پس کیهان در اصل بُنی ظلمانی دارد. اما همواره در انتظار نجات است و به نجات نور و رهایی آن از چنگ عفریت ظلمت چشم امید دارد.

بااین‌وجود به گمان مانی، انسان در اصل زاده ظلمت است. شهریار تاریکی در پی انتقام از ایزدان نور، درصدد است که زندانی شدن نور را ابدی سازد. پس، آفریدن زوجی نر و ماده به شکل نرینه و مادینه‌ی نریسه ایزد را آرزو می‌کند. انسان ابزاری است در چنگ نیروهای ظلمت برای ادامه ستیز با ایزدان نور. نخستین مرد زاده می‌شود. او گِهمُرد نام دارد که زاده‌ای دیوی است، و نخستین زن مُردیانه نام دارد که نور کم‌تری در اوست. ظلمت دوست دارد که نور برای ابد در چنگ او محبوس باشد و دوران آمیختگی استمرار یابد. اما ایزدان نور هم بیکار ننشسته‌اند و در پی آگاهی و هدایت انسان برمی‌آیند. این بار، بهانه نبرد نور و ظلمت، انسان است که (کیهان کودک)(عالم صغیر) خوانده می‌شود، در برابر کیهان بزرگ(عالم کبیر). تن اهریمنی است و باید طرد گردد. انسان زاده‌ی ظلمت بس رنج می‌کشد و تنها پاره‌ای نور در تن او زندانی است که به گونه‌ی مرواریدی درون صدفی خاکی می‌درخشد و درعین‌حال، اندوهگین است. این گوهر نورانی باید از صدف (جهان مادی) بیرون

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

آید و سرزمین روشنی ره سپار گردد. در اسطوره‌های مانوی، انسان‌ها از نسل همین گهمُرد و مُردیانه و فرزندان آن‌ها به شمار می‌آیند که در برخی نور بیشتر است.

ارژنگ مانی نیز نگارنامه ای بود درباره‌ی آفرینش و تکوین عالم، جهانِ نور و ظلمت و چگونگی آزاد شدن پاره‌های نور و رسیدن آن به کشتی ماه و خورشید و بهشت نورِ ازلی و به‌طورکلی شرح نگارین اسطوره‌ی نور و ظلمت است. نگاره‌های ارژنگ درباره‌ی آموزه‌های کیهان‌شناختی، آفرینش، روندِ تکوین جهان، ساختار کیهان، پایان جهان و رستاخیز بوده است. این نگاره‌ها احتمالاً به‌احتمال بسیار در سه بخش یا سه پرده بوده چون مانی به سه دوره آفرینش قائل بود، چنان‌که دریکی از دیوارنگاره‌های مانوی بازمانده در تورفان چین، این مضمون به‌صورت درختی سه تنه تصویر شده که به معنی سه دوره‌ی آیینی است، که به‌عنوان سه دوره‌ی تاریخ کیهانی هستند و می‌توان سه دوره را دوره‌های (گذشته، اکنون و آینده) نیز پنداشت بااین‌وجود اسطوره آفرینش در آیین مانی دارای این سه مرحله است: ۱- دوره‌ی پیشین یعنی زمان پیش از آمیختگی دو بُن، نور و ظلمت. ۲- دوره‌ی آمیخته، یعنی دوره‌ی آمیختگی نور و ظلمت یا همین دوره‌ی کنونی که آدمیان در آن آفریده می‌شوند و به سر می‌برند. بااین‌وجود نبرد نور و ظلمت در دوران آمیختگی رخ می‌دهد، یعنی آنگاه‌که شاخه‌های مینوی نور بلعیده می‌شوند. همه در آرزوی جدا شدن و گسیختن نور از تاریکی‌اند و این هدف غایی مانویان بوده است انسان باید در جایگاه تطهیر ارواح، و تطهیر نور و سترگی از ظلمت، پالوده گردد و از طریق ستون روشنی یا کهکشان راه شیری به ماه و خورشید و به بهشت نو بپیوندد که بهشتی موقتی است تا پایان جهان و سرانجام به بهشت روشنی، جهان اعلی‌علیین، خواهد پیوست. ۳- دوره‌ی پسین یا روزگار زرین جدایی همیشگی نور و ظلمت و راستی و دروغ هر یک به بُن خویش بازگردد و دوران زرین جدا بودگی، از نو آغاز گردد. در این دوره آگاه کردن انسان رسالت عیسای درخشان است که ایزد رهایی‌بخش سومین مرحله آفرینش در اسطوره‌ی مانوی است. سرانجام پایان جهان، ایزد حامل زمین‌ها، بار سنگین خود را رها کند و هشت زمین پاره‌پاره گردد. ده آسمان نیز گسیخته و متلاشی شود، همه‌ی ذرات کیهان به جوش‌وخروش درآید. زمان فرشگرد(رستاخیز) فرارسد. اما این پایان هستی نخواهد بود، بلکه پایان دوران آمیختگی است بااین‌وجود پیش از آفرینش، دونیروی ازلی نور و ظلمت بودند، چنان‌که همواره(بودند و هستند و خواهند بود). این دو

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

نیرو هم پیش از آفرینش و هم در پایان جهان، کاملاً از هم جدایند و به گونه‌ی دو اقلیم **ضّدین** در برابر هم استقراریافته‌اند (جدول شماره ٢٦-٤ و ٢٧-٤).

جدول٢٦-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس روایت اسطوره آفرینش مانوی.

	مؤلفه‌ها	تعریف	نتیجه
روایت اسطوره‌ای آفرینش مانوی	نر(نخستین مرد)(گهمرد)	شهریار تاریکی به دنبال انتقام از ایزدان نور و زندانی شدن نور تا ابد، این دو زوج را آفرید	کیهان در اصل بُنی ظلمانی دارد و انسان زاده ظلمت است.
	ماده(نخستین زن)(مُردیانه)		
	انسان (کیهان کودک) (عالم صغیر)	انسان درونش نور کمی زندانی است پس به دنبال رفتن به سرزمین روشنی است.	
	تن اهریمنی (کیهان بزرگ) (عالم کبیر)		
	نور	١)چون روشنی از ازلی و جاودان بودن روشنی و تاریکی آگاه شد، فرزندی به نام هرمزدبغ(نماد انسان دربند جهان خاکی و اسیر در سرزمین ظلمت) آفرید، که نامزد ستیز با تاریکی است. ٢) بنابراین نور و ظلمت آمیخته‌شده با یکدیگرند. ٢)دو بُن به دنبال بازگشت به اصل خویش. ٣)توسط مهر ایزد نبردی بین این دو و آزادی هرمزدبغ ٤)آفرینش جهان	
	ظلمت		

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ١٩٥٩٢٩/و تاریخ ١٣٩٥/٩/٦) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (١٣٤٨) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول۲۷-٤. سرچشمه مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس دیدگاه ثنویت مانوی

	مؤلفه‌ها	تعریف	نتیجه
دیدگاه ثنوی مانوی	نور(روح انسان) (روح)	• تقسیم جهان به دو قلمرو. • جدایی ازلی. • روشنی از بالا است و با ایزد یگانه • ظلمت از پایین است (دوزخ، جهان تاریکی) و با اهریمن یگانه. • روشنی و تاریکی ازلی هستند یعنی گوهرهایی که در عناصرشان است جاودانی است.	• دو بُن همیشه در تضاد باهم. • سرچشمه هستی از دو هستی روشنی و تاریکی است. • در متون یونانی نیک و بد است. • دو مؤلفه در ازلی بودن باهم اشتراک دارند که یادآور نظریه‌ی اوکویرک و همکارانش درباره وجود شباهت در ترکیب دو خط عمودی و افقی است که هر دو مستقیم هستند • پس دو مؤلفه متضاد در یک امر اشتراک نیز دارند.
	ظلمت (تن انسان) (ماده)		

یونان:

لیندبرگ(۱۳۷۷) دراین‌باره می‌نویسد، در آغاز قرن ششم قبل از میلاد فلسفه‌ی یونانی برای نخستین بار بر صحنه ظاهر شد. هرچند این امر به معنای جایگزین شدن فلسفه به‌جای اسطوره نبود زیرا اسطوره‌ی یونانی با برآمدن فلسفه قرن‌ها همچنان به رونق و شکوفایی خود ادامه داد و گاهی حتی آمیخته با اسطوره بود. نکته قابل‌توجه اینکه بسیاری ازنظریات فیلسوفان ازجمله فلاسفه قرون شش قبل از میلاد، ابتدایی به نظر می‌آیند و با هیچ نظریه‌ی علمی جدیدی نمی‌توان برابرشان نهاد و پیشگام دانست. اما آنچه فیلسوف **میلتوسی**[۳۸] قرن شش قبل از میلاد را از پیشینیان متمایز می‌کند این است که پرسش‌های جدیدی مطرح ساختند. برای مثال به دنبال اصل موجودات یا آن حقیقت بسیط اولیه‌ای که ماده‌ی همه‌چیز است و می‌تواند صورت‌های مختلف به خود گیرد و جواهر و مواد متکثری که مشاهده می‌کنیم را پدید آورد، بودند. این‌ها جستجویی بود برای یافتن وحدت در کثرت،

۳۹. شهر میلتوس واقع در سواحل جنوبی ایونیا است. هم‌چنین ایونیا واقع در کرانه غربی آسیای صغیر(ترکیه امروزی) است، جایی که تحولات فلسفی نخست در آنجا پدید آمده (لیندبرگ، ۱۳۷۷).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

و نظم در پشت آشوب. بنابراین آنچه انکارناپذیر است اینکه این فیلسوفان به یک واقعیت بنیادی یا ماده‌ی اولیه که جهان از آن ساخته‌شده یا از آن نشئت‌گرفته اعتقاد داشتند. هم‌چنین فیلسوفان میلتوسی همه ماده‌گرا و معتقد به اصل واحد برای عالم بوده‌اند، یعنی رأیشان بر این بوده است که آن جوهر اولیه‌ای که جهان از آن پدید آمده است باید چیزی مادی و باید یکی باشد.

بااین‌وجود گروهی از متفکران قرن شش قبل از میلاد پژوهشی جدی انتقادی در طبیعت و چیستی جهانی که در آن می‌زیستند آغاز کردند که تا به روزگار ما همچنان ادامه یافته است. هم‌چنین دنیای فیلسوفان نیز دنیای بانظم و قاعده و قابل پیش‌بینی است که در آن اشیاء برحسب ماهیت و سرشت خود عمل می‌کنند. واژه‌ی یونانی که برای رساندن این دنیای بانظم و قاعده به کار می‌رفت **کوسموس**[۳۹] بود که از آن اصطلاح کوسمولوژی (کیهان‌شناسی، جهان‌شناسی) در زبان غربی گرفته‌شده است. دنیای متزلزل و بی‌قانونی که ملعبه دست خدایان بود و در کنار نهاده شد و جا برای نظم و قاعده باز شد و کوسموس (کل نظام‌مند) جای خائوس(آشوب) را گرفت. تمایز میان طبیعی و فوق طبیعی به پیدایی آمد و توافق بر این شد که علل و اسباب چیزها از منظر فلسفی، فقط در طبیعت و سرشت آن‌ها قابل جستجو است. به‌ویژه ارسطو فیلسوفانی که این راه‌های جدید تفکر را مطرح ساختند، به خاطر توجهی که به طبیعت[۴۰] داشتند، **طبیعیان** یا **طبیعت شناسان** خوانده‌اند.

هم‌چنین ضمیران(۱۳۷۹) بر این باور است که فلاسفه‌ی نخستین حتی ابتدایی‌ترین صورت‌های علوم طبیعی را نیز به کار نمی‌گرفتند. درواقع معیارها و موازین موردنظر آن‌ها به‌هیچ‌وجه با یافته‌های تجربی قابل تطبیق نبود. آن‌ها مبانی وحدت اولیه‌ی عالم را در اموری چون اضداد، عدالت و یا جذب و دفع (همچون عشق و نفرت) جستجو می‌کردند، درحالی‌که فلاسفه‌ای همچون پارمیندس و دیگران این مفاهیم را به صورتی انتزاعی مطرح می‌نمودند و اسطوره گرایان آن‌ها را در قالب روایت‌های تمثیلی بیان می‌کردند. در حقیقت فلسفه در مرحله‌ی اول، سنت اساطیر را نفی نکرد بلکه تنها آن را ماهیتی استدلالی بخشید. برای مثال در فرهنگ اساطیری فوزیس به معنای شکوفایی و پایداری به کار می‌رفت اما فلاسفه آن را به طبیعت به معنای انتزاعی آن تعبیر نمودند. نزد اندیشمندان

39 .Kosmos
40 .Physis

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

اساطیری فوزیس به معنای فراگرد بازنمایی و آشکارگی جهان صیروت از سرچشمه‌های مکتوم و رمزآمیز به کار می‌رفت، اما فلاسفه آن را در نظام موجود در متن زمان و مکان بازشناخته و بر این باورند که طبیعت دارای نیروهایی است که موحد ظهور و بروز پدیده گشته است و بعدها همین فوزیس به معنای ماهیت و گوهر اشیاء به کار رفت و به‌مرور طبیعت به خصوصیات اولیه‌ی امور که در تقابل بافرهنگ بود اطلاق شد. نکته‌ی قابل‌توجه دیگر اینکه آنچه را که اساطیر با تکیه‌بر تمثیل و تصویر بیان می‌کردند، فلسفه بر زبان تجربه و انتزاع توضیح می‌داد، ازاین‌رو **آرخی** که در فرهنگ اساطیری فرم و منشی روایی و بیرونی داشت، رفته‌رفته در حوزه‌ی فلسفی ماهیتی عقلی و درونی پیدا کرد و به معنای مبادی اولیه، یعنی اموری که در حیطه‌ی عالم لازم است به کار رفت. به اعتباری آرخی در اساطیر بیشتر به آغاز و ابتدای آفرینش عالم و آدم اطلاق می‌شد و در فلسفه بر مبدأ به معنای علت ارسطویی دلالت می‌نمود. البته بعدها در سده‌های میانه به مبدأ موجودات یعنی ذات حق اطلاق گردید. آنچه حائز اهمیت است اینکه خودآگاهی دلیلی بود برای دستیابی به اصول و مبادی اولیه. بااین‌وجود خودآگاهی در فرهنگ کهن یونان رفته‌رفته گسترش یافت و فهم و درک نیروهای قدسی نیز در معرض بازنگری و وارسی فلسفی قرار گرفت. هم‌چنین در سایه‌ی گسترش و تکامل خودآگاهی با ایجاد شکاف میان خود و جز خود یا ذهن و عین و با فرد و عالم وجود فاصله‌ی میان لاهوت و ناسوت نیز از میان رفت و نوعی دوگانگی میان این دو پدیدار گشت. ظهور خودآگاهی موجب بروز تجربه‌ی جدیدی درباره‌ی هستی گردید و در حقیقت همین تکوین آگاهی بود که به اندیشه‌ی توحید منجر شد. چراکه توحید مفهومی فلسفی و لاجرم انتزاعی است و با کثرت و چندگانگی اساطیری تفاوت‌های اساسی دارد. می‌توان گفت که با ظهور اندیشه‌ی فلسفی و زوال تمثیل‌ها و تصویرهای اساطیری درباره‌ی مبدأ هستی، به‌جای داستان آفرینش، نوعی اندیشه‌ی توحید گرا در فرهنگ یونان پدید آمد. برخی مدعی‌اند که جستجوی اندیشمندان فلسفی به دنبال **آغاز و مبدأ هستی (آرخی)** و نیز اصل و گوهر امور، سرانجام از کثرت به وحدت گرایید. در حقیقت یکی از مفاهیم اولیه‌ی فلسفی که زمینه گسست اندیشه را از حیطه‌ی اساطیر فراهم آورد همین مفهوم وحدت بود. چه خصوصیت او منش اصلی بینش اساطیری در نوعی کثرت‌گرایی و تعدد موجودات نهفته بود. همین اصل وحدت، زمینه‌ی بحث یگانگی ذهنیت و آگاهی زا فراهم ساخت. بدین معنا که

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

سیر و گسترش آگاهی شرایط تازه‌ای را در برخورد با نیروهای قدسی فراهم ساخت و شکافی عمیق میان ذهن (آگاهی) و نیروهای قدسی به وجود آورد. بااین‌وجود در فرهنگ اساطیر، وجود آدمیان در اقیانوسی از تجربه‌ها و روایت‌های اساطیری شناور بود. اما با گسترش خودآگاهی و به‌طورکلی استدلال انتزاعی مقولاتی چون وحدت، کلیت و هویت در برخورد با عالم واقع به کار رفت و کثرت خدایان جای خود را به وحدت و هویت طبیعی بخشید. درواقع روایت شخصی درباره‌ی طبیعت و خدایان جای خود را به رویکردی وحدت‌گرا و انتزاعی نسبت به پدیده‌های یادشده داده است. در ادامه بحث به قدیمی‌ترین فیلسوفان سده‌ی شش قبل از میلاد پرداخته که ازجمله فلاسفه‌ی طبیعی بودند.

تالس: ضمیران(۱۳۷۹) اذعان دارد که فلسفه رسماً با اندیشه‌های تالس (٦٤٠-٥٤٦ قبل از میلاد) آغاز شد. او اولین اندیشمندی است که واژه فیلسوف در وصفش به‌کاررفته است. هم‌چنین اولین فیلسوف طبیعی است که سعی نمود، عالم را برحسب یک عنصر طبیعی واحد تبیین کند و گوناگونی‌هایی را که در طبیعت به چشم می‌آید، در یک اصل یا عنصر (آرخی)خلاصه کند. وی اصل و گوهر عنصری تمام پدیده‌های عالم را آب می‌دانست. ارسطو در کتاب متافیزیک از تالس نقل می‌کند که زمین‌بر روی اقیانوسی از آب شناور است یعنی او هستی را متکی بر وجودی تک عنصری یعنی آب می‌دانست. گفتنی است که تالس اولین فیلسوفی است که اصل گوهری یا آرخی را در معنای عنصر ترکیب‌کننده و یا ماده المواد به کار گرفت. بنابراین آنچه اهمیت دارد این است که او نخستین اندیشمندی است که در پی نفی کثرت‌گرایی پدیداری فرهنگ اساطیری برآمد و همه‌ی پدیده‌های عالم را تحت یک عنصر خاص یعنی آب قرارداد و کلیه پدیده‌ها را صورت‌های گوناگون و متغیر عنصر نخستین، یعنی آب می‌دانست و درواقع به همین دلیل است که پژوهندگان فلسفه او را اولین فیلسوفی می‌دانند که از مشاهده‌ی کثرت اشیاء و پدیده‌ها به ماده‌ای عنصری و وحدت‌بخش حکم نمود و مفهوم (وحدت در کثرت) را به‌عنوان آموزه‌ای تازه مطرح کرد. درواقع او نخستین اندیشمندی است که جهانی را به روشی استدلالی وصف نمود و بدین ترتیب اولین گمانه‌ی فلسفی را در مورد گیتی ارائه کرد.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

درواقع وی با قرار دادن آب به‌عنوان اصل نخستین هستی از ترسیم مینوی خودداری کرد و چیزی را مطرح نمود که در تجربه‌ی آدمیان قابل استناد و اثبات باشد. درواقع در اندیشه‌ی تالس نوعی جابه‌جایی میان نیروهای زمینی و نیروهای فراطبیعی (اساطیری) ملاحظه می‌گردد که همین امر مصداقی است برای گذر از اسطوره به فلسفه. از سوی دیگر وی تلویحاً به دوگانگی (بود) و (نمود) حکم داد و آب را گوهر تمامی امور دانست و سایر پدیده‌های محسوس را نیز نمود این گوهر به شمار آورد (جدول شماره ۲۸-٤).

جدول ۲۸-٤. سرچشمه مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس دیدگاه تالس درباره طبیعت.

	مؤلفه‌ها	تعریف	نتیجه
دوگانگی عالم	بود (آب)	وحدت	تبیین عالم، اصل، گوهر عنصری تمام پدیده‌های عالم برحسب یک عنصر طبیعی (وجودی تک عنصری)
	نمود (سایر پدیده‌های محسوس نمود آب هستند)	کثرت	

آناکسیماندرس: در ابن باره نیز ضمیران (۱۳۷۹) می‌نویسد، آناکسیماندرس فیلسوف قرن ۵۵۰ قبل از میلاد و یکی از کاوشگران طبیعت بوده است. وی معتقد بود که ماده‌ی اولیه‌ای که همه‌چیز از آن به وجود آمده، آپیرون است. آپیرون، گوهری بی‌حد و کران است. ازلی و بی‌زمان بوده و تمام جهان را در برمی‌گیرد زیرا به عقیده‌ی وی این ماده‌ی اولیه باید چیزی باشد که به چشم نمی‌آید و آپیرون یا اصل ناکرانمد را مایه‌ی هستی شمرد. لیندبرگ می‌گوید (۱۳۷۷) از این ماده‌ی بیکران تخمی پدید آمد که کیهان (کوسکوس)، نظم و هماهنگی را به وجود آورد. در ادامه ضمیران (۱۳۷۹) اذعان دارد در جهان‌شناسی آناکسیماندرس از بحث خدایان اساطیری و یا توصیه‌ی گسنوفانس خبری نبود. او درعین‌حال که در پی یافتن اصلی کلی برای فهم جهان است، ولی مانند سایر کاوشگران طبیعت برای تبیین عالم به پدیده‌های طبیعی استناد نمی‌جوید. به نظر وی ماهیت طبیعت و هستی چیزی نیست به‌جز عنصری نامتعین و ناکرانمند، بدین معنا که آناکسیماندرس، اصل نخستین عالم را امری نامتعین و ناکرانمند می‌داند و زمانی که وی از ناکرانمندی سخن می‌گفت، منظورش چیزی بود،

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فراسوی اجرام سماوی و کیهانی. درحالی‌که هر یک از فیلسوفان طبیعی یکی از پدیده‌های موجود در طبیعت را علت و مبدأ هستی به شمار می‌آوردند. اما او ناکرانمند را حاوی گوهر هستی شناخت. به‌هرحال ضروری است که اشیاء به آن چیزی برگردند که از آن برآمده‌اند زیرا مطابق حکم زمان، اشیاء و پدیده‌ها باید تاوان بیدادگری خود را به یکدیگر بپردازند. در بیان شاعرانه فزونی و تجاوز عنصری به عنصر دیگر، مصداقی از بیدادگری محسوب می‌شود. عنصر گرما در تابستان بیداد می‌کند و عنصر سرما در زمستان و بدین ترتیب عناصر متعین و ناکرانمند، بیدادگری خود را با جذب و انحلال دوباره در ناکرانمند جبران می‌کنند. وی عالم را فراشدی بی‌پایان می‌داند که از کرانمند و بی‌صورتی به‌صورتمندی سیر می‌کند. درواقع، ناکرانمند عنصر بنیادی کلیه موجودات است. یعنی سرچشمه‌ای که کلیه‌ی پدیده‌های وجود خویش را از آن اخذ می‌کنند و این همان چیزی است که اشیاء و پدیده‌ها در موقع نابودی برحسب ضرورت و تقدیر به آن بازمی‌گردند، زیرا مطابق حکم زمان اشیاء تاوان بیدادگری خود را به یکدیگر پس می‌دهند.

می‌توان گفت پدیدار شدن نظم در عالم، مستلزم جدا شدن اضداد از درون ناکرانمند و نیز به وجود آمدن موجودات از دل این عناصر متضاد است. درواقع راهکار این خلق و تکوین در چارچوب برخورد عدالت با بیداد صورت می‌گیرد. نیروهای متضاد در تنشی پایدار با یکدیگر همزیستی دارند، چنان‌که گرما در تضاد با سرما استقرار می‌یابد. وقتی یکی از این دو عنصر بر دیگری چیره شود، ما با بی‌عدالتی و بیداد سروکار می‌یابیم. تا آنجا که اگر یکی از این عناصر متضاد باقی ماند و عنصر متقابل آن از میان برود، جهان معدوم خواهد گشت. بنابراین عدالت عبارت است از همزیستی و هماهنگی میان نیروهای متضاد. معنای این گفتار را می‌توان درحرکت پاندول جستجو نمود. درواقع حرکت پاندول به یک‌طرف نمی‌تواند همیشگی باشد بلکه مقدمه‌ای است برای حرکت به‌جانب مقابل. پس نقطه‌ی تعادل، حد وسط دو طیف است. تحولات طبیعت را نیز می‌توان با حرکت پاندول مقایسه کرد زیرا هیچ‌یک از حالت‌ها و کیفیت‌ها پایدار نبود و اصل درحرکت به‌جانب نقطه مقابل است. از ناکرانمندی به کرانمندی و ازآنجا باز به ناکرانمندی. در اینجا عدالت عبارت است از نوعی توازن و تعادل میان دو نیروی متضاد. درواقع معنای اصلی عدالت در زبان یونانی راه و طریق است. درحالی‌که معنای عدالت، بیداد و تاوان، ریشه در اندیشه‌ی اساطیری دارد. آناکسیماندرس در بیان از

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

عدالت کیهانی همچون سایر اسطوره باوران، فوزیس یا طبیعت را با تقدیر و ضرورت و نیز ناکرانمندی پیوند می‌دهد اما به تقدیر و ضرورت ماهیتی فلسفی می‌بخشد و درواقع از قلمرو اساطیری خارج کرد و به آن‌ها منشی استدلالی بخشید. طبیعت و کیهانی که آناکسیماندرس ترسیم کرد، نظم و منطقی استوار دارد سامانمندی آن ماهیتی فلسفی یافته است. حال عقیده بر آن است که اندیشه‌ی حاکمیت قانون بر طبیعت و هستی، در نظریه‌های آناکسیماندرس شکوفا گشته است. او قانونی اخلاقی یعنی عدالت را در مورد هستی و طبیعت ملحوظ داشت و پدیده‌های طبیعی را تابع قوانینی اخلاقی دانست. درواقع او برای نخستین بار اندیشه‌ی عدالت را که ریشه در زندگی دولت‌شهر دارد به قلمرو کیهان سرایت داد (جدول شماره ۲۹-٤).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول۲۹-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس دیدگاه آناکسیماندرس، طبق اندیشه عدالت در قلمرو کیهان.

	مؤلفه‌ها	تعریف	نتیجه
اندیشه عدالت در قلمرو کیهان	عدالت	• عدالت یعنی همزیستی و هماهنگی میان نیروهای متضاد. • برخورد این دو با یکدیگر. • اشیاء و پدیده‌ها به یکدیگر بیدادگری می‌کنند(تجاوز عنصری به عنصر دیگر) • گرما در تابستان بیداد می‌کند و عنصر سرما در زمستان بیداد می‌کند.	• نیروهای متضاد در تنش پایدار با یکدیگر همزیستی دارند مثل گرما در تضاد با سرما استقرار می‌یابد. • وقتی یکی از دو عنصر بر دیگری چیره شود، بی‌عدالتی و بیداد اتفاق می‌افتد. • پس چیرگی صرف خوب نیست که این مورد یادآور نظریه ادموند بورک فلدمن است. • جدا شدن اضداد از درون ناکرانمند و به وجود آمدن موجودات از دل این عناصر متضاد. • اصل ناکرانمد چیزی که همه به‌سوی آن بازمی‌گردند. • نتیجه پدیدار شدن نظم، هماهنگی و وحدت در عالم. • از آپیرون تخمی پدیدار که کیهان، نظم و هماهنگی را به وجود آورد.
	بیداد		
	کرانمند	ناکرانمند (بی‌زمان، بی‌حد و کران)، ماده اولیه‌ای است که همه‌چیز از آن به وجود آمده (آپیرون)	
	ناکرانمند		

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

رواقیان: ژینیو(۱۳۹۰) می‌نویسد، درواقع نظریه هماهنگی، به **زنون**[۴۱] **و خروسپیوس**[۴۲] رواقی(سده‌ی چهارم و سوم پیش از میلاد) می‌رسد که نزد آن‌ها همه‌چیز در همه‌چیز است و تن و جهان یک کلیت اندام‌وار یا آلی را تشکیل می‌دهند. درواقع هماهنگی نزد رواقیان نیروی ماوراء طبیعی است که اتحاد اعضای تن را باعث می‌شود و ازنظر **مارکوس اورلیوس**[۴۳]، توازن میان تن و روح را باعث می‌شود که این نظریه مبتنی بر تأمل در باب عالم کبیر و عالم صغیر است.

هم‌چنین کاپلستون (۱۳٦۸) اذعان دارد که بنا به نظر رواقیان در واقعیت دو اصل وجود دارد، فعل‌وانفعال. اما این همان ثنویتی نیست که در نزد افلاطون می‌یابیم، زیرا اصل فعال روحی نیست بلکه مادی است. درواقع به‌ندرت ثنویت و دوگانه انگاری است، زیرا هر دو اصل مادی‌اند و باهم یک کل را تشکیل می‌دهند. بنابراین نظریه‌ی رواقی یک ماتریالیسم یگانه انگار است و نکته قابل‌توجه اینکه نظام رواقیان، یک نظام یگانه انگارانه (اصالت وحدت) است. خروسپیوس ظاهراً آن دو عامل را به‌عنوان نهایت یکی و عین ملاحظه کرده‌اند و می‌گوید که همه‌چیز اجزاء یک کل شگفت‌انگیز است که جسمش طبیعت و روحش خداست. خروسپیوس نیز در چهارمین کتاب خود راجع به مشیت و عنایت الهی، استدلال می‌کند که خوبی‌ها بدون بدی‌ها نمی‌توانند وجود داشته باشند زیرا از یک جفت ضد هیچ‌یک نمی‌تواند بدون دیگری موجود باشد، به‌طوری‌که اگر یکی را از میان بردارید هر دو را از میان برداشته‌اید. یقیناً در این سخن مقدار زیادی حقیقت است. مثلاً هستی یک مخلوق محسوس که مستعد احساس لذت است هم‌چنین مستلزم استعداد برای احساس درد نیز هست. وانگهی از درد هرچند به‌عنوان یک شر سخن رفته است، در جنبه‌ی خاصی به نظر می‌رسد که یک خیر یا مصلحت

---

٤١. Zeno of Citium ، زنون رواقی یا زنون کیتیونی، فیلسوف یونانی، اهل قبرس بود. سپس به آتن رفت و نزد فیلسوفان کلبی به تحصیل پرداخت. مؤسس مذهب رواقی بود و به علت ابتلا به بیماری علاج ناپذیر خودکشی کرد (انوری، ۱۳۸۷).

٤٢. Chrysppus، یکی از برجسته ترین منطق دانان رواقی بود و موجهات یکی از مباحث مورد توجه این منطق دانان بوده است (نباتی، ۱۳۹۲).

٤٣. امپراتور روم از ١٦١ تا ١٨٠ میلادی، ازجمله رواقیان متأخر بود. وی به یگانه انگاری رواقی پیوست. هم‌چنین طبق سنت رواقی، فقط فناناپذیری محدود را می‌پذیرد. هرچند وی مثل سنکا بر دوگانه انگاری بین نفس و بدن اصرار می‌ورزد و مرگ را به‌عنوان رهایی و آزادی توصیف می‌کند (کاپلستون، ١٣٦٨).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مسلم باشد. بنابراین شر جسمانی مشکل چندان بزرگی نیست. درباره شر اخلاقی نیز می‌توان چنین گفت که شر اخلاقی عبارت است از فقدان نظم صحیح در اراده‌ی انسان که در فعل بدِ انسان، ناهماهنگ با عقل سلیم است. بنابراین آدمی اگر می‌تواند نیت خوب داشته باشد، همچنین می‌تواند نیت نادرست هم داشته باشد. بااین‌وجود در قلمرو اخلاقی نیز اضداد کمتر از قلمرو فیزیکی مستلزم یکدیگر نیستند. لذا برای شر اخلاقی همچون برای شر فیزیکی، عبارت است از این قول که خیر به‌واسطه‌ی حضور شر برجسته‌تر جلوه می‌کند و اگر مورد تأکید و اصرار قرار گیرد ممکن است همان نظر خطا و نادرست را برساند (جدول شماره ۳۰-٤).

جدول۳۰-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس دیدگاه رواقیان درباره هماهنگی.

	مؤلفه‌ها	تعریف	نتیجه
نظریه هماهنگی در اجزاء یک کل	تن	• منظور طبیعت وخداست.	• حاصل ترکیب تن و روح، توازن است.
	روح	• منظور عالم صغیر و عالم کبیر است.	• از یک جفت ضد، هیچ‌یک بدون دیگری نمی‌تواند موجود باشد.
	خیر، مصلحت، لذت، خوبی	• شر اخلاقی یعنی فقدان نظم صحیح در اراده‌ی انسان.	• در قلمرو اخلاق اضداد مستلزم یکدیگرند. • خیر به‌واسطه‌ی حضور شر برجسته‌تر جلوه می‌کند. اگر شر مورد تأکید قرار گیرد ممکن است همان نظر خطا و نادرست را برساند که این امر یادآور عامل چیرگی در نظریه بورک فلدمن است.
	شر، درد،بدی		

هراکلیتوس: به گفته‌ی ژینیو(۱۳۹۰)، هراکلیتوس در قرن ٤٨٤ – ٥٤٦ قبل از میلاد می‌زیست. وی از بسیاری جهت ادامه‌ی نظریه‌های کیهان‌شناسی آناکسیماندرس محسوب می‌شود. هراکلیتوس در اندیشه‌هایش میان معرفت انسانی و عالم الهی تمیز قائل شده است. به اعتقاد او معرفت انسانی ترکیبی است از عقل متعارف و روزمره و مفاهیم انتزاعی، از قبیل سردی و گرمی، مرگ و زندگی، وحدت و کثرت و ... . درحالی‌که علم الهی متضمن اصلی است بسیار غامض و غیرقابل فهم، موسوم به لوگوس که مشکل محدودیت‌های معرفت آدمی را مرتفع می‌سازد. بااین‌وجود هر کس می‌تواند در راه لوگوس قرار گیرد و انسان قادر است به حوزه حکمت الهی دسترسی پیدا کند. بااین‌وجود لوگوس

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

عبارت است از چیزی که به همه پدیده‌ها نظم می‌دهد و نوعی قانون کلی است. هم‌چنین هراکلیتوس، آتش را علت اول و گوهر اشیاء به‌حساب می‌آورد. بدیهی است که مقصود وی از آتش شعله‌های آن نیست بلکه آتش نامی است که وی به دم خشک می‌دهد، دمی که روح از آن تشکیل می‌شود. ازاین‌رو می‌توان گفت زندگی با گرمی و حرارت و مرگ با سردی و تری مربوط می‌شود. به همین خاطر به نظر هراکلیتوس مرگ چیزی نیست جز بازگشتن روح به آب. همه‌چیز در دگرگونی واقعی قرار دارد. هراکلیتوس بر این باور است که برای روح، آب شدن مرگ است و برای آب خاک شدن مرگ است، اما از خاک، آب پدید می‌آید و از آب روح. درواقع وی در اینجا با قرار دادن روح به‌جای آتش بر وحدت اصیل این دو عنصر تأکید می‌کند. بااین‌وجود، نوعی قانون عمومی در تمام فعل‌وانفعالات وجود دارد که هراکلیتوس آن را لوگوس می‌نامند.

به اعتقاد او امر واحدی که در همه‌چیز وجود دارد، واجد ماهیتی الهی و عقلانی است و همین امر به وجود آورنده‌ی سامان کیهان است. این امر اگر در درون ما به نمناکی گراید، ما از آن غافل می‌شویم یعنی هرچقدر که رطوبت و سردی به درون ما بیشتر نفوذ کند، وجود آن به فساد و انهدام نزدیک‌تر می‌شود و هرقدر که درون ما خشک‌تر شود از بارقه‌های لوگوس بهره‌ی بیشتری خواهیم برد و وجودمان به‌وسیله‌ی آتش نورانی‌تر خواهد شد. این بدان جهت است که هراکلیتوس لذات جسمانی را ناشی از نمناکی روح می‌شمارد. بااین‌وجود لوگوس عاملی است که برنمودهای کیهانی اولویت دارد. هم‌چنین لوگوس اصلی است که در متن تغییر، حاکمیت دارد. هراکلیتوس در فراگرد تغییر و دگردیسی، وحدتی را جویا می‌شود و می‌گوید در دل همه‌ی تغییرات، نوعی وحدت و شباهت دیده می‌شود. بدین معنا که مثلاً هیچ‌گاه نمی‌تواند همان باشد که بود. چراکه پیوسته در حال دگرگونی است، هم واحد است و هم متکثر. گوهر هستی چیزی نیست جز حرکت و دگردیسی. هراکلیتوس جنگ و چالش را تعارضی کلی و برخوردی عمیق در سراسر هستی به‌حساب می‌آورد و همه‌چیز از راه پیکار و ضرورت پدید می‌آید. درواقع وی، نظم و عدل عالم را در همین عامل ستیز می‌جوید. به نظر او جنگ اضداد و والاترین عدالت است. بر این باور است که نظم عالم مستلزم روند نفی است. اگر تضاد نبود، نظم جهان نیز از میان می‌رفت و آشفتگی حاکم می‌گشت. این در حالی است که اریکسماخوس، پزشک یونانی به هنگام بحث از مفهوم **اروس** می‌گوید که اروس در دنیای

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

پزشکی چیزی نیست جز آشتی‌دهنده‌ی اضداد در بدن انسان. یعنی پزشک حاذق کسی است که قادر باشد عناصری را که در بدن مریض باهم ضدیت دارند، بر سر عشق آورد. این‌گونه عناصر متضاد عبارت‌اند از گرما و سرما، تری و خشکی و مانند آن‌ها.

هراکلیتوس به جنگ اضداد پرداخته و درواقع فلسفه آناکسیماندرس را تأویل می‌کند. وی بر این باور است که اضداد ابتدا بر یکدیگر تعرض می‌کنند و سپس تاوان این بیدادگری را می‌پردازند. البته وی جنگ اضداد را درنتیجه‌ی بی‌نظمی و اختلال می‌شمرد. درحالی‌که هراکلیتوس این دیدگاه را نمی‌پذیرد. به نظر وی ستیز اضداد نه‌تنها لطمه‌ای به وحدت و یگانگی آن‌ها نمی‌زند بلکه آن را استحکام می‌بخشد. به اعتقاد وی واحد تنها از برخورد اضداد به وجود می‌آید. فرزانگی متضمن این است که آدمی به لوگوس و نه به خود گوش فرا دهد و اعتراف نماید که تمامی چیزها یکی است. جنگ و ستیز در همه‌چیز وجود دارد و ستیز عین عدل و دادگری است و تمام هستی در اثر ستیز و کشمکش به وجود آمده و از میان می‌رود و خطاست اگر گفته شود که ای‌کاش ستیز از میان خدایان و آدمیان رخت بربندد. هم‌چنین اذعان دارد که آدمیان نمی‌دانند که آنچه ناسازگار است درواقع عین سازگاری است. مردمان نمی‌دانند که چگونه از هم جداشدگی عین به‌هم‌پیوستگی است. درواقع هماهنگیِ کشش‌های متضاد، چون در کمان و چنگ. درست است که هراکلیتوس با طرح نظریه‌ی **وحدت اضداد**، یکی از اصول اساسی منطق ارسطویی یعنی اجتماع نقیضین را زیر پا می‌گذارد، اما درعین‌حال برخورد نیروهای نامتجانس در عالم وجود را با تکیه‌بر هرمنوتیک خاص خود تفسیر می‌کند. به‌موجب اصل امتناع تناقض، یک‌چیز نمی‌تواند درعین‌حال هم باشد و هم نباشد. درواقع ممکن نیست که دو قضیه متناقض هر دو درست و یا هر دو نادرست باشد، بلکه یکی از آن‌ها درست و دیگری قطعاً نادرست خواهد بود. حال‌آنکه هراکلیتوس بر این باور است که گرم سرد و سرد گرم می‌شود. مرطوب خشک و خشک مرطوب می‌شود. راه از بالا به پایین و راه از پایین به بالا، یکی است. خدا روز و شب، زمستان و تابستان، جنگ و صلح، سیری و گرسنگی است. مثل آتش که چون با عود ترکیب شود، بوی تازه‌ای می‌دهد. بااین‌وجود چیزهای کثیر وحدت می‌یابند. بدین معنا لوگوس به آدمی کمک می‌کند تا وحدتی اساسی را میان اضداد تشخیص دهد. به نظر هراکلیتوس واقعیت در عین کثرت واحد است. این وحدت و کثرت عرضی نیست بلکه امری است گوهری و

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

درواقع نوعی **این‌همانی** میان وحدت و کثرت وجود دارد. هم‌چنین بسیاری هراکلیتوس را فیلسوفی طرفدار فلسفه تغییر می‌دانند که همه‌چیز در حال سیلان دائم است. اما نگرش وی، تنها به این ختم نمی‌شود. اهمیت اندیشه‌ی هراکلیتوس در رویکرد وی به لوگوس است که در نظر وی لوگوس اصلی است اساسی در عرصه‌ی ذهن و نیز در جهان خارج. هم‌چنین آنچه بهتر به فهم اندیشه‌های او مدد می‌رساند، یکسانی وحدت اضداد است. وی بر این باور است که این اصل را باید در پرتو لوگوس بازشناخت و لوگوس نیز مستلزم تعقل است. افزون بر این، وی لوگوس را با اصل آتش پیوند می‌دهد و فراگرد اندیشه را بر پایه‌ی نظریه‌ی تنش توضیح می‌دهد. هم‌چنین هراکلیتوس نیز مانند آناکسیماندرس به طرح نظریه‌ی وحدت در مورد عالم و آدم مبادرت می‌ورزد. وی بر این باور است که برای فهم حقیقت وجود، باید هر چیزی را در نفی آن موردتوجه قرارداد و به‌عبارت‌دیگر عرصه‌ی تجربه و واقعیت در فلسفه‌ی وی باهم وحدت می‌یابند. هم‌چنین هراکلیتوس برای نخستین بار برخورد نیروهای متضاد را وضعیتی مطلوب دانست. به نظر او ستیز و کشمکش شرط اصلی وجود است و آذرخش بر هر چیز چیرگی دارد. نبرد صلحی واقعی است و این کشمکش، اصیل حیات‌بخش محسوب می‌شود. هم‌چنین نیروهای متضاد در وحدت لوگوس گردهم می‌آیند. پس می‌توان گفت که روان ما ماهیتی آتشین دارد و ما با هر دم و بازدم به عقل کیهانی پیوند می‌یابیم. ما بایستی منش آتشین روان خود را چنان تکامل‌بخشیم که وقتی از بخارهای مرطوب بدن رها گشت به‌آسانی با لوگوس- آتش اتحاد یابد (جدول شماره ۳۱-٤، ۳۲-٤، ۳۳-٤، ۳٤-٤ و ۳۵-٤).

جدول ۳۱-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس دیدگاه هراکلیتوس درباره لوگوس.

	مؤلفه‌ها	تعریف	نتیجه
لوگوس(قانون عمومی در تمام فعل‌وانفعالات)	آب آتش (گوهر اول)	از آتش روح شکل می‌گیرد. پس زندگی مساوی با گرمی است. مرگ بازگشت روح به آب است. پس، از آب روح پدید می‌آید.	وحدت اصیل بین دو عنصر است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول۳۲-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس دیدگاه هراکلیتوس درباره نظریه وحدت اضداد.

	مؤلفه‌ها	تعریف	نتیجه
نظریه وحدت اضداد	گرم	گرم سرد و سرد گرم می‌شود.	• چیزهای کثیر وحدت می‌یابند. • واقعیت در عین کثرت واحد است.
	سرد		
	مرطوب	مرطوب خشک و خشک مرطوب می‌شود.	• برخورد نیروهای متضاد وضعیتی مطلوب است. • ستیز و کشمکش شرط اصلی وجود است.
	خشک		
	بالا	راه از بالا به پایین و راه از پایین به بالا یکی است.	• باعث استحکام، وحدت و یگانگی آن‌ها می‌شود. • واحد از برخورد اضداد به وجود می‌آید. • نیروهای متضاد در وحدت لوگوس گردهم می‌آیند. • لوگوس به آدمی کمک می‌کند وحدتی اساسی میان اضداد تشخیص دهد. • جنگ اضداد نتیجه بی‌نظمی و اختلال است.
	پایین		

جدول۳۳-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس دیدگاه هراکلیتوس درباره معرفت .

	مؤلفه‌ها	تعریف	نتیجه
معرفت انسانی	عقل متعارف و روزمره	همچون سردی و گرمی، مرگ و زندگی، وحدت و کثرت.	• مشکلاتی برای محدودیت‌های معرفت انسانی هست. • با لوگوس می‌توان به حوزه حکمت الهی رفت. • پس لوگوس چیزی است که به همه پدیده‌ها نظم می‌دهد و نوعی قانون کلی است.
	مفاهیم انتزاعی		

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول ٣٤-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس دیدگاه هراکلیتوس درباره گوهر هستی.

	مؤلفه‌ها	تعریف	نتیجه
گوهر هستی	حرکت،دگردیسی، تغییر،تکثر شباهت،واحد	در دل همه‌ی تغییرات نوعی وحدت و شباهت دیده می‌شود چون هیچ‌گاه نمی‌تواند همان باشد که بوده.	گوهر هستی چیزی نیست جز حرکت و دگردیسی.

جدول ٣٥-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس دیدگاه هراکلیتوس درباره عدل و نظم عالم.

	مؤلفه‌ها	تعریف	نتیجه
عدل و نظم عالم	جنگ و ستیز شباهت،واحد	در دل همه‌ی تغییرات نوعی وحدت و شباهت دیده می‌شود چون هیچ‌گاه نمی‌تواند همان باشد که بوده.	• گوهر هستی چیزی نیست جز حرکت و دگردیسی.

پارمنیدس: ژینیو(۱۳۹۰) می‌گوید، نظریه‌ی پارمنیدس تا حدی با نظریه‌های اندیشمندان پیش از او مغایرت دارد. پارمنیدس تأکید داشت که در عرصه‌ی هستی صیرورت و تغییر، چیزی جز پندار نیست. وجود یا هستی، واحد است و کثرت چیزی نیست مگر توهم. درحالی‌که به اعتقاد هراکلیتوس اصل، حرکت و تغییر و کثرت است اما پارمنیدس درست برعکس وی حرکت را امری اعتباری می‌شمارد و می‌گوید کل واقعیت عبارت است از گوهر واحد و بی‌حرکتی که هستی نام دارد. پارمنیدس اصل واحد را که ریشه در دریافت فلسفی داشت، جانشین کثرت اساطیری نمود. دنیای اساطیر ساحت تنوع و کثرت بود اما فلسفه از زبان پارمنیدس به بعد ورای تنوع و گوناگونی پدیده‌ها و نمودها وجهی هماهنگ‌کننده را جستجو کرد. زیرا زمانی که فلاسفه از خداوند و یا اصل (آرخی) سخن به میان می‌آورند، درواقع جوهری وحدت یافته را در نظر داشته‌اند. کسی که آرخی را در اوج معنای انتزاعی آن به کار گرفت، پارمنیدس بود. او واحد را اصل هستی به‌حساب آورد و بر این باور

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بود که تنها حقیقتی که قطعاً امکان وجود دارد، هستی بیکران، بی‌همتا و بی‌حرکتی است که واحد یا یکتا نام دارد.

پارمنیدس، به‌طورکلی دو راه را در سیروسفر پژوهشی خود مطرح کرده است، یکی راه حقیقت و دیگری راه پندار. درراه حقیقت ایزد بانوی عدالت قول می‌دهد که راه میرایان را روشن نماید. او تفاوت‌های میان راه حقیقت و راه نمود، نمایش و پندار را از همان آغاز برمی‌شمارد. وی می‌گوید که میرایان دو صورت را نام می‌برند و از همین‌جاست که دچار سرگشتگی می‌شوند زیرا آنچه موجود است، واحد است. آن‌ها دو نیروی متضاد یعنی آتش و شب را در تقابل باهم قرار می‌دهند و این تقابل در قلمرو ادراک حسی قرار دارد. هم‌چنین بر این باور است که اگر همه‌چیزها را روشنی و یا تاریکی بنامیم، و مطابق با نیرویی که در آن‌هاست، این یا آن را انتخاب کرده و برای آن‌ها برگزینیم، می‌توانیم هر چیزی را آکنده از این دو عنصر بدانیم و بدین نحو نیستی به هیچ‌یک از این دو تعلق نمی‌گیرد. وی در راستای آموزه‌ی خود درباره‌ی راه حقیقت اذعان دارد که اگر هستی وجود دارد، باید بپذیریم که آن در واحد است که در اینجا واحد به‌صورت Monogenesis به معنای تکوین واحد به‌کاررفته است. هم‌چنین افلاطون در رساله‌ی پارمنیدس از قول وی بیان دارد که اگر واحد هست نمی‌تواند کثیر باشد. واحد نه می‌تواند دارای اجزاء باشد و نه کلی کامل. پس اگر دارای اجزاء نباشد اول و آخر و وسط نخواهد داشت. پس بی‌حد و بی‌شکل خواهد بود زیرا نه از چهارگوش بهره‌وراست و نه از گردی. پارمنیدس هم‌چنین می‌افزاید واحد نه عینی است و نه مکانمند و زمانمند و به احساس هم درنمی‌آید. ازاین‌رو یک هستی واحد که غیر از خود واحد نیست. در حقیقت افلاطون از زبان پارمنیدس انتزاعی‌ترین بحث را درباره‌ی ارتباط میان هستی و واحد مطرح می‌کند. هرچند بعدها تفسیرهای گوناگونی در مورد آموزه‌ی افلاطون درباره‌ی واحد تدوین شد که معروف‌ترین آن تفسیر فلوطین و پروکلس است. البته ارسطو نیز در رساله‌ی متافیزیک، واحد را موردبحث قرار داده و بحث افلاطون را ادامه می‌دهد که در ادامه به‌اختصار موردبررسی قرارگرفته است (جدول شماره ٣٦-٤)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

. جدول۳٦-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس دیدگاه پارمنیدس

	مؤلفه‌ها	تعریف	نتیجه
هستی	تاریکی	دونیروی متضاد بعلاوه یکدیگر.	وجود و هستی واحد است. کثرت بی‌معناست. پس اصل واحد جانشین کثرت اساطیری است زیرا **دنیای اساطیر ساخت تنوع و کثرت است**.
	روشنی		
	آتش	در تقابل باهم قرار دارند. این تقابل در قلمرو ادراک حسی است.	
	شب		

.

امپدوکلس و آناکساگوراس: به گفته‌ی ژینیو(۱۳۹۰)، نخست باید به نظریه آمپدوکلس درباره‌ی چهارعنصر اشاره شود که ارسطو نیز در ادامه آن را پذیرفته است. وی برای هر یک از این عناصر یک جفت کیفیت حسی قائل بود که از طریق لمس آشکار می‌شود، گرما در برابر سرما و خشکی در برابر رطوبت. ترتیب این‌چنین است که آتش گرم و خشک است، هوا گرم و مرطوب و خاک سرد و خشک. به‌علاوه عناصر دریکی از کیفیات خود با یکدیگر اشتراک دارند. خاک و آب در سرما و آب‌وهوا در رطوبت اشتراک دارند. این امر بدان جهت است که برخی از مفسران عناصر چهارگانه را به‌وضوح با کیفیاتشان همراه کرده‌اند. بدین‌صورت که چهارعنصر، یعنی، آتش ، آب، خاک و هوا که به‌صورت متعالی ساخته‌شده‌اند، وقتی کیفیاتشان یعنی، گرمی، سردی، رطوبت و خشکی به آن‌ها افزوده می‌شود، آن‌ها دقیقاً هشت‌گانه‌ای را شکل می‌دهند. هم‌چنین به نقل از کاپلستون(۱۳٦۸)، با توجه به اینکه فلسفه‌ی اتمی، توسعه منطقی فلسفه‌ی امپدکلس است، برای تبیین تمام اختلافات کیفی، اجزای مادی را برحسب الگوهای متفاوت، به‌صورت مکانیکی کنار هم‌نهاد. بعلاوه نیروهای آمپدکلس، یعنی عشق و نفرت، نیروهای مجازی بودند که در یک فلسفه‌ی به تمام معنی مکانیستی باید حذف شوند. قابل‌توجه است که در فلسفه اتمی نه نیروهای امپدکلس، عشق و نفرت، دیده می‌شود و نه نوس آناکساگوراس. باید توجه داشت که برخورد اتم‌ها به‌ضرورت به سبب شکل و وضع اتم‌ها و حرکات نامنظم آن‌ها رخ می‌دهد و حال‌آنکه حرکت اولیه‌ی اتم‌ها، به لحاظ اینکه یک امر قائم به خود است نیازمند تبیین دیگری نیست (جدول شماره ۳۷-٤).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول۳۷-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس دیدگاه آمپدکلس و آنکساگوراس درباره آفرینش عالم.

	مؤلفه‌ها	تعریف	نتیجه
عالم	گرما (خشکی)و...	هر چهارعنصر یک جفت کیفیت حسی دارند که از طریق لمس آشکار می‌شود.	• عناصر دریکی از کیفیات باهم اشتراک دارند. همچون آب‌وخاک در سرما.
	سرما(رطوبت)و...		
	عشق	در تقابل باهم قرار دارند. این تقابل در قلمرو ادراک حسی است.	• اتمیست ها علت حرکت و پیوند اتم‌ها را نابودی گسستگی اتم می‌دانند که علت آن تنفر است.
	نفرت		• پس عشق و نفرت هر دو در کارند.

فیثاغورث[۴۴] : ضمیران(۱۳۷۹) به نظریه فیثاغورث اشاره دارد که وی اصل و اساس و بنیادین هستی را در اعداد جستجو کرد. درواقع او جهان فراحس را اصالت بخشید و اصل و بنیاد گوهری امور را در ساحتی ورای طبیعت جستجو نمود. درواقع فیثاغورث همچون آناکسیماندرس زمینه‌ی پژوهش درباره‌ی هستی را در قلمرو بیکران و واحد یافتند. در میان فلاسفه فیثاغورثیان، اولین اندیشمندان یونانی بودند که آرخی را از قلمرو طبیعت و عالم ماده به عرصه‌ی مفاهیم انتزاعی و بخصوص ریاضی منتقل کردند. هم‌چنین اولین اندیشمندان دوگانه باور، فیثاغورثیان بودند که به تعبیر ارسطو ابتدا هستی را در تقابل کرانمند با ناکرانمند یافتند. اما رفته‌رفته از دوگانگی دست کشیده و اصل همه‌ی امور را در یک امر واحد یعنی عدد دانستند(جدول شماره ۳۸-٤).

٤٤. Pythagoras، احتمالاً متولد ۵۸۰-۵۰۰ قبل از میلاد. فیلسوف بزرگ یونانی. در شهر ساموس زاده شد. زمانی که به ایتالیای جنوبی رفت و در شهر کروتونا مستقر شد، در آنجا جمعیتی سری و متشکل از مردان و زنان تشکیل داد و مقاصد اخلاقی، دینی و سیاسی را دنبال کرد. وی ریاضیدان بوده است و اکتشافات زیادی به او نسبت می‌دهند. هم‌چنین فیثاغورثیان قدیم نیز از پیروان فیثاغورث بودند که بعد از مرگ او تا نیمه‌ی سده‌ی ٤ قبل از میلاد فعالیت داشتند. عقاید ادواری بودن حوادث عالم و اعداد به فیثاغورثیان نسبت داده‌شده است. نوفیثاغورثیان نیز پیروان دیگر فیثاغورث هستند که افکار آن‌ها منجر به ظهور فلسفه نوافلاطونی شد (انوری، ۱۳۸۷).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول۳۸-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس دیدگاه فیثاغورث

	مؤلفه‌ها	تعریف	نتیجه
هستی	کرانمند	در تقابل با یکدیگر (دوگانگی)	اصل همه‌ی امور در یک امر واحد یعنی عدد است.
	ناکرانمند		

افلاطون: لیندبرگ (۱۳۷۷) می‌نویسد، بعد از فلاسفه‌ی مذکور که به‌عنوان فلاسفه‌ی پیش از سقراط نیز از آن‌ها یاد می‌شود، با تغییراتی مواجه هستیم. سقراط مظهر تغییری در نقطه‌ی تأکید در فلسفه‌ی یونانی از علایق جهان‌شناسی قرن شش و پنج قبل از میلاد به مطالب سیاسی و اخلاقی است اما این تغییر چندان نمایان و شاخص نبود که از ادامه‌ی توجه به مسائل عمده‌ی فلسفه‌ی پیش از سقراط جلوگیری کند. ما اندیشه‌های کهن و نو، هر دو را در آثار دوست جوان‌تر سقراط یعنی افلاطون مشاهده می‌کنیم که در ادامه موردبررسی قرارگرفته است. اما نکته‌ی حائز توجه آن است که افلاطون مکالمه‌ای دارد به نام **تیمائوس**[٤٥] که توجه او را به عالم طبیعت می‌نمایاند. در این مکالمه به آراء او درباره‌ی نجوم، جهان‌شناسی، نور و رنگ ، عنصرها و فیزیولوژی انسان برمی‌خوریم. یکی از شگرف‌ترین ویژگی‌های این رساله مخالفت شدید افلاطون با بعضی از وجوه اندیشه‌ی پیش از سقراطی است. فیلسوفان طبیعت‌گرای پیش از سقراط، جهان را از الوهیت محروم ساخته بودند. به عقیده این فیلسوفان اشیاء بنابرطبیعت ذاتی خود عمل می‌کنند و این به‌تنهایی نظم و ترتیب و قاعده‌مند نبودن کائنات را توجیه می‌کند. پس نظم امری درونی است نه بیرونی، عاملی از خارج را تحمیل نمی‌کند بلکه خود از درون می‌جوشد اما افلاطون معتقد بود که نظم و معقولیت جهان را تنها

٤٥. کتاب تیمائوس در خدمت کیهان‌شناسی افلاطون است. تیمائوس که مشخصاً و مخصوصاً با فیزیک، کیهان‌شناسی و علم طبیعی سروکار دارد، درواقع از علم به معنای محدود کلمه فراتر می‌رود و به بحث درباره‌ی پدیدایی و تمامیت و نظم و زیبایی ساختار کیهان می‌پردازد تا آفرینش جهان را همراه با حرکت کوچک‌ترین اجزای آن ازجمله حرکت اعضای بدن انسان و دستگاه ادراکی او در چارچوب نظم دقیقی که نتیجه‌ی عمل عقل (لوگوس) است تبیین کند و از آن به ساختار اخلاق و سیاست و سرانجام (شهر نیک) برسد. تیمائوس شامل سه بخش است. یکی از بخش‌ها مربوط به کیهان‌شناسی است که به پیدایش روح و جسم جهان، نظریه اجسام و عناصر می‌پردازد و به‌عنوان یکی از طولانی‌ترین بخش‌هاست (اکرمی،۱۳۸۰).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

به‌عنوان امری که به‌وسیله‌ی ذهن خارجی بر آن تحمیل‌شده است می‌توان تبیین نمود. اگر طبیعت‌گرایان سرچشمه‌ی نظم را در طبیعت یافته بودند وی آن را در ذهن و فکر می‌یافت

بااین‌حال نظریه افلاطون را اکرمی (۱۳۸۰) این‌گونه شرح می‌دهد که، افلاطون الهام‌بخش تبیین ریاضی جهان و آغازکننده‌ی تفکر درباره‌ی مهم‌ترین ظرایف آفرینش شناسی، راه وی همچنان الهام‌بخش رهروان به‌ویژه در فیزیک و کیهان‌شناسی جدید است. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، کتاب تیمائوس به‌عنوان تجلی کیهان‌شناسی افلاطون است و طی دوران طولانی به‌صورت انجیل کیهان‌شناسی درآمد. وی برای نخستین بار در تبیین کیهان‌شناختی خویش خدا را وارد فلسفه کرد تا با اتکا بر ذات خویش که همانا خود (ایده)ی نیک و زیبایی مطلق و وجود حقیقی است، جهان را مطابق الگوی ابدی بسازد. در همین راستا اذعان دارد که کیهان به قلمرو (شدن) در برابر قلمرو (بودن) تعلق دارد. با گفتن اینکه کیهان (شده است) کیهان در قلمرو (شدن) قرار می‌گیرد و ویژگی‌های آن را می‌یابد که مهم‌ترین آن مخلوق و حادث بودن و درعین‌حال زنده‌ی جاوید بودن، به‌عنوان یک (خدای سعادتمند) است. به عقیده‌ی وی این کیهان را دمیورژ ساخته است. بااین‌وجود تأکید ویژه‌ای بر عقل الهی و دخالت دمیورژ در آفرینش جهان دارد و از آن به‌عنوان (پدر و صانع جهان) و (پدر و سازنده‌ی خدایان) نام می‌برد. ازاین‌رو دمیورژ، پدر، واحد، ایده نیک و زیبایی مطلق را یکی و همان دانست. حداکثر آنکه دمیورژ نشانه‌ای یا نامی برای جنبه‌ای از واحد یا خداوند است که علت فاعلی جهان است و اگر نقش علت فاعلی را از آن لوگوس یا عقل بدانیم، دمیورژ شاید نمادی برای عمل (عقل) در جهان باشد. درهرصورت نباید دمیورژ را جدا از پدر یا واحد دانست. دمیورژ نشان‌دهنده‌ی جنبه‌ی خاصی از مجموعه‌ی صفات گوناگون ذاتی و فعلی خداست. خدا واحد است، یگانه است، چنان‌که کل هستی را به‌صورت جهان یگانه درآورده است. پدر است، اصل نهایی است، منشأ جهان ایده‌ها و صورت‌هاست و هم او به نام دمیورژ، سازنده‌ی جهان است و دمیورژ هرگز جدا از او نیست و همه‌چیز تا حد امکان شبیه به خود اوست. بدین‌سان افلاطون برای نخستین بارخدای سازنده یا جنبه‌ی سازندگی خدا را وارد فلسفه کرد تا سازنده‌ی جهان باشد و برای نخستین بار در فلسفه، آفرینش جهان را به خدائی غیر اسطوره‌ای و درواقع فلسفی نسبت داد. بنابراین خدای افلاطون همان واحد، ازلی و ابدی، اصل نهایی و منشأ صورت‌ها، اصل وجود چیزها و اصل شناخت

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ما نسبت به چیزها، و برتر از وجود است، هم او پدر و پادشاه جهان هستی و (اصل خیر) یا ایده‌ی نیک و زیبایی مطلق است. او همان خدای یگانه است چنان‌که به خاطر ایجاد شباهت کامل بین جهان و خود تنها یک جهان آفریده است یا کل هستی را به‌صورت جهانی یگانه درآورده است. او قائم با لذات است و همه‌چیز قائم به او است و اگر آفریدگانش فناناپذیر، صرفاً بدین علت است که آفریده‌ی اویند. نکته‌ی قابل‌توجه دیگر اینکه، به گفته‌ی وی هنگامی‌که استاد سازنده‌ی بهترین و زیباترین آثار یعنی دمیورژ بر آن شد که خدائی یعنی جهانی در اعلی درجه‌ی کمال و از هر حیث بسنده برای خویش پدید آورد(یعنی پیش از آفرینش)، عناصر چهارگانه وجود داشتند.

بدین‌جهت می‌توان فرآیند آفرینش را که از منظر افلاطون، طی چند مرحله‌ی صورت گرفته، موردبررسی قرارداد. در مرحله‌ی نخست، ساختن جوهر هستی، ذات تقسیم نشدنی را که (همیشه همان) است و پیوسته عین خود می‌ماند، با ذات جسمانی که قابل‌تقسیم و دستخوش شدن و تغییر است، به هم آمیخت و از اختلاط این دو جوهر هستی را که ذات سومی است و حد وسط بین (همان) و (دیگر) است به دست آورد. این آمیزش در یک پیمانه صورت گرفته است. بنابراین ذات تقسیم نشدنی و ذات جسمانی به‌عنوان (همان) و (دیگر) بر هستی و طبعاً بر روح تقدم دارند.

مرحله‌ی بعدی ساختن ذات واحد کامل است. بدین گونه که پس‌ازآن که صانع (همان) و (دیگر) را به هم آمیخت و جوهر هستی را پدید آورد، این هر سه را در یک ردیف در برابر خود نهاد. به این نحو که ذات سوم یعنی هستی در بین آنچه تقسیم نشدنی است، یعنی همان و آنچه جنبه‌ی جسمانی دارد و تقسیم‌پذیر است، یعنی دیگر، قرار گرفت. سپس هر سه را به دست گرفت و به هم آمیخت و طبیعت (دیگر) را که از آمیزش سرباز می‌زد به‌زور مجبور کرد که با طبیعت (همان) آمیزش هماهنگ بپذیرد. به‌این‌ترتیب آن دو را با جوهر هستی به هم آمیخت و از آمیزش هر سه ذات واحد کاملی به دست آورد. روشن است که این درهم‌آمیزی گونه‌ای ترکیب است که در آن محصول ترکیب تفاوتی کیفی با ذوات اولیه دارد. چنان‌که از ترکیب (همان) و (دیگر)، هستی به دست می‌آید و از ترکیب این سه (ذات واحد کامل) ایجاد می‌گردد.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بعدازاین مرحله با تقسیم ذات واحد کامل مواجه هستیم. دمیورژ پس از آمیختن (همان) و (دیگر) با (هستی) و به دست آوردن ذات واحد کامل، این ذات واحد را به عده‌ای قسمت‌ها که مناسب و لازم بود تقسیم کرد، به این نحو که هر قسمت از آمیزش (همان) و (دیگر) و (هستی) تشکیل یافته بود. این تقسیم را این‌گونه انجام داد که نخست از آن واحد کامل یک قسمت جدا کرد و کنار گذاشت. سپس دو برابر قسمت نخستین را جدا کرد. و به همین ترتیب ادامه داد و این تقسیم مطابق سه عدد ۱، ۲، ۳ و مربعات و مکعبات آن‌ها، که بر دو ضلع یک مثلث قرار می‌گیرند صورت گرفته است. این تقسیم‌بندی مطابق نظم عددی خاص موجود در این چهاربخشی است که نتیجه‌ی آموزش فیثاغورثی است و در منابع مذکور به‌طور مفصل به آن پرداخته‌شده است. این امر نشان از آن است که در تفکر افلاطون، جهان را باید به معنای نظم دادن به عناصر موجود بی‌نظم تلقی کرد تا بسیاری از دشواری‌های تفسیر و تأویل حل شود. او از فیثاغورثیان توجه به نظم و هماهنگی را آموخت و هم عشق به ریاضیات را. وی از رابطه‌ی اشیاء و اعداد سخن گفت و به‌جای آن‌که چون فیثاغورثیان اشیاء را در عدد بداند، آن‌ها را بهره‌مند از اعداد می‌دانست زیرا که افلاطون تجربه و آزمایش را که یکی از دو ابزار بسیار مهم پژوهش طبیعی است، به چشم حقارت نگریسته است و به ابزار دیگر این پژوهش یعنی ریاضیات، توجهی خاص مبذول داشته است. هم‌چنین در نگرش فیثاغورثی اعداد هم مظهر و هم موجد نظم در جهانند، درحالی‌که در نگرش افلاطون نیز نظم اعداد در حوزه‌های طبیعت و اخلاق و شناخت نقش دارد. بنابراین بر اساس میراث فیثاغورثی، اعداد و اصول حساب را دارای نقشی مهم هم در جهان طبیعت و هم در اخلاق و هم در زیبایی‌شناسی یافته بود و کوشید تا با بهره‌گیری از اعداد و نسبت‌های میان آن‌ها از گونه‌ای پیوند میان اخلاق و زیبایی‌شناسی و هستی‌شناسی سخن به میان آورد. بدین‌سان روح جهان پدید آمد. این روح، که پیش از جسم جهان پدید آمده است، تبلور روابط حسابی خاص در میان اجزاء، و نیز مبدأ حرکت جهان، و سرچشمه‌ی نظم و پایداری آن است. بنابراین افلاطون بر پایه‌ی تعالیم فیثاغورثی درباره‌ی اعداد از یک‌سو و درگیر شدن با مسئله تبیین پدیدهایی عناصر چهارگانه به‌منظور دستیابی به اجزای اولیه‌ی تشکیل‌دهنده‌ی جهان از سوی دیگر توجهی چنان شدید به ریاضیات به‌طور اعم و به هندسه به‌طور اخص یافت.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مرحله‌ی آخر ساختن جسم جهان است. بدین نحو که پس‌ازآن که ترکیب روح مطابق میل انجام گرفت، استاد سازنده، جهان جسمانی را در درون آن به وجود آورد و اینجاست که نخست عناصر تشکیل‌دهنده‌ی آن و سپس یگانگی و شکل آن را استنتاج کرد. هم‌چنین پدید آمدن نظم در عناصر، هنگام آغاز شدن ساختن جهان آغازشده است زیرا پیش از آفرینش این عناصر از هرگونه نظم و اندازه‌ای عاری بودند و در وضعیتی از بی‌نظمی کامل نگهداشته شده بودند. این بدان جهت است که خداوند می‌خواست همه‌چیز تا حد امکان خوب شود نه بد و چون دید هر چه محسوس و دیدنی است ثبات و آرام ندارد بلکه گرفتار بی‌ثباتی، ناآرامی و بی‌نظمی است، ازاین‌رو بی‌نظمی را به نظم مبدل ساخت زیرا بر این عقیده بود که این حال مطلقاً بهتر از حال نخستین است و به‌منظور خوب شبیه او شدن هر چیز تا حد امکان بود. همین تبدیل بی‌نظمی به نظم همان آفریدن جهان است. بنابراین کاملاً روشن می‌شود که همه‌ی مصالح جهان برای ساختن آن وجود داشته‌اند، حتی باید پذیرفت که عناصر مادی جهان نیز به‌صورت محسوس و دیدنی و در بی‌نظمی و بی‌ثباتی و ناآرامی وجود داشته‌اند. با این اوصاف بحث افلاطون سرانجام به پدیدایی چهارعنصر، پیش از پدیدایی جهان می‌انجامد. این بحث در حالی بود که پس از پیشنهادهای فیلسوفان طبیعت برای ماده المواد همچون تالس: آب، هراکلیتوس: آتش، آناکسیمنس: هوا و آناکسیماندروس: آپیرون و درنهایت آمپدوکلس با طرح نظریه‌ی چهارعنصر تغییرناپذیر جاودانی، که با نیروی مهر به یکدیگر می‌پیوندند و با نیروی ستیز از هم جدا می‌شوند، سازش میان یک گرایی و چند گرایی پدید آورد که علیرغم طرح عنصر پنجم اثیر از سوی افلاطون و ارسطو، هم در جهان اسلام و هم در غرب پذیرفته شد تا سده‌ی هجدهم میلادی دوام آورد و در پزشکی نیز به‌صورت نظریه‌ی چهار طبع درآمد. هم‌چنین در نظر بودائیان نظریه‌ی چهارعنصر نیز دیده می‌شود. بنابراین در ادامه افلاطون نظریه‌ی چهارعنصر را پذیرفت و آن‌ها را (اسطقس) نام نهاد ولی باوجوداینکه نظریه چهارعنصر را پذیرفت ولی به‌اندازه‌ی کافی اساسی و بنیادی ندانست و چشم به یافتن عنصر عنصرها دوخت.

با این اوصاف، با توجه به اینکه جهان مخلوق دارای جسمی است، برای آنکه دیدنی باشد باید دارای آتش باشد. برای آنکه قابل‌لمس باشد باید سفت باشد و ازاین‌رو لازم است که دارای خاک باشد. پس صانع برای ساختن جهان، نخست آتش و خاک را به هم آورد. برای به هم پیوستن آن دو

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

نیاز به چیز سومی به‌عنوان رابط است. زیباترین رابط‌ها رابطی است که خودش و آن دو چیز را که به هم می‌پیوندد به‌صورت یک‌چیز واحد کامل درآورد. رابطی که از عهده‌ی این کار به بهترین وجه برمی‌آید تناسب است. دلیل آن این است که اگر از سه عدد یا مقدار یا نیرو، عدد واسطی در مقابل عدد سوم همان وضع را داشته باشد که در مقابل عدد نخستین دارد و همچنین در مقابل عدد نخستین همان وضع را داشته باشد که عدد سوم در مقابل او دارد، در این صورت عدد واسطی را می‌توان به‌جای عدد نخستین یا به‌جای عدد سوم قرارداد و همچنین عدد نخستین یا عدد سوم را می‌توان به‌جای عدد وسطی نشاند. یعنی درهرصورت نتیجه‌ی واحد به دست می‌آید چون نتیجه درهرحال واحد است. بنابراین در بین آن‌ها وحدتی وجود دارد. هم‌چنین قرار بر این بود که تن جهان به‌صورت جسم، یعنی دارای حجم یا سه بُعد باشد، نه به‌صورت سطح، یعنی دارای دو بعد. هر جسم سه‌بعدی برای به هم پیوستن نیاز به دو رابط دارد. ازاین‌رو خداوند آب‌وهوا را در وسط خاک و آتش قرارداد و در بین همه‌ی آن‌ها تناسبی واحد برقرار ساخت تا نسبت آتش به هوا درست مانند نسبت هوا به آب، و نسبت هوا به آب مانند نسبت آب به خاک باشد و از امتزاج و پیوند آن‌ها با یکدیگر جهانی قابل‌رؤیت (به علت برخورداری از آتش) و قابل‌لمس (به علت برخورداری از خاک) به وجود آورد. به‌این‌ترتیب از پیوند این چهارعنصر، جسم جهان به وجود آمد و در سایه‌ی تناسب، توازن و هماهنگی در درون آن حکم‌فرما گردید و بین اجزاء و قسمت‌های آن‌چنان دوستی و علاقه ایی برقرار شد که تمام این جسم به‌صورت واحد یگانه‌ای درآمد که هم اجزاء آن و هم رابطی که آن‌ها را به‌هم‌پیوسته است از آن تفکیک‌ناپذیرند.بدین‌سان می‌توان به نسبت عدد میان عناصر چهارگانه نیز اشاره کرد که افلاطون به دو تناسب زیر معتقد بود:

$$\frac{\text{هوا}}{\text{آب}} = \frac{\text{آتش}}{\text{هوا}} \qquad \text{و} \qquad \frac{\text{آب}}{\text{خاک}} = \frac{\text{هوا}}{\text{آب}}$$

این بدان معناست که اولاً در برابر هر یک از عناصر چهارگانه‌ی فوق یک عدد متناظر وجود دارد، ثانیاً عدد آب واسطه‌ی هندسی میان عدد هوا و عدد خاک است و عدد هوا واسطه‌ی هندسی میان عدد آتش و عدد آب است. به‌این‌ترتیب از پیوند این چهارعنصر، جسم جهان به وجود آمد و در سایه‌ی تناسب، توازن و هماهنگی در درون آن حکم‌فرما گردید و بین اجزاء و قسمت‌های آن‌چنان

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دوستی و علاقه‌ای برقرار شد که تمام این جسم به‌صورت واحد یگانه‌ای درآمد که هم اجزاء آن و هم رابطی که آن‌ها را به‌هم‌پیوسته است از آن تفکیک‌ناپذیرند. بنابراین در بنای جهان هر یک از این چهارعنصر بتمامه به‌کاررفته و سازنده‌ی آن تمام آتش، آب، هوا و خاک را به‌هم‌پیوسته و نگذاشته که چیزی یا مقداری از آن‌ها در بیرون از جهان باقی بماند تا اولاً ذات جهان از اجزاء کامل تشکیل یابد و درنتیجه یک ذات زنده‌ی واحد حقیقتاً کامل، باشد. ثانیاً ذات جهان، حقیقتاً یگانه ذات باشد و چیز دیگری باقی نماند که باعث پدید آمدن جهان دیگری شود. ثالثاً او خواست که جهان در معرض پیری و بیماری نباشد و اندیشید که اگر گرما یا سرما یا علل مؤثر دیگری از بیرون بر جسمی احاطه داشته باشند که براثر به هم پیوستن اجزاء به وجود آمده است و بی‌موقع با آن برخورد کنند باعث فساد و تجزیه‌ی آن می‌شوند و زمینه را برای بیماری و پیری او آماده می‌کنند و او را به‌سوی تباهی سوق می‌دهند. بدین‌جهت این جهان را به‌صورت ذات کامل یگانه‌ای ساخت که هر یک از اجزایش نیز به‌نوبه‌ی خود کامل است و ازاین‌رو بیماری و پیری در آن راه ندارد. سپس صانع جهان شکلی هم به او داد که شکلی را برازنده‌ی این جهان دانست که محیط بر همه‌ی اشکال دیگر است. بنابراین، کره، کامل‌ترین اشکال است و پیوسته با خود برابر و همسان می‌ماند و از این لحاظ بر همه‌ی اشکال دیگر برتری دارد و سازنده‌ی جهان برابری را هزاران بار زیباتر از نابرابری یافت، ازاین‌رو دمیورژ جهان را گرد کرد، به‌طوری‌که فاصله‌ی مرکز آن با هر نقطه از محیطش یکسان باشد.

در کتاب دیگر افلاطون، بانام جمهوری، به بحث (واحد) و (کثرت) پرداخته‌شده است. به نظر وی، واحد، علت چیستی صورت‌هاست. بنابراین واحد را مبدأ می‌انگارد. به این صورت که از هرم اعداد صحبت می‌شود. هرم اعداد همان هرم مفهوم‌هاست. در رأس هرم (واحد) قرار دارد که مبدأ است. مبدأ هستی و اخلاق و سعادت و پایداری و سرانجام، خیر. این مبدأ وحدت است. عقل خوداندیش جهان نیز هست. واحد هم خیر است و هم مبدأ و از این طریق اعداد با ایده‌ها پیوند می‌یابند. هم‌چنین وی می‌گوید که نابرابر طبیعت شر است، پس نتیجه این می‌شود که همه‌ی موجودات در شر سهیم‌اند جز واحد، آن‌هم (واحد بالذات). بنابراین واحد را مبدأ می‌سازند و اعداد را هم نخستین جوهرها و صور می‌انگارند. بدین‌جهت افلاطون در این مبحث، اذعان دارد که ما از طرفی قائل به کثرت هستیم یعنی می‌گوییم بسیاری چیزهای زیبا و بسیاری چیزها نیکو و همچنین

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

چیزهای دیگر از قبیلی هست که هرکدام حد و تعریفی دارد. از طرف دیگر در برابر هرکدام از این کثرات یک وجود مجرد یعنی یک مجرد زیبا و یک مجرد نیکو و مجرد هر چیز دیگر که در عالم کثرات یافت می‌شود. این‌ها صور واحد و وجود مطلق آن کثرات‌اند و هم‌چنین این کثرات مرئی هستند. بنابراین اهمیت واحد بدان جهت است که همه‌ی آن کثرات و تضادهای عالم در یک نقطه به این واحد می‌رسند و درنهایت شاهد اصل وحدت هستیم. پس‌ازاین افلاطون به (اصل خیر) می‌پردازد که در منتهی علیه عالم معقولات جای دارد و در رأس سلسله‌ی ایده‌هاست که سرچشمه‌ی وجود هر چیز و منبع شناخت ما از هر چیز است. هم‌چنین واحد نیز در عالی‌ترین جایگاه سلسله‌ی ایده‌هاست. این همان زیبایی مطلق، زیبایی فی‌نفسه، زیبایی ذاتی قائم به خود است که نفس در عروج خویش و گذر از مراتب فروتر به‌مراتب فراتر زیبایی، سرانجام به نظاره‌ی آن زیبایی می‌رسد که ازلی و ابدی است ونه به وجود آمده و از میان رفتنی است بلکه به‌طور جاوید قائم به خود یگانه است. تمامی اشیاء دیگر به‌واسطه‌ی بهره‌مندی از آن زیبا هستند و به این وصف هرچند آن‌ها به وجود می‌آیند و از میان می‌روند، آن هرگز کم یا بیش تغییری نمی‌کند. بدین‌سان واحد، اصل خیر و زیبایی مطلق را یک‌چیز بدانیم.

درباره‌ی (ایده) باید اذعان داشت که همه‌ی چیزهای محسوس به دنبال مُثل (ایده‌ها) و به علت پیوند با آن‌ها نامیده می‌شوند. زیرا کثرت موجودات به اعتبار اشتراک در مُثلی که همنام آن‌ها هستند وجود دارند. از این گذشته، افلاطون می‌گوید که در کنار محسوسات و ایده‌ها (مُثل) چیزهای ریاضی وجود دارند که دارای موضعی میانی‌اند و هم با محسوسات فرق دارند چون جاویدان و نامتحرک اند و هم با مُثل فرق دارند، چون بسیاری چیزهای ریاضی همانند یافت می‌شوند، حال‌آنکه هر مثالی خودش یکی است. نکته‌ی قابل‌توجه اینکه در شکل‌گیری نظریه‌ی ایده‌ها از تمثیل رابطه‌ی فرزند با والدین استفاده‌شده است. افلاطون در پی بحث در مورد نوع سوم هستی، یعنی (دایه) یا (پذیرنده)، که به‌مثابه‌ی پذیرنده‌ی صورت چهارعنصر و پیدایش آن چهارعنصر است، می‌گوید که اکنون ما باید سه نوع را در نظر بگیریم. (پذیرنده) از نوع مکان است و (دایه‌ی) هر تکوین یافتن و شدنی است و شدن در آن صورت می‌پذیرد. این در حالی است که خود این ذات که نقش بر آن بسته می‌شود فقط در صورتی ممکن است برای پذیرفتن نقش مستعد باشد که هیچ‌یک از اشکال و صوری را که قرار

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

است بر آن نقش بسته شود در خود نداشته باشد، چراکه اگر خود او به یکی از چیزهایی که قرار است بر او وارد شود شبیه باشد، در این صورت اگر چیزی بر او وارد شود که نقطه‌ی مقابل آن‌ها یا بی‌شباهت به آن و یا طبیعتاً به‌کلی غیرازآن است، در این صورت نقشی که بر آن بسته می‌شود ناقص و مغشوش خواهد بود زیرا نقش خود او در جنب نقشی که بر او بسته‌شده نمایان خواهد گردید. ازاین‌رو خود چیزی که قرار است همه‌ی انواع را به خود بپذیرد، باید عاری از هر شکل و صورتی باشد. بنابراین این (دایه) صورت عناصر چهارگانه را به خود گرفت و جلوه‌های گوناگون یافت. بدین‌سان چهارعنصر پدید آمدند که گرچه تا لحظه‌ی ساختن جهان آثاری از طبیعت اصلی خود را در خود داشتند ولی در وضع و حالی بودند که هر چه خداوند از او دور باشد دچار همان وضع و حال است. این به معنای فقدان نظم بود و عناصر در درون (دایه) یا (پذیرنده) همچون دانه‌های غله درون غربال، براثر تکان نیروهای ناهمانند نا هم‌وزن درون خود (دایه) به‌گونه‌ای حرکت می‌کردند که به بخش‌های شبیه به هم در یکجا گرد آمدند اما هنوز نظم و اندازه‌ای بر عناصر حاکم نبود تا آن‌که دمیورژ با اقدام به ساختن جسم جهان آن‌ها را از حیث صورت و تعداد به وضعی که قاعدتاً باید داشته باشد درآورد. بااین‌وجود نوع (پذیرنده) را می‌توان مادر نامید، نوع (به وجود آورنده) را پدر نام بگذاریم و آنچه را که بین آن دو قرار دارد به کودک تشبیه کنیم. بااین‌وجود پدر، همان (ایده) ی تغییرناپذیر است، بنابراین ایده (نر) است. اما فرزندان چیزهای محسوس‌اند که نتیجه و گونه‌ای نقش شدگی (ایده) ها، به‌عنوان پدر، بر (پذیرنده) به‌عنوان مادرند و ازاین‌رو، از گونه‌ای بهره‌مندی از پدر برخوردارند و نسخه‌ی پدر تلقی می‌شوند. این نوع اول، یعنی پدر، همنام و شبیه است و به چشم دیده می‌شود یا با حواس می‌توان آن را دریافت. بنابراین درباره‌ی چیزهای محسوس می‌توان گفت که به‌عنوان فرزندان یک خانوار به هم شباهت دارند زیرا همگی شبیه پدران خود هستند. هم‌چنین هر (ایده)، مظهر کمالی است که فرزندان خاص خود را آفرید و نگهدارنده ی آن‌هاست. وجود و فضیلت و آرمان و کمال فرزندان به پدر است و همه‌ی آن‌ها از پدر به فرزندان می‌رسند(جدول شماره ۳۹-٤).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول۳۹-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس دیدگاه افلاطون در رساله تیمائوس و جمهوری.

	مؤلفه‌ها	تعریف	نتیجه
قبل از پدیدآیی جهان	پدیدآیی ٤ عنصر	–	این عناصر با نیروی **مهر** به هم می‌پیوندند و با **ستیز** از هم جدا می‌شوند.
فرآیند مرحله نخست (آفرینش هستی)	شدن	–	• ذات جسمانی یا ذات تقسیم نشدنی قبل از روح شکل می‌گیرد. • مرحله‌ی نخست جمع دو ضد است. • از اختلاط دو ضد، جوهر هستی که ذات سومی است به دست آمد. • شکل‌گیری هستی از اختلاط دو امر متضاد.
	بودن (شده است)		
	جوهر هستی (همان)	ذات تقسیم نشدنی، همیشه همان، پیوسته عین خود.	
	ذات هستی(دیگر)	قابل‌تقسیم، دستخوش شدن و تغییر.	
فرآیند مرحله دوم (آفرینش واحد کامل)	همان	تقسیم‌ناپذیر	• شکل‌گیری واحد کامل از دو امر متضاد، بعلاوه جمع آن دو. • محصول ترکیب تفاوتی کیفی با ذوات اولیه دارد.
	دیگر	تقسیم‌پذیر	
	جوهر هستی	ذات سوم	
سهیم همه موجودات	واحد	–	–
	شر		

نوافلاطونیان: ضمیران (۱۳۷۹) می‌نویسد، اکثر نوافلاطونیان نظریه‌ی واحد را در رأس بحث‌های فلسفی خود قراردادند. فلوطین در قسمت ششم رساله‌ی خود از وحدت مطلق و وحدت نسبی سخن به میان آورده است و پروکلس نیز نظر فلوطین را دراین‌باره موردنقد و بررسی قرار می‌دهد و به‌طورکلی نوافلاطونیان ، همچون ارسطو علت فاعلی و علت غایی مطلق را واحد شمرده و آن را به نفس- عقل مرتبط می‌دانستند. درواقع (واحد) در حیطه‌ی فلسفه به‌هیچ‌روی به عدد نخست دلالت نمی‌کند بلکه در تقابل با کثرت به‌کاررفته است. در قلمرو متافیزیک (صدر اعلای) افلاطونی، اصول و

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مبادی اولای نوافلاطونیان، کیهان پارمنیدس و واجب‌الوجود نیکولاکوز[٤٦] به وصف وحدت موصوف می‌شوند. بنابراین می‌توان گفت واحد در کلیه‌ی حوزه‌های فلسفی و ازجمله کیهان‌شناسی، متافیزیک اخلاق و روانشناسی به‌طورکلی به ۱-اصل نخستین وجود. ۲- بود در تقابل با نمود و پدیدار. ۳- قیام به ذات و خود پایندگی دلالت می‌نمود. ٤- ازلحاظ ماهیت ضروری بود. ۵- زیر شالوده‌ی همه‌ی پدیده‌ها ناپایدار را تشکیل می‌داد(جدول شماره ٤۰-٤).

جدول٤۰-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) از دیدگاه نوافلاطونیان، بر اساس نظریه‌ی واحد در قسمت ششم رساله فلوطین.

	مؤلفه‌ها	تعریف	نتیجه
واحد	واحد	● در تقابل با یکدیگر به‌کاررفته است.	واحد
	کثرت	● دلالت به عدد نخست ندارد بلکه در تقابل با کثرت به‌کاررفته.	
	علت غائی	بعلاوه یکدیگر	
	علت فاعلی		

ارسطو: به گفته‌ی لیندبرگ (۱۳۷۷)، ارسطو ازجمله طبیعیدان‌های ممتاز بود که در قرن دوازدهم و سیزدهم پیش از میلاد می‌زیست. ارسطو منکر هر نوع آغازی برای جهان بود و اصرار داشت که عالم قدیم است، یعنی اینکه جهان در نقطه‌ی معینی به وجود آمده باشد را غیرقابل‌تصور می‌دانست. در ادامه ضمیران (۱۳۷۹) اذعان دارد، ارسطو در مورد خویش یا امور عالم به‌نوعی سامان و نظام که دارای ضرورت و کلیت است باور دارد. درواقع او برخلاف استاد خویش افلاطون در پی آن بود تا اساس علم فیزیک یا به‌اصطلاح قدما (طبیعیات) را بدون واسطه‌ی ریاضیات بنا نهد. در نظر او صورت و ماده از یکدیگر قابل‌تفکیک هستند. وی می‌گوید صورتی که به پاره‌ای سنگ مرمر داده می‌شود سبب می‌گردد تا از آن تندیسی تحسین‌انگیز برون آید. به‌ویژه در رساله‌ی متافیزیک آمده

٤٦. Nicholas of Cusa ، متولد ۱٤۰۱-۱٤٦٤ میلادی، اندیشمند آلمانی و کاردینال کلیسای رومی. نماینده پاپ بود و در سراسر امپراتوری مقدس روم برای موعظه سفر می‌کرد و به اصلاح و تجدید سازمان صومعه‌های دینی می‌پرداخت. از مردان رنسانس بود و کشف و شهود عارفانه را برتر از عقل می‌دانست (انوری، ۱۳۸۷)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

است که هر آنچه در عدد کثیر است، خود دارای ماده‌ای است، زیرا که هر تعریف ازجمله تعریف انسان، منطبق بر افرادی کثیر است، درحالی‌که تنها یک سقراط وجود دارد. یعنی ماهیت نخستین، دارای ماده نیست، زیرا که در واقعیت امر کامل است. ازاین‌رو محرک غیر متحرک هم در تعریف و هم در عدد واحد است. این تعریف آشکار می‌سازد که در نظر ارسطو کثرت و وحدت باهم ارتباطی ارگانیک و جدایی‌ناپذیر دارند. درواقع وی در پی آن است که نسبت افراد و مصادیق را با مفهوم روشن سازد. هم‌چنین او نسبت به طبیعت و هنر به یک اندازه توجه نمود و این دو حوزه را با نگاهی تجربی- علمی، موردمطالعه قرار می‌دهد. با توجه به اینکه تجربه‌گرایی ارسطو از سنت پزشکی یونان سرچشمه گرفته‌شده، نیز می‌توان گفت که ارسطو برای نخستین بار مسئله فلسفی (وحدت) و (کثرت) را مطرح نمود و مدعی شد که یک‌چیز می‌تواند در ذات خود ثابت بماند و درعین‌حال دارای اوصاف کثیرِ باشد. هم‌چنین در ارتباط با این مورد اذعان دارد که بایستی مفهوم حرکت را در رابطه با طبیعت روشن نمود. درواقع وی حرکت را تنها در طبیعت ممکن می‌داند زیرا که زمینه و نیز علت حرکت در طبیعت است. هم‌چنین وی در کتاب پنجم رساله‌ی متافیزیک در تشریح وجوه مختلف آرخی می‌گوید که هرکسی از پدر و مادری تولد می‌یابد و هر نزاعی نخست از مبادله‌ی ناسزا آغاز می‌شود .

هم‌چنین ازجمله چیزهای دیگر به نقل از لیندبرگ (۱۳۷۷)، مخالفت رأی پیروان پارمیندس بود که می‌گفتند هیچ‌چیز از عدم به وجود نمی‌آید. ارسطو رساله‌ی خود (درباره‌ی آسمان) می‌نویسد که در کل تداوم و زمان گذشته، تا آنجا که اسناد و موروث ما به ژرفا و عمق آن می‌رسد، به نظر می‌آید که هیچ تغییری در کل نظام دورترین افلاک یا در هر یک از اجزاء خاص آن، رخ نداده است. این جهان قدیم و ابدی را کره عظیمی می‌دانست و بر این باور بود که در افلاک ما حرکت دورانی لایتغیر و ابدی را مشاهده می‌کنیم. ازاینجا می‌توان استنباط کرد که افلاک از عناصر خاکی و زمینی ساخته‌شده‌اند زیرا طبیعت عناصر زمینی، چنانکه از مشاهده برمی‌آید، در چنبر حرکات مستقیم‌الخطی، اوج یا حضیض پیدا می‌کنند. پس افلاک می‌بایست از یک عنصر پنجم فسادناپذیر تشکیل‌شده باشد ورای عناصر چهارگانه زمینی. این عنصر پنجم اثیر است. منطقه فلکی تماماً مشحون از اثیر است، نه فضای خالی. منطقه‌ی تحت قمر یا فلک تحت قمر، ساحت و صحنه زایش و زوال و ناپایداری است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

هم‌چنین ارسطو مانند پیشینیان خود در باب عنصر یا عناصر پایه و اولیه‌ای که بتوان همه‌ی جواهر و موادی را که در قلمرو خاکی به تکثر یافت می‌شود، به آن‌ها تحویل نمود، تحقیق کرده است. وی چهارعنصر اصلی و اولیه‌ای را که امپدوکلس به‌عنوان عناصر اولیه پیشنهاد کرده بود و بعدها موردقبول افلاطون نیز قرارگرفته بود، قبول داشت. این چهارعنصر عبارت بود از خاک، آب، باد و آتش.

وی با افلاطون در این مورد که حتی این عناصر قابل‌تحول به عناصر ساده‌تری هستند موافقت داشت، اما با گرایش‌های ریاضی افلاطون هم‌رأی نبود، ازاین‌رو، با قبول اجسام منظم افلاطون و مثلث‌هایی که اجزایی سازنده‌ی آن‌ها بودند امتناع ورزید، به‌عوض وی پایبندی خود را به واقعیت جهانی که به تجربه‌ی حسی دریافت می‌شد، با انتخاب کیفیات محسوس به‌عنوان مبانی نهایی، ابراز داشت. دو جفت از این کیفیات حسی حتمی است: گرم و سرد و خشک و تر. این چهار جفت ترکیب می‌پذیرند و هر یک از این ترکیبات عنصری را به وجود می‌آورد. ملاحظه می‌شود که در اینجا از متضاد آن استفاده‌شده است. چیزی وجود ندارد که بتواند مانع آن شود که هر یک از این کیفیات با متضاد خود(درنتیجه‌ی تأثیر خارجی) جا عوض کند. اگر آب را حرارت دهیم سردی آب جایش را به گرمی می‌دهد و آب به هوا(بخار) استحاله می‌یابد. جنین فرآیندی نه‌تنها به‌آسانی تغییر حالات جسم را از جامد به مایع و به گاز و برعکس، بیان می‌کند، بلکه استحاله از جوهری به جوهر دیگر را نشان می‌دهد. بر روی چنین نظری نیز کیمیاگران به‌آسانی می‌توانستند آراء خود را بنیاد نهند(شکل شماره ۱).

سرد+ خشک=خاک، تر+سرد=آب، تر+گرم=باد(هوا)، گرم+خشک= آتش.

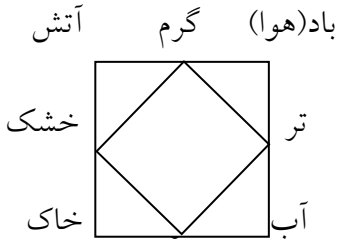

شکل ۱. مربع تقابل عناصر و کیفیات ارسطویی. (لیندبرگ، ۱۳۷۷).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

برای ارزیابی نظریه ارسطویی باید گرایش به آراء **اتمیستی**[۴۷] را کنار بگذاریم و نباید اشیاء مادی را به‌صورت مجموعه‌هایی از ذرات کوچک و خُرد به تصور درآوریم بلکه کل‌های پیوسته‌ای(کل متصل) به نظر آوریم. می‌توان گفت، باآنکه واضح است که یک گرده‌ی نان از خرده‌نان‌های جداگانه تشکیل‌شده است که میان آن‌ها فضاهای خالی کوچکی وجود دارد، اما دلیلی وجود ندارد که نتوانیم تصور کنیم که آن فضاهای خالی کوچک را ماده‌ای لطیف‌تر مانند هوا یا آب پرکرده است و مسلماً راه ساده‌ای برای اثبات و نه درواقع دلیل واضحی برای قبول اینکه آب یا هوا چیزی جز جوهر متصل نیستند وجود ندارد. اطلاق چنین استدلالی به‌کل جهان، ارسطو را به این نتیجه رسانید که جهان پُر است و خلأ در آن وجود ندارد. نکته‌ی قابل‌توجه در فلسفه ارسطو اینکه این عناصر چهارگانه به اقتضای طبیعتشان رفتار می‌کنند. بنابراین جهان ارسطو عالم مکان است. زمانی که گفته می‌شود اجسام سنگین به‌سوی مرکز حرکت می‌کنند نه به خاطر آنکه با اجرام سنگین دیگری که در آنجا هستند یکی شوند بلکه صرفاً برای آنکه طبیعتشان متمایل به سیر به نقطه‌ی مرکز است. این بدین خاطر است که این عنصرها(باد، خاک، آتش‌وآب)، به‌صورت مجموعه‌ای از کرات متحدالمرکز تشکیل می‌پذیرند که آتش در بیرون قرار دارد و در داخل آن به ترتیب هوا، آب و بالاخره، خاک در مرکز واقع‌شده است. اما درواقع جهان عمدتاً از اجسام مخلوط تشکیل‌شده که هر یک در دیگری تداخل ایجاد می‌کند و این حالت آرمانی هرگز حاصل نمی‌شود. باوجوداین، این ترتیب و نظم آرمانی محل طبیعی هر یک از عناصر را معین می‌سازد. چیز یا مکان طبیعی خاک مرکز جهان و مکان طبیعی آتش، درست در داخل فلک قمر است. بااین‌وجود بر این نکته باید تأکید کرد که ترتیب قرار گرفتن عنصرها کروی است. خاک در مرکز جمع می‌شود و زمین را تشکیل می‌دهد که آن نیز کروی است (شکل شماره ۲).

---

۴۷ . نظریه اتم یا اتمیسم که یک دبستان فلسفی بسیار مهم است برای نخستین بار توسط لوکیپوس و شاگرداش، دموکریتوس، پایه‌گذاری شد و از نیمه‌ی دوم سده‌ی پنجم پیش از میلاد هوادارانی داشت. اما در سده‌ی سوم پیش از میلاد این دبستان فلسفی به‌وسیله اپیکوروس حیات، رونق و تکامل نسبی تقریباً به خود گرفت. در دوران رنسانس نیز فیلسوفانی بودند که در نوشته‌های فلسفی خود، هر چه بیشتر مایل به احیای جهان‌بینی اتمی بودند (علی اردبیلی، ۱۳۶۰).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

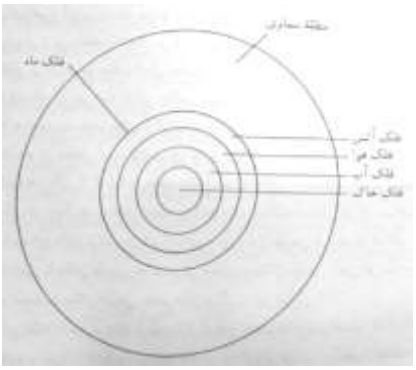

شکل ۲. جهان ارسطویی. (لیندبرگ، ۱۳۷۷)

هم‌چنین هر یک از عنصرها علاوه برداشتن خواص سرد و گرم و تر و خشک، سنگین یا سبک نیز هستند. خاک و آب‌سنگین‌اند اما خاک سنگین‌تر از آب است. هوا(باد) و آتش سبک هستند اما آتش سبک‌تر از هوا است. منظور ارسطو از نسبت دادن سبکی به دو تا از عنصرها آن است که آن‌ها سنگینی و ثقل کمتری دارند بلکه عکس آن است. بدین مفهوم که چون خاک و آب سنگین هستند طبیعتشان اقتضای صعود به فلک محیط دارد. پس اگر خاک و آب را به حال خود گذارند به‌سوی مرکز سقوط می‌کنند و هوا و آتش نیز صعود می‌کنند اما آتش به علت سبکی بیشتر بیرونی‌ترین منطقه را اشغال می‌کند و هوا به‌صورت کره‌ای هم‌مرکز درست در داخل آن قرار می‌گیرد. ضمیران(۱۳۷۹) می‌نویسد، در سده‌های میانه قانون علل فاعلی اصلی است (واحد) که وحدت عالم وجود بر آن بناشده است و این وحدت اولین و آخرین و والاترین شرط امکان تفکر محسوب می‌شود. **فلاسفه‌ی مدرسی**[۴۸] مدعی بودند که وحدت از اموری است که قابل تحدید و تعریف نیست مگر به تقابل با کثرت(جدول شماره ٤١-٤ و ٤٢-٤).

٤٨. روش اصحاب مدرسه، مدرسی منسوب به مدرسه، بر تعلیم آراء و عقایدی که در مدارس کلیسا و دانشگاه‌های اروپا بین قرن دهم تا هفدهم میلادی رشد و نو یافت اطلاق می‌گردد. مهم‌ترین خصوصیات این مکتب ارتباط آن با الهیات، تکیه‌بر روش‌های قیاسی برهانی در بحث، تفسیر متون کهن بخصوص ارسطو، و سازش دادن بین وحی و عقل است. یکی از مشهورترین نمایندگان و فلاسفه این مکتب، توماس آکویناس نام دارد (صلیبا، ۱۳۷۰).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول٤١-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) از دیدگاه ارسطو بر اساس نظریه عناصر چهارگانه (کیفیات محسوس).

	مؤلفه‌ها	تعریف	نتیجه
جهان ارسطویی	خاک	سنگین	جفت انتخاب‌شده متضاد دیگری است.
	آب	سقوط به سمت مرکز عالم.	
	آتش	سبک	
	باد	صعود به فلک عالم.	

جدول٤٢-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) از دیدگاه ارسطو بر اساس نظریه عناصر چهارگانه (کیفیات محسوس).

	مؤلفه‌ها	تعریف	نتیجه
عناصر چهارگانه	گرم	دو جفت از کیفیات حسی:	جفت انتخاب‌شده متضاد دیگری است.
	سرد	سرد + خشک= خاک	
	خشک	سرد + تر= آب	
	تر	تر + گرم= باد (هوا)	
		گرم + خشک= خاک	

جالینوس: به گفته‌ی ژینیو(۱۳۹۰)، وی این نظریه‌ی عام را تداوم بخشید که انسان‌ها مانند اشیای بی‌جان از چهارعنصر تشکیل یافته‌اند که خود آن‌ها نیز از چهار کیفیت گرما و سرما، خشکی و رطوبت پدید آیند. این‌ها کیفیات اولیه هستند و با کیفیات ثانوی مانند تراکم، روشنایی، سختی و شکنندگی در تقابل‌اند. همان‌طور که پیش‌تر گفتیم هر عنصر دو کیفیت اولیه دارد که یکی بر دیگری غالب است. مثلاً در آتش کیفیت اولیه‌ی غالب گرما است، زیرا گرما منشأ حیات است. چهار خلط نیز از عناصر تشکیل یافته‌اند. جالینوس نه از این نظریه‌های بقراط دور شده و نه از نظریه‌های ارسطو که معتقد بود هر عنصر اگر نسبت کیفیاتش تغییر کند ممکن است به عنصر دیگری تبدیل شود. نزد جالینوس اخلاط ترکیبی از کیفیات اولیه و ثانویه‌اند، مثلاً صفرا تلخ و زرد است و خصوصیت هر

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

خلط غلبه‌ی یک کیفیت است. به نظر جالینوس مشخصه‌ی تن چهار نیرو یا قوه‌ی اوست. اولین قوا مواد مناسب را جذب می‌کند، دومی آن‌ها را نگاه می‌دارد، سومی آن‌ها را تغییر می‌دهد و چهارمی مواد زائد را دفع می‌کند. نزد جالینوس این کار فعالیت همه‌ی اجزاء تن است که ترکیبی از گرما، سرما، خشکی و رطوبت هستند (جدول شماره ٤٣-٤).

جدول٤٣-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) از دیدگاه جالینوس، بر اساس نظریه شکل‌گیری عناصر.

	مؤلفه‌ها	تعریف	نتیجه
عناصر	کیفیات اولیه (رطوبت، گرما، سرما، خشکی)	کیفیات انتخاب‌شده در تقابل با یکدیگر و یکی غالب بر دیگری است. مثلاً: گرما+روشنایی=آتش	• شکل‌گیری همه‌ی انسان‌ها و اشیاء از ترکیب دو کیفیت یا عنصر متضاد است. • درنهایت منجر به هماهنگی. • غالب بودن یکی از عناصر که یادآور بحث چیرگی به نقل از ادموند بورک فلدمن است.
	کیفیات ثانویه (تراکم، روشنایی، سختی، شکنندگی)		

صدر مسیحیت:

آنچه در این بحث بیشتر به آن پرداخته می‌شود بیشتر شامل نوشته‌هایی است که جنبه‌ی **گنوسی** Gnosticism دارند. بنا به گفته‌ی ژینیو (۱۳۹۰)، کیش گنوسی در زمره‌ی مکاتب دینی- عرفانی صدر مسیحیت است. **گنوسیس** به معنای معرفت و گنوسیان به معنای عارفان است. همچنین **شمعون مُغ، مرقیون، بازیلیدیس** و **والنتین** در سده‌ی های دوم و سوم مسیحی، ازجمله پایه‌گذاران کیش گنوسی بودند که هرکدام دارای روایات اسطوره‌ای هم بودند. آنان روشنفکران دین صدر مسیحیت بودند که بیش‌تر به نواندیشی دینی – عرفانی نظر داشتند تا ادعای پیامبریِ نوظهور که جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. بنابراین آن‌ها هرگز مدعی نهاد دینی گسترده‌ای نبودند. هم‌چنین نظرگاه رایج گنوسیان این بود که گنوس یا معرفت شرط نجات است و بر این باور بودند که نخست خدای بزرگ و ناشناخته‌ای که بسی در دوردست‌ها، فراسوی آسمان‌ها به سر می‌برد و در کار آفرینش این جهانِ

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

پستِ مادی دخالت ندارد، دوم خدای جهان‌آفرینی که این عالمِ خاکی زاده‌ی اوست. خدای ناشناخته پدر عیسی مسیح است و هر که بدو شناسا شود، رستگار و جاودانه گردد.

رساله هرمسی پویی ماندرس: ازجمله نوشته‌هایی که عمدتاً جنبه‌ی گنوسی دارند، نوشته‌های **هرمسی**[۴۹] است که سده‌ی سوم میلادی، انباشته از این نوشته‌هاست که صبغه‌ی پررنگ عرفانی دارند. یکی از معروف‌ترین این رساله‌ها، **پویی ماندرس**(شبان آدمیان) نام دارد که روایتش در باب تکوین جهان و انسان، درون‌مایه‌ای گنوسی دارد. در این رساله آمده که راوی، سرچشمه‌های کیهانی، زمین و انسان و سرنوشت او را طی مکاشفه‌ای دیده است. این مکاشفه به‌واسطه‌ی (شبان آدمیان) یا (عقل قدرت مطلق) میسر شده است. ویژگی دیگر این رساله عرفانی این است که خدای متعال و خدای آفریننده‌ی جهان مادی در تقابل با یکدیگر نیستند، بلکه جهان مادی جنبه‌ی ناقصِ وجود به شمار می‌رود و نشانی از انزجار و تنفر نسبت به جهان مادی در آن نیست. پس ، به سیر عرفانی–فلسفی متفاوتی در اسکندریه برمی‌خوریم. در آنجا به ثنویت نور و ظلمت قائل‌اند. در رساله‌ی هرمسی پویی ماندرس آمده است که در آغاز در همه‌ی عالم روشنی بود، آرام و شادی‌بخش. سپس در پایین تاریکی پدید آمد که وحشت‌آور، تنفرانگیز و سخت درهم‌پیچیده مانند ماری بود. آنگاه این تاریکی طبیعتی مرطوب یافت، سخت به حرکت درآمد.

در ادامه اسماعیل‌پور(۱۳۸۱) اذعان دارد که، منظور از روشنی همان خدای مطلق است. طبیعتِ مرطوب همان تاریکی، و کلام مقدس، پسر خداوند است. پس هنگامی‌که انسان کلام مقدس را بر زبان آوَرَد، عارف و شناسا گردد. از خدای مطلق یا عقل کل، انسانِ نخستین آفریده شد. هم اوست که خدای مطلق آسمانی را به جهانیان می‌شناساند. درواقع، معرفت به‌واسطه‌ی اوست که برآدمیان کشف می‌گردد. این انسانِ ازلی مذکر بود و طبیعتِ بکر نیز مؤنث، هر دو به یکدیگر عشق ورزیدند و باهم آمیختند. پس، انسان به یاری عقل می‌تواند دریابد که به جهانِ بی‌مرگان تعلق دارد و علت میرندگی

۵۱. هرمس در اصل نام خدایی یونانی و پیام‌آور خدایان است. در مصرِ روزگار سلطه‌ی یونانی نیز هرمس را با توث(Thoth) خدای مصری یکی دانسته‌اند. اما نوشته‌های هرمسی که در سده‌ی دوم و سوم میلادی عمدتاً در اسکندریه مصر به زبان یونانی به رشته‌ی تحریر درآمده‌اند، عبارت‌اند از نوشته‌های عرفانی که به شخصیتی افسانه‌ای به نام هرمس تریس مجیستوس (یعنی هرمس سه بار بزرگ‌تر) نسبت داده‌اند (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۱).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

او، عشق به طبیعت است، همان عشقی که انسانِ نخستین را به آمیزش با طبیعت کشاند. هر آن‌کس که این آگاهی را دریابد، به سعادت می‌رسد (جدول شماره ٤٤-٤)

جدول٤٤-٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس سرچشمه‌های زمین، انسان و کیهان، در رساله‌ی هرمسی پویی ماندرس.

	مؤلفه‌ها		تعریف	نتیجه
سرچشمه‌های زمین، انسان و کیهان مبحث ثنویت	نور (روشنی)		خدای مطلق. در آغاز در همه عالم روشنی بود، آرام و شادی‌بخش.	آمیختن با یکدیگر
	ظلمت (تاریکی)		طبیعت مرطوب(که به حرکت درآمد و دود از آن برخاست) در پایین تاریکی بود که وحشت‌آور، تنفرانگیز و سخت بود.	
	عامل سوم عشق این دو نسبت به هم	مذکر (انسان ازلی)		
		مؤنث (طبیعت بکر)		

عرفان مندایی: به گفته‌ی اسماعیل‌پور(۱۳۸۱)، کیش **مندایی**[۵۰] در شمار کیش‌ها و مکتب‌های گنوسی است. بنیاد اندیشه‌ی مندایی همان **دو بُن نگری یا ثنویت** است. دو گوهر روح و ماده از آغاز آفرینش باهم در ستیزند. اساطیر مندایی بیش‌تر درباره‌ی اقلیم ازلی نور، آفرینش زمین و انسان و سفر بازگشت روح به سرچشمه‌ی سرزمین نور است. خدای بزرگ نورانی و روحانی در کیش مندایی،

۵۰. مندا واژه‌ای از زبان آرامیِ شرقی به معنی دانش، آگاهی و معرفت است و به یک معنی، برابر نهادِ گنوس است. مندائیان پیرو حضرت یحیی بودند که تعمیددهنده‌ی حضرت مسیح بود. کتاب مقدس مندائیان، گنزاریا است (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۱).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

حَیی یا حیات اعظم نام دارد که برابر نهاد **زروان** در کیش مانی است. او همسری دارد به نام **کنزالحیات**(گنج زندگی)، که با او در کنار **موجودات اثیری**[۵۱] در بهشت برین می‌زیست. یکی از این موجودات اثیری، **پتاهیل**، آفریننده‌ی جهان مادی و انسان است. روح علوی را در نهاد انسان می‌نهند و معرفت را بدو می‌آموزند. انسان از طریق همین معرفت است که روح‌القدس را درمی‌یابد و باید روح را از قفس آزاد کند. زمان و فضا دیوی و اهریمنی‌اند. درعین‌حال، نجات‌بخشان و راهنمایان آسمانی میان آسمان و زمین تردد می‌کنند تا دست‌گیر رهروان باشند. دوزخ میان زمین و جهان روشنی قرار دارد و هم‌چنین گذرگاهی سخت برای آزمایش ارواح نجات‌یافته است. دیوانی هستند که نگاهبان برزخ‌اند و آزمون‌کننده‌اند. عرفان مندایی، همچون عرفان مانوی، مبتنی بر ستیز نور و ظلمت و رهایی نور یا روح از چنگال ظلمت است. در کتاب مقدس مندائیان، گنزاربا، بر دوری از جهان ظلمت تأکید شده است. پرهیز از ظلمت به معنی گِرَوش (اعتقاد) به نور، نیکی و زیبایی است. رهروِ مندایی همیشه در ستیز با نیروهای ظلمانی و پَلَشت است و سعی می‌کند که در کنار فرشتگان نور قرار گیرد. بااین‌وجود بسیاری از مضامین دینی–عرفانی مندایی و مانوی ساختاری مشابه دارند. ازجمله اعتقاد به دو بُنِ نور و ظلمت، آزاد کردن پاره‌های نور یا روح از زندان این جهان خاکی، گرایش به ایزدان نور، خیر، پاکی، زیبایی و غیره (جدول شماره ٤٥–٤).

جدول٤٥–٤. سرچشمه‌های مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس اندیشه‌ی ثنویت عرفان مندایی.

	مؤلفه‌ها	تعریف	نتیجه
دو بن نگری یا ثنویت در عرفان مندایی	روح	از آغاز آفرینش در ستیز با یکدیگر. آزاد کردن پاره‌های نور یا روح از زندان این جهان خاکی و گرایش به ایزدان نور، خیر، پاکی و زیبایی.	دو مؤلفه‌ی متضاد از آغاز آفرینش همراه و در ستیز با یکدیگر.
	ماده		
	نور		
	ظلمت		

۵۱. اثیر یعنی خالص، آن جسمی که غیر عنصری است. اطلاق اجرام اثیری به افلاک یا ازاین‌جهت است که در عالم عناصر تأثیر می‌کنند یعنی یا ازلحاظ تأثیر آن‌ها در عناصر است و یا از جهت خالص و مصفا بودن آن‌هاست. جسم یا عنصری است یا اثیری، جسم اثیری مختار است چون اثیر یعنی مختار و اینکه فلک مختار است و افضل از عناصر است (سجادی، ۱۳۷۵)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دیصانیان: اسماعیل‌پور(۱۳۸۱) درباره **دیصانیان**[۵۲]می‌نویسد ، آنان پیروان ابن دیصان بودند که در خراسان و چین پراکنده بودند. ابن دیصان یا بردیصان یکی از گنوسیان پیش از مانی بود که تنها در چگونگی آمیزش **نور و ظلمت** با او اختلاف داشت. دیصانیان خود دو فرقه شدند. یک فرقه عقیده داشتند که نور از روی اختیار با ظلمت آمیخت تا آن را اصلاح کند ولی نتوانست. فرقه‌ای دیگر می‌گفتند که نور تا خشونت و بدبویی ظلمت را احساس کرد، خواست از آن درآید و بی‌اختیار با آن به کشمکش درآمد (جدول شماره ٤٦-٤).

جدول٤٦-٤. سرچشمه مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) بر اساس دیدگاه دیصانیان.

	مؤلفه‌ها	تعریف	نتیجه
دیدگاه دیصانیان	نور ظلمت	• نور از روی اختیار برای اصلاح ظلمت با آن آمیخت. • ستیز نور با ظلمت برای رهایی از خشونت و بدبویی ظلمت.	این دو مؤلفه متضاد با یکدیگر در ستیزند یا ترکیب می‌شوند.

درنتیجه بنا بر تحلیل‌های صورت گرفته در منابع متأخر مفاهیم و واژگانی به‌عنوان مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) به دست آمد که طی بررسی‌های صورت گرفته این مؤلفه‌ها، در پیش از اسلام به‌ویژه در میان ادیان ابتدایی و حتی تا صدر مسیحیت قابل‌شناسایی است. بدین ترتیب مؤلفه‌های مذکور بوبژه در میان مباحث کیهان‌شناسی و اسطوره‌های آفرینش موردبررسی قرار گرفت. لذا تضاد به‌عنوان مبنای پیدایش عالم همچنان در این نظریه‌ها حائز اهمیت است. درواقع تضاد بین دو امر ضدین صورت می‌گیرد بنابراین لازمه‌ی تضاد دو امر متضاد است. با این اوصاف با توجه به اینکه جمع اضداد محال است، وقتی این‌ها با استفاده از مؤلفه‌ی هماهنگی با یکدیگر جمع می‌شوند، موجود سومی اتفاق می‌افتد. درنتیجه این موجود سوم اشتراکاتی با آن دو امر متضاد دارد. نکته‌ی قابل‌توجه اینکه این دو مؤلفه با عناوین و تفسیرهای دیگری نیز عنوان‌شده‌اند که پیش‌تر در جداول

۵۲. دیصانیان یا پیروان ابن دیصان، در خراسان و چین پراکنده بودند. در سده‌ی دوم نیز دیصانیان در بین‌النهرین حضور داشتند. هم‌چنین با توجه به اینکه یکی از مریدان امام صادق (ع)، حسام بن حَکَم، از خاندان برمکی و در تماس نزدیک با فرقه‌های گنوسی بود.، به آن ترتیب راه نفوذ عرفان گنوسی در تشیع و تصوف از این طریق میسر شد (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۱).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

به‌صورت تفکیک‌شده عنوان‌شده‌اند و حتی در اغلب موارد با توجه به سیر آفرینش عالم با چهارعنصر آفرینش عنوان‌شده‌اند که تضاد بین آن‌ها و وحدت حاصل از پیوندشان، حاکی از حضور ضدین و هماهنگی در جوار یکدیگر است (جدول شماره ٤٧-٤ و ٤٨-٤).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول٤٧-٤. مقوله‌های مشترک و غیرمشترک دربردانده ی مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) در پیش از اسلام.

	اسطوره‌های آفرینش انسان و کیهان	عناصر چهارگانه	نور و ظلمت	عالم صغیر و عالم کبیر	روح و ماده	مذکر و مؤنث	واحد و کثرت	کرانمند و ناکرانمند	عدالت و بیداد	خیر و شر	عشق و نفرت	علت غائی و فاعلی	بود و نمود
بابل	❊												
زرتشتیان		❊		❊	❊								
مانوی			❊	❊	❊	❊							
پویی ماندرس			❊			❊							
مندایی			❊		❊								
دیصانیان			❊										
تالس													❊
آناکسیماندرس								❊	❊				
رواقیان					❊					❊			
هراکلیتوس		❊							❊				
پارمنیدس		❊	❊										
امپدوکلس و آناکساگوراس		❊									❊		
فیثاغورث								❊					
افلاطون		❊			❊					❊			
نوافلاطونیان							❊					❊	
ارسطو		❊											
جالینوس		❊											

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول٤٨-٤. میزان اهمیت مقوله‌های دربردارنده‌ی مفهوم اصل وحدت(هماهنگی و تضاد) بر اساس دفعات تکرار در تفکرات پیش از اسلام.

مقوله‌ها	دفعات تکرار	نتیجه
اسطوره‌های آفرینش انسان و کیهان	۱	بنابراین در مباحث مربوط به عناصر چهارگانه، نور و ظلمت و روح و ماده بیشترین نمود مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) را شاهد هستیم.
عناصر چهارگانه	۷	
نور و ظلمت	۵	
عالم صغیر و عالم کبیر	۲	
روح و ماده	۵	
مذکر و مؤنث	۲	
واحد و کثرت	۱	
کرانمند و ناکرانمند	۲	
عدالت و بیداد	۲	
خیر و شر	۲	
عشق و نفرت	۱	
علت غائی و علت فاعلی	۱	
بود و نمود	۲	

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فصل چهارم

۴-۳. مبانی نظری اصل وحدت در آیات، روایات و احادیث

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بر اساس مؤلفه‌های به‌دست‌آمده از دو مبحث قبل و مشخص شدن مفهوم اصل وحدت، بدین منظور در این قسمت به دنبال این مؤلفه‌ها در میان آیات، احادیث و روایات هستیم. هم‌چنین با توجه به اینکه این مؤلفه‌ها بیشتر از میان مفاهیم کیهان‌شناسی و نوشته‌های به‌جای مانده با موضوع نظام آفرینش، بحث وجود و ... به‌دست‌آمده‌اند، لذا در این بخش نیز در میان آیات، احادیث و روایات و با چنین رویکردی، جستجوی این مؤلفه‌ها صورت گرفته است. این در حالی است که در اکثر پژوهش‌های صورت گرفته دربارهٔ اصل وحدت، بر اساس آیات و روایات، شاهد رویکردی عرفانی هستیم و کمتر به چشم می‌آید که وجه صوری آن نیز موردتوجه قرارگرفته باشد.

لذا در پژوهش حاضر، اصل وحدت را با رویکردی کاربردی در مباحث زیبایی‌شناسی موردبررسی قرار داده‌ایم. بااین‌وجود این اصل نتیجه‌ی نوعی نگاه به طبیعت و پیرامون موضوع آفرینش است که در متون فلسفی به‌صورت اصل تضاد، هارمونی و اصل وحدت بیان‌شده‌اند و حاکی از نوعی نظام فلسفی است نه عرفانی. این امر بدان جهت است که «قرآن مجید دائماً انسان را متوجه پدیده‌های طبیعت می‌کند و آنان را آیات خداوند می‌خواند، آیاتی که باید موردتوجه و تأمل و دقت اهل بصیرت قرار گیرد» (نصر، ۱۳۷۷، ص ۱۸). به‌ویژه از طریق بسیاری از واژگان و عبارات به‌کاررفته در آیات نیز می‌توان مفاهیم مربوطه را موردبررسی قرارداد. بنابراین در ادامه با پرداختن به موضوعات و عبارات قرآنی در نظر گرفته‌شده، مفهوم اصل وحدت را از منظر آیات و احادیث و روایات شناسایی می‌کنیم. این موضوعات که بیشتر بر اساس مطالب پیشین در نظر گرفته‌شده‌اند، عبارت‌اند از: مبحث آفرینش عالم هستی، آفرینش انسان، آفرینش جن، ثنویت، تضاد در نظام خلقت، تضاد و بحث زوجیت و جفت بودن در خلقت عالم و در آخر نظم و هماهنگی در نظام خلقت.

مبحث آفرینش عالم هستی در آیات قرآن:

بنا به تفسیر **آیه ۷ سوره هود**، خلقت آسمان و زمین به این شکل و وضعی که ما می‌بینیم ناگهانی نبوده و به این شکل از عدم ظاهرنشده، بلکه از چیز دیگری خلق‌شده که آن چیز قبلاً وجود داشته و آن ماده‌ای **متشابه الا جزاء** روی‌هم انباشته بود که خدای تعالی این ماده متراکم را جزء جزء کرد و اجزا آن را از یکدیگر جدا ساخت. از قسمتی از آن در دو برهه از زمان، زمین را ساخت، و

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

سپس به آسمان که آن موقع دود بود پرداخته، آن را نیز جزء جزء کرد و در دو برهه از زمان به‌صورت هفت‌آسمان درآورد. بنابراین منظور از آفریدن عالم هستی جمع‌کردن اجزاء و سپس جدا ساختنش از مواد دیگری که متشابه باهم و متراکم در هم هستند است[۵۳] (موسوی همدانی[۵۴]، ج۱۰، ۱۳۷٤).

هم‌چنین در تفسیر **آیه ١٤ سوره انعام** و **آیه‌ی ۱ سوره فاطر** آمده است «هنگامی‌که سخن از آفرینش آسمان و زمین به میان آورده می‌شود، خدا را به‌عنوان **فاطر** معرفی می‌کند»(مکارم شیرازی، ۱۳۷٤، ج۵، ص۱۷۲). فاطر از ماده‌ی فطور و در اصل به معنی شکافتن است و ازآنجاکه آفرینش موجودات همانند شکافته شدن ظلمت عدم و بیرون آمدن نور هستی است، این تعبیر در مورد خلقت و آفرینش به کار می‌رود، مخصوصاً با توجه به علوم روز که می‌گوید مجموعه عالم هستی در آغاز **توده‌ی واحدی** بوده (مکارم شیرازی، ۱۳۷٤، ج۱۸) «که براثر انفجارهای پی‌درپی از هم شکافته شدند و کهکشان‌ها و منظومه‌ها و کرات به وجود آمدند»[۵۵] (مکارم شیرازی، ۱۳۷٤، ج۵، ص۱۷۲).

---

۵۳. **سوره هود آیه ۷:** وَهُوَالَّذِی خَلَقَ السَّماواتِ وَالْأَرْضَ فِی سِتَّةِ أَیَّامٍ وَکانَ عَرْشُهُ عَلَی الْماءِ لِیَبْلُوَکُمْ أَیُّکُمْ أَحْسَنُ عَمَلاًوَلَئِنْ قُلْتَ إِنَّکُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِالْمَوْتِ لَیَقُولَنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا إِنْ هذا إِلاَّسِحْرٌ مُبِینٌ، وکسی است که آسمانها وزمین رادرشش روز (شش دوران) آفرید و عرش (قدرت) او برآب قرار داشت، (بخاطراین آفرید) تا شما را آزمایش کند تا کدام یک عملتان بهتراست و اگر بگویی شما بعد از مرگ برانگیخته می‌شوید مسلما کافران می‌گویندابن سحر آشکاری است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳).

۵٤. «سید محمد باقر موسوی همدانی فرزند مرحوم حجۀ الاسلام و المسلمین آقای هادی گروسی (قدس سره)»(همدانی، ۱۳۷٤، ص ۳۵).

۵۵. **سوره انعام، آیه ١٤:** قُلْ أَغَیْرَاللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِیًّا فاطِرِ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ وَ هُوَ یُطْعِمُ وَ لا یُطْعَمُ قُلْ إِنِّی أُمِرْتُ أَنْ أَکُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلاتَکُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِکِینَ، بگوآیاغیرخدا را ولی خود انتخاب کنم درحالی که اوآفریننده آسمانها و زمین است و او است که روزی می‌دهد و از کسی روزی نمی‌گیرد، بگو من مامورم که نخستین مسلمان باشم و (خداوند به من دستور داده که) ازمشرکان نباش(مکارم شیرازی، ۱۳۹۳).
سوره فاطر آیه ۱: الْحَمْدُ لِلَّهِ فاطِرِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ جاعِلِ الْمَلائِکَةِ رُسُلاً أُولِی أَجْنِحَةٍ مَثْنی وَ ثُلاثَ وَ رُباعَ یَزِیدُ فِی الْخَلْقِ ما یَشاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلی‌کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ، ستایش مخصوص خداوندی است که آفریننده آسمانها وزمین

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

این مفاهیم همچنین در **آیه ۳۰ سوره‌ی انبیاء** و **آیه ۱۰ سوره ابراهیم** نیز با صراحت بیشتری بیان‌شده است. نکته‌ی قابل‌توجه اینکه در **آیه ۳۰ سوره‌ی انبیاء**[٥٦]، با دو واژه‌ی **رَتَقا** و **فَفَتقناهُما** مواجه هستیم که در شرح مفهوم آفرینش عالم هستی حائز اهمیت هستند. **رَتَقا:** منظور از **رَتق، فَتق،** پیوستگی واحدی است که در اینجا در مورد، آسمان‌ها و زمین گفته‌شده است. در میان تفسیرهای متعددی که از مفسران به‌جای مانده، برخی از آن‌ها به مفاهیم مدنظر ما نزدیک‌ترند، ازجمله: ۱) به‌هم‌پیوستگی آسمان و زمین در آغاز خلقت است که طبق نظرات دانشمندان، مجموعه این جهان به‌صورت توده واحد عظیمی از بخار سوزان بود که براثر انفجارات درونی و حرکت، تدریجاً تجزیه شد و کواکب و ستاره‌ها ازجمله منظومه شمسی و کره زمین به وجود آمد و بازهم جهان در حال گسترش است. ۲) منظور از پیوستگی، یکنواخت بودن مدار جهان است به‌طوری‌که همه درهم‌فرورفته بود و به‌صورت ماده واحدی خودنمایی می‌کرد، اما باگذشت زمان، مواد از هم جدا شدند و ترکیبات جدیدی پیدا کردند و انواع مختلف گیاهان و حیوانات دیگر، در آسمان و زمین ظاهر شدند. موجوداتی که هر یک نظام مخصوص و آثار و خواص ویژه‌ای دارد هرکدام نشانه‌ای است از عظمت پروردگار و علم و قدرت بی‌پایانش (مکارم شیرازی، ١٣٧٤، ج١٣).

بااین‌وجود دو کلمه **رَتق‌وفَتق** به دو معنای مقابل هم‌اند. کلمه‌ی رتق به معنای ضمیمه کردن و به هم چسباندن دو چیز است، چه اینکه در اصل خلقت به هم چسبیده باشند و چه آن را با صنعت عمل بچسبانند. همچنان که در قرآن کریم می‌فرماید: **كانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما**، یعنی زمین و آسمان به هم چسبیده بودند و از یکدیگر جدایشان کردیم. بنابراین فَتق به معنای جداسازی دو چیز متصل‌به‌هم است و این ضد رَتق است. درواقع آسمان را طایفه‌ای و زمین را نیز طایفه‌ای دیگر دانسته و این دو طایفه متصل‌به‌هم بودند و ما جدایشان کردیم. علاوه براین به‌طور دائم جداسازی مرکبات زمینی و

است،خداوندی که فرشتگان را رسولانی قرارداد که صاحب بالهای دوگانه وسه گانه وچهارگانه‌اند او هرچه بخواهد در آفرینش می‌افزاید، او بر هر چیزی قادر است(مکارم شیرازی، ۱۳۹۳).

٥٦. سوره **ی انبیاء، آیه ی۳۰:** أوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أنّ السَّماواتِ وَالْأَرْضَ كانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما وَجَعَلْنا مِنَ الْماءِ كُلّ شَيْءٍ حَيٍّ أفَلا يُؤْمِنُونَ، آیاکافران ندیدند که آسمانها و زمین به هم پیوسته بودند و ما آنها را از یکدیگر بازکردیم؟،و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم، آیا ایمان نمی‌آورند! (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

آسمانی را نیز مشاهده می‌کنیم و می‌بینیم که انواع نباتات از زمین، و حیوانات از حیواناتی دیگر و انسان‌ها از انسان‌های دیگر، جدا می‌شوند و بعد از جدا شدن صورتی دیگر به خود می‌گیرند و هر یک آثاری غیر آثار زمان اتصال، از خود بروز می‌دهند، آثاری که در زمان اتصال هیچ خبری از آن‌ها نبود. بااین‌وجود این آثار که در زمان جدایی، فعلیت پیدا می‌کند، در زمان اتصال نیز بوده ولی به‌طور قوه در آن‌ها به ودیعه سپرده‌شده بود و همین قوه که در آن‌ها است،رَتق و اتصال است و فعلیت، فَتق و جدایی می‌باشد(موسوی همدانی، ١٣٧٤، ج١٤) بنابراین در اتصال آن دو، امر سومی نیز نهفته است که به فعلیت درنیامده، پس وقتی جدایی فرارسید، به فعلیت درمی‌آید.

موسوی همدانی (١٣٧٤) نیز اذعان دارد که از همین راه که مرتب جزئیاتی از زمین جدا گشته و به‌صورت مرکبات و موالید جلوه می‌کند و هم‌چنین موالیدی که در جو پدید می‌آید ما را راهنمایی می‌کند بر اینکه روزی همه این موجودات منفصل و جدای از هم، منظم و متصل‌به‌هم بودند، یعنی یک موجود بوده که دیگر امتیازی میان زمین و آسمان نبوده. یک موجود رَتق و متصل الا جزاء بوده و بعداً خدای تعالی آن را فَتق کرده و در تحت تدبیری منظم ومتقن، موجوداتی بی‌شمار از شکم آن‌یک موجود بیرون آورده که هر یک برای خود دارای فضیلت‌ها و آثاری شوند.

این آن معنایی است که در یک نظر سطحی و ساده از خلقت این عالم و پیدایش اجزای علوی به نظر می‌رسد، خلقتی که توأم باتدبیر و نظام جاری در همه اجزای آن است. هم‌چنین این نظریه را علم امروز نیز تأیید می‌کند، زیرا علم امروز این معنا را روشن نموده که آنچه از اجرام عالم محسوس ما است، هر یک مرکب از عناصری متعدد و مشترک است که عمری معین و محدود دارد، یکی کمتر و دیگری بیشتر. این معنا در صورتی درست است که مقصود از رَتق آسمان‌ها و زمین، یکی بودن همه و نبودن امتیاز میان ابعاض و اجزای آن باشد که قهراً مراد از فَتق هم جداسازی و متمایز کردن ابعاض آن خواهد بود.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ١٩٥٩٢٩/و تاریخ ١٣٩٥/٩/٦) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (١٣٤٨) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

هم‌چنین مکارم شیرازی (۱۳۷٤) می‌نویسد که در تفسیر **آیه‌ی ٤٧ سوره‌ی الذاریات**[۵۷] آمده است که تعبیر به **اَنا لَمَوسعون** (و ما گسترش‌دهندگانیم) و دلیل بر تداوم این موضوع است و نشان می‌دهد که این گسترش همواره وجود داشته و هم چنان ادامه دارد و این درست همان چیزی است که امروزه به آن رسیده‌اند که تمام کرات آسمانی و کهکشان‌ها در آغاز در مرکز واحدی جمع بوده، سپس انفجار عظیم و بی‌نهایت وحشتناکی در آن رخ‌داده و به دنبال آن اجزای جهان متلاشی‌شده و به‌صورت کرات درآمده و به‌سرعت در حالت عقب نشین و توسعه است.

همین امر سبب می‌شود که مترجمان (۱۳۷۷)، در **آیه ١٦٤ سوره‌ی بقره**[۵۸] به اهمیت شناخت طبیعت اشاره نمایند که به‌عنوان یکی از راه‌های خداشناسی است و شناخت او، قدرت، حکمت و یکتایی او را دربردارد. آیاتی چون **اِلهکُم الهٌ واحِد**، اشاره به همین موضوع است که خداوند نظیر و شبیه ندارد و مرکب از اجزاء نیست و هم طبیعت و هم صنعت دست‌ساخت انسان، از اوست. هم‌چنین هر موجودی در جهان هستی، آیه‌ای از آیات کتاب خداوند در طبیعت است.

در ادامه به‌طور مجزا به آفرینش آسمان و زمین می‌پردازیم. ازجمله آیاتی که مربوط به این مبحث است، **آیه‌ی ۱۱ سوره فصلت**[۵۹] است که به آفرینش آسمان اشاره دارد. مکارم شیرازی

---

۵۷. **سوره الذاریات، آیه ٤٧:** «وَالسَّماءَ بَنَیْناها بِأَیْدٍ وَ إِنَّا لَمُوسِعُونَ، ماآسمان را با قدرت بنا کردیم و همواره آن را وسعت می‌بخشیم» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳، ص ۵۲۱).

۵۸. **سوره بقره، آیه ١٦٤:** إِنَّ فِی خَلْقِ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلافِ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ وَ الْفُلْکِ الَّتِی تَجْرِی فِی الْبَحْرِ بِما یَنْفَعُ النَّاسَ وَ ما أَنْزَلَ اَللَّهُ مِنَ السَّماءِ مِنْ ماءٍ فَأَحْیا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها وَ بَثَّ فِیها مِنْ کُلِّ دَابَّةٍ وَ تَصْرِیفِ الرِّیاحِ و اَلسَّحابِ الْمُسَخَّرِ بَیْنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ، درآفرینش آسمانها و زمین، وآمد و شد شب و روز، وکشتیهایی که در دریا به سود مردم در حرکتند، وآبی که خداوند ازآسمان نازل کرده، و با آن زمین را پس از مرگ زنده نموده و انواع جنبندگان را درآن گسترده و (همچنین) در تغییر مسیر بادها و ابرهایی که در میان زمین و آسمان معلقند، نشانه‌هایی است (از ذات پاک خدا و یگانگی او) برای مردمی که عقل دارند و می‌اندیشند(مکارم شیرازی، ۱۳۹۳).

۵۹. **سوره فصلت، آیه ۱۱:** ثُمَّ اسْتَوی إِلَی السَّماءِ وَ هِیَ دُخانٌ فَقالَ لَها و لِلْأَرْضِ ائْتِیا طَوْعاً أَوْ کَرْهاً قالَتا أَتَیْنا طائِعِینَ، سپس اراده آفرینش آسمان فرمود در حالی که به صورت دود بود، به آن و به زمین دستور داد به وجود آئید و شکل گیرید، خواه از روی اطاعت و خواه اکراه! آنها گفتند: ما از روی طاعت می آئیم! (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

(۱۳۷٤) می‌نویسد که جمله‌ی **هی دُخان** در این آیه به آفرینش آسمان‌ها از دود می‌پردازد و نشان می‌دهد که آغاز آفرینش آسمان‌ها از توده گازهای گسترده و عظیمی بوده است، و این با آخرین تحقیقات علمی در مورد آغاز آفرینش کاملاً هماهنگ است. این در حالی است که هم‌اکنون نیز بسیاری از ستارگان آسمان به‌صورت توده فشرده‌ای از گازها و دُخان هستند. هم‌چنین کلمه **استوی** نیز در اصل به معنی اعتدال یا مساوات دو چیز با یکدیگر است، اما زمانی که با **الی** می‌آید به معنی قصد است که اشاره‌ای به اراده‌ی خداوند در آفرینش آسمان دارد.

هم‌چنین درباره‌ی پیدایش نخستین عالم و پیدایش موجودات، بر اساس آیات متعددی که در ادامه خواهد آمد به اولین موجودی که خدا آفرید یعنی آب اشاره دارند و بر این اساس نخستین جوانه حیات در دریاها ظاهرشده و این پدیده قبل از همه‌جا بر اعماق یا کنار دریاها حاکم شده است و هم‌چنین انسان‌ها را بعدازآن آب آفرید (مکارم شیرازی، ۱۳۷٤، ج۱٤).

به گفته‌ی مکارم شیرازی(۱۳۷٤) در تفسیر آیات پیش رو درواقع آغاز آفرینش جهان هستی به‌صورت مواد مذاب بود یا گازهای فوق‌العاده فشرده که شکل مواد مذاب و مایع را داشت. سپس در این توده آب‌گونه حرکات شدید و انفجارات عظیمی رخ داد و قسمت‌هایی از سطح آن در پی به خارج پرتاب شد. این اتصال و به‌هم‌پیوستگی به انفصال و جدایی گرایید و کواکب و سیارات و منظومه‌ها یکی بعد از دیگری تشکیل یافتند. بنابراین جهان هستی و قدرت خدا نخست بر این ماده عظیم آب‌گونه قرار داشت.

بدین منظور موسوی همدانی (۱۳۷٤) آورده است که در تفسیر **آیه ۷ سوره‌ی هود**[٦٠] می‌توان ملاحظه کرد که خدای تعالی در وقتی و در حالی به خلقت آسمان‌ها و زمین پرداخت که عرشش بر آب بود و بر آب بودن عرش کنایه است از اینکه مالکیت خدای تعالی در آن روز مستقر برای آب بود

---

٦٠. **سوره هود آیه ۷:** وَهُوَالَّذِی خَلَقَ السَّماواتِ وَالْأَرْضَ فِی سِتَّةِ أَیَّامٍ وَکانَ عَرْشُهُ عَلَی الْماءِ لِیَبْلُوَکُمْ أَیُّکُمْ أَحْسَنُ عَمَلاًوَلَئِنْ قُلْتَ إِنَّکُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِالْمَوْتِ لَیَقُولَنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا إِنْ هذا إِلاَّسِحْرٌ مُبِینٌ، وکسی است که آسمانها وزمین رادرشش روز (شش دوران) آفرید و عرش (قدرت) او برآب قرار داشت، (بخاطراین آفرید) تا شما را آزمایش کند تا کدام یک عملتان بهتراست و اگر بگویی شما بعد از مرگ برانگیخته می‌شوید مسلما کافران می‌گویندابن سحر آشکاری است(مکارم شیرازی، ۱۳۹۳).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

که گفتیم ماده حیات و زندگی است دیگر اینکه آنچه ما از موجودات زنده می‌بینیم از آب آفریده‌شده‌اند، پس ماده آب، ماده حیات هر جنبده ای است.

این مفهوم در **آیه ۳۰ سوره‌ی انبیاء**[۶۱] نیز ذکرشده است که، «**هر جنبنده‌ای را از آب آفریدیم**» (مکارم شیرازی، ۱۳۷٤، ج ۹، ص۲۷). اما باید توجه داشت که منظور از **الماء** در اینجا، اشاره به آب نطفه است که موجودات زنده معمولاً از آن به وجود می‌آیند. جالب اینکه دانشمندان امروز معتقدند که نخستین جوانه حیات در اعماق دریاها پیداشده است، به همین دلیل آغاز حیات و زندگی را از آب می‌دانند و اگر قرآن آفرینش انسان را از خاک می‌شمرد، نباید فراموش کنیم که منظور از خاک همان طین (گِل) است که ترکیبی است از آب‌وخاک که در ادامه اختصاصاً به آن پرداخته‌ایم. اما این موضوع قابل‌توجه است که طبق تحقیقات دانشمندان، قسمت عمده بدن انسان و بسیاری از حیوانات را آب تشکیل می‌دهد و اینکه بعضی ایراد کرده‌اند که آفرینش فرشتگان و جن بااینکه موجودات زنده‌ای هستند ولی از آب نیست زیرا اینجا منظور موجودات زنده‌ای است که برای ما محسوس هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷٤، ج۱۳).

همان‌طور که در **آیه ۳۵ سوره‌ی نور**[۶۲] نیز، به یکی از مهم‌ترین چهره‌های نظام آفرینش که از روشن‌ترین دلایل توحید است یعنی مسئله حیات در صورت‌های متنوعش اشاره‌شده و می‌گوید: خداوند هر جنبنده‌ای را از آبی آفرید و بااینکه اصل همه‌ی این‌ها به آب بازمی‌گردد بااین‌حال خلقت‌های بسیار **متفاوت** و شگفت‌انگیزی دارند، گروهی از آن‌ها بر شکم خود راه می‌روند

---

۶۱. **سوره ی انبیاء، آیه ی۳۰:** أَوَلَمْ یَرَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَنَّ السَّماواتِ وَالْأَرْضَ کانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما وَجَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ أَفَلا یُؤْمِنُونَ، آیاکافران ندیدند که آسمانها و زمین به هم پیوسته بودند و ما آنها را از یکدیگر بازکردیم؟،و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم، آیا ایمان نمی‌آورند(مکارم شیرازی، ۱۳۹۳).

۶۲. **سوره نور، آیه ۳۵:** وَاللَّهُ خَلَقَ کُلَّ دَابَّةٍ مِنْ ماءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ یَمْشِی عَلی بَطْنِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ یَمْشِی عَلی رِجْلَیْنِ وَ مِنْهُمْ مَنْ یَمْشِی عَلی أَرْبَعٍ یَخْلُقُ اللَّهُ مایَشاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ ، وخداوندهرجنبنده‌ای را از آبی آفرید، گروهی از آنها بر شکم خود راه می‌روند، و گروهی بر دوپای خود، و گروهی بر چهار پا راه می‌روند، خداوند هر چه را اراده کند می‌آفریند، چرا که خدا بر همه چیز تواناست(مکارم شیرازی، ۱۳۹۳).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

(خزندگان)، گروهی بر روی دو پا راه می‌روند (انسان‌ها و پرندگان) و گروهی بر روی چهارپا راه می‌روند(چهارپایان).

در آیه ٢٤ سوره‌ی یونس[٦٣] نیز در مورد گیاهان به جمع میان دو چیز یا بیشتر می‌پردازد. بنابراین معنی جمله چنین می‌شود که به‌وسیله آب باران، گیاهان از هر قسم اشاره به این حقیقت ضمنی نیز می‌کند که خداوند از آب با آن‌که یک حقیقت بیشتر ندارند، انواع و اقسام گیاهان را می‌رویاند که نیازمندی‌های مختلف انسان‌ها به حیوانات را با مواد غذایی گوناگونشان تأمین می‌کند(مکارم شیرازی، ١٣٧٤، ج١٤).

مبحث آفرینش عالم هستی در احادیث و روایات:

مجلسی (بی‌تا) دراین‌باره می‌نویسد، خداوند آسمان‌ها و زمین را به هم چسبیده آفرید. پس میان آن‌ها بادی آفرید و بدان از همشان جدا ساخت، سپس وجه دوم و سوم را ترجیح داده و تأیید کرده بفرمود خدا تعالی سوگند آسمان برگشت دارد یعنی ریزش باران و بر زمین شکافدار به روئیدن گیاه و هم بفرموده خدا: و ساختیم از آب هر چیز زنده‌ای را هم‌چنین آسمان و زمین را به هم‌بسته بودند و جدائی‌شان پیدا نبود و خدا با اظهار روز روشن آن‌ها را جدا نمود از هم که به‌طور خلاقه نقل‌شده.

---

٦٣. **سوره ی یونس، آیه ٢٤:** إِنَّما مَثَلُ الْحَياةِ الدُّنْيا كَماءٍ أَنْزَلْناهُ مِنَ السَّماءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَباتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعامُ حَتَّى إِذا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَها وَ ازَّيَّنَتْ وَ ظَنَّ أَهْلُها أَنَّهُمْ قادِرُونَ عَلَيْها أَتاها أَمْرُنا لَيْلاً أَوْنَهاراً فَجَعَلْناها حَصِيداً كَأَنْ لَمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ كَذلِكَ نُفَصِّلُ الْآياتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ، زندگی دنیا همانند آبی است که از آسمان نازل کرده ایم که بر اثر آن گیاهان گوناگون که مردم و چهارپایان از آن می‌خورند، می‌روید، تا زمانی که روی زمین زیبایی خود را (ازآن) گرفته و تزیین می‌گردد و اهل آن مطمئن می‌شوند که می‌توانند از آن بهره‌مند گردند (ناگهان) فرمان ما شب هنگام یا در روز (برای نابودی آن) فرا می‌رسد (سرما یا صاعقه‌ای را بر آن مسلط می‌سازیم) و آنچنان آن را درو می‌کنیم که (گویی) هرگز نبوده است این چنین آیات خود را برای گروهی که تفکر می‌کنند شرح می‌دهیم(مکارم شیرازی، ١٣٩٣).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ١٩٥٩٢٩/و تاریخ ١٣٩٥/٩/٦) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (١٣٤٨) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

هم‌چنین از امام پنجم در تفسیر قول: **آیا ندیدید آنان که کافر شدند آسمان و زمین بسته بودند و ما آن‌ها را گشودیم**، به نقل از مجلسی (بی‌تا) آمده است که:

خدا تبارک‌وتعالی آدم را به زمین فرود آورده و آسمان بسته بود هیچ نمی‌بارید و زمین بسته بود هیچ نمی‌رویید و چون خدا عز و جل توبه آدم را پذیرفت فرمود، تا آسمان ابر باران‌دار برگرفت و آنگاه فرمود تا درهای خود را گشود و فروبارید و زمین را فرمود تا درخت‌ها برآورد و میوه‌ها ببار آورد و جوی‌ها روان ساخت و این است رتق آن و این است فتق آن به آیه‌ی: **ساختیم از آب هر چیز زنده را**، نیز اشاره دارند و اذعان دارند، «با آبی که از آسمان فرود آوریم هر زنده را زنده کردیم و هر آفریده را از نطفه برآوردیم» (مجلسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳). هم‌چنین امام صادق در جواب پرسش از مزه آب فرمودند که «آب همان مزه زندگی است، و از آب زندگی هر جاندار و نمو او را ساختیم و شامل جانور و گیاه و درخت می‌شود» (مجلسی، بی‌تا، ج ۱، ص۱۳). در خطبه‌ی ۲۰۲ نهج‌البلاغه نیز «واژه **قمقام** اشاره به دریاست که چون محل اجتماع و گردآمدن آب است به این اسم نامیده شده است»(بحرانی، ۱۳۷۵، ج ٤، ص٤٧). و در ادامه آمده است: و پس‌ازآن، طبقاتی به‌هم‌پیوسته آفرید و بعد آن‌ها را به‌صورت آسمان‌های هفتگانه از یکدیگر خدا فرمود بنابراین امام علی (ع) اشاره به این مطلب دارد که اصل حقیقت و ماده وجودی اجسام زمینی و آسمانی را آب تشکیل می‌دهد و چگونگی آفرینش این موجودات را از آب شرح داده است (جدول شماره ٤٩-٤)(بحرانی، ۱۳۷۵، ج ٤).

جدول٤٩-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) درآیات و روایات با موضوع آفرینش عالم

مقوله	ابعاد	مؤلفه‌های هماهنگی و تضاد(ترکیب دو امر متضاد)		نتیجه
مبحث آفرینش عالم هستی	آیات	**آیه، حدیث و روایت**	**تفسیر**	وجود وجه اشتراک بین امور متضاد برای ترکیب شدن. از نقطه واحد کثرات به وجود می‌آیند (کثرت در وحدت)
		سوره هود(آیه۷)	مواد تشکیل‌دهنده عالم، متشابه الاجزاء و متراکم هستند.	
		سوره انعام(آیه ١٤) سوره فاطر(آیه ١)	عالم هستی در آغاز توده‌ای واحد بود.. خدا **فاطر** (شکافتن)است. یعنی شکافته شدن ظلمت عدم و بیرون آمدن نور هستی.	

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مقوله	ابعاد	مؤلفه‌های هماهنگی و تضاد(ترکیب دو امر متضاد)		نتیجه
		آیه، حدیث و روایت	تفسیر	
مبحث آفرینش عالم هستی	**آیات**	سوره انبیاء(آیه ۳۰) سوره ابراهیم(آیه ۱۰)	واژه **رَتَق**: در آغاز خلقت شاهد، پیوستگی واحد، به هم چسبیدگی، منظم و متصل بودن، یکی بودن و نبودن امتیاز بین اجزاء(آسمان و زمین). واژه **فَتَق**: جداسازی دو چیز متصل و شکل‌گیری صورتی دیگر (کواکب و ستاره‌ها)	متفاوت بودن مؤلفه سوم از دو مؤلفه‌ی متضاد ترکیب‌شده. امکان جمع اضداد در صورت عدم وجود امتیاز میان دو چیز.
		سوره الذاریات(آیه ٤٧) سوره بقره(آیه ١٤٧)	**واژه لَمَسعون**: در آغاز جمع بودن کرات و آسمان‌ها در مرکز واحد، سپس متلاشی شدن اجزا جهان و شکل‌گیری کرات. **الهکم الهٌ الواحِد**: خداوند شبیه ندارد، مرکب از اجزای نیست.	
		سوره فصلت(آیه ۱۱)	**جمله هی دخُان**: آغاز خلقت از توده‌ی گاز. **واژه استوی**: اعتدال یا مساوات دو چیز با یکدیگر به هنگام آفرینش.	علاوه بر تضاد، وجود هماهنگی (اعتدال یا مساوات) نیز لازمه‌ی آفرینش است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مقوله	ابعاد	مؤلفه‌های هماهنگی و تضاد(ترکیب دو امر متضاد)		نتیجه
مبحث آفرینش عالم هستی	آیات	آیه، حدیث و روایت	تفسیر	خلقت از یک عنصر (آب) نشانگر مفهوم کثرت در وحدت. ترکیب دو مؤلفه‌ی متضاد (آب‌وخاک) سبب خلقت انسان.
		سوره هود(آیه ۷)	خلقت از یک عنصر(آب).	
		سوره انبیاء(آیه ۳۰)	خلقت ا زآب نطفه. آفرینش انسان از طین(گل)، ترکیب آب‌وخاک.	
		سوره نور(آیه ۳۵)	خلقت هر جنبنده از آب ولی با خلقت‌های بسیار متفاوت.	
		سوره یونس(آیه ٢٤)	از آب انواع و اقسام گیاهان را آفرید.	
	احادیث روایات	امام صادق (ع)	بسته بودن آغازین زمین و آسمان و گشوده شدن آن‌ها توسط خدا. هر جانداری از آب آفریده‌شده.	
		نهج‌البلاغه(خطبه۲۰۲)	واژه **قمقام**: اشاره به دریا به‌عنوان محل اجتماع و گردآمدن آب. پس ماده وجودی اجسام زمینی و آسمانی آب است.	

مبحث آفرینش انسان درآیات قرآن:

«به مناسبت آیات گذشته که قسمت‌هایی از آفرینش خداوند و نظام هستی را بیان می‌کرد، در این آیات به شاهکار بزرگ خلقت یعنی آفرینش انسان پرداخته و طی آیات متعدد و پرمحتوایی، بسیاری از جزئیات این آفرینش را بازگو می‌کند»(مکارم شیرازی، ١٣٧٤، ج ١١، ص٦٩)، اما نکته‌ی قابل‌توجه این است که آیات مربوط به آفرینش انسان را می‌توان به دودسته تقسیم کرد. گروهی که صرفاً به خلقت آدم، به‌عنوان نخستین انسان اشاره دارند و گروهی دیگر به شکل‌گیری جنین می‌پردازند.

از نخستین مجموعه‌ی آیات چنین برداشت می‌شود که «آفرینش آدم به‌صورت یک خلقت مستقل، از خاک و گل به وجود آمده است» (مکارم شیرازی، ١٣٧٤، ج ١٧، ص١٢٦). بنابراین بر

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

اساس **آیات ۷ و ۸ سوره‌ی سجده**[٦٤]، خداوند آغاز آفرینش انسان را از گل قرارداد. این آیات سخن از آفرینش آدم می‌گویند نه همه‌ی انسان‌ها. ظاهر این آیه دلیل روشنی است بر خلقت مستقل انسان و نفی فرضیه تحول انواع (لااقل در مورد نوع انسان) نکته‌ی قابل‌توجه اینکه آفرینش انسان بدون واسطه از کل صورت گرفته است(مکارم شیرازی، ١٣٧٤، ج ١٧).

بر اساس **آیه ٢٦ سوره‌ی حجر**[٦٥] و **آیه‌ی ٥٩ سوره‌ی عمران**[٦٦]، «**منظور خاک آمیخته به آب یعنی گل است**» (مکارم شیرازی، ١٣٧٤، ج ١٧، ص١٣١). بنابراین همان‌طور که مکارم شیرازی (١٣٧٤)، اذعان دارد، طبق تفسیر **آیات ١٤ سوره الرحمن**[٦٧]، **٥ سوره‌ی حج**[٦٨]، **٢ سوره‌ی انعام**[٦٩] و

---

٦٤. **سوره سجده، آیه ٧ و ٨:** الَّذِی أَحْسَنَ کُلَّ شَیْءٍ خَلَقَهُ وَ بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسانِ مِنْ طِینٍ (٧) ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلالَةٍ مِنْ ماءٍ مَهِینٍ (٨)، او همان کسی است که هر چه را آفرید نیکو آفرید، و آغاز آفرینش انسان را از گل قرارداد(٧) سپس نسل او را از عصاره‌ای از آب ناچیز و بی قدرخلق کرد(٨) (مکارم شیرازی، ١٣٩٣)

٦٥. **سوره حجر، آیه ٢٦:** «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ صَلْصالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ، ما انسان را از گل خشکیده‌ای که از گل بدبوی (تیره رنگی) گرفته شده بودآفریدیم» (مکارم شیرازی، ١٣٧٤، ص٢٦٣).

٦٦. **سوره آل عمران، آیه ٥٩:** «کَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرابٍ، زیرا منظور خاک آمیخته به آب یعنی گل است» (مکارم شیرازی،١٣٩٣، ص ٥٧).

٦٧. سوره الرحمن، آیه ١٤: «خَلَق اِلانسانَ مِن صَلصال کَالفَخار، انسان را از گل خشکیده ای همچون سفال آفریدیم» (مکارم شیرازی، ١٣٩٣، ص ٥٣١).

٦٨. **سوره ی حج، آیه ٥:** یا أَیُّهَا النَّاسُ إِنْ کُنْتُمْ فِی رَیْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْناکُمْ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَ غَیْرِ مُخَلَّقَةٍ لِنُبَیِّنَ لَکُمْ وَ نُقِرُّ فِی الْأَرْحامِ ما نَشاءُ إِلی أَجَلٍ مُسَمًّی ثُمَّ نُخْرِجُکُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّکُمْ وَ مِنْکُمْ مَنْ یُتَوَفَّی وَ مِنْکُمْ مَنْ یُرَدُّ إِلی أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِکَیْلا یَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَیْئاً وَ تَرَی الْأَرْضَ هامِدَةً فَإِذا أَنْزَلْنا عَلَیْهَا الْماءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَتْ وَ أَنْبَتَتْ مِنْ کُلِّ زَوْجٍ بَهِیجٍ ، ای مردم اگر در باره زندگی پس از مرگ در شکید ما شما را از خاک آفریدیم آن گاه از نطفه آن گاه از خون بسته سپس از پاره‌ای گوشت که یا تصویر به خود گرفته و یا نگرفته. تا برای شما توضیح دهیم و هر چه خواهیم در رحم‌ها قرار دهیم تا مدتی معین، پس آن گاه شما را کودکی بیرون آریم تا به قوت و نیروی خویش برسید. آن گاه بعضی از شما هستند که در همین حد از عمر وفات یابند و بعضی از شما به پست‌ترین دوران عمر برسند، و آن دوران پیری است که پس از سالها دانستن، چیزی نداند، (نمونه دیگری از قیامت اینکه) تو زمین را می‌بینی که در زمستان افسرده است چون باران بهاری بر آن نازل کنیم به جنب و جوش در می‌آید و از همه گیاهان بهجت‌آور نر و ماده برویاند(مکارم شیرازی، ١٣٩٣).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ١٩٥٩٢٩/و تاریخ ١٣٩٥/٩/٦) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (١٣٤٨) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۲۸ سوره‌ی حجر[۷۰]، از آیات مختلف قرآن و تعبیرات گوناگونی که درباره‌ی آفرینش انسان آمده به‌خوبی استفاده می‌شود که انسان در آغاز خاک بوده، سپس با آب آمیخته‌شده و به‌صورت گِل درآمده و بعد به‌صورت گِل بدبو (لجن) درآمده. سپس حالت چسبندگی پیدا کرد و بعداً به‌صورت خشکیده درآمد و حالت **صَلصال کَالفَخار** به خود گرفت (مکارم شیرازی، ۱۳۷٤، ج ۲۲).

با این اوصاف بنا به تفسیر **آیه ۲۰ سوره الروم**[۷۱]، «این تعبیرها بیانگر این واقعیت است که در میان انسان‌ها تفاوتی نیست و ریشه همه به یکجا بازمی‌گردد، همگی پیوند ناگسستنی با خاک دارند و سرانجام همه به همان خاک‌باز می‌گردند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷٤، ج ۱۲، ص۳۹۱). هم‌چنین بنا به تفسیر **آیات ۷ و ۸ سوره‌ی سجده** که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد، یک روح گران‌قدر و پر شرافت که سزاوار است روح خدا نامیده می‌شود، در انسان دمیده شد و بیانگر این واقعیت است که انسان گرچه از بُعد مادی از خاک تیره و یا آب بی‌مقداری است ولی ازنظر بُعد معنوی و روحانی حاصل روح الهی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷٤،ج ۱۷). علاوه بر آفرینش آدم از خاک، در ادامه اشاره به آیاتی که از نطفه سخن گفته‌اند حائز اهمیت است. بنا بر تفسیر **آیه ۷۷ سوره یس**[۷۲]، نطفه در لغت به معنی آب ناچیز و بی‌ارزش است. بنابراین تمام این قطره آب ناچیز مبدأ نشو و نمای او نبوده بلکه سلول زنده بسیار کوچکی که با چشم دیده نمی‌شود از میان هزاران سلول که در آن قطره آب شناور بودند با

---

٦۹. سوره ی انعام، آیه ۲: «هُوَ الَّذِی خَلَقَکُمْ مِنْ طِینٍ ثُمَّ قَضی أَجَلاً وَ أَجَلٌ مُسَمًّی عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ (۲)، او کسی است که شما را از گل آفرید آن گاه اجلی مقرر فرمود و اجل معین پیش اوست، و باز هم شما شک می‌کنید»(مکارم شیرازی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۸).

۷۰. **سوره ی حجر، آیه ۲۸:** «وَ إِذْ قالَ رَبُّکَ لِلْمَلائِکَةِ إِنِّی خالِقٌ بَشَراً مِنْ صَلْصالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ (۲۸)، و چون پروردگارت به ملائکه گفت: می‌خواهم بشری از گلی خشکیده از لایه‌ای سیاه خلق کنم»(مکارم شیرازی، ۱۳۹۳، ص۲٦۳).

۷۱. **سوره روم آیه ۲۰:** «وَمِنْ آیاتِهِ أَنْ خَلَقَکُمْ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ إِذا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ، از نشانه‌های او این است که شما را از خاک آفرید، سپس انسانهایی شدید و در روی زمین انتشار یافتید» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳، ص ٤٤۲).

۷۲. **سوره یس آیه ۷۷ :** أَوَلَم یَرَ الْإِنْسانُ أَنَّا خَلَقْناهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذا هُوَ خَصِیمٌ مُبِینٌ ، آیا انسان ندید (نمی‌داند) که ما او را از نطفه‌ای بی ارزش آفریدیم، و او (چنان صاحب قدر تو شعور و نطق شد که) به مخاصمه آشکار برخاست! (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳، ص ٤٤٥).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

سلول زنده بسیار کوچکی که در رحم زن قرار داشت، باهم ترکیب شدند و انسان از آن موجود ذره‌بینی، پا به عرصه هستی گذاشت. هم‌چنین در **آیه ۸ سوره‌ی سجده** نیز به آفرینش نسل انسان و چگونگی تولد فرزندان آدم در مراحل بعد اشاره‌کرده که خداوند نسل او را از عصاره‌ای از آب ناچیز بی‌قدر قرارداد (مکارم شیرازی، ١٣٧٤، ج ١٧ و ١٨).

مبحث آفرینش انسان در احادیث و روایات:

قیس هلالی (بی‌تا) می‌نویسد، پیامبر اسلام در باب فضایل حضرت علی به ایشان فرمودند:

ای علی، تو و من، نور خلق شدیم که از زیر عرش تابیده بودند و تقدیس خدای می‌کردند و این دو هزار سال پیش از آفرینش خلق بود، سپس از دو شط نور دو قطره آب زلال سپید به‌هم‌پیچیده پدید آمد و سپس آن دو قطره آب زلال دراصلاب بزرگوار و ارحام پاکیزه و پاک منتقل گردید تا که نیمی از آن در صلب عبدالله و نیمی در صلب ابوطالب قرار گرفت و من شدم و تو شدی و این فرموده خداوند است که او است خدایی که آفرید از آب بشری را و او را دارای سبب و نسب کرد .(ص ص١٤٢-١٤١)

هم‌چنین در نهج‌البلاغه در باب خلقت آدم از گل، به نقل از بحرانی (۱۳۷۵) آمده است:

ای مخلوق کامل و درست و ای پدید آمده و نگهداری شده در زهدان‌های تاریک و پرده‌های تودرتو، هستی تو از گلی فشرده آغازشده و در جایگاهی امن و آرام برای زمانی مشخص و مدتی معین قرار داده شد. (ص ٥٤٦)

هم‌چنین در خطبه یک آمده است که سپس خداوند بزرگ، خاکی از قسمت‌های گوناگون زمین، از قسمت‌های سخت و نرم، شور و شیرین، گردآورد، آب بر آن افزود تا گلی خالص و آماده شد و با افزودن رطوبت، چسبناک گردید که از آن اندامی شایسته و عضوهایی جدا و به یکدیگر پیوسته آفرید (جدول شماره ٥٠-٤)(شریف رضی، بی‌تا).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول۵۰-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) درآیات و روایات با موضوع آفرینش انسان.

مقوله	ابعاد	مؤلفه‌های هماهنگی و تضاد(ترکیب دو امر متضاد)		نتیجه
		آیه، حدیث و روایت	تفسیر	
مبحث آفرینش انسان	آیات	سوره سجده(آیات ۷ و ۸) سوره حجر(آیه ۲۶ و ۲۸) سوره عمران(آیه ۵۹) سوره انعام(آیه ۲)	آفرینش آدم از گل (خاک+ آب)	آفرینش انسان از دو مؤلفه‌ی متضاد.
		سوره روم(آیه ۲۰)	به‌واسطه خلقت همه انسان‌ها از خاک، میان انسان‌ها تفاوت نیست و بازگشت همه به یکجا (خاک)است.	بازگشت همه‌ی کثرات به واحد(وحدت در کثرت)، یعنی همان نقطه‌ی اولیه‌ی خلقت.
		سوره سجده(آیه ۷ و ۸)	از بُعد مادی انسان از خاک تیره و آب بی‌مقدار است و از بُعد معنوی و روحانی حاصل روح الهی است.	عامل هماهنگی دو مؤلفه‌ی متضاد خاک و آب، روح خداست که نهایتاً میل به بازگشت به همان نقطه اول خواهند داشت.
		سوره یس(آیه ۷۷) سوره سجده(آیه ۸)	شکل‌گیری نطفه از ترکیب دو سلول زنده متضاد.	
	احادیث روایات	پیامبر اسلام(ص) در باب فضایل علی (ع):	خداوند بشر را از آب آفرید، بدین‌صورت که از دو شط نور، دو قطره آب زلال سپید به‌هم‌پیچیده پدید آمد و از آن دو آب زلال ما پدید آمدیم.	

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مقوله	ابعاد	مؤلفه‌های هماهنگی و تضاد(ترکیب دو امر متضاد)		نتیجه
		آیه، حدیث و روایت	تفسیر	
مبحث آفرینش انسان	آیات	نهج‌البلاغه (خطبه یک)	خلقت آدم از گل. خداوند خاک را از قسمت‌های سخت و نرم، شور و شیرین، گردآورد، آب به آن افزود تا گلی خالص و آماده شد و با افزودن رطوبت، چسبناک شد. نتیجه از آن عضوهایی جدا و به یکدیگر پیوسته آفرید.	ترکیب دو مؤلفه‌ی متضاد (آب‌وخاک) سبب خلقت انسان.

مبحث **آفرینش جن در آیات قرآن:**

همان‌طور که اشاره شد، بیشترین موجوداتی که ما با آن سروکار داریم آب‌وخاک و باد و آتش است. خواه آن‌ها را چون قدما بسیط و عنصر بدانیم و یا همچون دانشمندان امروز مرکب از اجزای گوناگون ولی درهرصورت مبدأ آفرینش انسان **آب‌وخاک** بوده درحالی‌که مبدأ آفرینش (جن) **باد و آتش** است، و این **دوگانگی** مبدأ آفرینش سرچشمه‌ی تفاوت‌های زیادی میان این دو است. بنابراین بنا به تفسیر **آیه‌ی ۱۵ سوره‌ی الرحمن**[۷۳]، درباره آفرینش جن می‌توان اذعان داشت که جن از شعله‌های **مختلط** و متحرک آتش آفریده‌شده. درواقع **مارج** در اصل از **مرج** به معنی **اختلاط و آمیزش** است. در اینجا منظور اختلاط شعله‌های مختلف آتش می‌باشد، زیرا هنگامی‌که آتش شعله‌ور می‌شود گاه به رنگ سرخ، گاه به رنگ زرد، گاه به رنگ آبی و گاه به رنگ سفید درمی‌آید (مکارم شیرازی، ۱۳۷٤، ج ۲۲). هم‌چنین مراد از **جان** نیز مانند **انس** نوع جن است، و اگر جن را مخلوق از آتش دانسته به اعتبار این است که خلقت جن منتهی به آتش است و بعضی گفته‌اند مراد از کلمه جان

۷۳. **سوره الرحمن آیه ۱۵:** «وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مارِجٍ مِنْ نارٍ، وجن را از شعله‌های مختلط و متحرک آتش آفرید» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳، ص ۵۳۱).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

پدر جن است. لذا مراد انسان، پدر انسان، آدم (ع) است (جدول۵۱-٤) (موسوی همدانی، ۱۳۷٤، ج ۱۹).

جدول۵۱-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) درآیات و روایات با موضوع آفرینش جن.

مقوله	ابعاد	مؤلفه‌های هماهنگی و تضاد(ترکیب دو امر متضاد)		نتیجه
		آیه، حدیث و روایت	**تفسیر**	
مبحث جن	**آیات**	سوره الرحمن (آیه ۱۵)	مبدأ آفرینش جن باد و آتش است. دوگانگی در مبدأ آفرینش انسان و جن، یکی از آب‌وخاک دیگری از آب‌وآتش. آفرینش جن از شعله‌های مختلط و متحرک آتش. مارج یعنی اختلاط و آمیزش.	هر آفرینشی با اختلاط همراه است. خلقت هر چیز از دو عنصر متضاد. دوگانگی در خلقت هر چیز.

مبحث ثنویت در آیات قرآن:

بنا به تفسیر **آیه ۲ سوره‌ی فرقان**[۷٤]، به اعتقاد **ثنوین** (**دوگانه‌پرستان**) بخشی از موجودات این عالم مخلوق (یزدان) است و بخش دیگر مخلوق (اهریمن)، و به‌این‌ترتیب آفرینش و خلقت را در میان **یزدان و اهریمن** تقسیم می‌کردند، چراکه دنیا را مجموعه‌ای از (**خیر و شر**) و (**نیکی و بدی**)

۷٤. **سوره فرقان، آیه ۲:** «الَّذِی لَهُ مُلْکُ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ وَ لَم یَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَ خَلَقَ کُلَّ شَیْءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْدِیراً. خداوندی که حکومت و مالکیت آسمانها و زمین از آن اوست، و فرزندی برای خود انتخاب نکرد، و شریکی در حکومت و مالکیت ندارد، و همه چیز را آفرید و دقیقا اندازه‌گیری نمود» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

می‌پنداشتند درحالی‌که از دیدگاه یک موحد راستین در عالم هستی چیزی جز خیر نیست و اگر شری می‌بینیم یا جنبه نسبی دارد یا عدمی و یا نتیجه اعمال ما است.

هم‌چنین به نحوی دیگر در تفسیر **سوره‌ی انبیاء آیات ۱۰ و ۱۱**[۷۵]، در رابطه با مسئله خواب سخن از موهبت شب به میان آورده و اذعان دارد که شب را پوششی قراردادیم و روز را وسیله‌ای برای زندگی قراردادیم. به‌عکس آنچه ثنوین براثر بی‌اطلاعی از اسرار آفرینش می‌پنداشتند که نور و روشنایی روز نعمت است و ظلمت و تاریکی شب، شر و عذاب و برای هرکدام نیز حالتی قائل بودند درحالی‌که باکمی دقت روشن می‌شود که هر یک در جای خود نعمتی است بزرگ و سرچشمه نعمت‌های دیگر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷٤، جلد ۱۵ و ۲٦).

مبحث ثنویت در احادیث و روایات:

به نقل از مجلسی (بی‌تا)، ثنویه ظلمت را یک مبدأ جدا و اصیل دانسته‌اند. ظلمت نیز نابودی نور است و سایه موجودی نورانی بود و نمود دارد و از اسباب و اجرام بسیاری تراود که به لفظ جمع آورده و اگر منظور از نور هدایت باشد که روشنی دل‌ها است بازهم ظلمت به معنی گمراهی تعدد دارد زیرا راه راست یکی است و راه کژ هزارها که براثر انحراف از آن در هر نقطه محقق می‌شوند. هم‌چنین شریف رضی (بی‌تا) در باب تفسیر خطبه یک نهج‌البلاغه آورده است:

> کسی که خدا را باصفت مخلوقات تعریف کند او را به چیزی نزدیک کرده و با نزدیک کردن خدا به چیزی ، دو خدا مطرح‌شده و با مطرح‌شدن دو خدا، اجزایی برای او تصور نموده و با تصور اجزا برای خدا، او را نشناخته است (جدول شماره ۵۲-٤)(ص۳۵).

---

۷۵. **سوره انبیا، آیات ۱۰-۱۱ :** «وَ جَعَلْنَا اللَّیْلَ لِباساً (۱۰) وَجَعَلْنَا النَّهارَ مَعاشاً (۱۱)، وشب را پوششی (برای شما) (۱۰) و روز را وسیله‌ای برای زندگی و معاش»(مکارم شیرازی، ۱۳۹۳، ص ۳۲۳).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول۵۲-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) درآیات و روایات با موضوع ثنویت.

مقوله	ابعاد	مؤلفه‌های هماهنگی و تضاد(ترکیب دو امر متضاد)		نتیجه
		آیه، حدیث و روایت	تفسیر	
مبحث ثنویت	آیات	سوره فرقان (آیه ۲)	دیدگاه ثنوین درباره خلقت موجودات اینکه بخشی مخلوق یزدان و برخی مخلوق اهریمن. ثنوین دنیا را مجموعه از خیر و شر و نیکی و بدی پنداشتند. موحدان دنیا را فقط خیر می‌دیدند، شر نتیجه اعمال ما است.	اعتقاد به دوگانگی در میان ثنوین نیز هست. موحدان خلقت دوگانه عالم، مثل شب و روز را نعمت می‌دانستند ولی ثنوین سبب شر و عذاب. دوگانگی شب روز برای موحدان باعث هماهنگی و خیر است.
		سوره انبیاء (آیات ۱۰ و ۱۱)	خلقت شب به‌عنوان پوشش، خلقت روز برای زندگی. در دیدگاه ثنوین، نور و روشنایی روز نعمت است و ظلمت و تاریکی شب، شر و عذاب است.	
	احادیث و روایات	نهج‌البلاغه (خطبه یک)	نزدیک کردن خدا به چیزی مساوی با مطرح کردن دو خدا است، که در این صورت خدا درست شناخته‌نشده است.	

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مبحث تضاد در نظام خلقت در آیات قرآن:

مبحث تضاد، در آیات بسیاری به‌صورت های متنوع بیان‌شده است که بارزترین آن در نظام نور و ظلمت در زندگی بشر است. بنا به تفسیر **آیات ۱ و ۲ سوره لیل**[۷۶]، **آیه ۲۹ سوره النازعات**[۷۷] و **آیات۳۷ تا ٤٠ سوره یس**[۷۸]، «در قرآن مجید زیاد به مسئله نظام نور و ظلمت و تأثیر آن‌ها در زندگی بشر توجه شده، چراکه دو نعمت بزرگ دائمی و دو آیت از آیات مهم پروردگار است»(مکارم شیرازی، ١٣٧٤، ج٢٧، ص٧٢). «درواقع خداوند شب را تاریک و ظلمانی و روزش را آشکار و نورانی ساخت که هرکدام از این دو در زندگی انسان و سایر موجودات زنده اعم از حیوان و گیاه نقش فوق‌العاده مهمی دارد» (مکارم شیرازی، ١٣٧٤، ج٢٦، ص١٠١).

درواقع نور لطیف‌ترین و پربرکت‌ترین موجودات جهان ماده است، نه‌تنها روشنایی و زندگی ما که هر حرکت و جنبش بستگی به نور آفتاب دارد و تمام انرژی‌های روی کره زمین از نور آفتاب مدد می‌گیرند و اگر او نبود همه‌جا خاموش و بی‌روح، بی‌نور و بی‌حرکت و مرده بود. تاریکی شب نیز بااینکه بوی مرگ و فنا می‌دهد ازنظر تعدیل نور آفتاب و تأثیر عمیق آن در آرامش جسم و جان و جلوگیری از خطرات تابش یکنواخت نور خورشید نیز یک امر حیاتی برای انسان‌ها محسوب

---

۷۶. **سوره لیل، آیات ۱ و ۲:** «وَ اللَّیْلِ إِذا یَغْشی (۱) وَالنَّهارِ إِذا تَجَلَّی (۲) قسم به شب در آن هنگام که جهان را بپوشاند(۱)و قسم به روز هنگامی که تجلی کند(۲)» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳، ص ۵۹۵).

۷۷. **سوره النازعات، آیه ۲۹:** «وَ أَغْطَشَ لَیْلَها و أَخْرَجَ ضُحاها»، وشبش را تاریک و روزش را آشکار نمود»(مکارم شیرازی، ۱۳۹۳، ص ٥٨٤).

۷۸. **سوره یس، آیات ۳۷-٤٠:** وَ آیَةٌ لَهُمُ اللَّیْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهارَ فَإِذا هُمْ مُظْلِمُونَ (۳۷) وَالشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَها ذلِکَ تَقْدِیرُ الْعَزِیزِ الْعَلِیمِ (۳۸) وَالْقَمَرَ قَدَّرْناهُ مَنازِلَ حَتَّی عادَ کَالْعُرْجُونِ الْقَدِیمِ (۳۹) لاالشَّمْسُ یَنْبَغِی لَها أَنْ تُدْرِکَ الْقَمَرَ وَلا اللَّیْلُ سابِقُ النَّهارِ وَکُلٌّ فِی فَلَکٍ یَسْبَحُونَ (٤٠)، شب برای آنها (نیز) نشانه‌ای است (از عظمت خدا) ما روز را از آن برمی‌گیریم،ناگهان تاریکی آنها را فرا می‌گیرد(۳۷) وخورشید (نیز برای آنها آیتی است) که پیوسته به سوی قرارگاهش در حرکت است، این تقدیر خداوند قادر و دانا است(۳۸) و برای ماه منزلگاههایی قرار دادیم (و به هنگامی که این منازل را طی کرد) سرانجام به صورت شاخه کهنه (قوسی شکل و زرد رنگ) خرما درمی‌آید(۳۹) نه برای خورشید سزاوار است که به ماه رسد و نه شب بر روز پیشی می‌گیرد و هر کدام از آنها در مسیر خود شناورند(٤٠)، (مکارم شیرازی، ١٣٧٤، ج ١٨).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

می‌شود، که اگر تناوب شب و روز نبود حرارت در کره زمین آن‌چنان بالا می‌رفت که همه‌چیز را آتش می‌زد، چنان‌که در کره ماه که شب‌ها و روزهای طولانی دارد، روزهایش گرمایی کشنده و شب‌هایش سرمایی نابودکننده دارد. از این گذشته نظم بسیار دقیقی که بر این دو حاکم است به وجود آورنده تاریخ منظم زندگی انسان‌هاست، تاریخی که اگر نبود روابط اجتماعی به هم می‌ریخت و زندگی برای انسان‌ها مشکل می‌شد، بر این اساس این دو از آیات الهی هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷٤، ج ۱۸). هم‌چنین نکته‌ی قابل‌توجه این است که «ضمیر **لیلها** و **ضحاها** به آسمان بازمی‌گردد و نسبت نور و ظلمت به آسمان به خاطر آن است که منشأ آسمانی دارد»(مکارم شیرازی، ۱۳۷٤، ج ۲٦ ص۱۰۱).

مورد دیگری که در بیان مبحث تضاد حائز اهمیت است این است که، صورت‌های افراد انسان با یکدیگر متفاوت است و همان‌گونه که در **آیه ۲۲ سوره روم**[۷۹] و **آیات ۷ و ۸ سوره الانفطار**[۸۰] آمده است، اختلاف رنگ‌ها و زبان‌ها، از آیات خدا است که اگر این تفاوت نبود نظام اجتماعی بشر مختل می‌شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷٤، ج ۲٦).

آنچه در میان برخی از آیات به چشم میاید بحث **تنوع** در خلقت است که ضروری به نظر می‌رسد در خیل بحث تضاد به آن اشاره شود. بر اساس تفسیر **آیات ۲۷ و ۲۸ سوره فاطر** [۸۱] تنوع

---

۷۹. **سوره روم، آیه ۲۲:** وَ مِنْ آیاتِهِ خَلْقُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلافُ أَلْسِنَتِکُمْ وَ أَلْوانِکُمْ إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِلْعالِمِینَ ، و یکی از آیات او خلقت آسمانها و زمین و اختلاف زبانهای شما و رنگهایتان است که در اینها آیاتی است برای دانایان (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳، ص ٤۰٦).

۸۰. **سوره الانفطار، آیات ۷ و ۸:** «الَّذِی خَلَقَکَ فَسَوَّاکَ فَعَدَلَکَ (۷) فِی أَیِّ صُورَةٍ ما شاءَ رَکَّبَکَ (۸) همان خدایی که تو را آفرید و منظم ساخت(۷) و در هر صورتی می‌خواست تو را ترکیب نمود »(مکارم شیرازی، ۱۳۹۳، ص ۵۸۸).

۸۱. **سوره فاطر، آیات ۲۷ و ۲۸:** أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجْنا بِهِ ثَمَراتٍ مُخْتَلِفاً أَلْوانُها وَ مِنَ الْجِبالِ جُدَدٌ بِیضٌ وَ حُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوانُها وَ غَرابِیبُ سُودٌ (۲۷) وَ مِنَ النَّاسِ وَ الدَّوَابِّ وَ الْأَنْعامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوانُهُ کَذلِکَ إِنَّما یَخْشَی اللَّهَ مِنْ عِبادِهِ الْعُلَماءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِیزٌ غَفُورٌ (۲۸)، آیا ندیدی خداوند از آسمان آبی فروفرستاد که به وسیله آن میوه‌هایی (از زمین) خارج ساختیم با الوان گوناگون و از کوه‌ها نیز (به لطف پروردگار) جاده‌هایی آفریده شده به رنگ سفید و سرخ با الوان مختلف، و (گاه) به رنگ کاملا سیاه! (۲۷) و از انسانها و جنبندگان و چهارپایانان و انواعی با الوان مختلف،

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

آفرینش موجودات بیجان و چهره‌های مختلف و زیبایی حیات در جهان نبات و حیوان و انسان موردتوجه قرارگرفته است. در این آیات اذعان داشته است که خداوند از آب بی‌رنگ صد هزاران رنگ پدید آورده و از عناصر معین و محدود موجودات کاملاً متنوع که هریکی از دیگری زیباتر است آفریده است. درواقع این نقاش چیره‌دست با یک‌قلم و یک مرکب، انواع نقش‌ها را ابداع کرده که بینندگان را مجذوب و شیفته می‌کند. بنابراین انسان‌ها بااینکه همه از یک پدر و مادرند دارای نژادها و رنگ‌های کاملاً متفاوت‌اند. هم‌چنین در جهان جنبندگان، هزاران هزار نوع حشره، پرنده، خزنده، حیوانات دریایی و حیوانات وحشی بیابانی وجود دارد که هرکدام با ویژگی‌ها و عجایب خلقتشان نشانه‌ای از قدرت و عظمت و علم آفریدگارند(مکارم شیرازی، ١٣٧٤، ج ١٨).

هم‌چنین در بحث تضاد با آیاتی مواجه هستیم که **تضاد و شباهت** را ذیل یکدیگر مطرح می‌کنند ازجمله **آیه ۹۹ سوره‌ی انعام**[۸۲] که به باغ‌هایی از انگور و زیتون و انار اشاره دارد. پس به یکی دیگر از شاهکارهای آفرینش در این درختان اشاره‌کرده و می‌فرماید هم با یکدیگر شباهت دارند و هم ندارند (**مشتبهاً و غیر مشتبهاً**). لذا در **آیه ١٤١** همین سوره به وصف متشابه و غیر متشابه برای زیتون و انار پرداخته است. این دو درخت از منظر ظاهری و ساختمان شاخه‌ها و برگ‌ها، شباهت زیادی باهم دارند، درحالی‌که از منظر میوه و طعم و خاصیت آن، بسیار باهم متفاوت‌اند. یکی دارای ماده چربی مؤثر و نیرومند و دیگری دارای ماده اسیدی و یا قندی است که با یکدیگر کاملاً متفاوت‌اند. به‌علاوه این دو درخت گاهی درست در یک‌زمان پرورش می‌یابند و از یک آب مشروب می‌شوند یعنی هم با یکدیگر تفاوت زیاد دارند، و هم شباهت دارند.

(آری) حقیقت چنین است، از میان بندگان خدا تنها دانشمندان از او می‌ترسند، خداوند عزیز و غفور است(۲۸)(مکارم شیرازی، ۱۳۹۳).

۸۲. **سوره ی انعام آیه ۹۹:** وَ هُوَ الَّذِی أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجْنا بِهِ نَباتَ کُلِّ شَیْءٍ فَأَخْرَجْنا مِنْهُ خَضِراً نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَراکِباً وَ مِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِها قِنْوانٌ دانِیَةٌ وَ جَنَّاتٍ مِنْ أَعْنابٍ وَ الزَّیْتُونَ وَ الرُّمَّانَ مُشْتَبِهاً وَ غَیْرَ مُتَشابِهٍ انْظُرُوا إِلی ثَمَرِهِ إِذا أَثْمَرَ وَ یَنْعِهِ إِنَّ فِی ذلِکُمْ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ، اوکسی است که از آسمان آبی نازل کرد و بوسیله آن گیاهان گوناگون رویانیدیم، از آن ساقه‌ها و شاخه‌های سبز خارج ساختیم و از آنها دانه‌های متراکم، و از شکوفه نخل خوشه‌ها با رشته‌های باریک بیرون فرستادیم و باغها از انواع انگور و زیتون و انار شبیه به یکدیگر و بی‌شباهت هنگامی که میوه می‌کند به میوه آن و طرز رسیدن شب نگرید که در آن نشانه‌هایی برای افراد با ایماناست(مکارم شیرازی، ۱۳۹۳).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

این احتمال در تفسیر آیه نیز وجود دارد که عبارت فوق، اشاره به انواع و اصناف مختلف درختان و میوه‌ها است. بعضی از میوه‌ها و درختان با یکدیگر شبیه‌اند و بعضی دیگر باهم مختلف‌اند یعنی هرکدام از این دو صفتی است برای یک دسته از درختان و میوه‌ها. اما طبق تفسیر اول هر دو برای یک‌چیز بوده‌اند(مکارم شیرازی، ١٣٧٤، ج ٥).

مبحث دیگری که ذیل تضاد می‌توان اذعان داشت **پیوند** است. بنا به تعبیر **آیه ٨٠ سوره‌ی یس**[٨٣]، **آب‌وآتش دو چیز متضاد** است، کسی که می‌تواند آن‌ها را در کنار هم قرار دهد قدرت این را دارد که حیات را در کنار مرگ و مرگ را در کنار حیات قرار دهد. به این خاطر است که در تفسیر آیه آمده است، آفرین بر آن هستی آفرین که آتش را در دل آب و آب را در دل آتش نگاه می‌دارد و مسلماً برای پوشانیدن لباس زندگی بر اندام انسان‌های مرده کار مشکلی نیست. در این‌ها تفسیر دیگری نیز است که به کمک دانش‌های امروز به آن دست‌یافته‌ایم که نام آن را رستاخیز انرژی گذارده‌ایم. یکی از کارهای مهم گیاهان مسئله کربن گیری از هوا و ساختن سلولز نباتی است. درواقع سلولز همان جرم درختان است که اجزاء عمده آن کربن، اکسیژن و هیدروژن است. بنابراین تناسب عجیب و تعادل بسیار دقیقی بین اکسیژن و اسید کربونیک برقرار گردیده تا حیات حیوانی و گیاهی به وجود آید.

هم‌چنین تفسیر دیگری از این آیه و **آیه ٦ سوره تکویر**[٨٤] آمده است که منظور از **فجرت** و **سجرت** همان انفجار و برافروختگی است که اقیانوس‌ها را مبدل به آتش می‌کند، زیرا همان‌گونه که اشاره کردیم آب از دو عنصر تشکیل یافته که هر دو شدیداً قابل‌احتراق است و اگر براثر عواملی آب دریاها تجزیه و تبدیل به اکسیژن و هیدروژن شود براثر یک جرقه همگی تبدیل به آتش خواهد شد.

---

٨٣. **سوره یس، آیه ٨٠:** «الَّذِی جَعَلَ لَکُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِنارا فَإِذا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ، همان کسی که برای شما از درخت سبز آتش آفرید، و شما به وسیله آن آتش می‌افروزید»(مکارم شیرازی، ١٣٩٣، ص ٤٤٥).

٨٤. سوره تکویر، آیه ٦: «وَ إِذَا الْبِحارُ سُجِّرَتْ (٦)، و زمانی که دریاها افروخته گردند» (مکارم شیرازی، ١٣٩٣، ص ٥٨٦).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ١٩٥٩٢٩/و تاریخ ١٣٩٥/٩/٦) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (١٣٤٨) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بنابراین می‌توان در ادامه به **آیات ۴۳ و ٤٥ سوره‌ی نور**[۸۵] اشاره کرد که به آفرینش ابرها پرداخته و می‌گوید که خداوند ابرها را به‌آرامی می‌راند، پس میان آن‌ها پیوند می‌دهد و بعد آن را متراکم می‌سازد. هم‌چنین ابرهایی که در حقیقت از ذرات آب تشکیل‌شده است به هنگامی‌که حامل نیروی برق می‌شود، آن‌چنان آتشی از درونش بیرون می‌جهد که برقش چشم‌ها را خیره و رعدش گوش‌ها را از صدای خود پر می‌کند و گاه همه‌جا را می‌لرزاند(مکارم شیرازی، ١٣٧٤، ج ١٤). بااین‌وجود جمله‌ی **خلق‌الله ما یَشاء** تعلیل همین اختلافی است که در جانداران هست که چرا با یک ماده این‌همه اختلاف پدید آمد. لذا این اختلاف بسته به مشیت خدا است و او اختیار دارد و می‌تواند فیض خود را عمومیت دهد تا مانند نور عام و رحمت عام همه خلق از آن بهره‌مند شوند و می‌تواند که آن را به بعضی از حقایق خود اختصاص دهد، تا چون نور و رحمت خاص، بعضی از افراد از آن بهره‌مند شوند (موسوی همدانی، ١٣٧٤).

هم‌چنین مفهوم **پیوند و تضاد** را در خلقت گیاهان می‌توان مشاهده کرد. بدین منظور در تفسیر **آیه ۳ سوره رعد**[۸۶] به قطعات مختلفی که در زمین وجود دارد اشاره‌کرده که در کنار هم و در

---

۸۵. **سوره ی نور آیه ٤٣:** أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحاباً ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكاماً فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلالِهِ وَ يُنَزِّلُ مِنَ السَّماءِ مِنْ جِبالٍ فِيها مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشاءُ وَ يَصْرِفُهُ عَنْ مَنْ يَشاءُ يَكادُ سَنا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصارِ، آیا ندیدی که خداوند ابرهایی را به آرامی می‌راند ، سپس میان آنها پیوند می‌دهد و بعد آنرا متراکم می‌سازد، در این حال دانه‌های باران را می‌بینی که از لابلای آن خارج میشود، و از آسمان – از کوه‌هایی که در آنست- دانه‌های تگرگ نازل می‌کند، و هر کس را بخواهد به وسیله آن زیان می‌رساند و از هر کس بخواهد این زیانرا برطرف می‌کند، نزدیک است درخشندگی برق آن (ابرها) چشم‌ها را ببرد! (مکارم شیرازی، ١٣٩٣).

سوره ی نور آیه ٤٥: وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ ماءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلى بَطْنِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلى رِجْلَيْنِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مايَشاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وخداوند هرجنبنده‌ای را از آبی آفرید، گروهی از آنها بر شکم خود راه می‌روند، و گروهی بر دوپای خود، و گروهی بر چهار پا راه می‌روند، خداوند هر چه را اراده کند می‌آفریند، چرا که خدا بر همه چیز تواناست(مکارم شیرازی، ١٣٩٣).

٨٦. **سوره رعد، آیه ۳:** وَ هُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَ جَعَلَ فِيها رَواسِيَ وَ أَنْهاراً وَ مِنْ كُلِّ الثَّمَراتِ جَعَلَ فِيها زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهارَ إِنَّ فِي ذلِكَ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ، و او کسی است که زمین را گسترد و در آن کوه‌ها و نهرهایی قرار داد و از تمام میوه‌ها در آن دو جفت آفرید (پرده سیاه) شب را بر روز می‌پوشاند، در این ها آیاتی است برای آنها که تفکرمی‌کنند(مکارم شیرازی، ١٣٩٣).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

همسایگی یکدیگرند. بااینکه این قطعات همه به یکدیگر متصل و مربوط‌اند، هرکدام ساختمان و استعدادی مخصوص به خوددارند. در ذیل این تفسیر واژه **صنوان که** جمع **صنو** است، حائز اهمیت می‌باشد. این واژه در اصل به معنی شاخه‌ای است که از تنه اصلی درخت بیرون می‌آید. بنابراین صنوان به معنی شاخه‌های مختلفی است که از یک تنه بیرون می‌آید. جالب اینکه گاه می‌شود هر یک از این شاخه‌ها، نوع خاصی از میوه را تحویل دهد که ممکن است این جمله اشاره به مسئله استعداد درختان برای پیوند باشد (مکارم شیرازی، ١٣٧٤، ج ١٠).

مبحث تضاد در نظام خلقت در احادیث و روایات:

در تفسیر نهج‌البلاغه شریف رضی (بی‌تا) در باب علل تفاوت میان انسان‌ها آمده است که:

علت تفاوت‌های میان مردم، گوناگونی سرشت آنان است، زیرا آدمیان در آغاز، ترکیبی از خاک شور و شیرین، سخت و نرم، بودند، پس آنان به میزان نزدیک بودن خاکشان باهم نزدیک و به‌اندازه دوری آن از هم دور و متفاوت‌اند. یکی زیباروی و کم‌خرد، و دیگری بلندقامت و کم‌همت، یکی زشت‌روی و نیکوکار، دیگری کوتاه‌قامت و خوش‌فکر، یکی پاک‌سرشت و بداخلاق، دیگری خوش‌قلب و آشفته عقل و آن دیگری سخنوری دل‌آگاه است(ص ٤٧٣).

در خطبه یک نهج‌البلاغه نیز گفته‌شده: «انسان را مخلوطی از رنگ‌های گوناگون و چیزهای همانند و سازگار و نیروهای متضاد و مزاج‌های گوناگون، گرمی، سردی، تری و خشکی قرارداد»(شریف رضی، بی‌تا، ص٣٩). هم‌چنین در تفسیر خطبه ٩١، شریف رضی می‌نویسد:

خداوند کجی‌های هر چیزی را راست و مرزهای هر یک را روشن ساخت و باقدرت خداوندی بین اشیاء متضاد هماهنگی ایجاد کرد، و وسایل ارتباط آنان را فراهم ساخت و موجودات را ازنظر حدود، اندازه وغرائز و شکل‌ها و قالب‌ها و هیئت‌های گوناگون تقسیم و استوار فرمود و با حکمت و تدبیر خویش هریکی را به سرشتی که خود خواست درآورد (جدول شماره ٥٣-٤)(ص ١٦١).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ١٩٥٩٢٩/و تاریخ ١٣٩٥/٩/٦) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (١٣٤٨) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول۵۳-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) درآیات و روایات با موضوع تضاد در نظام خلقت.

مقوله	ابعاد	مؤلفه‌های هماهنگی و تضاد(ترکیب دو امر متضاد)		نتیجه
		آیه، حدیث و روایت	تفسیر	
مبحث تضاد در نظام خلقت	آیات	سوره لیل(آیه ۱ و ۲) سوره النازعات(آیه ۲۹) سوره یس (آیات ۳۷ تا ٤۰)	نظام نور و ظلمت در شب و روز. تناوب و هماهنگی در خلقت شب و روز. نظم حاکم در خلقت شب و روز به وجود آورنده تاریخ منظم زندگی.	دو مؤلفه‌ی متضاد (شب و روز) بعلاوه هماهنگی و تناوب، نظم و وحدت را در پی خواهند داشت. تفاوت در خلقت انواع انسان، درعین‌حال نظم و وحدت را به همراه دارد. مفهوم کثرت در وحدت در خلقت عالم نتیجه ترکیب دو عنصر متضاد.
		سوره روم(آیه ۲۲) سوره الانفطار (آیات ۷ و ۸)	تفاوت در صورت‌های افراد انسان. اختلاف رنگ‌ها و زبان‌ها از آیات خداست. تفاوت، ایجادکننده‌ی نظام اجتماعی.	
		سوره فاطر (آیه ۲۷ و ۲۸)	تنوع در خلقت. از آب بی‌رنگ، صد هزاران رنگ آفریده‌شده. ابداع انواع نقش‌ها با یک‌قلم و یک مرکب. خلقت انسان‌ها از یک پدر و مادر ولی دارای نژادها و رنگ‌های کاملاً متفاوت.	
		سوره انعام(آیه ۹۹)	شباهت و تفاوت ذیل یکدیگر هستند. در شاهکارهای آفرینش مثل درختان، هم با یکدیگر شباهت دارند هم ندارند. درخت زیتون و انار در ظاهر مشابه‌اند ولی دارای میوه، طعم و خاصیت متفاوت‌اند.	مؤلفه‌های متضاد ذیل یکدیگر و مکمل یکدیگرند، بنابراین وجود هر دو ضرورت دارد.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مقوله	ابعاد	مؤلفه‌های هماهنگی و تضاد(ترکیب دو امر متضاد)		نتیجه
		آیه، حدیث، روایت	تفسیر	
مبحث تضاد در نظام خلقت	آیات	سوره یس(آیه ۸۰)	هستی آفرین قادر به‌قرار دادن آتش در دل آب و آب در دل آتش است. آب‌وآتش دو چیز متضادند. (رستاخیز انرژی) تناسب و تعادل دقیق بین اکسیژن و اسیدکربونیک تا حیات حیوانی و گیاهی به وجود آید.	لازمه‌ی ترکیب دو عنصر متضاد، تناسب و تعادل دقیق بین آن دو است.
		سوره تکویر(آیه ٦)	فجرت و سجرت یعنی انفجار و برافروختگی. آب از دو عنصر قابل‌احتراق تشکیل‌شده، پس به هم ریختن نظم ترکیب آن سبب تبدیل‌شدن به آتش.	ترکیب دو مؤلفه‌ی متضاد، در تمام وجوه عالم آشکار است.
		سوره نور(آیه ٤٣ و ٤٥)	در آفرینش ابرها، میان ابرها نخست پیوند سپس تراکم. هم بارش باران از ابرهاست هم آتش رعدوبرق.. پس با یک ماده، اختلاف‌های زیادی به وجود آمده.	هر ماده در عالم از دو وجه ضد هم برخوردار است و به هم ریختن نظم آن سبب آشکار شدن وجه مخالف آن می‌شود.
		سوره رعد آیه ۳	در زمین قطعات مختلف به یکدیگر متصل‌اند واژه **صنو** یعنی شاخه‌ی بیرون آمده از تنه‌ی اصلی درخت. واژه **صنوان** به معنی شاخه‌های مختلف(حتی با میوه‌های مختلف) بیرون آمده از یک‌تنه.	

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مقوله	ابعاد	مؤلفه‌های هماهنگی و تضاد(ترکیب دو امر متضاد)		نتیجه
		آیه، حدیث، روایت	تفسیر	
مبحث تضاد در نظام خلقت	احادیث و روایات	نهج‌البلاغه (خطبه ۱)	انسان مخلوطی از رنگ‌ها، نیروها و مزاج‌های گوناگون و چیزهای همانند و سازگار است.	مؤلفه‌های متضاد به همراه هماهنگی، به نتیجه می‌رسند.
		نهج‌البلاغه (خطبه ۹۱)	خداوند بین چیزهای متضاد هماهنگی و ارتباط ایجاد کرد و به سرشتی که خود خواست درآورد	

مبحث تضاد و بحث زوجیت و جفت بودن در خلقت عالم در آیات قرآن:

آیه‌ای که در بحث پیش رو به شرح آن می‌پردازیم این است که: **از هر چیزی، دو زوج آفریدیم**. «اهمیت این آیه بدان جهت است که زوجیت و تعدد دوگانگی در تمام اشیاء جهان، انسان را متذکر این معنی می‌کند که خالق جهان، واحد و یگانه است زیرا دوگانگی از ویژگی‌های مخلوقات است»(مکارم شیرازی، ۱۳۷٤، ج ۲۲، ص ۳۷۸). اما آنچه در این آیه مربوط به مباحث پژوهش حاضر می‌شود، تفسیر واژه‌ی زوج است.

بسیاری از مفسران زوج را به معنای **اصناف** مختلف دانسته و آیه‌ی فوق را اشاره به اصناف مختلف موجودات این جهان می‌دانند که به‌صورت زوج درآمده است، مانند شب و روز، نور و ظلمت، دریا و صحرا و... زوجیت در این‌گونه آیات نیز می‌توانند اشاره به معنی دقیق‌تری باشد زیرا واژه زوج را معمولاً به دو جنس نر و ماده می‌گویند، خواه در عالم حیوانات باشد یا گیاهان و هرگاه آن را کمی توسعه دهیم، تمام نیروهای مثبت و منفی را شامل می‌شود و با توجه به اینکه قرآن در آیه فوق می‌گوید: **من کل شیء**، یعنی همه‌ی موجودات نه‌فقط موجودات زنده، می‌تواند اشاره به این حقیقت باشد که تمام اشیاء جهان از ذرات مثبت و منفی ساخته‌شده و امروز ازنظر علمی مسلم است که اتم‌ها از اجزاء مختلفی تشکیل یافته‌اند، ازجمله اجزایی که دارای بار الکتریسیته منفی هستند و

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

الکترون نامیده می‌شوند و اجزایی که دارای بار الکتریسیته مثبت هستند پروتون نام دارند. بنابراین الزامی نیست که شی را حتماً به معنی حیوان یا گیاه تفسیر کنیم(مکارم شیرازی، ۱۳۷٤، ج ۲۲). بنابراین به هر دو موجودی که قرین یکدیگر و یا حتی ضد یکدیگر باشند زوج اطلاق می‌شود، حتی به دو همکار قرین، دو اطاق مشابه در یک‌خانه، این کلمه گفته می‌شود. بدین ترتیب برای هر موجودی در جهان زوجی متصور است.

به‌هرحال این آیات خبر از وجود زوجیت در تمام جهان گیاهان و انسان‌ها و موجودات دیگری که مردم از آن‌ها اطلاعی ندارند می‌دهد. این موجودات ممکن است گیاهان باشند یا حتی اشاره به حیوانات اعماق دریا و یا اشاره به موجودات دیگری که در کرات دیگر آسمانی زندگی می‌کنند. بدین نکته باید توجه داشت که حتی وجود زوجیت در جهان گیاهان نیز چنان‌که گفتیم در عصر نزول قرآن جز در موارد خاصی مانند درختان نخل و امثال آن ناشناخته بود و در قرون اخیر از طریق علمی این معنا به اثبات رسیده که مسئله زوجیت در عالم گیاهان یک مسئله عمومی و همگانی است(موسوی همدانی، ۱۳۷٤، ج ۱۷).

نکته‌ی قابل‌توجه اینکه اهمیت زوجیت در گیاهان بر اساس آیه **۱۰ سوره‌ی لقمان**[۸۷] به زیبایی ذکرشده است که جنبندگان نیاز به آب و غذا دارند، لذا در جمله‌های بعد به این دو موضوع اشاره می‌شود که از آسمان آبی فرستادیم و به‌وسیله آن درروی زمین، انواع گوناگونی از جفت‌های گیاهان پرارزش رویاندیم (مکارم شیرازی، ۱۳۷٤، ج۱۷). «هم‌چنین از تمام میوه‌ها دو جفت در زمین قرارداد که این عبارت اشاره به این نکته است که میوه‌ها موجودات زنده‌ای هستند که دارای نطفه‌های نر و ماده می‌باشند که از طریق تلقیح بارور می‌شوند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷٤، ج۱۰).

۸۷. **سوره لقمان، آیه ۱۰:** خَلَقَ السَّماواتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها وَ أَلْقى فِي الْأَرْضِ رَواسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَ بَثَّ فِيها مِنْ كُلِّ دابَّةٍ وَ أَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَنْبَتْنا فِيها مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ (۱۰)، آسمان‌ها را بدون ستونی که شما ببینید بیافرید، و در زمین لنگرها انداخت، تا که شما را نلرزاند و در آن از همه گونه جانوران پراکنده کرد، و از آسمان آبی نازل کردیم، و در آن همه گونه گیاه خوب رویاندیم (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

در ضمن باید گفت که مسئله ترکیب دو چیز باهم و پدید آمدن چیز سوم، اختصاص به انسان و حیوان و نبات ندارد بلکه تمامی موجودات را از این راه پدید می‌آورند و عالم مشهود را از راه استیلا تنظیم می‌نماید و به‌طورکلی عالم را از دو موجود فاعل و منفعل درست کرده که این دو به‌منزله نر و ماده‌ی حیوان و انسان و نبات‌اند. هر فاعلی با منفعل خود برخورد می‌کند و از برخورد آن دو موجودی سوم پدید می‌آید. نکته قابل‌توجه اینکه منظور از عبارت **مما تُنبِتُ الارض**، هر چیزی است که زمین از خود می‌رویاند. گیاهان، حیوانات و انسان‌ها است (موسوی همدانی، ١٣٧٤،ج١٧).

در برخی از آیات، به‌صورت دقیق به جنس مذکر و مؤنث اشاره‌شده است که عبارت است از آیه: **و ما خَلَق الذکر و الانثی**، درواقع اشاره به این دو جنس در عالم انسان، حیوان و نبات و دگرگونی‌هایی که ازلحاظ انعقاد نطفه تا هنگام تولد رخ می‌دهد و ویژگی‌هایی که هر یک از دو جنس به‌تناسب فعالیت‌ها و برنامه‌هایشان دارند، و اسرار فراوانی که در مفهوم جنسیت نهفته است، همه نشانه‌ها و آیاتی ست از جهان بزرگ آفرینش که از طریق آن می‌توان به عظمت آفریننده آن واقف شد (مکارم شیرازی، ١٣٧٤، ج ٢٧). هم‌چنین بر اساس تفسیر **آیه ٨ سوره‌ی انبیاء**[88] به تعبیر دیگر«جنس مذکر و مؤنث هرکدام مکمل وجود دیگری و برطرف‌کننده‌ی کمبودهای طرف مقابل است»(مکارم شیرازی، ١٣٧٤، ج ٣٦، ص ١٩).

در تفسیر **آیه ١٢ سوره الزخرف**[89]، تعبیر به زوج‌ها را کنایه از انواع حیوانات می‌داند. هرچند بعضی از مفسران آن را اشاره به انواع موجودات اعم از حیوان و گیاه و جماد دانسته‌اند چراکه قانون در همه آن‌ها حاکم است و هر یک جنس مخالفی دارد، آسمان و زمین، شب و روز، نور و ظلمت، شور و شیرین، خشک و تر، خورشید و ماه، بهشت و دوزخ، جز ذات خداوند پاک که یگانه و یکتاست و هیچ‌گونه دوگانگی در ذات مقدسش راه نداد. ولی همان‌گونه که گفتیم می‌دانیم که قانون

---

٨٨. **سوره انبیاء، آیه ٨:** «وَ خَلَقْناکُمْ أَزْواجاً، و شما را به صورت زوجها آفریدیم» (مکارم شیرازی، ١٣٩٣، ص ٣٢٢).

٨٩. **سوره الزخرف، آیه ١٢:** «وَالَّذِی خَلَقَ الْأَزْواجَ کُلَّها وَ جَعَلَ لَکُمْ مِنَ الْفُلْکِ وَ الْأَنْعامِ ما تَرْکَبُونَ، وهمان کسی که همه زوجها را آفرید، و برای شما از کشتیها و چهار پایان مرکبهایی قرار داد که بر آن سوارشوید» (مکارم شیرازی، ١٣٩٣، ص ٤٩٠).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ١٩٥٩٢٩/و تاریخ ١٣٩٥/٩/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (١٣۴٨) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

زوجیت، قانون حیات در همه‌ی جانداران می‌باشد و افراد نادر و استثنایی مانع از کلیت قانون نیستند. بعضی نیز ازواج را به معنی اصناف حیوانات گرفته‌اند، همچون پرندگان، چهارپایان، آبزیان و حشرات و ... (مکارم شیرازی، ١٣٧٤، ج ٢١).

مبحث تضاد و بحث زوجیت و جفت بودن در خلقت عالم در احادیث و روایات:

مفید (بی‌تا) می نوبسد:

از اینکه آفریدگانش را شبیه آفریده دانسته شود که خودش شبیه و نظیری ندارد و از اینکه میان اشیاء و ضدیت انداخته دانسته شود که ضدیت ندارد، و از این مقارنت میان امور برقرار ساخته، روشن می‌شود که او را تمرینی نیست. درواقع روشنی را با تاریکی، و سرما را با گرما ضد هم ساخته و میان اشیاء دور از هم الفت و هماهنگی انداخته، و اشیاء نزدیک به هم را از هم جدا ساخته. این اشیاء با پراکندگی و جدائی خود بر جداساز خود دلالت کنند و با هماهنگی خود بر هماهنگ آورنده خود رهنما باشند (٢٨٥).

هم‌چنین مفید (بی‌تا) درباره آیه: **از هر چیزی جفت آفریدیم**، چنین اذعان دارند:

ممکن است مراد از جفت در این آیه، ضد باشد یعنی از هر چیزی دو ضد آفریدیم مانند مثال‌های بالا (نور و ظلمت، سرما و گرما) به خلاف خداوند که او را ضدی نیست و ممکن است مراد از جفت، قرین و هم‌شکل باشد چنانچه هر چیزی هم‌سطح خود را در آفرینش دارد(ص٢٨٥).

بر اساس فرموده امام رضا (ع)، ابن‌بابویه (بی‌تا) می‌نویسد:

ازآنچه بین اشیاء ضدیت برقرار کرده است دانسته می‌شود که خود، ضد ندارد، با ایجاد مقارنه و هماهنگی بین امور، دانسته می‌شود که قرین و هماورد ندارد. بین نور و ظلمت، آشکاری و گنگی، خشکی و تری و سرما و گرما ضدیت برقرار کرده است، امور نامساعد و دور از هم آن‌ها را به دورهم جمع کرده و امور نزدیک را از هم جدا نموده است و پراکندگی این‌ها و اجتماع آن‌ها دلیلی است بر وجود(ص ٣٠٧).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ١٩٥٩٢٩/و تاریخ ١٣٩٥/٩/٦) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (١٣٤٨) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

علامه مجلسی (بی‌تا) نیز درباره جفت بودن اعضا بدن می‌گوید:

خداوند دست‌ها را جفت آفرید زیرا که چیزی نیست در آن‌که آدمی یکدست داشته باشد که خلل می‌رساند به آنچه مزاولت آن‌ها نماید از اعمال، نمی‌بینی که نجار و بنا اگر یکدست ایشان شل شود نمی‌توانند که صناعت خود را به عمل‌آورند، و اگر به تکلّف و مشقت به عمل‌آورند مانند کسی که دودست دارد، هر دستی معاونت دست دیگر می‌کند به عمل نمی‌توانند آورد.(ص۵)

در ترجمه‌ی خطبه ۱۸٦ نهج‌البلاغه، شریف رضی (بی‌تا)، در باب آفرینش اشیاء متضاد آورده است:

از این طریق ثابت می‌شود که دارای ضدی نیست و با هماهنگ کردن اشیاء دانسته می‌شود که همانندی ندارد خدایی که روشنی را با تاریکی، آشکار را با نهان، خشکی را باتری، گرمی را با سردی، ضد هم قرارداد و عناصر متضاد را باهم ترکیب و هماهنگ کرد و بین موجودات ضد هم، وحدت ایجاد کرد، آن‌ها را که باهم دور بودند ترکیب کرد و بین آن‌ها که باهم نزدیک بودند فاصله انداخت(ص ۳٦۵).

در خطبه ۹۱ نهج‌البلاغه آمده است که: «فضاهای باز و پستی‌وبلندی و فاصله‌های وسیع آسمان‌ها را بدون اینکه بر چیزی تکیه کند، نظام بخشید و شکاف‌های آن را به هم آورد و هر یک را با آنچه تناسب داشت و حقیقت بود پیوند داد» (جدول شماره ٥٤-٤)(شریف رضی، بی‌تا، ص ١٦٣).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول٥٤-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (هماهنگی و تضاد) درآیات و احادیث و روایات با موضوع تضاد و زوجیت و جفت بودن در خلقت عالم.

مقوله	ابعاد	مؤلفه‌های هماهنگی و تضاد(ترکیب دو امر متضاد)		نتیجه
		آیه، حدیث و روایت	تفسیر	
مبحث تضاد و بحث زوجیت و جفت بودن در خلقت عالم	آیات	سوره لقمان(آیه ۱۰)	زوجیت در گیاهان. از میوه‌ها دو جفت در زمین قرار داد. میوه‌ها دارای نطفه نر و ماده که از طریق تلقیح بارور می‌شوند.	دو مؤلفه‌ی متضاد مکمل یکدیگرند.
		سوره انبیاء(آیه ۸)	جنس مذکر و مؤنث مکمل یکدیگر و برطرف‌کننده‌ی کمبودهای طرف مقابل	

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مقوله	ابعاد	مؤلفه‌های هماهنگی و تضاد(ترکیب دو امر متضاد)		نتیجه
		آیه، حدیث و روایت	تفسیر	
مبحث تضاد و بحث زوجیت و جفت بودن در خلقت عالم	آیات	سوره الزخرف (آیه ۱۲)	زوج بودن اشاره به همه موجودات است. هر مخلوقی جنس مخالفی دارد (آسمان و زمین، شب و روز، نور و ظلمت، شور و شیرین و ...). دوگانگی در ذات خداوند راه ندارد.	لازمه ترکیب و هماهنگی وجود عناصر متضاد برای آن ترکیب.
	احادیث و روایات	امام رضا (ع)	خلقت ضدیت بین اشیا نشان از نداشتن ضد برای خودش. ایجاد هماهنگی و مقارنت بین امور نشان می‌دهد قرین و هماورد ندارد. امور نامساعد و دور از هم را جمع کرده. امور نزدیک را از هم جدا نموده.	
		نهج‌البلاغه (خطبه ۱۸٦)	خداوند عناصر متضاد را باهم ترکیب و هماهنگ کرد بین موجودات ضد هم، وحدت ایجاد نمود.	
		نهج‌البلاغه (خطبه ۹۱)	خداوند هر چیزی را با آنچه تناسب داشت و حقیقت بود، پیوند داد.	
		علامه مجلسی	خلقت دست‌ها به‌صورت جفت در غیر این صورت ایجاد خلل.	

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مقوله	ابعاد	مؤلفه‌های هماهنگی و تضاد(ترکیب دو امر متضاد)		نتیجه
		آیه، حدیث و روایت	تفسیر	
مبحث تضاد و بحث زوجیت و جفت بودن در خلقت عالم	احادیث و روایات	الامالی، به گفته‌ی محمد بن مفید	خداوند، روشنی را با تاریکی، سرما را با گرما ضد هم ساخته. میان اشیاء دور از هم الفت و هماهنگی انداخته. اشیاء نزدیک به هم را از هم جدا ساخته. جدایی و هماهنگی اشیاء دلالت بر وجود آورنده‌ی آن‌ها دارد. مراد از جفت: ۱) ضد، مثل(نور و ظلمت و سرما و گرما) ۲) قرین و هم‌شکل، هر چیزی هم‌سطح و هم‌شکل خود را در آفرینش دارد.	نظام خلقت بر ضدیت است.

مبحث **نظم و هماهنگی در نظام خلقت در آیات قرآن:**

هماهنگی میان عناصر طبیعت و اجزای هستی و قوانین حاکم بر آن‌ها، همه نشان‌دهنده‌ی حاکمیت و قدرت و اراده‌ی خدای یگانه است. بنابراین آفرینش آسمان‌ها و توسعه‌ی آن‌ها که دست انسان تاکنون فقط به قسمتی از اولین آسمان رسیده و استحکام و طبقات هفتگانه و نظام حاکم و تناسبات و ارتباطات میان هر یک و بی ستون بودند و حفاظت آن‌ها و حرکات ستارگان و مدارهای خود و فاصله هر یک از آن‌ها، همه نشانه‌های قدرت خداوند یکتای حکیم است (مکارم شیرازی، ۱۳۷٤، ج۱). بااین‌وجود بنا به تفسیر **آیه ۷ و ۸ سوره الانفطار**، که پیش‌تر به آن اشاره شد، «همان

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

خدایی که نور را آفرید، سپس دستگاه‌های وجود را منظم ساخت و سپس تعدیل نمود و به هر صورتی می‌خواست تو را ترکیب نمود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷٤، ج ۲٦، ص ۲۲۱).

بدین ترتیب همه‌جا نظم و انسجام دلیل بر وجود علم و دانش است و همه‌جا هماهنگی دلیل بر وحدت و یگانگی است. درواقع هنگام برخورد به مظاهر نظم در جهان هستی از یک‌سو و هماهنگی و وحدت عمل این دستگاه‌های منظم از سوی دیگر، متوجه مبدأ علم و قدرت یگانه و یکتایی می‌شویم که این‌همه آوازه‌ها از اوست. فی‌المثل هنگامی‌که هر یک از پرده‌های هفتگانه چشم را با ساختمان ویژه و ظریفش بررسی کنیم می‌دانیم که طبیعت بی‌شعور و کور و کر محال است بتواند مبدأ چنین اثر بدیعی باشد، پس هنگامی‌که همکاری و هماهنگی این پرده‌های هفتگانه را با یکدیگر و هماهنگی مجموعه چشم را با کل بدن انسان و هماهنگی یک انسان را با سایر انسان‌ها و هماهنگی کل جامعه انسانیت را با مجموعه نظام هستی در نظر می‌گیریم و این دگرگونی و این آمدورفت روشنایی و تاریکی با آن نظم خاص و تدریجی‌اش که دائماً از یکی کاسته و بر دیگری افزوده می‌شود، همه‌ی این‌ها از یکجا سرچشمه گرفته است و همه آثار قدرت یک ذات پاک است [۹۰](مکارم شیرازی، ۱۳۷٤، ج ۱).

بااین‌وجود مسئله نظام نور و ظلمت و آمدوشد شب و روز که هر یک بانظم خاصی جانشین دیگری می‌شود بسیار حساب‌شده و شگفت‌انگیز است. در ادامه اشاره به سه موهبت بزرگ یعنی **نور، آب‌وهوا** و هم‌چنین **وزش بادهایی** که هوای پر اکسیژن زنده را جابجا می‌کنند و در اختیار جانداران می‌گذارند، نیز قابل‌توجه است. این اکسیژن درواقع، هوای آلوده به کربن را برای تصفیه به دشت‌ها و جنگل‌ها و صحراها می‌فرستند و پس از تصفیه به شهرها و آبادی‌ها می‌برند و عجب اینکه این

۹۰. **سوره بقره، آیه ١٦٤:** إِنَّ فِی خَلْقِ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلافِ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ وَ الْفُلْکِ الَّتِی تَجْرِی فِی الْبَحْرِ بِما یَنْفَعُ النَّاسَ وَ ما أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّماءِ مِنْ ماءٍ فَأَحْیا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها وَبَثَّ فِیها مِنْ کُلِّ دَابَّةٍ وَ تَصْرِیفِ الرِّیاحِ وَالسَّحابِ الْمُسَخَّرِ بَیْنَ السَّماءِ وَالْأَرْضِ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ، درآفرینش آسمانها و زمین، وآمد و شد شب و روز، وکشتیهایی که در دریا به سود مردم در حرکتند، وآبی که خداوند ازآسمان نازل کرده، و با آن زمین را پس از مرگ زنده نموده و انواع جنبندگان را درآن گسترده و (همچنین) در تغییر مسیر بادها و ابرهایی که در میان زمین و آسمان معلقند، نشانه‌هایی است (از ذات پاک خدا و یگانگی او) برای مردمی که عقل دارند و می‌اندیشند(مکارم شیرازی، ۱۳۹۳).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهه‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دودسته از موجودات زنده یعنی حیوانات و گیاهان درست بر ضد هم عمل می‌کنند ، اولین اکسیژن را می‌گیرد و گاز کربن می‌دهد و دومی کربن را می‌گیرد و اکسیژن می‌دهد تا تعادل در نظام حیات برقرار گردد و باگذشت زمان ذخیره هوای مفید زمین نابود نشود[۹۱] (مکارم شیرازی، ۱۳۷٤، ج۲۱).

بنابراین خداوند همان کسی است که هر چه را آفرید و به هر چیز آنچه نیاز داشت داد و به تعبیر دیگر بنای کاخ عظیم خلقت را بر **نظام احسن** یعنی بر چنان نظمی استوار کرد که از آن کامل‌تر متصور نمی‌شود. در میان همه‌ی موجودات پیوند و هماهنگی آفرید و به هرکدام آنچه را با زبان حال می‌خواستند عطا فرمود. اگر به وجود یک انسان نگاه کنیم و هر یک از دستگاه‌های بدن او را در نظر بگیریم مشاهده می‌کنیم که طوری آفریده‌شده‌اند که بتوانند وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهند و درعین‌حال چنان ارتباط در میان اعضاء قرار داده که همه بدون استثناء روی یکدیگر تأثیر دارند و از یکدیگر متأثر می‌شوند[۹۲](مکارم شیرازی، ۱۳۷٤، ج۱۷).

مبحث **نظم و هماهنگی در نظام خلقت در آیات و روایات:**

در این جهان بسیار پهناور، هیچ نیست مگر آنکه هدفی دارد، و برای آن آفریده‌شده و به‌منظور رسیدن به آن هستی پیداکرده است. این هدف‌داری در همه جهات و پاره‌های جهان هستی، از ذره تا کهکشان، جریان دارد. همه از قوانینی خاص پیروی می‌کند و در چارچوب برنامه‌ای منظم برای رسیدن به هدف‌های کمالی به عمل می‌پردازند(حکیمی و دیگران، بی‌تا، ج ۱)

به نقل از امام رضا (ع)، صادقی (بی ت) می‌نویسد:

---

۹۱. **سوره الجاثیه، آیه ۵:** وَ اخْتِلافِ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ وَ ما أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّماءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْیا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها وَ تَصْرِیفِ الرِّیاحِ آیاتٌ لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ، و نیز در آمد و شد شب و روز و رزقی که خداوند از آسمان نازل کرده، و به وسیله آن زمین را بعد از مردنش حیات بخشیده، و همچنین در وزش بادها نشانه‌های روشنی است برای جمعیتی که اهل تفکرند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳).

۹۲. **سوره سجده، آیه ۷:** «الَّذِی أَحْسَنَ کُلَّ شَیْءٍ خَلَقَهُ وَ بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسانِ مِنْ طِینٍ، او همان کسی است که هر چه را آفرید نیکو آفرید، و آغاز آفرینش انسان را از گل قرارداد» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳، ص ٤۱۵).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

قدما می‌گفتند مزاج مرکب از چهار طبیعت است، گرم، سرد، تر و خشک. چنان‌که بدن مرکب از چهار ماده است، خون و بلعم و صفرا و سودا. هر یک از این چهار ماده کم یا زیاد شود طبیعت از اعتدال بیرون می‌رود و درنتیجه نظم مزاج به هم خواهد خورد. امروز معتقدند که اعتدال بدن را تعادل و توازن ویتامین‌ها حفظ می‌کند، هرکدام از آن‌ها کم می‌شود یا نسبت به دیگران زیاد گردد نظم بدن از دست می‌رود برای اینکه این تعادل محفوظ بماند اول باید دید، عناصر واقعی ترکیبی بدن و مزاج چیست، آیا همین‌ها است که تاکنون کشف‌شده یا غیرازاینها است و یا مواد دیگری به‌اضافه این‌ها است(ص۳۰۳)

به گفته‌ی مفضل[۹۳] (بی‌تا)، امام صادق (ع) خطاب به مفضل[۹۴] می‌فرمایند:

نخستین عبرت و دلیل بر خالق جل و اعلا همین حیات دهی، گردآوری اجزاء و نظم آفرینی در کار این عالم است. آسمان، همانند سقف، بلند گردانیده شده، زمین بسان فرش گسترده شده و ستارگان چون چراغ‌هایی چیده شده و گوهرها همانند ذخیره‌هایی در آن نهفته شده و همه‌چیز در جای شایسته خود چیده شده است. این‌ها همه دلیل است که جهان هستی با اندازه‌گیری دقیق و حکیمانه و منظم و تناسب و هماهنگی آفریده‌شده آفرینند. آن‌یکی و او همان شکل ده، نظم آفرین و هماهنگ‌کننده اجزای آن است(جدول شماره ۵۵-٤)(ص ٤٦).

۹۳. «کسی است که امام صادق (ع) او را سزاوار حمل این اسرار و معارف دانسته و شگفتی ها و عجایب خلقت را بر او املاء فرموده است»(مفضل، بی تا، ص ۱۳).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول۵۵-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت(هماهنگی و تضاد) درآیات و احادیث و روایات با موضوع نظم

مقوله	ابعاد	مؤلفه‌های هماهنگی و تضاد(ترکیب دو امر متضاد)		نتیجه
		آیه، حدیث و روایت	تفسیر	
مبحث **نظم و هماهنگی در نظام خلقت**	احادیث و روایات	سوره انفطار (آیات ۷ و ۸)	در ترکیب همه مخلوقات نظم برقرار است و همه‌جا هماهنگی دلیل بر وحدت و یگانگی است.	همه مخلوقات هماهنگ و متناسب آفریده‌شده‌اند به‌ویژه زمانی که ترکیبی از مؤلفه‌های متضاد باشند.
		امام رضا(ع)	مزاج و بدن انسان مرکب از چهارعنصر است. نظم در ترکیب این مواد سبب اعتدال در طبیعت است.	
		امام صادق (ع)	نظم آفرینی در عالم نمودی از خداست. جهان هستی، حکیمانه، منظم، متناسب و هماهنگ آفریده‌شده است.	

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

درنتیجه‌ی جستجوهای صورت گرفته در آیات و احادیث روایات، همچنان می‌توان شاخصه‌ها و مؤلفه‌های اصل وحدت را در عباراتی موردبررسی قرارداد که بیشتر به مباحث کیهان‌شناسی و خلقت عالم پرداخته‌اند (جدول شماره ٥٦-٤).

جدول٥٦-٤. موضوعات دربردارنده مفهوم اصل وحدت در آیات، احادیث و روایات

مبحث آفرینش عالم هستی
مبحث آفرینش انسان
مبحث **آفرینش جن**
مبحث ثنویت
مبحث تضاد در نظام خلقت
مبحث تضاد و بحث زوجیت و جفت بودن در خلقت عالم
مبحث **نظم و هماهنگی در نظام خلقت**

بدین ترتیب براساس تحلیل‌های صورت گرفته درباره هر مبحث، می‌توان مؤلفه‌های اصلی اصل وحدت، یعنی هماهنگی و تضاد را از این مباحث استخراج نمود زیرا سراسر نظام خلقت از ترکیب عناصر متضاد تشکیل‌شده‌اند. عناصری که باوجود اختلاف و تضاد ولی ترکیبی هماهنگ و وحدت یافته را به همراه دارند. همان‌طور که در آیات و احادیث اذعان شد، علت این هماهنگی و نظم، خالق آن‌هاست (جدول شماره ٥٧-٤).

جدول٥٧-٤. مقوله‌های در بردآرنده ی مؤلفه‌های اصل وحدت (به‌صورت دو مؤلفه‌ی متضاد در کنار یکدیگر، به همراه هماهنگی) بر اساس آیات و احادیث و روایت.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مقوله‌ها	آیات، احادیث و روایات
روشنی و تاریکی	الامالی
سرما و گرما	الامالی
شب و روز نور و ظلمت	الامالی، سوره لیل(۱و ۲)، النازعات(۲۹)، یس(۳۷ و ٤٠)، سوره انبیاء(۱۰ و ۱۱)
نیکی و بدی	فرقان(۲)
عناصر چهارگانه	پیامبر (ص)، امام رضا(ع)، امام صادق(ع)، امام علی(ع)، نور(٤۳و ٤٥)، تکویر(٦)، الرحمن(۱۰)، یس(۸۰)، سجده(۷و ۸)، روم(۲۰)، حجر(۲٦ و ۲۸)، عمران(٥۹)، انعام(۲)، هود(۷)، انبیاء(۳۰)، نور(۳٥)، یونس(۲٤)،
نر و ماده (مؤنث و مذکر)	لقمان(۱۰)، فاطر(۲۷ و ۲۸)، یس(۷۷)، سجده(۸)
درختان و شاخه‌های مختلف	رعد(۳)، انعام(۹۹)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹٥۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹٥/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

۴-۴. مبانی نظری اصل وحدت در علوم اسلامی بر اساس نگرش دینی و عرفانی

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

نظر به اینکه در این فصل به دنبال شاخصه‌های اصل وحدت در **علوم اسلامی**[۹۵] هستیم، لذا با مشاهده‌ی عالم از دریچه‌ی چشم **متفکران اسلامی**[۹۶] می‌توان به چنین مفاهیمی نزدیک شد. به گفته‌ی نصر(۱۳٦٦)، روحانیت اسلام پیوسته ماهیت دانشی و عرفانی داشته و چنان است که طلب معرفت، حتی در نظر مردم معمولی، با هاله‌ای از قدسیت همراه بوده است.علم درعین‌حال که آثار مبادی تاریخی خود را آشکار می‌سازد بیش از هر چیز دیگر بدان صورت که در قرآن و حدیث نبوی

۹۵. «علوم اسلامی علومی است که موضوع و مسائل آن علوم، اصول یا فروع اسلام است و یا چیزهایی است که اصول و فروع اسلام به استناد آن‌ها اثبات می‌شود»(مطهری، ۱۳۷۵، ص۹).

۹٦. مجموع روش‌های فکری اسلامی چهار روش است و متفکران اسلامی چهار دسته بوده‌اند. بدیهی است که مقصود ما از روش‌های فکری است که به معنی عام رنگ فلسفی دارد یعنی نوعی هستی‌شناسی و جهان‌شناسی است. نکته‌ی قابل‌توجه اینکه همه‌ی روش‌های تحت تأثیر تعلیمات اسلامی رنگ مخصوص پیداکرده‌اند. دو روش اول مربوط به فلسفه‌ی اسلامی است که عبارت‌اند از : ۱) روش فلسفی اشراقی که شیخ شهاب‌الدین سهروردی از علمای قرن ششم هجری، مظهر و نماینده‌ی کامل این مکتب است. در این روش به دو چیز تکیه شده است، یکی استدلال و برهان عقلی و دیگری مجاهده و تصفیه‌ی نفس. بر این اساس، تنها با نیروی استدلال و برهان عقلی نمی‌توان حقایق جهان را کشف کرد. درواقع شیخ اشراق تحت تأثیر عرفا و متصوفه اسلامی روش اشراقی را انتخاب کرد. ۲) روش فلسفی مشایی که اکثر فلاسفه‌ی اسلامی پیرو این روش بوده‌اند. ازجمله الکندی، فارابی، ابوعلی سینا و میرداماد. در این روش تکیه فقط بر استدلال و برهان عقلی است. بااین‌وجود باید اذعان داشت که اشراقیان پیرو افلاطون و مشاییان پیرو ارسطو بودند. تفاوت اصلی و جوهری روش اشراقی و مشایی در این است که درروش اشراقی برای تحقیق در مسائل فلسفی و مخصوصاً حکمت الهی، تنها استدلال و تفکرات عقلی کافی نیست. سلوک قلبی و مجاهدت نفس و تصفیه‌ی آن نیز برای کشف حقایق ضروری و لازم است اما درروش مشایی تکیه فقط بر استدلال است. درواقع مسائل عمده‌ی مورد اختلاف اشراقی و مشایی که امروزه در فلسفه اسلامی مطرح است، به‌استثناء یکی دو مسئله، یک سلسله مسائل جدید اسلامی است و ربطی به افلاطون و ارسطو ندارد، مانند مسائل ماهیت وجود، مسئله ترکیب و بساطت جسم، وحدت و کثرت وجود. ۳) روش سلوکی عرفانی، روش عرفان و تصوف فقط بر تصفیه نفس‌بر اساس سلوک الی الله و تقرب به‌حق تا مرحله وصول به حقیقت تکیه دارد و به‌هیچ‌وجه اعتمادی به استدلال‌های عقلی ندارد. بنابراین هدف تنها کشف حقیقت نیست بلکه رسیدن به حقیقت است. بنابراین اگر فیلسوف به دنبال کشف حقیقت است ولی هدف عارف وصول به حقیقت است. ٤) روش استدلالی کلامی، متکلمین مانند فلاسفه مشاء تکیه‌شان بر استدلال عقلی است اما اصول و مبادی عقلی که متکلمین بحث‌های خود را ازآنجا آغاز می‌کنند با اصول و مبادی عقلی که فلاسفه بحث خود را ازآنجا آغاز می‌کنند متفاوت است. هم‌چنین معتزله مهم‌ترین اصل متعارفی که به کار می‌برد (حسن و قبح) است اما فلاسفه اصل حسن و قبح را یک اصل اعتباری و بشری می‌دانند. این چهار جریان در جهان اسلام ادامه یافتند تا در یک نقطه به یکدیگر رسیدند و جمعاً جریان واحدی را به وجود آوردند و حکمت متعالیه نامیده شده که توسط صدرالدین شیرازی پایه‌گذاری شده است (مطهری، ۱۳۷۵).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تجلی پیداکرده، تجسمی از تحقیق در کیهان و اجزاء آن از چشم‌انداز اسلام است. لذا مباحث نظری به‌جای مانده از متفکران اسلامی علاوه بر رجوع به علوم قرآنی، از طریق **نهضت ترجمه**[۹۷] به علوم سنتی همچون **هرمسی**[۹۸] و **اسکندرانی**[۹۹] نیز رجوع نموده و در دسترس متفکران اسلامی قرارگرفته است.

بااین‌وجود متفکرانی همچون متفکران **علوم عقلی**[۱۰۰]، با صف بزرگی از علوم پیش از اسلام روبرو شدند و از طریق ترجمه، به این علوم دسترسی پیدا کردند. هم‌چنین خود را در برابر نهر عظیمی از

۹۷. فرهنگ اسلامی از طریق نهضت ترجمه فرهنگ‌های دیگر ازجمله یونانی، هندی، ایرانی و ... را در خود جذب کرد و به‌صورت موجودی جدید با چهره و سیمایی مخصوص به خود ظهور کرد. بنابراین از ایران نیز علومی به جهان اسلام انتقال یافت زیرا در دوره ساسانیان شهر جندی‌شاپور (نزدیک اهواز کنونی) به‌صورت یک مرکز دانشگاهی درآمده بود و بدون شک مقارن با انقراض شاهنشاهی ساسانی این شهر مهم‌ترین مرکز دانش آسیای غربی و به لحاظ پزشکی بوده است زیرا به‌عنوان محل تجمع بین‌المللی بود که در آن دانشمندان ایرانی و یونانی و هندی در کنار یکدیگر به فعالیت علمی اشتغال داشتند. علاوه بر ایران، دانشمندان هندی که به بغداد و دیگر مراکز دانش اسلامی دعوت می‌شدند نیز در انتقال علوم سهیم بودند (آرام، ۱۳٦٦).

۱۱۱. مقصود مسلمانان از هرمس، حضرت ادریس(ع) است. لذا باید اذعان داشت که بسیاری از تمثیلات و تشبیهات مکتب هرمس را عرفای قرون بعدی مانند ابن عربی اتخاذ کردند و به این نحو این جنبه از علوم هرمسی میراث بسیاری از مکاتب باطنی اسلام در عالم تشیع و تسنن شد (آرام، ۱۳۷۵).

۱۱۲. در اسکندریه شاهد ترکیب جدیدی از دانش مصری و یونانی و شرقی هستیم و در نتیجه پربار ترین دوران تاریخ علم در دوران باستان فراهم آمد و مردانی چون اقلیدس و بطلمیوس را به دنبال داشت و سپس وارد جهان اسلام شدند. بنابراین میراث یونانی و یونانی مآب مستقیماً از آتن به جهان اسلام انتقال پیدا نکرد بلکه از طریق اسکندریه منتقل شد، لذا باید توجه داشت که میان‌دوره‌ی زرین اسکندریه و ظهور اسلام چند قرن از تاریخ مسیحیت فاصله است. بااین‌وجود بسیاری از جنبه‌های میراث یونانی و یونانی مآب از مرکز دانش مسیحی به مسلمانان انتقال یافت و مستقل از جهان یونانی، بعضی از اشکال ریاضیات و نجوم بابلی نیز در منابع اسلامی واردشده است (آرام، ۱۳۷۵).

۱۰۰. علوم اسلامی به دو بخش عقلی و نقلی تقسیم شده است. این دو گونه علم رسمی روی هم رفته علوم حصولی خوانده می شوند. هم چنین علاوه بر علم حصولی، شاهد علم حضوری نیز هستیم که باید حکمت اکتشافی و عرفانی را بیفزاییم که از کشف و ذوق (چشیدن) حقیقت حاصل می شود و مسلمانان معمولاً حضوری می نامند. درباره ی علوم عقلی می توان اذعان داشت، علمی است که از راه عقل خدادادی انسان بر دو پایه عقل و استدلال حاصل می

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

علومی دیدند که از اقیانوس پایان‌ناپذیر وحی قرآنی بر خواسته بود. بنابراین در تاریخ اسلام، هنگامی‌که کتب یونانی، سریانی، سانسکریت و پهلوی به زبان عربی ترجمه شدند، مترجمان به‌سادگی کلمات جدیدی به وجود می‌آوردند یا کلماتی که در تحقیق پیش رو حائز اهمیت است و مربوط به مبحث اصلی فصل حاضر نیز می‌شود، ترجمه‌ی کلمه‌ی **فوسیس**[۱۰۱] یونانی است که همان **Natura** به زبان لاتینی است. مترجمان اسلامی کلمه **طبیعة** را برای آن به کاربردند. گرچه معنی آن با مفهومی که یونانیان از فوسیس داشتند یکی نیست. هم‌چنین مترجمان اولیه گاهی به‌جای **طبیعة** کلمه **کیان** را به‌کاربرده‌اند. در قرآن نیز هیچ‌گاه کلمه **طبیعة** به‌کاربرده نشده است. با این اوصاف پرداختن به علوم طبیعی و **جهان‌شناسی**[۱۰۲] از مباحث اصلی نوشته‌های پیش رو است و باید اذعان داشت که تحقیق درباره‌ی علوم طبیعی در اسلام بدون توجه به مبانی کلی تفکر اسلامی درباره‌ی جهان و چگونگی خلقت و تکوین آن مقدور نیست.

بنابراین می‌توان اذعان داشت که «جهان‌بینی اسلامی، جهان‌بینی توحیدی است»(مطهری، بی‌تا، ص ۷۳). «توحید اسلام یعنی همچنان که مثلاً خانه سازنده‌ای متمایز و متغایر از خود دارد، جهان نیز سازنده‌ای منفصل از خود دارد»(مطهری، ۱۳۷۵، ص۱۹٦) و موجودات جهان با نظامی هماهنگ به یک‌سو و به‌طرف یک مرکز تکامل می‌یابند. جهان‌بینی توحیدی با نیروی منطق و علم و استدلال حمایت می‌شود، زیرا در هر ذره از ذرات جهان، دلایلی بر وجود خدای حکیم است. بااین‌وجود باید اذعان داشت که در برخی مذاهب، مانند اسلام، جهان‌شناسی مذهبی در متن مذهب، رنگ فلسفی یا

شود. با این وجود در نظریه ی اسلام شرافت و برتری عقل و انعکاس ذهنی آن که استدلال باشد در این است که انسان را به وحدت رساند و به پذیرفتن حقایق دینی هدایت کند. به همین دلیل هنر و علوم اسلامی اصولاً عقلی است و عوامل دیگری را مانند احساسات و عواطف انسانی تحت الشعاع نیروی عقل قرار می دهد. بنابراین توجه خاص به ارزش عقل است که علوم عقلی و خصوصاً ریاضیات را در تمدن اسلامی ترویج داد و برای مسلمانان ممکن ساخت تا مفهوم فیثاغوری علوم ریاضی را در نظریه ی جهانی خود بگنجانند. لذا باید توجه داشت که بین علوم عقلی و استدلالی از یک جانب و دین و ایمان از جانب دیگر هیچ گاه شکافی بوجود نیامد (آرام، ۱۳٦٦).

101 .Physis

۱۰۲. نوع برداشت و طرز تفکری که یک مکتب درباره ی جهان و هستی عرضه می دارد زیر ساز و تکیه گاه فکری آن مکتب به شمار می رود. این زیر ساز و تکیه گاه اصطلاحاً جهان بینی نامیده می شود. جهان بینی یا جهان شناسی یا به عبارت دیگر تعبیر و تفسیر انسان از جهان، به طور کلی به سه گونه است، یعنی از سه منبع ممکن است الهام شود: علم، فلسفه و دین. بنابراین جهان بینی سه گونه است: علمی، فلسفی و مذهبی (مطهری، بی تا).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

به عبارتی استدلالی به خود گرفته است و بر مسائلی که عرضه‌شده با تکیه‌بر عقل، استدلال و اقامه‌ی برهان شده است. ازاین‌رو جهان‌بینی اسلامی درعین‌حال یک جهان‌بینی عقلانی و فلسفی نیز است. بنابراین یک جهان‌بینی زمانی می‌تواند تکیه‌گاه یک ایدئولوژی قرار گیرد که استحکام و وسعت تفکر فلسفی و حرمت اصول مذهبی را داشته باشد (مطهری، بی‌تا). هم‌چنین به گفته‌ی مطهری (۱۳۷۵)، با توجه به اینکه اساس اعتقادی اسلام و **عرفان اسلامی**[۱۰۳] نیز سرمایه اصلی خود را از اسلام گرفته، لذا توحید عرفا عبارت است از **وحدت وجود** و اینکه جز خدا و شئون و اسماء و صفات و تجلیات او چیزی وجود ندارد.

بااین‌وجود پور حسینی (۱۳٦۳) در شرح توحید از منظر عرفا می‌گوید که بنا به نظر عرفا، (کثرت) وجود ندارد، همه‌ی واقعیت‌ها (یکی) هستند و ارواح و نفوس بشر در عین کثرت واحدند. کثرت محصول مقوله‌ی زمان و مکان است که تنها در طبیعت (عالم) مصداق پیدا می‌کند و در عالم معنی جز وحدت چیز دیگری وجود ندارد و چون روح از (عالم امر) است از کثرت به دور است. بدین‌سان در قرآن آمده است که بشر از نفس واحدی خلق‌شده است.

هم‌چنین وحدت روح را معمولاً تشبیه به نوری واحد می‌کنند که در شیشه‌های مختلف انعکاس یافته است. در اصطلاح عرفا، حقیقت واحد است و در همه‌جا تجلی نموده و همه‌چیز آثار الهی است. هم‌چنین عرفا براین باورند که روزگاری روح بشر در جوار الهی بود و بعد جداشده است و اینک از درد (هجران) می‌نالد و اشتیاق به وصال مجدد دارد. بنابراین عرفا معتقدند که این کشش

۱۰۳. از علومی که در دامن فرهنگ اسلامی زاده شد و رشد یافت و تکامل پیدا کرد، علم عرفان است. اهل عرفان هرگاه با عنوان فرهنگی یاد شوند با عنوان (عرفا) و هرگاه با عنوان احتماعی شان یاد شوند، غالباً با عنوان **متصوفه** یاد می شوند. عرفان به عنوان یک دستگاه علمی و فرهنگی دارای دو بخش است: بخش عملی و بخش نظری. بخش عملی عبارت است از آن قسمت که روابط و وظائف انسان را با خودش و با جهان و با خدا بیان می ند و توضیح می دهد. عرفان در این بخش مانند اخلاق است و می خواهد انسان را تغییر دهد. این بخش عرفان علم (سیر و سلوک نامیده می شود. یعنی طی طریق کردن و رسیدن به مرحله ی جز خدا هیچ ندیدن. اما بخش دیگر عرفان مربوط است به تفسیر هستی. یعنی تفسیر خدا و جهان و انسان. عرفان در این بخش مانند فلسفه است و می خواهد هستی را تفسیر نماید که با نام عرفان نظری معرفی می شود. این در حالی است که تفسیر عرفان از هستی یا به عبارتی جهان بینی عرفانی هستی با تفسیر فلسفه از هستی تفاوتهای عمیقی دارد (مطهری، ۱۳۷۵).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

(عشق) است که عنصری غیرعقلانی است و تنها وسیله برای رسیدن به هدف یعنی وصول به‌حق است. عقل ازنظر عرفا چراغ و هادی است ولی راه اصلی حقیقت (عشق) است. لذا تضاد میان عشق و عقل در آثار **صوفیان** موضوعی است رایج و در شخصیت انسان این دونیرو در جدال هستند. بنابراین عشق روشی است که با ریاضت و تزکیه باطن می‌توان قلب را صفا دهد و آماده قبول آثار الهی نماید و چون قلب آینه‌ی تمام نمای تجلیات الهی گردید حقیقت در آن نقش می‌بندد و انسان هر چه می‌بیند این خداست که می‌بیند و اینجا وحدت حقیقی دست می‌دهد. با این اوصاف به گفته‌ی آرام (۱۳٦٦)، باید اذعان داشت که بین علوم جهان‌شناسی قدیم یک امر مشترک است و آن نظریه‌ی وحدت عالم طبیعت است که کلیه جهان‌شناسی قدیم بر اساس آن قرار داده‌شده و با قصد هویدا ساختن آن تدوین‌یافته است. این بدان جهت است که نظر هر تمدنی نسبت به طبیعت انعکاس و نتیجه آن درباره‌ی حقایق آسمانی و ملکوتی است. علوم جهان‌شناسی همان (اسرار صغیره) و حکمت و عرفان (اسرار کبیره) قدماست که در پرتو آن معمولاً (اسرار صغیره) مجذوب می‌شود، چنانکه علوم جهان‌شناسی مکتب اسکندریه در پرتو حکمت مسیحی و اسلامی مجذوب و بالاخره به لباس معارف مسیحی و اسلامی متلبس شد. علوم جهان‌شناسی قدمی چنانکه بعضی از ظاهربینان می‌پندارند کوشش‌های بچگانه برای بیان سلسله‌ی علت و معلوم در عالم طبیعت نیست بلکه هدف نهایی این علوم نمایان ساختن وحدت یا پیوستگی جمیع کائنات و کلیه مراتب وجود است.

مسئله مبدأ هستی و پیوستگی عالم خلقت در مورد تمدن اسلامی حائز اهمیت خاص است زیرا توحید اساس و پایه اسلام است و در هر شأنی از مرتبه‌ای از مراتب تمدن و فرهنگ اسلامی به نحوی ظهور کرده است. لکن نباید تصور کرد که نیل به این هدف که نمایان ساختن وحدت و پیوستگی موجودات است، محدود به یک روش و یا طرد روش‌های دیگر است بلکه مسلمانان راه‌های مختلفی پیموده و علوم گوناگونی تدوین کرده‌اند که هر یک به‌نوبه‌ی خود نتیجه و ثمره‌ی هدف غائی آن‌ها بوده است. درواقع وحدت طبیعت نتیجه مستقیم وحدت مبدأ عالم است، وحدتی که بر اساس گفته‌های پیشین به‌صورت افسانه‌ای و یا به زبان حکمت و عرفان پایه و اساس ادیان قدیم را تشکیل می‌دهد و سرالاسرار مکتب‌های عرفانی اسکندریه و (مسالک اسرار کبیره‌ی) قرون قبل از اسلام محسوب می‌شود. با این اوصاف بنا به نظر حکمت اسلامی موفقیت هر علمی از علوم

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

طبیعی تا حدی است که بتواند وحدت و پیوستگی موجودات را نمایان سازد زیرا اصل وحدت و پیوستگی تمام مراتب جهانی، اساس و پایه‌ی علوم طبیعی و جهان‌شناسی اسلامی است. بدین ترتیب می‌توان مکتب‌های علمی را که در تاریخ اسلام درباره‌ی جهان‌شناسی و علوم طبیعی نظری داشته‌اند را به مکتب ریاضیون، هرامسه، مشاییان، اشراقیان و عرفا منحصر ساخت و هم‌چنین مکتب **کلام**[۱۰۴] که دارای نظر خاصی درباره‌ی جهان طبیعت و فلسفه طبیعی است.

قرن چهارم هجری[۱۰۵] به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دوران فعالیت علمی، خصوصاً در علوم طبیعی و جهان‌شناسی و اوج فعالیت در علوم عقلی محسوب می‌شده است، لذا با رجوع به منابع به‌جای مانده از متفکران این ادوار می‌توان شرح و توضیح مطالبی کلی از عناصر ثابتی به دست آورد که بنیان تفکر اسلامی را در قرون متمادی تشکیل داده و جنبه‌ای ازنظر کلی دانشمندان اسلامی درباره‌ی جهان‌شناسی است. این در حالی است که معنای طبیعت در مکتب‌های عرفانی قبل از قرن ششم و هفتم یعنی قبل از **عرفان نظری** که از مؤسسان آن **ابن عربی** است، به‌وضوح بیان‌نشده، لیکن معنی جهان هستی چنانکه در میان متصوفین قرون اولیه که بیشتر به عرفان عملی توجه کرده‌اند به‌عنوان نفس الرحمن، بامعنی اساسی **ذکر** که از اولین دوره‌ی اسلام رکن و پایه تصوف محسوب شده است، پیوستگی کامل دارد.

---

۱۰۴. «علم کلام علمی است که درباره ی عقائد اسلامی، یعنی آنچه از نظر اسلام باید بدان معتقد بود و ایمان داشت بحث می کند، به این نحو که آنها را توضیح می دهد و درباره ی آنها استدلال می کند و از آنها دفاع می نماید» (مطهری، ۱۳٦٦، ص ۱٤۳).

۱۰۵. در قرن چهارم و پنجم که قوای مرکزی خلافت ضعیف شده بود، امرا و شاهزادگان شیعه بر بسیاری از نقاط عالم اسلامی حکمفرمایی می کردند. سپس پیروان فرق شیعه تمایل بیشتری نسبت به علوم اوائل نشان دادند. با این وجود در این عصر زمینه برای ترویج این علوم آماده تر شد و شیعیان ایران و مصر با برقراری مدارس و وموسساتی که محل تحصیل دین و علوم بود، روش های علمی و فرهنگی به وجود آوردند که بعدها اهل سنت نیز از آن استفاده کردند (آرام، ۱۳٦٦).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

اخوان‌الصفا[۱۰۶]

به گفته‌ی نصر(۱۳٦٦)، با توجه به اینکه اخوان‌الصفا خود را از مریدان فیثاغورث می‌شمردند، این تأثیرپذیری در اهمیتی که برای علم اعداد و سهم عدد در آشکار ساختن هماهنگی عالم قائل بودند نیزهویدا است. در نظر مکتب فیثاغورثی ازآنجاکه عدد دارای معنی رمزی و تمثیلی نیز هست، نه‌تنها آلت تجزیه‌وتحلیل بشمار می‌آید بلکه طریق توحید و ترکیب نیز محسوب می‌شود. بدین‌جهت است که اخوان در رساله موسیقی، مستقیماً به اهمیت علوم ریاضی اشاره می‌کند که جسم عالم در تمام افلاک و کواکب و ارکان اربعه و ترکیب آن‌ها در درون یکدیگر بر بنای نسبت مذکور یعنی نسبت عددی یا هندسی نهاده شده است و تمام جسم عالم مانند جسم یک حیوان یا یک انسان یا یک مدینه است و مدبر و مصور و مُبدع آن واحد بی‌همتاست. پس جای تعجب نیست اگر اخوان نسبت مبدأ را به عالم با نسبت عدد واحد بر سایر اعداد تشبیه و مقایسه کرده‌اند، لذا علم عدد در نظر اخوان طریق وصال به علم توحید و حکمت ماورالطبیعه است و اصل موجودات و ریشه بقیه علوم است که آن را اکسیر اول و کیمیای اعظم می‌نامند و عدد را اولین فیض عقل بر نفس و زبان توحید و تنزیه می‌شمارند. پس از تمثیلات متعددی که اخوان بکار برده‌اند، بدون شک تمثیل اعداد از همه مهم‌تر است زیرابه وسیله‌ی اعداد می‌توان کثرت را به وحدت پیوست و هماهنگی جهان را نمودار ساخت. این امر بدان جهت است که صاحبان رسایل، خلقت عالم با پیدایش کثرت از وحدت را به جاری شدن اعداد از عدد واحد تشبیه کرده‌اند. درواقع برای اخوان عدد از تعریف کمیت منفصل خارج است و تصویری است معنوی که از تکرار وحدت در روح انسان پدید می‌آید.

حال نکته‌ی قابل‌توجه اینکه صاحبان این رسایل بیشتر از لسان اعداد که آلت و وسیله‌ی اساسی آنان برای بیان حقایق حکمت است، برای آشکار ساختن حقیقت و زیبایی نظریه‌ی تشابه عالم صغیر و کبیر استفاده کردند. این امر بدان جهت قابل‌توجه است که در علم جهان‌شناسی این نظریات دارای اهمیت خاص است زیرا از طرق مهم برای نمایان ساختن وحدت طبیعت و روابط باطنی بین انسان و

---

۱۰٦. رسایل اخوان‌الصفا دایرةالمعارفی است از فلسفه عربی اسلامی در قرن چهارم هجری که موردمطالعه‌ی اکثر علمای قرون بعدی نیز قرارگرفته است (نصر، ۱۳۷۷).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

طبیعت بشمار می‌رود. بنابراین تشابه بین عالم صغیر و کبیر است که علوم طبیعی قدیم به‌منزله‌ی پایه‌ای برای علوم ماورالطبیعه محسوب می‌شود. بااین‌وجود آنان سلسله‌مراتب وجود را با سلسله‌ی اعداد، و تشبیهات بین مراتب وجود را با عالم کبیر، با نسبت اعداد با یکدیگر سنجیده‌اند که کمتر خواننده‌ای می‌تواند زیبایی و هماهنگی افکار آنان را منکر شود. تصور سلسله‌مراتب جهانی که از عدد واحد که نشانه‌ی مبدأ است آغاز می‌شود و به عدد نُه که نشانه‌ی عالم مرکبات است پایان می‌یابد، که این حاکی از مفهوم سلسله‌مراتب وجود نیز است.

مقصود از سلسله‌مراتب وجود این است که کلیه موجودات عالم مانند حلقه‌های زنجیر یا پله‌های نردبانی به‌هم‌پیوسته و بدون طفره از وجود محض تا عدم صرف در یک سلسله منظم قرارگرفته‌اند و مقام هر یک در این سلسله بستگی به درجه‌ی شدت و ضعف مرتبه‌ی وجودی آن دارد. بااین‌وجود سلسله‌مراتب وجود در قوس نزولی از فلک اطلس که نزدیک‌ترین افلاک به مبدأ هستی است آغازشده و پس از طی مراحل گوناگون از افلاک که مظاهر عقول‌اند و کرات عناصر به قعر زمین که ثقیل‌ترین و کثیف‌ترین نقطه‌ی عالم و آخرین حلقه‌ی زنجیر وجود است خاتمه می‌یابد. سپس قوس صعودی با امتزاج عناصر شروع می‌شود و مراتب جماد و نبات و حیوان را طی می‌کند و بالاخره به انسان که آخرین مرتبه‌ی موجودات این جهان است منتهی می‌شود و به این دلیل اخوان، انسان را که در عین وحدت از پیچیدگی ساختمان نفسانی و جسمانی برخوردار است **نقطه مقابل خداوند** می‌نامند.

درواقع اخوان مریدان خود را از آسمان به‌سوی زمین هدایت می‌کنند تا به آن‌ها تذکر دهند که باید خود را برای بازگشت به عالم بالا آماده سازند و وحدت و پیوستگی عظیم عالم طبیعت را نمودار می‌سازند تا به این وسیله سالک را به توحید نزدیک‌تر کنند و او را برای سیر در اطوار وجود و بالاخره فنا در نور ذات باری‌تعالی مجهز سازند. در بندی از رسایل که از شیواترین نوشته‌های اخوان درباره‌ی غایت معنوی جهان طبیعت است و پیوستگی آن با عالم انسان است، حرکت افلاک را به مناسک حج که نشانه‌ی بازگشت عارف و وصال او به مبدأ هستی است تشبیه کرده‌اند و عالم را در احکام عبادی اسلام سهیم دانسته و آن را مانند انسان مسلمان یعنی تسلیم به اراده‌ی خداوند و شریک در نجات معنوی انسان شمرده‌اند. به این نحو کثرت به وحدت بازمی‌گردد و به اصل و مبدأ

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

خود رجعت داده می‌شود، مبدعی که درواقع جز او هیچ نیست و هر چه هست تجلی است از پرتو وجود او.

با این اوصاف عالم کون و فساد، همان جهان تحت القمر است که دائماً در حال کون و فساد و تغییر و استحاله است. همچون فیثاغورثیان، اخوان نزول از افلاک به عالم تحت القمر را مانند تغییر عدد فرد به عدد زوج می‌داند؛ زیرا عدد فرد اصل مذکر و عقلانی و فعال و عدد زوج اصل مؤنث و مادی و منفعل است. بنابراین این امر خود انسان را متوجه به هماهنگی و پیوستگی عالم و اتحاد زمین و آسمان و وابستگی آنان به یکدیگر می‌سازد. درواقع پیوستگی عالم تحت القمر با قوای نفس کلی درواقع به معنی اتحاد بین عالم تحت القمر و افلاک است؛ زیرا بنا به قول اخوان قوای نفس کلی توسط سه عامل که عبارت است از فلک بروج و افلاک و سیارات در این جهان ظهور می‌کند.

به گفته‌ی بلخاری (۱۳۷۸) می‌توان گفت که عالم تحت القمر که آغاز می‌شود شامل عناصر اربعه آتش، هوا، آب‌وخاک است و نماد هندسی آن، مربع است. مربع دارای ویژگی‌هایی است اول، چهار زاویه‌ی آن مساوی چهار زاویه‌ی قائمه است، دوم، هر مربعی به دو مثلث تقسیم می‌شود و چنانچه مثلث دیگری به این دو اضافه شود، شکل مجسمی به وجود می‌آید. اخوان چنان به تأویل عالم بر اساس عدد و نظام هندسی دل‌بسته‌اند که در فصلی دیگر از جزء سوم رسایل با عنوان **فی بیان العالم و انه کروی الشکل**، ضمن آنکه به ذکر صفات دیگری برای دایره می‌پردازند، یادآور می‌شوند این صفات در هیچ شکل دیگری وجود ندارد. ازاین‌رو مبتنی بر این صفات خداوند عالم را مستدیر و حرکت افلاک را دورانی قرار داده است. افضلیت دایره نزد اخوان چنان بالا است که تلاش می‌کنند تمامی اجزاء عالم را بر اساس نظام دورانی تأویل کنند. به‌عنوان‌مثال باران محصول حرکت دورانی تبخیر آب و صعود آن به آسمان و بازگشت آن به زمین است. هم‌چنین نبات و حیوان و معادن از ارکان اربعه رشد و نمو می‌یابند و پس از کمال ، فاسد می‌شوند و به اول خویش بازمی‌گردند.

نهایتاً می‌توان تعریف نسبت را بر اساس رساله ششم در بخش ریاضیات بانام **فی النسبۀ العددیه و الهندسیه فی تهذیب النفس** چنین بیان کرد که نسبت قدرِ عددی یک مقدار با مقدار دیگر است. اخوان ضمن ذکر مواردی چون اختلاف اصغر و اختلاف اعظم جزییات نسبت را کاملاً شرح داده و

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

آن را به سه نسبت کمی (نسبت عددی، کیفی (نسبت هندسی) و کمی- کیفی (نسبت تألیفی و موسیقیایی)تقسیم کرده‌اند. آشنایی با این نسب و ظرافت‌های آن، ما را به این معنا که چرا بنیادی‌ترین ایده‌ی اخوان در تعریف زیبایی، عدد و هندسه است، رهنمون می‌سازد. نسبت عددی، تفاوت دو عدد مختلف در یک قدر متساوی است، بدین معنا که اعداد یک تا نه، گرچه مختلف‌اند، اما علت تفاوت آن‌ها یک عدد قدر عددی مساوی است، یعنی همه آن‌ها نسبت به عدد یک مساوی‌اند. به عبارتی همه‌ی آن‌ها با اضافه شدن **یک** تفاوت می‌یابند، سه با یک می‌شود چهار، چهار نیز با یک می‌شود پنج و الی‌آخر. اعدادی چون دو، چهار، شش، هشت نیز همین‌گونه اند، با این تفاوت که قدر تساوی آن‌ها **دو** است، یعنی هرکدام با عدد **دو** تفاوت می‌یابند. این نکته در علم حساب نکته ساده‌ای است. لکن نتایجی که از آن به‌ویژه در صناعات آن‌هم در آن روزگار اخذ می‌شود بسیار مهم است. از دید اخوان خاصیت این نسبت آن است که اگر نصف هرکدام از این نسبت‌ها اخذ شود و باهم جمع گردد، عدد میان آن دو حاصل می‌شود.

بااین‌وجود در آن زمان همین نسبت بنیاد اصلی تمامی صناعات به شمار می‌رفت و بی‌دلیل نیست که اخوان در تنظیم رسالات خویش بلافاصله پس از بحث تناسبات به سراغ مبحث صناعات علمی و عملی رفته و بر همین اساس، صناعات عملی و نیز بنیان حُسن و زیبایی آن‌ها را شرح و تبیین کرده‌اند. نکته‌ی قابل‌توجه دیگر که نصر (۱۳٦٦) اذعان دارد اینکه اخوان ترکیب معدنی‌یات را از جیوه و گوگرد یا زیبق و کبریت که اساس کیمیای مکتب جابربن حیان است، کاملاً تائید کرده‌اند. هرگاه این دو اصل به‌صورت کامل باهم امتزاج یابد طلا به وجود می‌آید که کامل‌ترین فلزات است زیرا در آن جوهری است معتدل الطبایع و صحیح المزاج که نفس آن با روحش متحد است و روح آن با جسمش. هم‌چنین در مورد فلزات مانند انسان، تکامل بستگی به درجه اتحاد و یگانگی وجودی هر شیء دارد. درنتیجه تمام اصول و مفاهیمی را که تاکنون ذکر کرده‌ایم اخوان در دو اصل فلسفی که عبارت است از تشابه بین عالم صغیر و کبیر و سلسله‌مراتب عالم که با یکدیگر نیز پیوستگی دارد جمع کرده‌اند. این دو تصور به جهان‌شناسی اسلامی محدود نیست بلکه در عقاید یونانیان و مسیحیان و چینیان و هندیان قدیم نیز یافت می‌شود و حاوی تمثیلانی است که باقدرت و زیبایی خود می‌تواند

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

روح انسان را به معانی مافوق عالم محسوسات بکشاند و بنابراین محدود به جهان‌شناسی و طبیعیات نیست بلکه قسمتی از عالم الهیات را نیز شامل می‌شود (جدول شماره ۵۸-٤)

جدول ۵۸-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (تضاد و هماهنگی) بر اساس مباحث فکری اخوان‌الصفا.

مقوله	تعریف	نتیجه	تحلیل
عالم صغیر و عالم کبیر کون و فساد	سنجیدن تشبیهات بین مراتب وجود با عالم کبیر از طریق نسبت عددی	نزول افلاک به عالم تحت القمر مثل تغییر عدد فرد به عدد زوج. همراه داشتن هماهنگی و زیبایی.	نتیجه دو عنصر متضاد، هماهنگ و اتحاد عالم است.
وحدت و کثرت	کثرت به وحدت بازمی‌گردد و به اصل و مبدأ خود رجعت دارد.	-	
عدد زوج و فرد	عدد زوج مؤنث است، مادی و منفعل است. عدد فرد مذکر است، عقلانی و فعال است.	وابستگی، اتحاد، هماهنگی و پیوستگی عالم.	
نسبت عددی	تفاوت دو عدد. اعداد یک تا نه متفاوت با یکدیگرند ولی علت تفاوت یک عدد، قدر عددی مساوی است.	-	
سلسله‌مراتب عالم	با یکدیگر پیوسته‌اند.		

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ابوریحان بیرونی[۱۰۷]

به گفته‌ی نصر(۱۳۷۷)، بیرونی را می‌توان مانند اخوان‌الصفا پیرو مکتب فیثاغورث دانست، لکن او نیز هماهنگی طبیعت را احساس کرده و ارزش خاصی برای علم هندسه در شناختن طبیعت قائل بوده است. هم‌چنین وی رابطه‌ی بین شکل منظم و عناصر را با پیروی از روش رساله‌ی تیمائوس افلاطون تأیید می‌کند. بدین ترتیب وی اذعان دارد که طبیعت نیرویی است که مخلوقات را بنا به تدبیر الهی و بدون افراط‌وتفریط نظم می‌بخشد. نظمی که درک آن با معیار فکری بشری میسر نیست بلکه حکمت الهی است که عالم را نظم بخشیده، گاهی مخلوقات را به صورتی نادر الوقوع می‌آفریند که نشانه‌ی الوهیت علم و قدرت او ماوراء معیارهای بشری از مفهوم هماهنگی و تناسب است.

هم‌چنین بسیاری از مطالب که امروزه از زمین‌شناسی موردقبول و از اساس این علم محسوب می‌شود مانند تبدیل دریا به خشکی و پیدایش سنگ‌های رسوبی از رسوبات و... توسط افرادی چون بیرونی مطرح‌شده است. علاوه بر این درزمینهٔ احکام نجوم نیز ابوریحان بیرونی همچون ارسطو و حکمای مشایی، فلک قمر را سر حد عالم کون و فساد و اجرام تغییرناپذیر فلکی دانسته که اولی از عناصر اربعه و دومی از طبع خامس یا اثیر به وجود آمده است. چنانکه از این گفتار هویداست در نظر وی مانند اکثر دانشمندان قدیم کلیه‌ی پدیده‌هایی که در عالم کون و فساد نمودار می‌شوند از امتزاج عناصر و فعل‌وانفعال آنان به وجود می‌آید و علت تحولات ارضی و جوی را باید در تغییراتی که در ترکیب عناصر پدید می‌آید جستجو کرد. بدین منظور به نقل از اخوان‌الصفا(۱۳۸۰)، بیرونی در کتاب **التفهیم** در مبحث برج‌ها به عناصر چهارگانه پرداخته است. وی برای برج‌ها دو قوه در نظر گرفته است، یکی قوه‌ی فاعله و دیگری قوه منفعله. درواقع قوه فاعله به معنی حرارت و برودت و

۱۰۷. متولد۳۵۲ خورشیدی و متوفی ٤۲۷ خورشیدی. در عالم اسلامی ابوریحان بیرونی همواره شهرت خود را به عنوان یکی از اساتید کم نظیر علم نجوم و جغرافیا و ریاضیات حفظ کرده است. کتاب التفهیم وی پر اهمیت ترین کتاب علمی است که در قرون اول تاریخ اسلام به زبان فارسی تالیف شده و از منابع پر ارزش زبان فارسی محسوب می شود. علاوه بر اینکه قرنها به عنوان کتاب درسی ریاضیات بوده است(نصر،۱۳۷۷).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

قوه منفعله به معنی رطوبت و یبوست، همان است که میان اطباء و حکمای طبیعی قدیم به کیفیات چهارگانه فاعله و منفعله معروف است. بنابراین برای برج‌ها با قوه فاعله گرمی و سردی، و برای برج‌ها با قوه منفعله، خشکی و تری را بیان کرده است و برای هر برجی عنصری را در نظر می‌گیرد. بدین‌صورت هر برجی که گرم و خشک است به آتش منسوب است، هر برجی که سرد و خشک است به زمین منسوب است، و هر برجی که گرم و تر است منسوب است به هوا و آنکه سرد و تر است به آب منسوب است. سپس به برج‌های نر و ماده پرداخته و بر این باور است که همه‌ی برج‌های گرم، نرند و همه برج‌های سرد ماده‌اند.

هم‌چنین نصر(۱۳۷۷) می‌نویسد، صدور کثرت از وحدت نیز به بهترین وجهی در منطقه‌البروج و هفت‌فلک به‌صورت تمثیلی هویداست بدین طریق که وجود واجب ماوراء عالم مشهود قرارگرفته و دوازده‌برج، حجابی است که درعین‌حال هم وحدت را از اعیان پنهان می‌سازد و هم فیض او را به بقیه‌ی عالم می‌رساند (جدول شماره ۵۹-٤).

جدول ۵۹-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (تضاد و هماهنگی) بر اساس مباحث فکری ابوریحان بیرونی.

مقوله	عالم کون و فساد	عناصر چهارگانه	برج با قوه فاعله (گرمی و سردی)	برج با قوه منفعله (خشکی و تری)	برج‌های نر و ماده	کثرت و وحدت

ابن‌سینا و حکمت مشایی[۱۰۸]

ابن سینا دارای آثار متعددی است ولی از میان آن‌ها در کتاب **شفا**[۱۰۹] و **الاشارات و التنبیهات**[۱۱۰]، به بحث طبیعت پرداخته‌شده است. به گفته‌ی خوانساری(۱۳٦۳)، درواقع ابن‌سینا، طبیعیات (یا

۱۰۸. منظور از مشاء همان فلسفه ای است که به وسیله ارسطو بنیان گرفت و بوسیله پیروان و شارحان بسط و گسترش یافت، که بزرگ ترین نماینده آن درفرهنگ اسلامی ابن سینا است(خوانساری ۱۳۹۳).

۱۰۹. نخستین کتاب جامع در فلسفه ی اسلامی است که شامل یک دوره ی کامل منطق و طبیعیات وتعلیمات (هندسه، هیات، ارثماطیقی، موسیقی) و الهیات است. مرحوم محمد علی فروغی قسمت متون سماع طبیعی و آسمان و جهان و کون و فساد آن را ترجمه کرده است.(خوانساری،۱۳۹۳)

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

حکمت سفلی و یا علم طبیعت) را به‌عنوان یکی از سه قسم حکمت نظری بیان کرده است. بااین‌وجود آرام (۱۳۷۷) می‌نویسد، ابن‌سینا با تمام احترامی که برای فلاسفه‌ی یونان داشت، همواره می‌کوشید تا افکار فلسفی خود را با اصول وحی اسلامی مطابقت دهد. بنابراین درزمینه‌ی جهان‌شناسی آثار دوران آخر عمر ابن‌سینا وجه اشتراک زیادی با مفهوم طبیعت ازنظر عرفا دارد. در هر دو مورد، جهان یک جنبه درونی و باطنی دارد و انسان باید از مراحل آن بگذرد و پدیده‌های طبیعت رمز و تشبیه و اشاره‌ای است به حقایق عالم بالا. پس حتی اگر ابن‌سینا را بهره‌ای از جنبه‌ی عملی تصوف نبود، توافق نظری او با آراء متصوفه و بیان بسیاری از عقاید عرفانی قابل‌توجه است.

به گفته‌ی خوانساری(۱۳٦۳) درواقع می‌توان این‌گونه گفت که حکمت طبیعی درباره‌ی جسم ازلحاظ حرکت و دگرگونی‌هایی که بر آن عارض می‌شود بحث می‌کند. ابن‌سینا (۱٤۰۰)، در مبحث طبیعیات، درباره تعریف حرکت می‌نویسد، حرکت، کمال آن چیزی است که بالقوه وجود دارد. اما گاهی شکی در این مطلب به نظر می‌رسد که با توجه به اینکه حرکت صرفاً بین امور متضاد صورت می‌گیرد ولی صغیر و کبیر متضاد یکدیگر نیستند. ابن‌سینا اذعان دارد که ما حرکات را فقط بین متضادها محدود نمی‌کنیم. بلکه هنگامی‌که اشیاء متقابلی داشته باشیم که باهم جمع نمی‌شوند و شیء از یکی به دیگری، آرام‌آرام و اندک‌اندک سیر می‌کند، شیء را متحرک می‌نامیم حتی اگر تضادی در بین نباشد. بنابراین صغیر و کبیر که حرکت می‌کنند، در میان آن دو چیزی هست که رشد کننده و افول کننده است. درواقع صغیر و کبیر دو مفهوم نسبی مطلق نیستند بلکه مثل این است که طبیعت برای انواع حیوانی و گیاهی، حدومرزی برای صغیر و کبیر قرار داده که از آن عبور نمی‌کنند و بین این دو محدوده درحرکت‌اند. بدین منظور کبیر، در آن مطلقاً کبیر است و در مقایسه با عظیم دیگری از همان نوع، کوچک به‌حساب نمی‌آید؛ همین‌طور برای صغیر که مطلقاً صغیر و کوچک است. پس وقتی چنین چیزی مطرح باشد، بعید نیست که متضادی به وجود آید.

هم‌چنین خوانساری(۱۳٦۳)، درباره حرکت می‌نویسد، یکی از اقسام حرکت ازلحاظ مبدأ، حرکت طبیعی است که عبارت است از حرکت جسم به‌سوی حیّز طبیعی خود یا به‌سوی حال طبیعی خود. بدین معنا که هر یک از عناصر چهارگانه را حیّزی است مخصوص که حیّز طبیعی آن نامیده می‌شود.

---

۱۱۰. »کتابی است در منطق و حکمت طبیعی و الهی»(خوانساری،۱۳۹۳،ص۱٤۹).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

حیّز خاک در زیر همه‌ی عناصر است، حیّز آب بر روی خاک، حیّز هوا بر فراز آب و حیّز آتش بر فراز هوا است. حال هر جسمی که به علتی از حیّز خود دور شود، میل طبیعی آن برای بازگشت به حیّز اصلی، آن را به‌سوی حیّز طبیعی به جنبش درمی‌آورد تا آن را به مقر اصلی آن باز برد، به همین جهت شعله‌ی آتش به‌سوی حیّز طبیعی خود که بر زیر هوا است به حرکت درمی‌آید. پس طبیعت وقتی جسم را به حرکت درآورد که درجایی باشد که بالطبع او ملایم و سازگار نیست. بنابراین حرکت طبیعی برای آن است که جسم به حالت طبیعی خود بازگردد و درواقع نوعی گریز است از حال ناموافق به‌سوی حال موافق.

بدین ترتیب طبیعت عنصری، خود مبدأ حرکت است و همین طبیعت است که جسم را به حرکت درمی‌آورد. لذا این طبیعت چیزی است غیر از هیولی و صورت جسمیه. پس اختلاف آب‌وآتش به‌هیچ‌وجه در صورت جسمیه (یعنی قبول ابعاد سه‌گانه) نیست و ازاین‌جهت آب را با آتش تفاوتی نیست. هر دو جسم‌اند یعنی جوهر قابل ابعاد سه‌گانه هستند و اختلاف آن‌ها در طبیعت عنصری آن‌هاست. یعنی آن‌یکی دارای طبیعت مائی است و این‌یکی دارای طبیعت ناری. پس جسم خود را به حرکت درنمی‌آورد، زیرا چیزی ممکن نیست از یک‌جهت هم محرک باشد و هم متحرک. درواقع طبیعت عنصری، مبدأ حرکت است و جسم پذیرای حرکت.

هم‌چنین درباره عناصر چهارگانه یا طبقات عالم مادی آمده است که اجسام بر دو گونه‌اند: ۱) اجسام بسیط و اجسام مرکب. جسم بسیط آن است که همه‌ی اجزای آن متشابه و یکسان باشد و آن منحصر است به جرم افلاک و عناصر چهارگانه‌ی خاک و آب‌وهوا و آتش. عناصر چهارگانه قبول کون و فساد می‌کنند درحالی‌که افلاک کون و فساد نمی‌پذیرند. ولی جسم مرکب جسمی است که از اجزای ناهمسان تشکیل یافته مانند نبات و حیوان که از عناصر بسیط تشکیل یافته‌اند. درواقع شکل اصلی و طبیعی هر یک از عناصر بسیط شکل کروی است و طبقات آن بدین ترتیب است که خاک به شکل کره‌ای در مرکز عالم قرار دارد.آب نیز به شکل کره است و از هر سو به زمین احاطه دارد. زمین و آب را می‌توان بر روی‌هم یک کره دانست که در مرکز عالم است و بر چیزی تکیه ندارد و ساکن است و افلاک به گرد آن می‌گردند. اطراف زمین و آب را کره‌ی هوا از هر سو احاطه کرده است. فراتر از کره‌ی هوا کره‌ی آتش قرار دارد که جسمی است شفاف و بی‌رنگ و سبک‌تر از هوا و کاملاً

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ماوراء است. پس‌ازآن فلک قمر واقع است که از هر سو بر کره‌ی آتش احاطه دارد. فلک قمر مانند فلکه‌ای دیگر جسمی است کاملاً شفاف، مانند یک حباب شیشه‌ای که ماه همچون گُهری در آن نصب‌شده است. درواقع ماه از خود نوری ندارد و نور خود را از خورشید که در فلک چهارم است می‌گیرد و با چرخش فلک خود به گرد زمین می‌گردد. ما در درون فلک قمر هستیم و فلک قمر از هر سو از ورای کره‌ی آتش‌بر ما احاطه دارد.

نکته‌ی قابل‌توجه که نصر (۱۳۷۷) به آن اشاره دارد اینکه عالم کون و فساد که همان منطقه **تحت القمر** است ناحیه‌ای است که در آن صورت و ماده به نحو انفکاک‌ناپذیری با یکدیگر ترکیب یافته است. برعکس عالم علوی که عالم مجردات است در جهان کون و فساد هیچ صورتی بدون ماده و هیچ ماده‌ای بدون صورت وجود ندارد و همین لزوم ترکیب صورت و ماده است که باعث تحولات دائمی می‌شود. ماده صورت را رها می‌کند و صورت دیگری می‌پذیرد و این جریان بی‌انتها و پایان است. هم‌چنین عالم تحت القمر در داشتن حرکت از افلاک که فقط حرکت مستدیر دارند ممتاز است، وانگهی همه‌ی موجودات عالم کون و فساد از چهارعنصر آتش، هوا و آب‌وخاک که هر یک دارای دو طبع است ترکیب یافته است. آتش گرم است و خشک، هوا گرم و تر،آب سرد و تر و خاک سرد و خشک. کیفیات دیگر اشیاء از این طبایع سرچشمه می‌گیرد چنان‌که نرمی از رطوبت است و سفتی از یبوست. چهارعنصری که اساس مرکبات این عالم است از یک ماده که صور گوناگون می‌پذیرد ترکیب‌شده است و به این دلیل عناصر دائماً به یکدیگر مبدل می‌شود. این تبدیل با طرد یک صورت و پذیرش صورت نوینی انجام نمی‌پذیرد.

هم‌چنین به گفته‌ی خوانساری (۱۳٦۳) پس از فلک قمر به ترتیب فلک‌های سیارات دیگر قرار دارد و هر وسیله خود دارای فلک مستقلی است. بالاتر از افلاک سیارات هفتگانه، فلک ثوابت است که بقیه‌ی ستارگان بر او نصب است و فراتر از آن فلک اطلس که محیط بر همه‌ی افلاک است. پس در جهان‌بینی ابن‌سینا سایر حکمای اسلامی به تبعیت از ارسطو عالم مادی بِسان لایه‌های پیاز تودرتو است و هر طبقه محیط بر طبقه‌ی داخلی است. به‌طورکلی این اجسام یکپارچه، وجود است. به یکدیگر متصل و هیچ گشادگی و فرجه‌ای اجزای عالم را از یکدیگر جدا نمی‌کند. به‌عبارت‌دیگر خلأ وجود ندارد و سراسر عالم ملأ و توپراست. بدین ترتیب «تغییرات و تحولات در کره زمین به علت از

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بین رفتن اعتدال اولیه است بین عناصر و به وجود آمدن اجسامی که هر یک کوشش می‌کند به مکان اصلی خود بازگردد»(نصر،۱۳۷۷،ص۳۷۲).

نکته‌ی قابل‌توجه اینکه عناصر چهارگانه معمولاً به حال بساطت نمی‌مانند و در هم می‌آمیزند که از آمیزش آن‌ها موجودات گوناگون به وجودمی‌آید. نخستین آمیزش، آمیزش معدنی‌ات است مانند زر و سیم و یاقوت و زمرد و نمک و نفت و.... وقتی ترکیب بهتر و شایسته‌تر باشد، جسم مستعد قبول نفس نباتی می‌شود و به‌صورت نبات درمی‌آید که از جهات مختلف از اجسام بی‌جان ممتاز است. وقتی ترکیب بیش از ترکیب نبات به‌اعتدال و کمال نزدیک بود، جسم مستعد قبول نفس حیوانی می‌شود و با داشتن حس و حرکت بر نبات تفوق می‌یابد. پس‌ازآن اگر بازهم ترکیب شایسته‌تر و به کمال نزدیک‌تر بود موجود به داشتن نفس ناطقه انسانی تشرف می‌یابد. بدین‌جهت معدنی‌ات و نباتات و حیوانات را موالید ثلاثه (یعنی فرزندهای سه‌گانه) می‌نامند ک از تأثیر فلکیات در عناصر چهارگانه زاده می‌شوند.

درباره‌ی نفس حیوانی نکته‌ی حائز اهمیت اینکه دارای دو **قوه‌ی محرکه و مدرکه**[۱۱۱] است. این دو قوه هر دو کارگزار نفس حیوانی‌اند و عمل آن‌ها از یکدیگر جدا نیست بلکه مکمل یکدیگر است همین‌که حیوان چیزی را احساس کرد یا تخیل کرد میلی در آن برانگیخته می‌شود و این میل موجود را به فعل و حرکت برمی‌انگیزد و این فعل یا جستن و طلب کردن یعنی به‌سوی چیزی رفتن است، یا گریختن و از چیزی دور شدن. بنابراین همین‌که حیوان از راه ادراک احتیاج به یافتن چیزی، یا احتیاج به اجتناب از چیزی در خود یافت به جنبش درمی‌آید(خوانساری،۱۳٦۳).

هم‌چنین به گفته‌ی نصر(۱۳۷۷)، قبل از پرداختن به بحث الهیات در نظر ابن‌سینا باید اذعان داشت که در برخی از آثار، وی این‌گونه می‌گوید، اولین عنصر این جهان در اصل نقطه بود که تحت فعل طبیعت درآمد و به خط و سطح و بالاخره به جسم مبدل شد. جسم به‌نوبه‌ی خود تحت تحریک طبیعت و تدبیر نفس قرار گرفت و به اشکال کامل هندسی مانند دایره، مثلث، فلک اعلی به وجود آمد و به آن عقل و فعل افزوده شد از آن قسمت که صفای کمتر داشت فلک بعدی و به‌این‌ترتیب سایر

۱۱۱. قوه ی محرکه حیوان رابه حرکت در می آورد و قوه ی مدرکه کارش ادراک یعنی دریافت و آگاهی است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

افلاک به وجود آمد تا اینکه در فلک قمر صفا و پاکی جسم اولیه خاتمه یافت و کثافت و کدورت بر آن غلبه کرد. به همین جهت دیگر این جسم قادر به پذیرفتن صورت فلکی نبود و به‌صورت عالم کون و فساد درآمد.

اما باید اذعان داشت که در مباحث مربوط به تکوین عالم نظر او بیشتر متوجه چگونگی صدور و افاضه‌ی موجودات از مبدأ هستی است. به‌این‌ترتیب وی در برخی از آثار خود جهان را به نور خورشید و وجود باری‌تعالی را به خود خورشید تشبیه کرده است. این عقیده تا حدی از تعبیر ظاهری معتقدات دینی و منظر متکلمین به دور است و فقط می‌توان آن را با جنبه‌ی درونی و باطنی دین تلفیق داد. وانگهی در این عقیده به نظریات اشراقی سهروردی و وحدت وجود عرفای مکتب ابن عربی نزدیک است چون آنان هم معتقدند که ممکن نیست دو واقعیت یا هستی کاملاً مجزا و ممتاز وجود داشته باشد، ازآنجاکه این امر عین شرک و انکار توحید است. البته بین وحدت وجود عرفا و حکما اختلاف است و فقط در این امر باهم شریک‌اند که منکر تحقق دو واقعیت کاملاً مستقل از یکدیگرند. بنابراین هستی عالم نمی‌تواند کاملاً از هستی مطلق جدا و مجزا باشد.

خوانساری (۱۳٦۳)می‌نویسد، ابن‌سینا در مباحث آموزشی خود همه‌جا نخست به حکمت طبیعی پرداخته و سپس به حکمت الهی (الهیات) پرداخته است. درواقع الهیات عبارت است از **موجود بماهو موجود** یعنی موجود از حیث موجود بودن. دراین‌باره می‌توان گفت که خود وجود هم از حیث وجود بودن دارای خصوصیاتی است از قبیل وحدت در کثرت، علیت و معلولیت، حدوث و قدم، جوهریت و عرضیت. یعنی هر موجودی فقط از حیث موجود بودن ناچار یا واحد است یا کثیر یا علت است یا معلول یا حادث است یا قدیم و این امور از خواص و اوصاف نفس وجود است و همین‌ها است که مطالب علم الهی را تشکیل می‌دهد.

نکته‌ی قابل‌توجه اینکه ابن‌سینا (۱٤۰۰)، در مبحث الهیات به چگونگی تقابل میان کثیر و واحد پرداخته است. به نظر وی تقابل از انواع تضاد است. وی بر این باور است که تقابل میان وحدت و کثرت از انواع تقابل نیست زیرا وحدت مقوم کثرت است درحالی‌که اضداد هیچ‌گاه مقوم یکدیگر نیستند بلکه ابطال و نفی ضدشان می‌شوند. اما ممکن است برخی قائل به آن باشند که وحدت و

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

کثرت شأنشان و جایگاهشان همین است. بنابراین ضرورت ندارد که گفته شود که یک شیء زمانی ضدش را باطل می‌کند که آن را در موضوعش منحل کرده باشد. ازاین‌رو وحدت در جایگاه خودش زمانی کثرت را باطل می‌کند که در آن کثرت از موضوعیتش خارج شود و این بر اساس آن جوازی است که تعرض وحدت و کثرت به آن موضوع داده می‌شود. هم‌چنین باید اذعان داشت که به‌طورقطع کثرت با وحدت حاصل می‌گردد. پس کثرت بطلانش به ابطال وحدت‌های مرتبط با آن است. بنابراین کثرت به‌خودی‌خود و بالذات و به‌طور اولیه باطل نمی‌شود. پس ابطال در مرحله‌ی اول به واحدها عرضه می‌شود و سپس همراه با واحدها کثرت باطل می‌گردد.

در توضیح و بسط همین مطلب می‌توان به نقل از خوانساری(۱۳۶۳) اذعان داشت که جفت بودن و فرد بودن و دایره بودن و مثلث بودن و امثال آن، عارض هستی می‌شود، نه از حیث هستی صِرف بلکه از حیث آن است که آن هستی دارای کمیت است و از جهت اینکه کم متصل یا منفصل است، متّصف به این اوصاف می‌شود. همچنین سفیدی و سیاهی که عارض موجود می‌شود از حیث موجود بودن آن نیست بلکه از جهت آن است که آن موجود، موجودی است جسمانی و پذیرای حرکت و تفسیر. بنابراین موجود دارای یک سلسه اعراض و اوصاف ذاتی است که اوصاف خود موجود است و همین اوصاف مطالب علم الهی را تشکیل می‌دهد. بااین‌وجود یکی از مباحثی که در الهیات به آن پرداخته می‌شود امور عامه است یعنی بحث از اعراض و خواص موجود بماهو موجود، مانند کلی و جزئی و فعل و قوه، واحد و کثیر و حادث و قدیم و علت و معلول.

بدین ترتیب به گفته‌ی نصر(۱۳۷۷) انسان فقط با علم به‌صورت اشیاء که همیشه در عقل به‌صورت کلی محفوظ است می‌تواند به سلسله‌مراتب وجود پی برد و از هستی اشیاء آگاه شود و همین علم او به موجودات است که صور را از عالم کثرت منتزج می‌سازد و به جهان مجردات بازمی‌گرداند. علم حقیقی به اشیاء علم به جنبه‌ی وجودی آن‌هاست و همین وجود است که اشیاء را باهم متحد می‌سازد درحالی‌که ماهیت منشأ کثرت و افتراق و جدائی است. درعین‌حال وجود واجب که وجود محض و صرف است ماوراء هرگونه تعیّن و تشخّص قرارگرفته است گرچه وجود همه‌ی موجودات از او سرچشمه گرفته و به‌وسیله‌ی او به دیار هستی سوق داده‌شده و از برکت افاضه‌ی او از نعمت وجود برخوردار شده‌اند (جدول شماره ٦٠-٤).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول ٦٠-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (تضاد و هماهنگی) بر اساس مباحث فکری ابن‌سینا.

مقوله	تعریف	نتیجه	تحلیل
صغیر و کبیر	دو امر متقابل با یکدیگر، نه ضد یکدیگر. قابل‌جمع با یکدیگر نیستند.	سیر آرام آرم (متحرک). یعنی حدومرز بین صغیر و کبیر، در حرکت است. حرکت بین امور متضاد(متقابل) صورت می‌گیرد.	لازمه‌ی وحدت، دو امر متضاد ست. یادآوری مفهوم وحدت در کثرت، و میل همه کثرات و و حرکت آن‌ها به‌سوی واحد.
عناصر چهارگانه	هرکدام دارای خیری هستند. هرکدام در جای خود قرار دارند. مثل خیر خاک زیر همه‌ی عناصر است. هرکدام دارای دو طبع هستند. آتش: گرم و خشک. هوا: گرم و تر. آب: سرد و تر. خاک: سرد و خشک.	میل طبیعی‌اش باعث دوری از حیّز خود و بازگشت به حیّز اصلی. حرکت لازمه رسیدن به حالت طبیعی هر چیزی. چهارعنصر از یک ماده که صور گوناگون می‌پذیرد ترکیب‌شده. عناصر ذاتاً در حال تبدیل به هم‌اند. تبدیل با ترد یک صورت و پذیرش صورت نوین انجام می‌شود.	چون هستی عالم نمی‌تواند کاملاً از هستی مطلق جدا باشد. نیل به وحدت با رعایت تعادل بین عناصر امکان‌پذیر است. نتیجه امر نیل به واحد اصلی است.
آب‌وآتش	دو عنصر مختلف ازنظر جنسی. اختلاف در طبیعت عنصری.	-	
عالم تحت القمر کون و فساد	-	-	
کثیر و واحد	وحدت مقوم کثرت است. کثرت با وحدت حاصل می‌شود.	بنابراین وجود کثرات وابسته به واحدها است.	اهمیت داشتن کل واحد.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

سهروردی

با توجه به اینکه اشراق در الفاظ و معانی و اصطلاحات و قواعد منطق مشاء تغییراتی داد، در حکمت نیز اصطلاحاتی جدید وضع کرد بدین‌جهت در باب اصالت ماهیت و اعتباریت وجود بر این باور است که موجود مرکب از وجود ماهیت است، حکمای مشاء معتقد به اصالت وجود و اعتباریت ماهیت بودند یعنی که منشأ آثار خارجی و اثر جاعل را وجود شی می‌دانستند نه ماهیت آن و ماهیت را امری اعتباری و انتزاعی می‌دانستند که حد وجود و مُنتَزج از آن است. اما قاعده‌ی اشراق برعکس، قائل به اصالت ماهیت و اعتباریت وجود است یعنی که منشأ آثار خارجی و اثر جاعل نفس، ماهیت است و وجود امری اعتباری و انتزاعی است.

شیخ اشراق با قول به اصالت، ماهیت عالم را مرکب از ماهیات می‌داند و آن‌ها را به اعتباری به نور و ظلمت تقسیم می‌کند. مقصود از نور ظهور است و مقصود از ظلمت عدم نور و ظهور، به‌طور مطلق است. بنابراین تقابل نور و ظلمت تقابل تضاد نیست بلکه تقابل وجود و لاوجود است. هم‌چنین اشتراک انوار باهم در نورانیت است و امتیازشان از هم نیز در نورانیت است. درواقع نسبت نور به ظلمت مانند نسبت ظهور به خفا و نسبت وجود به عدم است و بالاخره ظهور نور به ذات خود و ظهور اشیاء با نور است. بنابراین در حکمت اشراق تقریباً نور مترادف و مساوی باوجود است و حکمت شیخ اشراق حکمت نور است همان‌طور که حکمت ملاصدرا، حکمت وجود است. مورد دیگری که اصل اساسی در حکمت مشاء نیز محسوب می‌شود اینکه جسم مرکب از هیولی و صورت است اما شیخ اشراق این اصل را نمی‌پذیرد و جسم را جوهری بسیط می‌داند که حقیقتش مقدار است و قابل ابعاد سه‌گانه طول و عرض و ارتفاع است(جهانگیری،۱۳۶۳).

در رساله **فی حقیقه العشق** نیز سه‌گانه حُس، عشق و حُزن که منشأ مابعدالطبیعه دارند و از عقل کل ناشی شده‌اند صحبت می‌کند. این حقانیم سه‌گانه، سه اصل آسمانی‌اند که یک‌بار در داستان آدم و ملائکه و بار دیگر به نحو کامل‌تر در داستان یوسف (ع)، یعقوب(ع) و زلیخا متجلی می‌شده‌اند. سه‌گانه حُس، عشق و حزن در اندیشه اشراقی از چشمه‌سار واحدی نشئت‌گرفته‌اند که گوهر تابناک

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

عقل است و حسن (زیبایی) هیچ‌گاه از عقل منفک نیست. بدین‌جهت سهروردی نیز مانند افلاطون اصل زیبایی زمینی را در اقنوم آسمانی حُسن جستجو می‌کند.

صحبت دیگری که در گفته‌های سهروردی قابل‌توجه است، آینه است. درواقع سهروردی در مباحث معرفت‌شناسی، آنگاه‌که نظریه اشراقی انصار را مطرح می‌کند و نظریات رایج در ابصار را نقد و رد می‌کند به آینه و صور مرئی در آن نیز می‌پردازد. درهرحال آینه و صور ظاهر در آن در معرفت‌شناسی ادراک خیالی از چنان جایگاهی برخوردار است که حتی هانری کربن، علم خیال را همان علم مرایا، علم به همه سطوح آینه گون و علم به همه صورت‌هایی که در آن‌ها نمودار می‌شود، معرفی می‌کند. هرچند صور در آینه ظاهر می‌شوند ولی واقعاً در آینه نیستند و همه به عالم مثال تعلق دارند لذا این علم هم علم مرایا و هم، علم کشف‌ها و شهودهاست. بدین ترتیب بورکهات نیز اذعان دارد که آینه نزدیک‌ترین رمز مشاهده معنوی و درواقع عرفان طور کلی است چراکه وحدت شاهد و شهود را نشان می‌دهد. درواقع رمز آینه به‌اندازه خود آینه روشنگر است، رمز آینه بازتاب مشهود مثال و قوه‌ی خیال است (جدول شماره ٦١-٤)(کمالی زاده، ١٣٨٩).

جدول ٦١-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (تضاد و هماهنگی) بر اساس مباحث فکری ابن‌سینا.

مقوله	تعریف	نتیجه	تحلیل
مرکب از ماهیات (نور و ظلمت)	نور ظهور است و ظلمت عدم نور و ظهور. نسبت نور به ظلمت مثل نسبت ظهور به‌حق و نسبت وجود به عدم است. اشتراک در نورانیت است.	تقابل نور و ظلمت، تقابل تضاد نیست. تقابل وجود و لاوجود است.	دو عنصر متضاد با داشتن یک اشتراک، نیل به وحدت.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ١٩٥٩٢٩/و تاریخ ١٣٩٥/٩/٦) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (١٣٤٨) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فلسفه ملاصدرا[۱۱۲] یا حکمت متعالیه

به نقل از سجادی(۱۳۷۹)، ملاصدرا در **بحث واحد و کثیر** برای این باور است که وحدت همانند و هم‌طراز باوجود است و در حقیقت وحدت عین وجود است. ازجمله خصوصیات وحدت، تجانس، تماثل، تشابه، تساوی و تناسب است و وحدت شایبه و رنگی است از کثرت زیرا در هر دو چیز در عین وحدت و اتحاد، در هر جهتی از جهات، به علت دو چیز بودن کثرتی است، همان‌طور که در کثرت که مقابل وحدت است از قبیل غیریت و خلاف و تناقض و تضاد، شایبه و رنگی است از وحدت زیرا در هر کثرتی که مابین دو چیز است، چه به‌عنوان تغایر و یا به‌عنوان مخالف و یا تناقض و یا تضاد و یا به‌عنوان دیگری از عناوین تقابل، یک نوع وحدتی است لااقل از وحدت در وجود و یا وحدت در مفهوم شیئیت، به‌خصوص که بنابر عقیده ما وجود در کلیه موجودات دارای حقیقت واحدی است (جدول شماره ٦٢-٤).

جدول٦٢-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (دو امر متضاد و هماهنگی) در مبحث **واحد و کثیر** از منظر ملاصدرا

مؤلفه	تعریف	نتیجه	تحلیل
کثرت بین دو چیز (وحدت در کثرت)	این کثرت عناوین مختلفی از تقابل است (همچون: تغایر، تخالف، تناقض و تضاد)	نهایتاً نیل به وحدت دارند (کثرت در وحدت) (خصوصیات وحدت: هویت، تجانس، تماثل، تشابه، متساوی و متناسب)	لازمه‌ی رسیدن به وحدت، تقابل دو چیز است

هم‌چنین در مبحثی که برای وحدت، **دو قسم** یعنی **وحدت حقیقه و وحدت غیر حقیقه**، قائل است نیز می‌توان ریشه‌های مؤلفه‌های وحدت را دریافت. درواقع وحدت غیر حقیقه به این معناست که امور متعددی در امر واحدی مشترک باشند که آن امر واحد جهت وحدت و اتحاد مابین آن امور است و این امر واحد که جهت وحدت و اتحاد امور مذکور است یا امری است **مقوم ذات** و ماهیت آن‌ها، از قبیل جنس و فصل و نوع، یا امری است **عارض بر ذات** آن امور، از قبیل کم و کیف و سایر

۱۱۲. محمد بن ابراهیم شیرازی معروف به صدر المتالهین، متوفی ۱۰۵۱ هجری از بزرگ ترین فلاسفه اسلامی است (احمدی،۱۳٦۳).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

اعراض. واضح است که جهت اتحاد در این امور بازمی‌گردد به آنچه دارای وحدت حقیقیه است زیرا نوع، جنس، کیفیت، کم، وضع و اضافه که جهت وحدت در امور نامبرده‌اند، هرکدام واحد به وحدت حقیقه اند لاکن برای وحدت حقیقه نیز مراتبی است مختلف از حیث شدت و ضعف و قوی‌ترین امور در اتصاف به صفت وحدت حقیقه، آن امری است که هیچ‌گونه کثرتی در آن به‌هیچ‌وجه وجود ندارد، مانند ذات واجب‌الوجود و وحدت که مبدأ اعداد است (جدول شماره ٦٣-٤).

جدول٦٣-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (دو امر متضاد و هماهنگی) در مبحث **وحدت حقیقه و غیر حقیقه از منظر** ملاصدرا.

مؤلفه	تعریف	نتیجه	تحلیل
امور متعدد	مشترک در یک امر واحد. امر واحد امری است : ١)مقوم به ذات ٢)عارض بر ذات موارد قابل اشتراک چون: نوع، جنس، کیف، کم، وضع و اضافه.	باید عامل مشترک وجود داشته باشد. عامل مشترک واحد به وحدت حقیقه است(وحدت حقیقه هیچ کثرتی ندارد) موارد قابل اشتراک عامل وحدت در امورند.	لازمه وحدت، امور متعدد است. امور متعدد برای نیل به وحدت نیازمند به یک وجه اشتراک‌اند.

به گفته‌ی احمدی(١٣٦٣)، در بحث **اصالت وجود** نیز صحبت از مغایرت و دوگانگی وجود و ماهیت نسبت به یکدیگر یا زیادت وجود بر ماهیت شده است. درواقع ماهیت و وجود در ذهن دو چیز مغایرند و یکی عین دیگری نیست و این در حالی است که در خارج از ذهن وجود عین ماهیت است. بنابراین مسئله‌ای که دراین‌بین حائز اهمیت است اینکه دو چیزی که در ذهن باهم مغایرند چگونه ممکن است در خارج از ذهن عین یکدیگر باشند. اما ازاینجا به بعد ملاصدرا بحثی با عنوان اصالت وجود یا ماهیت دارد وی دلایل متعددی برای اصالت وجود بیان کرده که یکی از آن‌ها حائز اهمیت است. اینکه هر ماهیتی با ماهیت دیگر با لذات متباین است و مثلاً ماهیت درخت با ماهیت سبزی کاملاً فرق دارد و از آن حیث که هر دو ماهیت‌اند، هیچ‌وجه مشترکی باهم ندارند، حال اگر یک حقیقت عینی و اصیل نباشد که این ماهیت را به هم بپیوندد و متحد سازد چگونه می‌توان یکی از آن‌ها را بر دیگری حمل کرد. بنابراین حقیقت اصیل واحدی لازم است که وسیله‌ی ارتباط ماهیت به

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ١٩٥٩٢٩/و تاریخ ١٣٩٥/٩/٦) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (١٣٤٨) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

یکدیگر باشد و آن همانا وجود است. نکته‌ی قابل‌توجه اینکه وجود حقیقتی است واحد که درجات شدت و صفت و به‌اصطلاح مراتب تشکیکی دارد، عالی‌ترین مرتبه‌ی آن، ذات پاک خداوند است و نازل‌ترین آن ماده المواد یا هیولی است (جدول شماره ٦٤-٤).

جدول٦٤-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (دو امر متضاد و هماهنگی) در مبحث **اصالت وجود از منظر** ملاصدرا.

مؤلفه	تعریف	نتیجه	تحلیل
دو ماهیت متباین با یکدیگر(مثل ماهیت سبزی و ماهیت درخت)	تنها وجه اشتراک ماهیت بودن هر دو است.	عامل اتحاد و پیوند این دو، حقیقت اصیل واحد (یعنی وجود).	دو امر متباین به همراه وجود (به‌عنوان عامل هماهنگی) به وحدت می‌رسند.

سجادی(۱۳۷۹) نیز به بحث **تقابل تضاد** از منظر ملاصدرا می‌پردازد. درواقع یکی از اقسام تقابل تضاد است که نسبتی مابین متضادین است و متضادها دو امر وجودی و ثبوتی‌اند که هر دو موضوع واحد درآن‌واحد جمع نشوند و مابین هر دو امر، غایت و مخالفت باشد. بدین‌صورت که در اصطلاح حکمای الهی تفسیر شده و به‌عنوان دو امری هستند که بر موضوع واحدی تعاقب کنند. یعنی هریکی در تعاقب دیگری و بعد از زوال آن، در موضوع واحد قرار گیرند بدون اینکه اجتماع هر دو در موضوع واحد ممکن باشد همان‌طور که در اصطلاح علمای منطق تفسیر شده، مانند سواد و بیاض. بنابراین می‌توان گفت تقابل تضاد، عبارت از تقابل بین دو امر وجودی است که بین آن‌ها نهایت بُعد باشد مانند سفیدی و سیاهی. هم‌چنین شرط متضاد بودن دو امر است، اینکه هر دو واقع، تحت یک جنس واحد باشند. این در حالی است که وجود را نه جنس است و نه نوع. پس وجود را ضدی نیست زیرا این وجود و وجود دیگر غایت بعد هم نیست و هیچ طبیعی عام‌تر و مطلق‌تر از وجود نیست و تصور اینکه در وجود متضاد باشند که تحت جنس واحد باشند ناممکن است.

درواقع در فلسفه اسلامی، ضدین را این‌طور تعریف می‌کنند که دو ضد، دو امر وجودی غیر متضایف است که در جنس قریب مندرج است و میان آن‌ها نهایت اختلاف وجود داشته باشد، یکی پس از دیگری بر موضوع واحد وارد شود و اجتماع آن‌ها محال اما ارتفاعاتشان ممکن باشد مانند

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تلخی و شیرینی. طبق این تعریف، یک امر وجودی و یک عدمی مانند کوری و بینائی و هستی و نیستی، ضد هم نیستند. همچنین شوری و سفیدی یا سنگینی و کوتاهی را که هرکدام از یک مقوله است و دوتای آن‌ها در جنس قریب مندرج نیست و در محمل واحد قابل اجتماع‌اند و نمی‌توان ضد یکدیگر نامید (جدول شماره ٦٥-٤).

جدول٦٥-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (دو امر متضاد و هماهنگی) در مبحث **تقابل تضاد از منظر** ملاصدرا.

مؤلفه	تعریف	نتیجه	تحلیل
دو امر وجودی در تقابل با یکدیگر	هر دو تحت یک جنس واحد. پس دارای یک اشتراک. خود وجود را ضدی نیست و واحد است.	دو امر وجودی متقابل به همراه امری مشترک به وحدت می‌رسند.	نتیجه‌ی تقابل دو امر متضاد، جمعی وحدت یافته است

درنهایت می‌توان به بحث **حرکت جوهری** و **طبیعت حرکت** پرداخت. دراین‌باره احمدی می‌نویسد، منظور از حرکت جوهری این است که حرکت در ذات و گوهر سرتاسر اشیاء مادی است و تمام عالم ماده از عرض گرفته تا جوهر، سراسر مشمول حرکت است، هرچند این حرکت در یکجا به‌سرعت و در جای دیگر به‌کندی صورت می‌گیرد. مثلاً تحول حیوان و گیاه سریع‌تر از تحول سنگ و آهن انجام می‌گیرد. از سوی دیگر چون حرکت، پدیده و نمودی است که بدون پدیدآورنده امکان ندارد، پس عالم ماده در ذات و گوهر خود هرلحظه نیازمند به پدیدآورنده‌ای غیرمادی است. درواقع هرکجای عالم که دست بگذاریم، حتی همان‌جایی که به‌ظاهر پایدار و ثابت می‌نماید، درواقع سیال و متحرک بلکه عین حرکت است، زیرا اگر ثبات و بقایی به آن نسبت می‌دهیم ازآن‌جهت است که جوهر است و گفتیم که جوهر هم، متحرک است. البته این حرکت از مبدأ یا محرک غیرمادی سرچشمه می‌گیرد و درمجموع به‌سوی کمال غیرمادی سیر می‌کند و به آن مبدل می‌شود.

طبیعت حرکت نیز این است که هرلحظه غیر از لحظه‌ی پیش باشد و هر صورت تازه‌ای که پدید می‌آید با صورت قبلی و بعدی متفاوت باشد. از این صورت‌های متوالی تازه‌ای دو صورت باهم جمع نمی‌شود و تنها ذهن است که وقتی صورتی را دریافت، آن را حفظ می‌کند و بعدازآنکه این صورت

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ١٩٥٩٢٩/و تاریخ ١٣٩٥/٩/٦) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (١٣٤٨) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

ناپدید شد و صورت تازه‌ای پدید آمد آن‌ها را کنار هم می‌گذارد و آن‌ها را غیر هم می‌یابد وگرنه هیچ‌کدام از آن‌ها در خارج از ذهن با دیگری اجتماع نمی‌کند و عدم یا ضد دیگری نیست. بنابراین در اینجا از خود حرکت صورت‌ها یا ماهیت‌هایی به دست می‌آید که هرکدام با دیگری متفاوت و مغایر است و به‌عبارت‌دیگر حرکت علت پیدایش صورت‌هایی است که هرکدام غیر از دیگری است اما اصطلاحاً نمی‌توان آن‌ها را ضد هم نامید.

در ادامه صحبت از بعد چهارم ماده است زیرا وقتی ثابت شد که حرکت در جوهر و ذات شی وجود دارد و از طرفی در تعریف زمان گفته شد، زمان مقدار حرکت است پس این مقدار حرکت یا زمان در ذات و گوهر شی، وجود دارد یعنی هر چیزی را که در نظر بگیریم باید آن را بازمان یعنی با حرکتش لحاظ کنیم و الا ناقص است. بنابراین زمان یک واقعیت عینی جدا از اشیاء نیست که به مقوله‌ی ظرفی برای اشیاء باشد بلکه امری است اعتباری که از حرکت موجود در ذات شیء به دست می‌آید. بدین ترتیب آنچه واقعیت دارد همان حرکت است که در ذات و گوهر شی مادی وجود دارد (جدول شماره ٦٦-٤ و ٦٧-٤).

جدول٦٦-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (دو امر متضاد و هماهنگی) در مبحث **حرکت از منظر** ملاصدرا.

مؤلفه	تعریف	نتیجه	تحلیل
دو صورت ضد یکدیگرند	تنها در ذهن دو صورت باهم جمع می‌شوند ولی بیرون از ذهن ضد هم نیستند و باهم جمع نمی‌شوند.	شکل‌گیری صورت یا ماهیتی تازه که با دیگری متفاوت است. حرکت علت پیدایش صورت‌هاست، صورت‌هایی که غیر دیگری است ولی ضد دیگری نیست.	دو صورت متضاد توسط حرکت، به وحدت می‌رسند

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول٦٧-٤. مطابقت مؤلفه‌های اصل وحدت(تضاد و هماهنگی) با مباحث فکری ملاصدرا.

مقوله‌های	مطابقت	نتیجه	تحلیل
مبحث **واحد و کثیر** مبحث **وحدت حقیقه و غیر حقیقه** مبحث **اصالت وجود** مبحث **تقابل تضاد** مبحث **حرکت از**	دو مؤلفه ضد یکدیگر. دو مؤلفه دارای یک وجه اشتراک.	شکل‌گیری صورتی متفاوت. به‌واسطه‌ی آن امر مشترک، وحدت دو مؤلفه‌ی متضاد برقرار می‌شود. حرکت علل پیدایش است.	تقابل دو چیز بعلاوه وجه اشتراک (هماهنگی) ، وحدت را به همراه دارد.

ابن عربی[۱۱۳]

نوشته‌های پیش رو بر اساس دو کتاب **فتوحات مکیه** و **فصوص الحکم** وی تدوین‌شده است و می‌توان مفهوم موردنظر را در مباحث این دو کتاب موردبررسی قرارداد. به نقل از ابن عربی(١٣٨٦)، یکی از اندیشه‌های اصلی وی **اصل وحدت وجود** است که در فصل اول کتاب فصوص الحکم آمده است، درواقع وی نام دارترین و قوی‌ترین نظریه‌پرداز وحدت وجود در عالم اسلام است اما مبدع مبتکر آن نیست. دراین‌باره ضرورت دارد نخست به **عالم ممکنات** اشاره شود. درواقع وجود مطلق (واجب‌الوجود) و عدم مطلق هر دو لایزال‌اند. وجود مطلق پذیرای عدم نیست و عدم مطلق هم پذیرای وجود نیست، اما در فاصله‌ی میان وجود محض و عدم محض چیزی داریم به نام امکان که هم پذیرای عدم است و هم پذیرای وجود. درواقع برزخی است میان وجود و عدم که آن را عالم نامیده شده است. عالم هم موهوم است و هم وجود دارد و حتی واجب‌الوجود است یعنی نمی‌تواند که نباشد، چون عالم سایه‌ی وجود محض است و سایه از صاحب سایه تعقیب می‌کند. وجود محض

۱۱۳. ابن عربی متولد٦٣٨ میلادی است و در اندلس زندگی می کرد . کتاب فصوص الجکنم وی، معروفترین کتاب در عرفان نظری است و شرح های بسیاری از آن نگارش شده است (خوارزمی،١٣٨٧) هم چنین «کتاب فتوحات مکیه را در سال ٥٩٨در مکه شروع به نوشتن کرد و این کتاب عظیم دارای ٥٦٠ باب است» (ابن عربی، ١٣٨٦، ص ٣٠).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

همچنان که پذیرای عدم نیست پذیرای تعدد هم نیست. اما این تعدد و تکثری که در عالم می‌بینیم امری اعتباری است که در مقام نسبت و اضافه پیدا می‌شود. آن وجود لایزالی هم که ما حقش می‌نامیم به لحاظ ذات یکی بیش نیست و به اعتبار نسبت‌ها و اضافه‌ها اسماء مختلف و متکثر پیدا می‌کند و اعیان ممکنات مظاهر و مجالس اسماء صفات الهی‌اند.

اما در رابطه‌ی خدا و خلق از دیدگاه وحدت وجود، خلق عین حق است و نه چنان است که خالقی باشد و مخلوقی جدا از او. خالق و مخلوق از هم جدا نیستند. عالم وجود پرتو تجلی حق است. اصحاب عرفان برای تفهیم این معنی و تقریب ذهن مخاطبان به مثال‌هایی توسل جستند. از شناخته‌ترین آن‌ها نور است که در ذات خود واحد است و بسیط و بی‌رنگ ولی مظاهر و تجلیات آن متکثر است. به لحاظ شدت و ضعف و نیز به لحاظ الوان باهم متفاوت و مختلف می‌نماید. نور مهتاب با نور آفتاب، نور شمع با نور برق و نور قرمز با نور زرد و کبود فرق دارد. مثال دیگر در همین معنی تشبیه وجود حق است نه درباره تجلی حق چیزی است چون موج دریا. اگر دریا موج می‌زند، موج عین دریاست و غیر دریاست. بخاری که از دریا برمی‌خیزد و به شکل ابر در آسمان‌ها سفر می‌کند و به شکل برف و باران به زمین می‌ریزد و در جویبارها روان می‌شود و آنگاه جویبارها به هم می‌رسند و آخرسر باز به دریا می‌پیوندند. هر یک از آن‌ها به‌ظاهر وجود مستقل خود و حکم خاص خود را دارد و از دیگری جداست، اما دیده‌ی حقیقت‌بین در همه‌ی آن‌ها چیزی جز دریا نمی‌بیند، و آفرینش از دیدگاه وحدت وجود نمایشی از این‌سان است.

ابن عربی همچون افرادی دیگر برای بیان اندیشه‌ی وحدت وجود از مثال آینه بهره می‌جوید. او عالم آفرینش را به‌مثابه‌ی آینه‌ای می‌داند که حق در برابر آن به تماشای خود نشسته است. حق در این آینه عین خود را عیان می‌بیند. جلای این آینه از وجود انسان است. درواقع جلای آینه آن را به کمال می‌رساند و آینه‌ی عالم با آفرینش آدم به کمال می‌رسد. در تمثیلی دیگر ابن عربی عالم را آینه‌ای برای اسماء و صفات الهی تصویر می‌کند و آدم را آینه‌ی دیگری که صورت‌ها و نقوش عالم در آن نمودار می‌گردد. در اینجا دو آینه است و در دنباله‌ی این تعبیر است که ابن عربی عالم و آدم را قرینه‌ی یکدیگر می‌داند. هر چه در عالم است در آدم نیز هست و هر چه در آدم هست در عالم نیز هست فرشتگان در عالم در حکم قوای آدمی مانند، حس و خیال و عقل و وهم‌اند و هر یک

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

وظیفه‌ای را بر عهده‌دارند. بدین لحاظ آدم را می‌توان نمودار جان دانست و او را در برابر جهان که در عالم کبیر است، عالم صغیر نامید.

هر چه در عالم کبیر وجود دارد قرینه‌ی آن در عالم صغیر نیز وجود دارد. درواقع عالم نسخه‌ی مفصل کتاب وجود است و انسان نسخه فشرده‌ی آن. در وجود آدمی نیروها و توانایی‌هایی هست که قرینه‌ی نیروهای جهان خارج است اما هر یک از این قوا، چه در عالم و چه در آدم، تنها خود را می‌بینند و برتر از خود هیچ نمی‌شناسند زیرا نظام هستی چنان است که هر مرتبه‌ای از آن حجاب و پرده‌ی خود است هم‌چنین صورت‌های گوناگونی که در عالم نمودار است، مظاهر حقیقتی واحد است که آن واحد یگانه که حقش می‌نامیم واجب‌الوجود است، یعنی نمی‌شود که نباشد. با توجه به این‌که از دیدگاه وحدت وجود می‌توان محدثات رویه‌ی دیگر واجب‌الوجود دانست و مظاهر اسماء و صفات او در نظر گرفت. بنابراین پدیده‌های عالم وجود نسبت به هم متقابل‌اند، یکی بلندتر و یکی کوتاه‌تر، یکی فراتر و دیگری فروتر است و این پدیده‌ها چیزی جز وجوه وجودی حق نیستند. وجوه (چهره‌های) حق باهم متفاوت‌اند و درعین‌حال یکی هستند.

لذا می‌توان گفت خدا را نمی‌توان شناخت مگر با **جمع اضداد**. اگر خدا را اول و آخر و ظاهر و باطن خوانده است، این جز جمع اضداد چیزی نیست. بااین‌وجود ابن عربی برای روشن نمودن اینکه چگونه یک عین که جز حق چیزی نیست می‌تواند وجوه مختلف پیدا کند و هر یک از آن‌ها دیگری را نفی کند، مثالی می‌آورد. او می‌گوید که منشأ و مبدأ پیدایش اعداد، عدد یک است. یعنی عدد و معدود هر چه داریم وابسته به همان یک است. اگر یک را دو بار مکرر کنیم می‌شود دو، و اگر آن را صدبار مکرر کنیم می‌شود صد. پس اعداد چه در مرتبه‌ی آحاد و چه در مرتبه‌ی عشرات و چه در هر مرتبه‌ی دیگر، جز تکرار همان یک نیستند و از این لحاظ عین یکدیگرند اما در همان حال غیر یکدیگر هم هستند. دو یا سه یا هر عدد دیگر در هر مرتبه که باشد از باقی اعداد جدا و متمایز است. درواقع نفی هر عدد در عین اثبات آن است. همچنان که تنزیه حق عین تشبیه است. خلق از خالق جداست و جدا نیست. خالق عین مخلوق است و مخلوق عین خالق نیست. بنابراین به گفته‌ی کاکایی(۱۳۸۲)، ابن عربی، پارادوکس **هولا هو** راکه جمع ضدین است، اساس کل هستی می‌داند. جمع ضدین از خود خدا شروع‌شده و در کل عالم تجلی می‌نماید. درواقع عین، ضدین است و

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

می‌تواند هم ظاهر باشد و هم باطن، هم واحد هم کثیر، هم اول هم آخر. بنابراین زیربنایی‌ترین پارادوکس در مورد خداوند همان **جمع ضدین** یا **هولاهو** است.

هم‌چنین به گفته‌ی اوستین (۱۳۸٤)، موضوع جمع اضداد را در ارتباط بین **حق و عالم** می‌توان دید. بدین معنا که انسان در عقل و روحش، جلوه‌ای از حق است و در جسم و حیاتش، جنبه‌ای از خلق عالم و در روحش، جلوه‌ای از ارتباط بین حق و عالم می‌باشد. انسان در قلبش وحدت تغییرناپذیری را با حق ادراک می‌کند، که همان موضوع جمع اضداد است. درجایی خوارزمی (۱۳۸۷) نیز چنین می‌نویسد که این عالم، **کون و فساد** است. عالم شور و آفاق است. عالم تغییر و تبدیل است و اساس ثبات این عالم بر تغییر نهاده شده است و عالم تضاد است که مدام صور هیولی یکدیگر را باطل و ناقص کنند، به همین سبب شر و فساد پدید آید. این حرکتِ حیات عالم باشد و این عالم را زنده دارد.

حرکت در افلاک نیز نیست مگر به‌صورت شوقی و این **شوق** به گمان وی شوق دائم است و زوال‌ناپذیر. هم‌چنین این اختلاف سبب اختلاف تأثیرات و تدبیرات کواکب و اختلاف استعدادها شود. بدین منظور اختلاف استعدادها سبب اختلاف صور است. پس هر وضعی سبب صوری برای عالم عنصری شود و زوال آن وضع سبب زوال آن صورت است.

ابن عربی (۱۳۸٦)، بر این باور است که همان‌گونه که می‌تواند، **توالد و تناسل** در میان انسان‌ها از جفت‌گیری(نکاح) میان آن‌ها حاصل شود، اسماء و صفات الهی نیز باهم جفت‌گیری می‌کنند و درنتیجه تداخل و تناسخ آن‌هاست که عالم به ظهور می‌آید. او این نکاح معنوی در عالم بالا را مفتاح باب آفرینش می‌داند و آن را به نکاح اقدس و نکاح قدسی تقسیم می‌کند. بااین‌وجود ابن عربی آغاز آفرینش را این‌گونه توصیف می‌کند که چون خدا خواست که از ذات خود به‌مقتضای ذات خود برای ذات خود ظاهر شود ذات را بر دو بخش کرد اما این **دوگانگی** سبب تعدد در عین او نگردید. بخشی از واجب و قدیم و رب و فاعل نام نهاد و بخش دیگر را ممکن و حادث و عبد و منفعل نامید و اول چیزی که از این بخش دوم پدید آورد اسم آن را با **هبا** و **هیولا** و **قدرت** گذاشت. پس هبا، همان حق مخلوق یا هیولاست که اهل تحقق همان را عقل اول و روح محمدی و قلم اعلی خوانده‌اند.

هم‌چنین بحث **وحدت و ثنویت** در نوشته‌های وی حائز اهمیت است که درباره‌ی درهم سرشته شدن وحدت و ثنویت است: عالم غیب و عالم شهادت، عالم ظاهر و عالم باطن. خداوند نیز خود را

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

به اسماء و صفاتی چون ظاهر و باطن، لطف و قهر، رضا و غضب، جمال و جلال خوانده است. این دودستگی اسماء و صفات خداوندی است که در وجود انسان‌ها انعکاس یافته، ظاهر و باطن حق در آدمی به‌صورت جسم و جان جلوه‌گر شده، قهر و لطف او به شکل خوف‌ورجا درآمده و غضب و رضای حق هیبت و انس را در آدمی پدید آورده است. لذا آنجا که می‌گوید سرشت آدم را به چهل روز به دو دست خود سرشتم مقصود آن است که از هر دودسته صفات متقابل حق، نمونه‌ای در وجود آدمی هست. پس ساخت وجود آدمی نیز دوگانه است. او ظاهری دارد و باطنی، جسمی دارد و جانی، غیبی و شهادتی. بااین‌وجود تاروپود عالم هستی از چنین ثنویت متناقضی بنیاد سرشته است. کسوت وجود بافتی پارادوکسیکال دارد. درواقع وقتی ابن عربی از حجاب‌های ظلمانی و نورانی درهم‌تنیده حق سخن می‌گوید و انسان‌ها را اوصاف حق می‌شناسد و آدم را هم حق و هم خلق می‌داند، **فَهوَ الحَقُ الخَلقُ**، اشاره به این معناست.

در ادامه با استناد به کتاب **فتوحات مکیه**، ابن عربی (۱٤۳۲) نیز به مبحث ضدین پرداخته است. وی با اشاره به **شرق و غرب**، فاصله‌ی بین دو ضد را در نظر دارد زیرا به گفته‌ی وی دو ضد با یکدیگر جمع نمی‌شوند و جمع اضداد در صورتی ممکن است که حکم شامل **سیاهی و سفیدی** و محدث و غیر محدث باشد. درواقع مشرق هرچند ازنظر حسی از مغرب دور است ولی هر یک ضدش را در مقابل می‌بیند و این فاصله و دوری حسی است در هر دو جایگاه و باهم جمع نمی‌شوند درحالی‌که باوجوداینکه بین سیاه‌وسفید دوری است اما رنگ بین آن‌ها جمع می‌آورد. درواقع اصل رنگ‌ها سفید و سیاه است و سایر رنگ‌ها از آمیخته شدن سفید و سیاه به وجود می‌آیند. پس هرچه به سفیدی نزدیک‌تر باشد، مقدار سفیدی آن بیشتر از مقدار سیاهی است و بالعکس. سفیدی خالص است و با چیزی آمیخته نشده ولی در قرمز نظر عقل با حس از طریق وهم و خیال آمیخته‌شده است. بدین ترتیب قرمزرنگی است که از آمیخته شدن سفید و سیاه به وجود می‌آید.

بدین ترتیب آن دو چیزی که باهم تقابل دارند در صفتی باهم مشترک‌اند. سیاهی و سفیدی، هرچند باهم تقابل دارند اما اجتماع آن‌ها باهم امکان ندارد. هم‌چنین حرکت و سکون هرچند باهم تقابل دارند اما اجتماع آن‌ها ممکن نیست. درواقع جامع سفیدی و سیاهی رنگ است و جامع حرکت و سکون هستی است. هر دو ضدی که باهم تقابل یا اختلاف دارند، باید جامعی داشته باشند که در

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

آن جمع شوند. بدین‌صورت حرارت و رطوبت نیز با هم جمع شده و اصل آب ظهور پیداکرده است (جدول شماره ٦٨-٤).

جدول٦٨-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (تضاد و هماهنگی) بر اساس مباحث فکری ابن عربی.

مقوله	تعریف	نتیجه	تحلیل
عدم و وجود	وجود مطلق، پذیرای عدم نیست و عدم مطلق نیز پذیرای وجود مطلق نیست.	در فاصله این دوعالم امکان وجود دارد که ویژگی هر دو را دارد.	جمع ضدین (هولاهو)، اساس کل هستی است. کثرت در وحدت و وحدت درکثرت.
خالق و مخلوق	عالم وجود تجلی حق است. همچون نور و منبع نور، موج دریا و دریا..	پس به طاهر هرکدام وجود مستقل دارند. ولی در همه‌ی آن‌ها همان واحد(خالق) دیده می‌شود. جمع ضدین از خود خدا شروع شد و در عالم تجلی می‌نماید.	
عالم و آدم	قرینه یکدیگرند. هر چه در عالم هست در انسان هم هست و هر چه در انسان هست در عالم هم وجود دارد.		
عالم صغیر و عالم کبیر	هر چه در عالم کبیر است قرینه آن در صغیر است.	پدیده‌های عالم وجود نسبت به هم متقابل‌اند. پس وجوه حق باهم متفاوت‌اند ولی درعین‌حال یکی هستند.	
عدد یک و سایر اعداد	همه اعداد تکرار یک است. پس وجه اشتراکشان در این مورد است.		
حق و عالم	انسان در عقل و روح جلوه‌ای از حق است و در جسم و حیاتش جنبه‌ای از خلق عالم.		

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ١٩٥٩٢٩/و تاریخ ١٣٩٥/٩/٦) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (١٣٤٨) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مقوله	تعریف	نتیجه	تحلیل
عالم کون و فساد	عالم تغییر و تبدیل	اساس ثبات عالم بر تغییر است.	همگی نشانه اهمیت ضدین در نظام خلقت است.
صفات متقابل خداوند (لطف و قهر، ظاهر و باطن و ...)	تداخل و تناسخ صفات الهی. تداخل صفات الهی مفتاح باب آفرینش است. دودستگی صفات خدا در انسان انعکاس دارد. از هر دود دسته صفات متقابل حق نمونه‌ای در وجود انسان است.	پس ساخت وجود آدمی دو گانه است. دارای ظاهری و باطنی، جسمی و جانی، غیبی و شهادتی است. پس بنیاد عالم هستی از ثنویت است.	
وحدت و ثنویت. عالم غیب و عالم شهادت. عالم ظاهر و عالم باطن.	–	–	
شرق و غرب. سیاه‌وسفید. محدث و غیر محدث.	نشانگر فاصله‌ی دو ضد است. دو ضدی که باهم جمع نمی‌شوند. هرکدام ضدش را در مقابلش می‌بیند، ولی باهم جمع نمی‌شوند. تا اینکه سیاه‌وسفید در عنصر سوم (رنگ)، بین آن‌ها جمع می‌آورد.	پس اصل رنگ‌ها سفید و سیاه است و بقیه از آمیختگی این دو.	دو جنبه متقابل باهم در صفتی مشترک‌اند، اجتماعشان باهم امکان ندارد.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

علامه طباطبایی[۱۱٤]

بنا به شرح کتاب **بدایهٔ الحکمه علامه طباطبایی**، به نقل از زنجانی (۱۳۷٤) می‌توان مفهوم موردنظر را در معنای واحد و کثیر ازنظر وی موردبررسی قرارداد. وی درباره‌ی تعریف لفظی **واحد و کثیر** می‌نویسد، اشیاء ازاین‌جهت که قابل قسمت هستند، کثیرند و اشیاء ازاین‌جهت که قابل قسمت نیستند واحد هستند. بنابراین حیثیت واحد، عدم انقسام و حیثیت کثرت، انقسام است.

نکته‌ی قابل‌توجه اینکه در بحث **اسماء واحد غیرحقیقی**، وحدت در نسبت بین دو چیز را تناسب می‌نامند. بدین‌جهت با توجه به مفهوم اقسام واحد غیرحقیقی این بیان در راستای مفاهیم مدنظر قرار دارد. درواقع واحد غیرحقیقی شی ای است که متصف به وحدت است، منتها با عارض شدن غیر که حقیقی است و حقیقتاً وحدت را دارد بر این شیء که به تبع غیر که واحد حقیقی است، وحدت نیز عارض بر این شیء می‌گردد و درنتیجه این شیء بالعَرض متصف به وحدت می‌شود و یک نوع **اتحادی** با **واحد حقیقی** دارد. مثل زید و عمر که هر دو در انسان بودن یکی هستند(یعنی زید متصف به وحدت است زیرا با واحد حقیقی یعنی انسان متحد است و عمرو نیز متصف به وحدت است زیرا با واحد حقیقی یعنی انسان متحد است و چون واحد حقیقی یعنی انسانیت بر زید و عمر عارض می‌گردد، زید و عمر و نیز باالتبع متصف به و حدت می‌گردند و مثل انسان و اسب که هر دو در حیوان بودن یکی هستند، یعنی انسان و اسب متصف به وحدت هستند چون حیوان که واحد حقیقی است بر انسان و اسب صادق می‌آید. پس انسان و اسب متصف به وحدت هستند اما با عارض شدن حیوان که واحد حقیقی است بر آن دو.

---

۱۱٤. علامه در ۱۳۲۱ هجری قمری در شهرستان تبریز متولد شد و در سال ۱۳٦۰ وفات یافت. در نوشته های وی از **المیزان** گرفته تا **روش رئالیسم** و **شیعه در اسلام**، خطوط کلی اسلام را در موضوعات مختلف برای پویندگان ترسیم کرده است. هم چنین دو کتاب **بدایه الحکمه** و **نهایه الحکمه**، یک دوره کامل فلسفه، حاوی نظرات فلسفی خود ایشان و نظرات مرحوم ملاصدراو سایر فلاسفه بزرگ اسلامی بوده و از متون درسی فلسفی محسوب می شود (زنجانی، ۱۳۷٤).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

دراین‌باره نیز در بحث در **هُو هویت** یعنی حمل می‌نویسد که از عوارضِ **وحدت هو، هویت** است (یعنی این، آن بودن). همان‌طور که از عوارضِ **کثرت، غیریت** است (یعنی این، غیر آن بودن). معنای هو هویت این است که دو چیز در جهتی باهم متحد بوده و در جهت دیگری با یکدیگر مختلف باشند و همین معنای اتحاد در یک‌جهت و اختلاف در جهت دیگر به معنای **حِمل** است و لازمه‌ی آن این است که در دو امر مختلف که بین آن دو یک نوع اتحادی باشد، حمل بین آن دو صحیح باشد. لاکن متعارف (در علوم فلسفه) اطلاق حمل و استعمال آن مختص به دو مورد است که در هر دو مورد، دو شیء مختلف هستند ولی اتحادی بین آن دو برقرار می‌باشد. اینکه موضوع و محمول ازلحاظ ماهیت و مفهوم با یکدیگر متحد می‌باشند و به‌نوعی از اعتبار (و به لحاظ ذهنی و عقلی) با یکدیگر مختلف می‌باشند مثل اختلاف آن دو به‌اجمال **و تفصیل** مثل این قول ما(انسان، حیوان ناطق است).

بدین منظور انواع اختلاف‌ها را این‌گونه می‌توان اذعان داشت: ۱) در این قضیه **حد** عین محدود است به ملاحظه مفهوم **و ماهیت** ولکن به‌اجمال **و تفصیل** با یکدیگر مختلف‌اند. به این معنا که انسان همان حیوان ناطق است اما به‌اجمال و حیوان ناطق همان انسان است اما به‌تفصیل. پس حّد و محدود هر دو ازلحاظ ماهیت و مفهوم یکی هستند. حد به‌صورت حد به‌صورت تفصیل و محدود به‌صورت اجمال. و این نوع اختلاف است که سبب مغایرت بین دو مورد می‌شود وگرنه اگر اختلاف بین حدود محدود بود، شیء با خودش تغایر پیدا می‌کرد و به دنبال آن خود شیء را بر خود شیء حمل می‌کردیم و توهم مغایرت بین آن دو دفع می‌شد. ۲) اما نوع دیگر این است که **موضوع و محمول** ازلحاظ **مفهوم و ماهیت** با یکدیگر مختلف و ازلحاظ وجود و تحقق با یکدیگر متحد باشند.

در بحثی که درباره‌ی **غیریت و تقابل** است نیز گفته است که از عوارض کثرت، **غیرت** است و برای آن دو قسم در نظر گرفته که عبارت‌اند از غیریت ذاتی و غیر ذاتی. غیریت ذاتی این است که مغایرت بین دو شیء لذاته باشد (یعنی ذات دو شیء، اقتضای مغایرت را می‌نماید) مثل مغایرت بین وجود و عدم. این نوع غیریت و مغایرت را **تقابل** می‌نامند. غیریت غیر ذاتی عبارت است از این‌که مغایرت بین دو شیء موجود باشد ولکن این مغایرت ناشی از آن دو شیء نباشد بلکه اسباب دیگری

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

این مغایرت بین دو شیء را ایجاب و اقتضاء کند. مثل افتراق بین حلاوت (یعنی شیرینی) و بین سواد (یعنی سیاهی) در شکر و ذغال، به این معنی که شیرینی شکر با سیاهی ذغال غیر هم بود، مغایر با یکدیگر باشند. ولکن این مغایرت سبب اِفتراق آن دو از یکدیگر یعنی شکر و ذغال نمی‌باشد زیرا ممکن است شکر و زغال در محل واحد از جهت واحد و در زمان واحد جمع شود. این نوع مغایرت (یعنی غیریت غیر ذاتی در اصطلاح فلاسفه) خلاف نامیده می‌شود. پس می‌شود که کاملاً اختلاف داشته باشند ولی در زمان و محل واحد ترکیب شوند.

هم‌چنین تقابل به معنای غیر ذاتی را فلاسفه این‌گونه تعریف کرده‌اند که، **امتناع** اجتماع دو شیء در محل واحد از جهت واحد و در زمان واحد (مثل سیاهی و سفیدی که محال و ممتنع است)، آن دو در محل واحد از جهت واحد و در زمان واحد باهم جمع می‌شوند. یعنی شیء واحد در محل واحد در زمان واحد از جهت واحد هم سفید باشد هم سیاه که این عقلا محال و ممتنع است. نکته‌ی قابل‌ذکر اینکه تقابل بین دو طرف تحقق پیدا می‌کند و این از احکام مطلق تقابل به شمار می‌رود یعنی تقابل از هر نوعی که باشد این حکم قابل‌اجرا است.

هم‌چنین چند مورد اساسی در بحث تقابل اینکه، **حمل** از عوارض وحدت است. همان‌طور که غیریت از عوارض کثرت است. حمل یعنی اتحاد دو چیز باهم در جهتی و اختلاف آن دو در جهت دیگر. لذا حمل دو قسم است. حمل اولی، ذاتی و آن اینکه موضوع و محمول ازلحاظ ماهیت و مفهوم با یکدیگر متحد می‌باشند و به‌نوعی از اعتبار با یکدیگر مختلف می‌باشند مثل اختلاف آن دو در اجمال و تفصیل و نظیر آن. و حمل شایع صناعی به معنای اینکه موضوع و محمول ازلحاظ مفهوم با یکدیگر مختلف و ازلحاظ وجود و تحقق با یکدیگر متحد باشند. بنابراین وحدت در جوار تضاد اتفاق می‌افتد و چنین امکانی وجود دارد.

در بحث **تقابل تضاد** به این مورد بیشتر پرداخته‌شده و اذعان دارد که بنا به گفته‌ی های پیشین، تضاد عبارت است از دو امر وجودی متضایف و تغایر آن دو با یکدگر بالذات می‌باشد، یعنی آن دو بالذات با یکدیگر در یکجا. بدین ترتیب احکام تضاد را چنین می‌توان گفت: یکی اینکه **تضاد تنها بین دو نوع** (خیری که هر دو مندرج تحت جنس قریبی باشند) محقق می‌گردد، مثل سیاهی و

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

سفیدی که هر دو تحت لون مندرج هستند. این معنی در تضاد برای فلاسفه از طریق **استقراء** یعنی از طریق کاوش در افراد تضاد حاصل گشته است. حکم دوم اینکه در تضاد و تحقق تضاد بین دو شیء لازم است که **موضوعی بین آن دو** باشد که این دو شیء بر آن موضع توارد داشته باشند یعنی یکی از دیگری در آنجا موجود باشد زیرا اگر موضوع مشترکی بین آن دو نباشد تحقق آن دو در وجود ممتنع و محال نیست مثل وجود سیاهی در یک جسم و سفیدی در جسم دیگر، بدیهی است که بین آن دو تضاد وجود ندارد زیرا در این موضوع مشترک شخصی نیستند. سیاهی بر یک جسم عارض است و سفیدی بر جسم دیگری و لازمه‌ی این حکم این است که بین جواهر اصلاً تضادی وجود ندارد زیرا برای جواهر موضوعِ (مشترک شخصی) وجود ندارد که جواهر در آن موضوع موجود بوده در آن مجتمع بوده باشد. بدین ترتیب تضاد تنها در اعراض محقق است. هم‌چنین برخی از فلاسفه به‌جای کلمه‌ی موضوع محل را ذکر کرده‌اند تا تضاد، ماده‌ی جواهر را نیز شامل گردد زیرا جواهر دارای ماده هستند و می‌توان از ماده‌ی جواهر تعبیر به حمل آورد. بنابراین تضاد بین صور جوهری که در ماده حلول کرده باشند محقق می‌گردد.

در میان دو امر متضاد لازم است **غایت خلاف** (یعنی غایت و بُعد و دوری از یکدیگر) موجود باشد پس اگر در موردی امور وجودی متغایر باشند به‌طوری‌که بعضی از آن‌ها به برخی دیگر نزدیک‌تر از دیگری باشند، در این مورد دو امر متضاد دو طرفی هستند که بین آن دو غایت بُعد و خلاف وجود دارد. مثل سیاهی و سفیدی که بین آن دورنگ‌های دیگر متوسطی هستند. برخی از آن‌ها به یکی از دو امر متضاد نزدیک است تا آن‌یکی. مثل زردی (و سرخی که هر دورنگ متوسط بین سفیدی و سیاهی هستند ولکن زردی) به سفیدی نزدیک‌تر است از سرخی. با توجه به این سه حکم که مخصوص **تقابل تضاد** است می‌توان عمق معنای تعریف فلاسفه تضاد را به عبارت زیر به‌خوبی درک کرد.

دو امر متضاد دو امر وجودی بوده که هر دو یکی بَعد از دیگری بر موضوع واحدی وارد می‌گردند و هر دو تحت جنس قریب بین آن دو داخل بوده و بین آن دو غایت خلاف و بُعد وجود دارد. پس در انواع تقابل که پیش‌تر به تقابل تضاد اشاره شد که تقابل تضاد، دو امر متضادی هستند که بالذات با یکدیگر متغایر بوده غیر متضایف باشند و هرگز یکی جمع نشوند و دارای سه حکم

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

هستند.: ۱) بین اجناس عالیه یعنی مقولات ده‌گانه تضادی نیست پس مقولات ده‌گانه یعنی اجناس عالیه و انواع هر یک از آن‌ها با انواع غیر خودش با یکدیگر جمع می‌شوند مثل خط یا استقامت و انحناء. ۲) در تضاد لازم است موضوعی یا محلی بین دو امر متضاد باشد بطوریکه دو شیء متضاد بر آن موضوع توارد داشته باشد پس بین جواهر اصلاً تضادی وجود ندارد و درنتیجه تضاد تنها منحصر در اغراض است. ۳) بین دو امر متضاد لازم است غایت بُعد و خلاف باشد مثل سفیدی و سیاهی.

و اما دو مورد دیگری از تقابل نیز وجود دارد که به‌اختصار اشاره می‌شود. یکی **تقابل تَضایُف،** دو امر متضایفی هستند که ازلحاظ وجود و عدم و قوه و فعلیت در ذهن و در خارج با همدیگر مساوی بوده یکی بر دیگری تقدم نمی‌کند مثل عُلو و سِفل. دومی **تقابل دو امر متضادی** هستند که بالذات با یکدیگر متغایر بوده غیر متضایف باشند و هرگز یکجا جمع نشوند و دارای سه حکم زیر هستند:

الف) بین اجناس عالیه یعنی مقولات ده‌گانه تضادی نیست پس مقولات ده‌گانه یعنی اجناس عالیه و انواع هر یک از آن‌ها با انواع غیر خودش یا یکدیگر جمع می‌شوند مثل خط با استقامت و انحناء.

ب) در تضاد لازم است موضوعی یا محلی بین دو امر متضاد باشد بطوریکه دو شیء متضاد بر آن موضوع توارد داشته باشد پس بین جواهر اصلاً تضادی وجود ندارد و درنتیجه تضاد تنها در اَعراض است. ج) بین دو امر متضاد لازم است غایت بُعد و خلاف باشد مثل سفیدی و سیاهی.

مورد سوم این است که **عدم ملکه** یا **عدم وقُنیه،** مثل بصر(بینائی) و عَمی (کوری) همان امر وجودی برای موضوعی است که از شأن آن موضوع، اتصاف با این امر وجودی است و لکن این امر وجودی در این موضوع معدوم شده و فاقد آن می‌باشد مثل‌اینکه از شأنِ انسان این است که دارای بینائی باشد لکن فاقد آن می‌باشد (جدول شماره ٦٩-٤).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول٦٩-٤. شناسایی مؤلفه‌های اصل وحدت (تضاد و هماهنگی) بر اساس مباحث فکری ابن عربی.

مقوله	تعریف	نتیجه	تحلیل
واحد و کثیر	اشیاء از جهت تقسیم‌پذیری کثیرند.		مفاهیم همگی بیانگر مفهوم ضدین است.
اسماء واحد غیرحقیقی	وحدت در نسبت بین دو چیز، تناسب است.	واحد غیرحقیقی شی ایی متصف به وحدت است و اتحادی است با واحد حقیقی.	
هو هویت	دو امر مختلفی که بین آن دو نوعی اتحاد است.	دو شیء مختلف‌اند ولی اتحادی بین آن دو نیست.	
غیریت	از عوارض کثرت. شامل دو غیریت: ۱)ذاتی، مغایرت بین دو شیء لذاته باشد(وجود و عدم) ۲)غیر ذاتی، اسباب دیگری مغایرت بین دو شیء را ایجاد کند.	در محل واحد از جهت واحد، در زمان واحد جمع شوند. پس می‌تواند کاملاً اختلاف داشته باشد ولی در زمان و مکان واحد ترکیب شود.	
حمل و غیر	حمل از عوارض وحدت است. غیریت از عوارض کثرت.	اتحاد بین دو چیز باهم در جهتی و اختلاف آن دو در جهت دیگر.	

درنتیجه می‌توان مباحثی که علمای اسلامی در شرح جهان خلقت ارائه داده‌اند را با مؤلفه‌های اصل وحدت بسط داد (جدول شماره ۷۰-٤).

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

جدول ۷۰-٤. مقوله‌های مشترک علمای اسلامی بر اساس مطابقت داشتن با مؤلفه‌های اصل وحدت.

علماء / مقوله	اخوان‌ا لصفا	ابوریحان بیرونی	ابن‌سینا	سهروردی	ملاصدرا	ابن عربی	علامه طباطبایی
نور و ظلمت				❊			
واحد و کثیر	❊	❊	❊		❊		❊
برج‌های نر و ماده		❊					
قوه فاعله و منفعله		❊					
وحدت حقیقه و غیر حقیقه					❊		❊
اصالت وجود					❊		
تقابل تضاد					❊		
حرکت					❊		
عدم و وجود						❊	
خالق و مخلوق						❊	
عالم و آدم						❊	
عدد زوج و فرد	❊					❊	
عالم کبیر و صغیر	❊		❊			❊	
عدد یک و سایر اعداد	❊					❊	
حق و عالم						❊	
عالم کون و فساد	❊	❊	❊			❊	
وحدت و ثنویت						❊	
تداخل صفات الهی						❊	
شرق و غرب						❊	
سیاه‌وسفید						❊	❊
محدث و غیر محدث						❊	
عناصر چهارگانه		❊	❊				

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فصل پنجم

بحث، نتیجه گیری و پیشنهادها

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

نتیجه‌گیری

از بررسی‌های صورت گرفته در منابع متأخر، نخست، مؤلفه‌های اصلی سنجش زیبایی شناسانه‌ی اثر درباره‌ی اصل وحدت به دست آمد و سپس به دنبال ریشه‌یابی تعریف به‌دست‌آمده در منابع متأخر برآمدیم. هرچند بخش متأخر رویکرد سنت‌گرایان را نیز در برداشت. بااین‌وجود مؤلفه‌های اصلی دست‌یابی به اصل وحدت از دیدگاه نویسندگان خارجی را می‌توان هماهنگی و تنوع عنوان نمود، هرچند عناوین مختلفی همچون شباهت، یکپارچگی، نظم، انسجام، برای هماهنگی؛ و گوناگونی، بی‌نظمی، پیچیدگی و تمایز برای تنوع نیز در نظر گرفته‌شده‌اند. سپس دو مؤلفه‌ی هماهنگی و تنوع با رویکردی سنت گرایانه موردبررسی قرار گرفت و مباحث مربوط به کثرت و وحدت و ظاهر و باطن از مهم‌ترین مباحثی بودند که توانستیم مؤلفه‌های مذکور را از آن‌ها استنتاج کنیم.

بااین‌وجود از این دو مؤلفه بر اساس منابع متأخر خارجی و ایرانی و منابع سنت‌گرایان چنین برداشت شد که منظور از تنوع و هماهنگی برای نیل به وحدت این است که تضاد بین دو امر ضد یکدیگر، صورت می‌گیرد. بنابراین باید دو امر متضاد وجود داشته باشد، درحالی‌که با توجه به اینکه جمع اضداد محال است، این دو با یکدیگر جمع می‌شوند و در یک عنصر سومی اتفاق می‌افتد که این موجود سوم مشترکاتی با دو اصل متضاد خواهد داشت. حال بر اساس منابع سنت‌گرایان این عنصر سوم مبنای پیدایش کثرت است. بدین ترتیب بر اساس تعریف به‌دست‌آمده سؤالات پژوهش موردبررسی قرار گرفت. در سؤال اول پژوهش چنین مطرح شد که **آیا مبانی اصل وحدت به‌عنوان یکی از اصول زیبایی‌شناسی کاربردی در متون اسلامی قابل‌شناسایی است؟** برای پاسخ به این سؤال نخست به بررسی این مفهوم در میان آیات قرآنی، احادیث و روایات پرداخته شد و نتایج زیر حاصل گردید.:

موضوعات اصلی که دربردارنده‌ی مفهوم اصل وحدت، بر اساس تعریف مذکور بودند، به‌طورکلی، شامل مباحث آفرینش و نظام خلقت بوده است. نکته‌ی قابل‌توجه اینکه برای دستیابی به این مسئله دو مؤلفه‌ی متضاد و هماهنگی ک باعث نیل به وحدت می‌شوند در این منابع موردبررسی

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

قرار گرفت و توانستیم تضاد بین دو عنصر را از مباحث مذکور استنباط کنیم که شامل روشنی و تاریکی، سردی و گرمی، شب و روز، نور و ظلمت، نیکی و بدی، عناصر چهارگانه و مؤنث و مذکر می‌شد. درواقع مهم‌ترین مؤلفه‌های وحدت که جمع دو ضدین است به‌خوبی در این مفاهیم مشهود است. در ادامه همین مؤلفه‌ها در میان متفکران علوم اسلامی بررسی‌شده است. در مباحث اسلامی وحدت الهی مطرح است یعنی برگشت منکثرات به ذات الهی که در تمام عالم وجود دارد. بدین منظور اگر عناصر تشکیل‌دهنده و آنچه در عالم است، به وحدت کامل نرسیده باشد، وجود پیدا نمی‌کند. بنابراین این مؤلفه‌ها لازم و ملزوم یکدیگرند تا بتوان نتیجه‌ی کاملی به دست آورد. این بدین منظور است که وحدت یعنی کمال اشیاء و هر آنچه در عالم است. پس وحدت باید بین کل و جزء باشد، در غیر این صورت اثر زیباتر نخواهد بود. درواقع زیبایی زمانی ظهور میابد که اجزاء با یکدیگر و ازآنجا با کل نسبت هماهنگ داشته باشند که با تحقق چنین امری به زیبایی محقق می‌شود. هم‌چنین مجموعه‌ی مذکور و تمام اجزایی که از آن کل به‌دست‌آمده‌اند، باید همگی خاصیت کل را داشته باشند که از طریق آن کل به هم بپیوندند؛ مثل مباحث مربوط به عناصر چهارگانه همچون آب‌وآتش. بنابراین امری زیباست که این اجزاء، کل را نمایندگی کنند و مفهوم را محقق سازند.

در دومین سؤال پژوهش مطرح گردید که **سرچشمه‌های کهن اصل وحدت چیست؟** بدین منظور بر اساس بررسی‌های صورت گرفته در میان تمدن بین‌النهرین، زرتشتیان، مانوی، صدر مسیحیت و فلاسفه‌ی یونان، مفهوم مدنظر در مباحث کیهان‌شناسی و اسطوره‌های آفرینش به دست آمد. درنتیجه در آفرینش عالم نیز پیوند دو عنصر متضاد، مبنای آفرینش هستند. پس در یک عنصر تضاد و هماهنگی با یکدیگر هستند. نکته‌ی قابل‌توجه اینکه در داستان‌های پیدایش این‌چنین است که موجود سوم حاصل از دو عنصر متضاد، همیشه مشترکاتی با اصل متضاد دیگر دارد که همین مورد لازمه‌ی پیوند آن‌ها بوده است. این دو اصل متضاد به عناوین مختلفی موردبررسی قرارگرفته شد. برای نمونه، مبحث عناصر چهارگانه، نور و ظلمت، روح و ماده، عالم صغیر و کبیر و ... از مباحث اصلی قابل‌توجه بودند.

سؤال آخر پژوهش عبارت است از اینکه **آیا تعاریف اصل وحدت در متون مربوط به هنر جهان غرب و منابع اسلامی یکسان است؟** بر اساس بررسی‌های صورت گرفته به‌طور جداگانه در

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

منابع خارجی و ایرانی، چنین نتیجه گرفته شدد که مفهوم اصل وحدت یکسان است و تنها چیزی که اهمیت میابد، آن کل است که در فرهنگ غیر اسلامی به‌کل مجموعه‌ای می‌رسند که علاوه برداشتن تعادل، سایر عناصر اصلی زیبایی‌شناسی، همچون تناسب، توازن، ریتم و ...، نهایتاً هماهنگی و هارمونی همه‌ی اجزا با یکدیگر را به دست می‌دهد. درنتیجه‌ی این هماهنگی، زیبایی به وجود خواهد آمد و مبانی مذکور در مباحث زیبایی‌شناسی کاربرد میابد و قابل بسط به آثار هنری مختلف و امور متعدد دیگر است. حال در فرهنگ اسلامی توجه به این کل را بدین‌صورت در نظر می‌گیرند که نتیجه‌ی همه‌ی پیوندها، دستیابی به خیر مطلق و کل واحد است. درنتیجه در هر دو وجه اسلامی و غیر اسلامی مبحث ضدین به همراه هماهنگی، مدنظر است.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فهرست منابع

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فارسی و عربی

مکارم شیرازی، ناصر. قرآن حکیم و شرح آیات منتخب. قم: اسوه.

امام رضا (ع) (بی‌تا). طب الرضا. ترجمه نصیرالدین امیر صادقی. تهران: معراجی.

ابن‌بابویه، محمد بن علی (بی‌تا). ترجمه عیون اخبار الرضا. ترجمه حمیدرضا مستفید و علی‌اکبر غفاری. تهران: صدوق.

ابن‌سینا، شیخ‌الرئیس (١٤٠٠). الشفاء. قم: نشر بیدار.

ابن عربی، محمد بن علی (١٣٨٦) فصوص الحکم، تهران: کارنامه.

ابن عربی، محمد بن علی (١٤٣٢). فتوحات مکیه. بیروت: دارالفکر.

آرنهایم، رودلف(٣١٨٦). هنر ادراک بصری روان‌شناسی چشم خلاق. ترجمه مجید اخگر. تهران: سمت.

اردلان، نادر و بختیار، لاله (١٣٩٠). حس وحدت، سنت عرفانی در معماری اسلامی. تهران:

آژند، یعقوب (١٣٨٨). تاریخچه زیبایی‌شناسی و نقد هنر. تهران: مولی.

آذرنوش، آذرتاش (١٣٩٢). فرهنگ معاصر عربی. تهران: نی.

استراس، آنسلم و کوربین، بیوک (١٣٩٠). اصول روش تحقیق کیفی (نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها). ترجمه بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

اسماعیل‌پور، ابوالقاسم (١٣٨١). اسطوره‌ی آفرینش در آیین مانی. تهران. کاروان.

اعرابی، جعفر (١٣٨٩). آفرینش فرم. تهران: کسری. افضلی، کوثر (١٣٩١). تبیین الگوهای ایرانی–اسلامی در آموزش مبانی هنرهای تجسمی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه هنر. دانشکده هنر و معماری. دانشگاه تربیت مدرس.

اکرمی، موسی (١٣٨٠). کیهان‌شناسی افلاطون. تهران. دشستان.

انوری، حسن (١٣٨٧). فرهنگ اعلام سخن. تهران: سخن.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ١٩۵٩٢٩/و تاریخ ١٣٩۵/٩/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (١٣۴٨) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

انصاری مهابادی، فرشته (۱۳۸۱). روش تحقیق کیفی. نامه انسان شناسی. ش ۲. ص ص ۱۹۲-۱۸۷.

اوستین، رالف (۱۳۸٤). چکیده فصوص الحکم، تفکرات، زمینه‌های تاریخی و زندگی‌نامه ابن عربی. ترجمه حسین مریدی. قم: طه.

اوشیدی، جهانگیر (۱۳۷۱). واژه‌نامه توضیحی آیین زرتشت، دانشنامه مزدیسنا. تهران: مرکز.

اوکویرک، استینسون، کایتون، ویگ بون (۱۳۹۰). مبانی هنر، نظریه و عمل. ترجمه محمدرضا یگانه دوست. تهران: سمت.

آیت‌اللهی، حبیب‌الله (۱۳۸۸). نوشتارهای هنری. تهران: اشتاد.

آیت الهی، حبیب‌الله (۱۳۸۷). شیوه‌های مختلف نقد هنری. تهران: سوره مهر.

آیت الهی، حبیب‌اللهی (۱۳۹۲). مبانی نظری هنرهای تجسمی. تهران: سمت.

بابایی، پرویز (۱۳۸٦). فرهنگ اصطلاحات فلسفه. تهران: نگاه.

بحرانی، میثم بن علی بن میثم (۱۳۷۵). ترجمه شرح نهج‌البلاغه ابن میثم. ترجمه قربان علی محمدی مقدم. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

بلخاری، حسن (۱۳۷۸). هندسه خیال و زیبایی، پژوهشی در آراء اخوان‌الصفا درباره حکمت هنر و زیبایی. تهران: متن.

بلخاری قهی، حسن (۱۳۸۷). مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی. تهران: سوره مهر.

بلخاری قهی، حسن. (۱۳٤۱). اورنگ، مجموعه مقالات درباره مبانی نظری هنر. تهران: سوره مهر.

بلخاری قهی، حسن (۱۳۸۷). ابن هیثم و زیبایی‌شناسی او، نگاهی به کتاب معنا و مفهوم زیبایی، المناظر و تنقیح المناظر. آینه خیال. ش ۱۰. ۱۳۹-۱۳۷.

بورکهارت، تیتوس (۱۳۸۹). جهان‌شناسی سنتی و علم جدید. ترجمه سید حسن آذرکار. تهران. حکمت.

بورکهارت، تیتوس (۱۳۸۷). مبانی هنر اسلامی. ترجمه امیر نصری. تهران: حقیقت.

بورک فلدمن، ادموند (۱۳۷۸). تنوع تجارب تجسمی. تهران: سروش.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بی‌نام (۱۳۷٤). مجمع اللغات در اقتصاد، حقوق، تعلیم و تربیت و ... . ترجمه مرتضی آیت‌الله زاده و آذرتاش آذرنوش. تهران: فرهنگ اسلامی.

بیکر، جفری هوارد (۱۳۸٦). لوکوربوزیه در کتاب تجزیه‌وتحلیل فرم. تهران: سبحان نور.

پاکباز، رویین (۱۳۹۰). دایره المعارف هنر، نقاشی، پیکره سازی، گرافیک. تهران: فرهنگ معاصر.

پور حسینی، ابوالقاسم، احمدی، احمد، جهانگیری، محسن، خوانساری، محمد، داوری، رضا، مجتبوی، جلال‌الدین، جمال پور، بهرام (۱۳٦۳). فلسفه در ایران، مجموعه مقالات فلسفی. تهران: حکمت.

پیتر، کلز و حقیقی، نادیه (۱۳۹۰). کیهان‌شناسی. تهران: بصیرت.

دبنی تاوزند (۱۳۹۳). فرهنگنامه تاریخی زیبایی‌شناسی. ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: متن.

د. ک. چینگ (۱۳۸۸). معماری، فرم، فضا، نظم. ترجمه زهرا ترکمن و کاظم کمالی نسب. تهران: ملائک با همکاری کلام حق.

حریری، نجلا (۱۳۸۵). اصول و روش‌های پژوهش کیفی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

خالدی، سردار (۱۳۸۸). روش تحقیق کیفی. کتاب ماه علوم اجتماعی. ش ۱٤. ص ص ۷٤-٦۸.

ساروخانی، باقر (۱۳۷۷). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ژینیو، فیلیپ (۱۳۹۰). انسان و کیهان در ایران باستان. ترجمه لیندا گودرزی. تهران: ماهی

جان راسل، هینلز (۱۳۸٦). فرهنگ ادیان جهان. ترجمه گروه مترجمان. ویراستار ر.ع. پاشایی. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۷۷). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: سمت.

حاجیلو، حسین‌علی (۱۳۸۳). معرفی روش‌های تحلیل داده‌های کیفی با تأکید بر روش تحلیل محتوا. فصلنامه مدیریت فردا. ش ۷ و ۸. ٦۲-۵۵.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: سمت.

حکیمی، محمدرضا، حکیمی، علی، حکیمی، محمد (بی‌تا). الحیاة. ترجمه احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حلبی، علی‌اصغر (۱۳۸۰). گزیده رسائل اخوان‌الصفا. تهران: اساطیر.

خوارزمی، تاج الدّین حسین (۱۳۸۷). شرح فصوص الحکم. قم: موسسه بوستان کتاب.

دالایی، آزاده (۱۳۸۹). مبانی نظری هنر در دنیای اسلام با تکیه‌بر آراء متفکران. کارشناسی ارشد. گروه هنر. دانشکده هنر. دانشگاه الزهرا.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۹). لغت‌نامه دهخدا. تهران: سیروس.

دیکسون کندی، مایک (۱۳۸۵). دانشنامه اساطیر یونان و روم. ترجمه رقیه بهزادی. تهران: طهوری.

رامین، علی (۱۳۷۷). تحول فرم در تاریخ زیبایی‌شناسی. نشریه همشهری، ش ۲۰، ۲-۱.

رهنورد، زهرا (۱۳٦۰). مبانی نقد اسلامی هنر. فصلنامه هنر. ش ۱,۳۵۱-۳٤٥.

ریوز، هوبرت و دیگران. (۱۳۸٦). منشأ عالم، حیات، انسان، زبان و فرهنگ. ترجمه جلال‌الدین رفیع فر. تهران. آگاه

زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳٥٤). نقد ادبی. تهران: سخن

لیلیان، محمد زمان و امیرخانی، آرین (۱۳۸۸). جستاری بر مبنای مفاهیم زیبایی‌شناسی و تبلور آن در ساختارهای معماری. کتاب ماه هنر، ش ۱۳۷. ٥٥-٥۰.

حقانی زنجانی، (۱۳۷٤). شرح کتاب بدایه الحکمه علامه طباطبایی (ره). تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه الزهرا (س).

سجادی، جعفر (۱۳۷٥). فرهنگ علوم فلسفی و کلامی. تهران: امیرکبیر.

سجادی، جعفر (۱۳۷۹). فرهنگ اصطلاحات فلسفی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

شریف رضی، محمد بن حسین (بی‌تا). ترجمه نهج‌البلاغه دشتی. ترجمه محمد دشتی. قم: مشهور.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

شیرازی، مکارم (۱۳۷٤). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب السلامیه.

صلیبا، جمیل (۱۳۷۰). واژه‌نامه فلسفه و علوم اجتماعی. ترجمه کاظم برگ نیسی و صادق سجادی. تهران: شرکت سهامی انتشار.

ضابطی جهرمی، احمد (۱۳۷۷). بررسی و نقد نظریه‌ی سینمایی رودلف آرنهایم. هنر بهار. ش ۳۵. ص ص ۲۲۳-۲۱٤.

ظفرمند، جواد (۱۳۸۱). مفهوم فرم به‌ویژه در هنر. هنرهای زیبا. ش ۱۱. ۲۰-۱۳.

ضمیران، محمد. (۱۳۷۹). گذار از جهان اسطوره به فلسفه. تهران. هرمس.

عبادیان، محمد. (۱۳۸۱). مجموعه مقالات گردهمایی زیبایی‌شناسی کاربردی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

فرهمند بروجنی، حمید (۱۳۸٦). مقاله رنگ در سنت اسلام، نگاهی بر کتاب حس وحدت. کتاب ماه. ش۱۰. ۱۰-۲.

قانعی فر، عرفان (۱۳۹۳). فرهنگ واژگان هنر. تهران: علمی.

قیس هلالی، سلیم (بی‌تا). تاریخ سیاسی صدر اسلام (ترجمه کتاب سلیم). ترجمه محمدرضا افتخار زاده. تهران: رسالت قلم.

کاپلستون، فریدریک (۱۳٦۸). تاریخ فلسفه یونان و روم. ترجمه جلال‌الدین مجتبوی. تهران: علمی فرهنگی و سروش.

کارول، نوئل (۱۳۸۷). درآمدی بر فلسفه هنر. ترجمه صالح طباطبایی. تهران: فرهنگستان هنر.

کاکایی، قاسم (۱۳۷۹). مقایسه نظریه وحدت وجود از دیدگاه ابن عربی و مایستر اکهارت. پایان‌نامه دکترا رشته فلسفه، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

کاکایی، قاسم (۱۳۷۹). وحدت وجود به روایت ابن عربی و مایستر اکهارت. تهران: هرمس.

کمالی زاده، طاهره (۱۳۸۹). مبانی حکمی هنر و زیبایی از دیدگاه شهاب‌الدین سهروردی. تهران: متن.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

کمالی دولت آبادی، رسول (۱۳۸۸). مبانی هنرهای تجسمی ایران مبتنی بر متون دو کتاب مرصاد العباد و گلشن راز، به مثابه تجلی معنا. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه هنر. دانشکده هنر. دانشگاه تربیت مدرس.

گواهی، عبدالرحیم (۱۳۹۰). فرهنگ توصیفی ادیان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

گروتر. یورگ. (۱۳۷۵). زیبایی‌شناختی در معماری. ترجمه جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون. تهران. دانشگاه شهید بهشتی.

لیندبرگ، دیوید سی. (۱۳۷۷). سرآغازهای علم در غرب، سنت علمی اروپایی در بافت فلسفی، دینی و تأسیساتی آن: ٦۰۰ قبل از میلاد تا ١٤٥٠ میلادی. تهران. علمی و فرهنگی.

مارشال، کاترین و گرچن ب و راس من (۱۳۸۱). روش تحقیق کیفی. ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

مترجمان (۱۳۷۷). ترجمه تفسیر جوامع الجامع. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

مجلسی، محمد بن باقر بن محمد بن تقی (بی‌تا). آسمان و جهان(ترجمه کتاب اسماء و العالم

مجلسی، محمدباقر (۱۳۵۱) آسمان و جهان. ترجمه محمدباقر کمره ای. تهران: اسلامیه.

محمدی، بیوک (۱۳۹۰). درآمدی بر روش تحقیق کیفی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مدد پور، محمد (۱۳۹۰). آشنای با آراء متفکران درباره هنر، آزادی جدید مدرن پست‌مدرن. تهران: سوره مهر.

مراثی، محسن (۱۳۸۹). شناسایی مبانی نظری کاربردی رنگ در نگارگری ایرانی. پایان‌نامه دکترا رشته پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). آشنایی با علوم اسلامی. تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی (بی‌تا). مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی. قم: انتشارات اسلامی.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

مفضل بن عمر (بی‌تا). شگفتی‌های آفرینش (ترجمه توحید مفضل). ترجمه نجف علی میرزایی. قم: هجرت.

مفضل بن عمر (بی‌تا). توحید مفضل. ترجمه علامه محمدباقر مجلسی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مفید، محمد بن محمد (بی‌تا). الامالی. ترجمه حسین استاد ولی. مشهد: آستان قدس رضوی.

مک کال، هنریتا، سرخوش کرتیس، وستا، بیرل، آن، بوب، کارل و اورتون، گری (۱۳۸۵). اسطوره‌های بین‌النهرین، ایرانی، چینی، آزتکی و مایایی، اینکا. تهران: مرکز.

معین، محمد (۱۳۸۲). فرهنگ فارسی. ج ۳. تهران: امیرکبیر.

معین صمدانی. مهدیه (۱۳۸۹). تبیین مبانی طراحی سنتی با رویکرد به آثار چوبی، فلزی و فرش. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه هنر. دانشکده هنر. دانشگاه الزهرا.

موسوی همدانی، محمدباقر (۱۳۷٤). ترجمه تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

مهجور، فیروز (۱۳۷۷). جلوه وحدت در هنر و معماری اسلامی. کیهان فرهنگی. ش ۱۵. ص ص ۳۷-۳۵.

میردامادی، مجید (۱۳۹۰). رابطه مفهوم و مصداق از حیث وحدت و کثرت. پایان‌نامه دکترا. گروه مدرسی معارف اسلامی. دانشکده الهیات و معارف اسلامی (شهید مطهری). دانشگاه فردوسی مشهد.

نامی، غلام حسین (۱۳۷۱). مبانی هنرهای تجسمی. تهران: توس.

نباتی، فرشته (۱۳۹۲)، مفاهیم موجهه ازنظر دئودورروس، فیلون و خروسیپوس، منطق پژوهشی. شماره ۱. ص ۷-۳.

نجیب اغلب، گل رو (۱۳۷۹). هندسه و تزیین در معماری اسلامی، طومار توپ قاپی. ترجمه مهرداد قیومی بید هندی. تهران: روزنه.

نصر، حسین (۱۳٦٦). علم در اسلام. ترجمه احم آرام. تهران: سروش.

نصر، حسین (۱۳۷۷). نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت. تهران: خوارزمی.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

نصر، حسین (۱۳۸٦). دین و نظم طبیعت. ترجمه انشالله رحمتی. تهران: نی.

نصر، حسین (۱۳۷۹). جشن‌نامه هانری کُربن. تهران: موسسه مطالعات دانشگاه مک گیل و دانشگاه تهران.

نصر، حسین (۱۳۹۱). سنت، تجدد: بررسی زندگی و افکار سید حسین نصر. تهران: کانون اندیشه جوان.

نقی زاده، محمد (۱۳۹۲). تأملی در مبانی و جلوه های زیبایی در باغ ایرانی. کتاب ماه هنر. ش ۱۸۳. ص ص ٦۳-۹.

وکیلی. شیرین (۱۳۹۳). اسطوره‌های آفرینش بابلی. ترجمه آزاده دهقانی. تهران: علم.

ونتوری، رابرت (۱۳۸۹). پیچیدگی و تضاد در معماری. ترجمه سید علی‌رضا میر ترابی و محمدرضا منوچهری. تهران: سمیرا.

هوارد بیکر، جفری (۱۳۸٦). راهبردهای طراحی در معماری. ترجمه مهرداد متین. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز.

هاشم، مرتضی (۱۳۸۷). اصول سنتی ساخت‌وساز در اسلام. ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

منابع اینترنتی

https://guionterror.files.wordpress.com/2010/11/philosophy-of-horror.pdf, (2015/01/05)

http:// people.epfl.ch/ peter. Vonmeiss/bio?/long=en&cvlang=en, (2015/01/05).
http:// Whatertis.oorg, (2014/11/06).

منابع خارجی

Loorand, ruth (2000). Aesthetic Order,A Philosophy of ORDER, Beauty and Art. USA and Canada: Routledge.

Ching, Frank (Francis D.K.), and Winkel, Steven R(2003). Building Codes Illustrated: A Guide to Understanding the 2000 International Building Code. John Wiley. Hoboken.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

نمایه ها

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

نمایه ها

الاشارات و التنبیهات:٢٤٦.

ابژکتیو: ٤و ٥.

ابن سینا:٢٤٦.

ابن عربی:٢٣، ٣٠، ٢٣٢، ٢٣٧، ٢٥١، ٢٦٤، ٢٦٥، ٢٦٦، ٢٦٧، ٢٦٨، ٢٦٩، ٢٧٠، ٢٧٨، ٢٧٩، ٢٨٤، ٢٨٥ و ٢٨٨.

ابن هیثم: ٢٨ و ٢٨٥.

ابوریحان بیرونی: ٢٤٤، ٢٤٥ و ٢٧٩.

آتش:٩٨، ١٢١، ١٢٢، ١٢٤، ١٢٥، ١٢٦، ١٢٧، ١٤٥، ١٤٦، ١٤٧، ١٤٨، ١٥١، ١٥٢، ١٦٠، ١٦١، ١٦٢، ١٦٩، ١٧٠، ١٧١، ١٧٢، ١٧٣، ١٧٤، ٢٠٢، ٢٠٣، ٢٠٧، ٢٠٩، ٢١٠، ٢١١، ٢١٤، ٢٤١، ٢٤٥، ٢٤٦، ٢٤٨، ٢٤٩، ٢٥٤، ٢٦١، ٢٦٧، ٢٧٠ و ٢٨١.

التفهیم:٢٤٤ و ٢٤٥.

اتمیستی: ١٧١.

احادیث: ١٨٣، ١٨٤، ١٩٣، ١٩٦، ١٩٩، ٢٠١، ٢٠٤، ٢٠٥، ٢١٢، ٢١٥، ٢١٩، ٢٢١، ٢٢٢، ٢٢٣، ٢٢٧، ٢٢٨، ٢٢٩و ٢٨١.

اخوان الصفا: ٢٨، ١٠٤، ٢٣٨، ٢٣٩، ٢٤٠، ٢٤١، ٢٤٢، ٢٤٣، ٢٤٤، ٢٤٥، ٢٧٩، ٢٨٥ و ٢٨٧.

ادموند بورک فلدمن:٧٨، ٨٢، ٨٥، ١٤٢و ١٧٤.

آدولف لوس:١٩.

آرخی: ١٣٦، ١٣٧، ١٣٨، ١٥٠، ١٥٤ و ١٦٨.

ارژنگ مانی: ١٣١.

ارسطو:١٢٢، ١٣٥، ١٣٦، ١٣٨، ١٤٧، ١٥٢، ١٥٤، ١٦٠، ١٦٦، ١٦٧، ١٦٨، ١٦٩، ١٧٠، ١٧١، ١٧٢، ١٧٣، ١٧٤، ١٨١، ٢٣١، ٢٤٤، ٢٤٦ و ٢٥٥.

اروس:١٤٦.

اسکندرانی: ٢٣٢.

اسلیمی: ١٠٤، ١٠٥ و ١٠٧.

آشفتگی: ٦١، ٦٦، ٧٣، ٨٦، ١١٥، ١٢٢، ١٢٣ و ١٤٦.

اصالت وجود:٢٥٥، ٢٥٩، ٢٦٠، ٢٦٣ و ٢٧٩.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ١٩٥٩٢٩/و تاریخ ١٣٩٥/٩/٦) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (١٣٤٨) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

اصل وحدت: ۳، ٤، ٦، ۷، ۸، ۱۱، ۲۲، ۲۳، ۲٤، ۲۵، ۳۰، ۳۱، ٤٤، ٤۵، ٦۷، ۸۲، ۸۳، ۸٤، ۸۵، ۸٦، ۸۷، ۱۰۳، ۱۰٦، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱٤، ۱۱۵، ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۳۳، ۱۳٤، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱٤۲، ۱٤٤، ۱٤۸، ۱٤۹، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵٤، ۱٦۳، ۱٦٤، ۱٦۷، ۱۷۳، ۱۷٤، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸٤، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳٦، ۲٤۳، ۲٤۵، ۲۵٤، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲٦۰، ۲٦۱، ۲٦۳، ۲٦٤، ۲۷۰، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱ و ۲۸۲.

اصناف: ۲۰۹، ۲۱۵و ۲۱۸.

آفرینش: ۸٤، ۹۲، ۹۳، ۹٤، ۹۵، ۱۰۳، ۱۰٤ف ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲٤، ۱۲۵، ۱۲٦، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳٦، ۱۳۷، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۵٦، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱٦٦، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸٤، ۱۸۵، ۱۸٦، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱و ۱۹۲.

افلاطون:۱۸، ۱۹، ۱۰۲، ۱۰۹، ۱٤۳، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵٤، ۱۵۵، ۱۵٦، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱٦۰، ۱٦۱، ۱٦۳، ۱٦٤، ۱٦٦، ۱٦۷، ۱٦۸، ۱٦۹، ۱۸۱، ۲۳۱، ۲٤٤، ۲۵٦و ۲۸٤.

اکهارت: ۲۳، ۳۰ و ۲۸۸.

الامالی:۲۲۳، ۲۲۹و ۲۹۰.

امام رضا (ع): ۲۱۹، ۲۲۲، ۲۲٦، ۲۲۷، ۲۲۹و ۲۸٤.

امپدوکلس: ۱۵۲، ۱٦۰، ۱٦۹و ۱۸۱.

آناکساگوراس:۱۵۲، ۱۵۳ و ۱۸۱.

آناکسیماندرس:۱۱۵، ۱۳۹، ۱٤۰، ۱٤۱، ۱٤۲، ۱٤۵، ۱٤٦، ۱٤۸، ۱٤۵و ۱٤۸.

اندازه: ۱٤، ۳۱، ۳٦، ٤۹، ۵۰، ۵۷، ۵۸، ٦۱، ٦۳، ٦٤، ٦۸، ۷۰، ۷۲، ۷۳، ۷۵، ۷٦، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۱۵۹، ۱٦۰، ۱٦۵، ۱۵۹، ۱٦۰، ۱٦۵، ۱٦۸، ۲۰۳، ۲۱۲، ۲۲۷و ۲۵٦.

اندی وارهول: ٦٦.

انسجام: ۲٦، ٤۷، ٤۹، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸٦، ۱۰۳، ۱۰۷، ۲۲٤ و ۲۸۰.

انومالیش: ۱۲۲.

اوکویرک:٤، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ٤۵، ٤۷، ۵۵، ۵۷ف ٦۳، ٦٤، ٦۵، ۸۵، ۱۳٤و ۲۸۵.

اهریمن:۱۲۱، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳٤، ۱۷۸، ۲۰۳و ۲۰۵.

ایران: ۳، ۵، ٦، ۸، ۱۱، ۱۳، ۲۱، ۲٦، ۲۷، ۲۸، ۸۳، ۸۵، ۸۷، ۹٦، ۹۷، ۱۰۲، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۷، ۱۲۲، ۱۲٦، ۱۲۸، ۲۳۲، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸٤، ۲۸٦، ۲۸۹، ۲۹۰ و ۲۹۱.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

نمایه ها

ایجاز: ٤٥، ٥٦، ٦٠، ٦٢، ٦٥و ٨٥.

بابل: ١٢٢، ١٢٣، ١٢٨، ١٨١، ٢٣٢و ٢٩١.

بازیلیدیس:١٧٥.

بدایةالحکمه:٢٧٢و ٢٨٧.

بندهشن: ١٢٤و ١٢٥.

بورکهارت: ٢٨، ٨٧، ١٠٠، ١٠١، ١٠٢، ١٠٣، ١٠٤، ١٠٥، ١٠٦، ١٠٧، ١٠٩، ١١٣، ١١٥و ٢٨٥.

بین النهرین:١١٧، ١٢٢، ١٢٨، ١٧٩، ٢٨٢و ٢٩٠.

پارمنیدس: ١٥٠، ١٥١، ١٥٢، ١٦٧و ١٨١.

پتاهیل: ١٧٨.

پیرفون: ٧٣و ٨٥.

پیامبر اسلام(ص): ١٠٨، ١١٠، ١٧٥، ١٩٩، ٢٠١و ٢٢٩.

پویی ماندرس: ١٧٥، ١٧٦، ١٧٧و ١٨١.

پیچیدگی: ٣٨، ٦٠، ٧٣، ٧٤، ٧٦، ٧٧، ٨٦، ١١٨، ٢٤٠، ٢٧٠و ٢٩١.

پیوند: ٢٤، ٢٥، ٤٠، ٤١، ٤٦، ٤٧، ٤٨، ٤٩، ٥٠، ٥١، ٥١، ٥٢، ٥٣، ٥٥، ٥٩، ٦٣ف ٨٩، ٩٦، ٩٧، ١٠٠، ١٠٢، ١٠٩، ١١٠، ١١١، ١٢١، ١٢٤، ١٢٥، ١٢٦، ١٢٧، ١٣٢، ١٤١، ١٤٨، ١٥٣، ١٥٩، ١٦٠، ١٦١، ١٦٢، ١٦٣، ١٦٤، ١٦٦، ١٨٠، ١٩٨، ٢٠٩، ٢١٠، ٢١١، ٢١٢، ٢١٤، ٢٢١، ٢٢٢، ٢٢٥، ٢٥٩، ٢٦٠، ٢٦٥، ٢٨١، ٢٨٢و ٢٨٣.

تالس: ١١٥، ١١٧، ١٣٨، ١٣٩، ١٦٠و ١٨٠.

تباین: ٤٦، ٥٠، ٥٥، ٥٩، ٦٣، ٦٤، ٢٥٩و ٢٦٠.

تحت القمر: ٩٨، ٢٤٠، ٢٤١، ٢٤٣، ٢٤٩و ٢٥٤.

تحلیل محتوا: ٣٧، ٣٨، ٣٩، ٤١، ٤٢و ٢٨٧.

تداخل: ٤٩، ٥١، ٦٣، ١٧١، ٢٦٨، ٢٧١و ٢٧٩.

تسلط: ٤٥، ٤٧، ٥٦، ٥٨، ٥٩، ٦٢، ٦٤، ٨٥ و ٩٨.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ١٩٥٩٢٩/و تاریخ ١٣٩٥/٩/٦) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (١٣٤٨) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

نمایه ها

تضاد: ۲۵، ۲۶، ۴۰، ۴۶، ۴۷، ۵۵، ۶۱، ۶۹، ۷۲، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۸۲، ۸۴، ۸۶، ۸۸، ۹۷، ۹۹، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۵، ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۵۲، ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۷ف ۲۷۰، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲و ۲۹۱.

تعادل: ۲۰، ۲۶، ۴۵، ۴۶، ۵۴، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۲، ۶۴، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۸۵، ۸۶، ۹۴، ۹۹، ۱۱۸، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۴۱، ۲۱۰، ۲۱۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۵۴و ۲۸۲.

تفاوت: ۵، ۶، ۱۵، ۱۷، ۲۲، ۳۰، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۵۸، ۵۹، ۶۲، ۶۴، ۸۱، ۸۶، ۸۸، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۷، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۸، ۱۶۶، ۱۷۶، ۱۹۲، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۳۱، ۲۳۴، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۸، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۶۶و ۲۷۰.

تفصیل: ۵۵، ۵۹، ۲۷۳و ۲۷۵.

تفکیک بصری: ۲۶، ۵۱و ۵۵.

تقابل: ۵۶، ۶۶، ۶۷، ۷۰، ۷۲، ۸۳، ۸۴، ۱۳۶، ۱۴۱، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۶۷و ۱۷۰.

تمایز: ۷، ۱۲، ۲۲، ۶۲، ۶۹، ۸۰، ۸۲، ۸۳، ۸۶، ۹۰، ۱۳۵، ۱۸۸، ۲۳۴، ۲۶۷و ۲۸۰.

تناسب: ۳، ۵، ۷، ۲۱، ۲۹، ۳۳، ۴۵ف ۴۶، ۴۸، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۲، ۶۴، ۶۸، ۶۹، ۷۱، ۸۵، ۹۵، ۱۰۲، ۱۱۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۶۱، ۱۵۲، ۲۱۰، ۲۱۴، ۲۱۸، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۷، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۷۲، ۲۷۸و ۲۸۲.

تکرار: ۲۵، ۲۶، ۴۷، ۴۸، ۵۲، ۵۳، ۵۵، ۶۴، ۶۸، ۷۲، ۸۵، ۹۱، ۹۷، ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۸۲، ۲۳۸، ۲۶۷و ۲۷۰.

تنوع:۱۳، ۲۰، ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۳۱، ۳۴، ۴۵، ۴۷، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۸، ۵۹، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۲۰، ۱۲۶، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۹۲، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۱۳، ۲۸۰، ۲۸۶.

تیمائوس: ۱۱۵، ۱۵۶، ۱۶۶و ۲۴۴.

ثنویت: ۱۸، ۴۶، ۱۳۴، ۱۴۳، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۴، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۲۸، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۱و ۲۷۹.

جمع اضداد:۱۸۰، ۱۹۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۹و ۲۸۰.

جهان شناسی:۲۳۳.

چیرگی:۷۹، ۸۰، ۸۲، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۸و ۱۷۴.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

حرکت:٤٥، ٤٧، ٥٢، ٥٣، ٥٤، ٥٦، ٥٧، ٥٨، ٥٩، ٦٠، ٦١، ٦٢، ٦٤، ٨٥، ٩٧، ٩٨، ١٠٣، ١١٨، ١٢١، ١٤١، ١٤٦، ١٥٠، ١٥١، ١٥٣، ١٥٥، ١٥٩، ١٦٥، ١٦٨، ١٦٩، ١٧١، ١٧٦، ١٧٧، ١٨٦، ٢٠٦، ٢٠٧، ٢٤٠، ٢٤١، ٢٤٦، ٢٤٧، ٢٤٨، ٢٤٩، ٢٥٠، ٢٥١، ٢٥٣، ٢٥٤، ٢٦١، ٢٦٢، ٢٦٣، ٢٦٧، ٢٦٩و ٢٧٩.

حرکت جوهری:٢٦١.

خاک: ٧٧، ٨٩، ٩٥، ٩٨، ١٠٢، ١٠٧، ١٢١، ١٢٢، ١٢٤، ١٣٠، ١٣١، ١٣٣، ١٤٥، ١٥٢، ١٥٣، ١٦٠، ١٦١، ١٦٢، ١٦٩، ١٧٠، ١٧١، ١٧٢، ١٧٣، ١٧٥، ١٧٨، ١٧٩، ١٩١، ١٩٦، ١٩٧، ١٩٨، ١٩٩، ٢٠٠، ٢٠١، ٢٠٢، ٢٠٣، ٢٤١، ٢٤٧، ٢٤٨، ٢٤٩و ٢٥٤.

خروسپیوس:١٤٣.

خطاطی:١٠٣و ١٠٧.

خیر و شر: ١٨١، ١٨٢، ٢٠٣و ٢٠٥.

داوری ذوقی:٤و ١٦.

دیصانیان:١٧٩و ١٨١.

دینکرد: ١٢٣، ١٢٤، ١٢٥و ١٢٧.

رنگ: ٥، ٣٠، ٤٧، ٤٨، ٥٠، ٥١، ٥٤، ٥٦، ٥٧، ٦٣، ٦٨، ٦٩، ٧٠، ٧٢، ٧٩، ٧٠، ٧٢، ٧٩، ٨٠، ٨١، ٨٢، ٨٨، ٩٠، ٩٣، ٩٧، ١٠٣، ١٠٤، ١٠٧، ١٢٩، ١٣٢، ١٥٥، ١٧٥، ١٩٧، ٢٠٢، ٢٠٦، ٢٠٧، ٢٠٨، ٢١٢، ٢١٣، ٢١٥، ٢٣١، ٢٣٤، ٢٤٨، ٢٥٧، ٢٦٥، ٢٦٩، ٢٧١، ٢٧٦، ٢٨٥، ٢٨٨و ٢٨٩.

رواقیان: ١٤٣، ١٤٤و ١٨١.

روایت محتوا محور:٦٥و ٦٦.

رودلف آرنهایم:٦٧، ٨٥و ٢٨٨.

رویین پاکباز: ٨٣و ٨٥.

ریتم: ٤٧، ٤٨، ٦٤، ٨٣، ٨٤، ٩٤، ٩٥، ١٠٢، ٢٨٢.

رابرت ونتوری: ٧٧و ٨٥.

زادسپرم:١٢٥.

زرتشتیان: ١٢٣، ١٢٧، ١٨١و ٢٨٢.

زروان: ١٧٧.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ١٩٥٩٢٩/و تاریخ ١٣٩٥/٩/٦) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (١٣٤٨) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

نمایه ها

زنون:۱٤۳.

سنت گرا:۲۸۰.

سوبژکتیو: ٤.

سهروردی:۲۳۱، ۲۵۱، ۲۵۵، ۲۵٦، ۲۷۹و ۲۸۸.

سید حسین نصر: ۸۷، ۱۰۲، ۱۷۰، ۱۱۰، ۱۱۱و ۲۹۱.

شباهت:۲۲٤، ۳۰، ٤۱، ٤٦، ٤۷، ٤۹، ۵۵، ٦۳، ٦۸، ۷۲، ۸۱، ۸٦، ۸۸، ۱۳٤، ۱٤٦، ۱۵۰، ۱۵۷، ۱٦٤، ۱٦۵، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۳و ۲۸۰.

شدت:۵۵، ٦۵، ٦٦، ٦۷، ۸۵، ۹۰، ۲۳۹، ۲۵۸، ۲٦۰و ۲٦۵.

شفافیت:٤۹، ۵۱، ۵۲، ٦۳و ۲٤۸.

شکل:۲، ٤، ۱٤، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲٤، ۲۵، ۳٤، ۳۵، ٤۵، ٤٦، ٤۸، ٤۹، ۵، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵٤، ۵۵، ۵٦، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ٦۰، ٦۲، ٦۳، ٦۹، ۷۰، ۷۲، ۷٤، ۷۵، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸٦، ۸۸، ۹۲، ۹۵، ۹٦، ۹۷، ۹۹، ۱۰۳، ۱۰٤، ۱۰۵، ۱۰٦، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲٤، ۱۳۱، ۱٤٤، ۱٤۵، ۱٤۸، ۱٤۹، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵٤، ۱۵۹، ۱٦۲، ۱٦۵، ۱٦٦، ۱۷٤، ۱۸۵، ۱۹۰، ۱۹۵، ۱۹٦، ۲۰۱، ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۹، ۲۲۳، ۲۲۷، ۲٤۱، ۲٤٤، ۲٤۸، ۲٦۳، ۲٦۵، ۲٦۸.

شیخ اشراق: ۲۳۱و ۲۵۵.

صنوان:۲۱۱، ۱۱۲و ۲۱٤.

صوفیان:۲۳و ۲۳۵.

ضدین: ۱۳۳، ۱۸۰، ۲٦۱، ۲٦۷، ۲٦۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۸، ۲۸۱و ۲۸۳.

طبیعیان:۱۳۵.

عالم صغیر:۹۳، ۱۱۳، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱٤۳، ۱٤٤، ۱۸۸، ۱۸۲، ۲۳۹، ۲٤۲، ۲٤۳، ۲٦٦، ۲۷۰و ۲۸۲.

عالم کبیر: ۹۳، ۱۱۳، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱٤۳، ۱٤٤، ۱۸۱، ۱۸۲، ۲۳۹، ۲٤۳، ۲۷۰، ۲۷۹.

عالم ممکنات:۲٦٤

عرفان مانوی: ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰و ۱۷۸.

عرفان نظری:۲۳، ۲۳٤، ۲۳۷و ۲٦٤.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

علامه طباطبایی: ۲۷۲، ۲۷۹و ۲۸۷.

علامه مجلسی:۲۲۰و ۲۲۲.

علوم اسلامی: ٤، ۲۵، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۸۱و ۲۸۹.

علوم عقلی:۲۳۳و ۲۳۷.

فتوحات مکیه: ٢٦٤، ٢٦٩و ٢٨٤.

فُجرت:۲۱۰و ۲۱٤.

فرش:۲۷، ٦٩، ٩٦، ١٠٣، ١٠٧، ١٣٢، ١٧٨، ١٨٦، ١٩١، ٢٢٧، ٢٦٦، ٢٨٥و ٢٩٠.

فرم: ۳، ۵، ٦، ۷، ۱۱، ١٦، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۹، ۳۰، ٤٥، ٤٦، ٤٨، ٥٢، ٦٢، ٦٣، ٦٨، ٧٠، ٧٢، ٧٤، ٧٥، ٧٦، ٨٢، ٨٤، ١٠١، ١٠٨، ١١٠، ١٣٦، ١٦١، ١٦٢، ١٨٧، ١٨٩، ١٩٢، ١٩٣، ١٩٤، ١٩٨، ١٩٩، ٢٠٠، ٢٠٩، ٢١٣، ٢١٩، ٢٢٥، ٢٢٧، ٢٣٧، ٢٨٤، ٢٨٧و ٢٨٨.

فصوص الحکم:٢٦٤، ٢٨٤، ٢٨٥و ٢٨٧.

فلوطین:٢٤، ١٥٢، ١٦٦و ١٦٧.

فوسیس: ۲۳۳.

فیثاغورث:۱۰۹، ١٥٤، ١٥٨، ١٥٩، ١٨١، ٢٣٨، ٢٤٠و ٢٤٤.

قاعده:۱۲، ٤٧، ٥٣، ٦٠، ٦٣، ٧٦، ١٣٥، ١٥٥، ٢٥٥.

قانون شباهت:٤٩.

قانون مجاورت:٤٩.

قرآن مجید:٤، ٦، ۲۳، ۲۸، ۳۰، ۸۷، ۱۰۲، ۱۱۲، ١٨٤، ١٨٥، ١٨٧، ١٩١، ١٩٦، ١٩٨، ٢٠٢، ٢٠٣، ٢٠٦، ٢١٥، ٢١٦، ٢٢٣، ٢٣٣، ٢٨١و ٢٨٤.

کاپلستون:١٤٣، ١٥٢و ٢٨٨.

کانت:٤، ١٥و ١٦.

کثرت در وحدت: ٦٦، ١٠٥، ١٠٧، ١١١، ١٩٤، ١٩٦، ٢١٣، ٢٥٨و ٢٧٠.

کُربن:٤٨، ٨٧، ١١١، ١١٣، ٢١٠، ٢٢٥، ٢٢٦و ٢٩١.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

کنزالحیات:۱۷۸.

کوسموس:۱۱۵و ۱۳۵.

کوماراسوامی:۸۷، ۱۱۲و ۱۱۳.

گشتالت: ۲۱، ۲۹، ٤۸، ٤۹، ٦۳، ٦٤، ٦۵، ٦۷و ۸۵.

لوکرس:۱۱۸و ۱۱۹.

لوکوربوزیه:۱۹، ۷۷، ۷۸، ۸۵، ۲۸٦.

مارج:۲۰۲و ۲۰۳.

مارکوس اورلیوس: ۱٤۳.

متعالیه: ۲۳۱و ۲۳۷.

مرج: ۸۳و ۲۰۲.

مرقیون:۱۷۵.

مزدیسنان: ۱۲۳و ۱۲۵.

مختلط: ۲۰۲و ۲۰۳.

مشایی:۲٤٤و ۲٤٦.

ملاصدرا: ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲٦۰، ۲٦۱، ۲٦۳، ۲۷۲و ۲۷۹.

مندایی:۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹و ۱۸۱.

نوافلاطونیان:۱٦٦، ۱٦۷و ۱۸۱.

نهضت ترجمه: ۲۳۲.

میلتوسی: ۱۳٤و ۱۳۵.

نجیب اغلو: ۵، ٦، ۲٤، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۹.

نقد هنر: ۲، ۳، ٤، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱٤، ۱۵، ۱٦، ۲٦، ۷۸، ۲۸٤، ۲۸۵.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

نمایه ها

نظم: ١٤، ٢١، ٢٥، ٢٩، ٣١، ٣٥، ٤٦، ٤٨، ٤٩، ٥٤، ٥٩، ٦٠، ٦٣، ٦٨، ٦٩، ٧٠، ٧٢، ٧٣، ٧٤، ٧٥، ٧٦، ٧٨، ٨٢، ٨٣، ٨٦، ٨٩، ٩٠، ٩٤، ٩٧، ١٠٢، ١٠٤، ١٠٥، ١٠٦، ١٠٩، ١١٠، ١١٣، ١١٥، ١١٦، ١١٧، ١١٨، ١١٩، ١٢٠، ١٢٢، ١٢٣، ١٣٥، ١٣٩، ١٤٠، ١٤١، ١٤٢، ١٤٤، ١٤٦، ١٥٠، ١٥٣، ١٥٥، ١٥٦، ١٥٨، ١٥٩، ١٦٠، ١٦٥، ١٦٩، ١٧١، ١٨٤، ١٨٨، ١٩٥، ٢٠٧، ٢١٣، ٢١٤، ٢٢٣، ٢٢٤، ٢٢٥، ٢٢٦، ٢٢٧، ٢٢٨، ٢٣٩، ٢٤٤، ٢٨٠، ٢٨٦و ٢٩١.

وحدت: ٣، ٤، ٦، ٧، ٨، ١١، ٢٠، ٢١، ٢٢، ٢٣، ٢٤، ٢٥، ٢٦، ٢٨، ٢٩، ٣٠، ٣١، ٤٤، ٤٥، ٤٦، ٤٧، ٤٨، ٤٩، ٥٠، ٥١، ٥٤، ٥٦، ٥٨، ٦٠، ٦١، ٦٢، ٦٣، ٦٤، ٦٥، ٦٦، ٦٧، ٦٨، ٦٩، ٧٤، ٧٦، ٧٧، ٧٨، ٧٩، ٨١، ٨٢، ٨٣، ٨٤، ٨٥، ٨٦، ٨٧، ٨٨، ٨٩، ٩٠، ٩١، ٩٢، ٩٣، ٩٤، ٩٦، ٩٧، ٩٨، ١٠٠، ١٠١، ١٠٢، ١٠٣، ١٠٤، ١٠٥، ١٠٦، ١٠٧، ١٠٨، ١٠٩، ١١٠، ١١، ١١٢، ١١٣، ١١٤، ١١٥، ١٢١، ١٢٣، ١٢٧، ١٣٣، ١٣٤، ١٣٥، ١٣٦، ١٣٧، ١٣٨، ١٣٩، ١٤٢، ١٤٣، ١٤٤، ١٤٥، ١٤٦، ١٤٧، ١٤٨، ١٤٩، ١٥٠، ١٥٢، ١٥٣، ١٥٤، ١٦١، ١٦٣، ١٦٦، ١٦٧، ١٦٨، ١٧٢، ١٧٣، ١٧٤، ١٧٧، ١٧٩، ١٨٠، ١٨١، ١٨٢، ١٨٣، ١٨٤، ١٩٦، ٢٠١، ٢٠٣، ٢٠٥، ٢١٣، ٢٢٠، ٢٢١، ٢٢٢، ٢٢٤، ٢٢٧، ٢٢٨، ٢٢٩، ٢٣٠، ٢٣٢،٢٣١، ٢٣٣، ٢٣٥، ٢٣٦، ٢٣٨، ٢٣٩، ٢٤٠، ٢٤٥، ٢٥١، ٢٥٢، ٢٥٣، ٢٥٤، ٢٥٦، ٢٥٧، ٢٥٨، ٢٥٩، ٢٦٠، ٢٦١، ٢٦٣، ٢٦٤، ٢٦٨، ٢٧٠، ٢٧١، ٢٧٢، ٢٧٣، ٢٧٥، ٢٧٨، ٢٧٩، ٢٨٠، ٢٨١، ٢٨٢، ٢٨٤، ٢٨٨، ٢٩٠.

وحدت در کثرت: ٦٧، ٩٠، ٩١، ٩٧، ١٠٥، ١٠٦، ١٠٧، ١٣٥، ١٣٨، ٢٠١، ٢٥٢، ٢٥٤و ٢٥٨.

وحدت صوری: ٨٣و ٨٤.

وحدت معنوی: ٨٣.

وحدت وجود: ٢٣، ٢٤، ٣٠، ١٠٢، ٢٣٥، ٢٥١، ٢٥٢، ٢٦٤، ٢٦٥، ٢٦٦، ٢٨٨.

هارمونی: ٦٩، ٧١، ٧٢، ١٨٤و ٢٨٢.

هسیود: ١١٨و ١١٩.

یکپارچگی: ٤٦، ٦١، ٦٣، ٦٤، ٦٦، ٦٧، ٤٨، ٦٩، ٧١، ٧٢، ٨٤، ٨٦ و ٢٨٠.

یونان: ٣، ٥، ٢١، ٢٤، ٥٨، ٦٩، ١٠٠، ١١٥، ١١٧، ١١٨، ١٢١، ١٢٦، ١٢٩، ١٣٤، ١٣٥، ١٣٧، ١٤١، ١٤٣، ١٤٦، ١٥٤، ١٥٥، ١٦٨، ١٧٥، ٢٣٢، ٢٣٣، ٢٤٣، ٢٤٦، ٢٨٢، ٢٨٧و ٢٨٨.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ١٩٥٩٢٩/و تاریخ ١٣٩٥/٩/٦) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (١٣٤٨) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

Abstract

Nowadays in criticizing artwork, principles and factors that are crucial in creating beauty are examined. One of these factors is unity factor which is considered an undeniable principle of art work in criticizing art form as the underlying network of all artistic components is a result of unity factor. Hence, theoretical basics of unity factor in applied aesthetics has been brought up in this study. To fully understand this factor, one must go through different texts. As a result in this text, theories of traditional and contemporary authors regarding this factor are investigated and traced back to pre-Islamic studies and Greek philosophers. The sources of this concept in Islamic texts, proofs of its components and required characteristics to apply this factor are surveyed. Therefore, we can clarify that the aim of the present study is to identify and reach required components of unity factor.

The results show that the main principles of unity factor in recent texts, namely paradox and harmony are to be developed in cosmology, creation myths and other concepts related to creation in Islamic and non-Islamic texts. This indicates that the whole existence is based on unity factor and in order to reach that, two opposite factors as well as harmony is required and this is reflected in different aspects of the universe. Thus, this study identifying one of the most important theoretical issues of art, will act as an invaluable source of theoretical framework. The descriptive-analytical method of research was used in this study and the acquired data from library sources and textbooks are processed qualitatively.

Keywords: Theoretical basics of art, applied aesthetics, unity, paradox, harmony, the holy Quran, narratives and hadiths, Muslim scientists' texts

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

Shahed University

Faculty of Humanity Science

Department of Information & Knowledge Science

Title

Recognizing the theory of unity in the Applied Aesthetics on the basis Islamic Literature and Holy Books

By

pourahmad, fereshteh

Supervisor

Marasy, Mohsen, Dr.

Advisor

Rajabi, Mohamad Ali, Master.

Date: Januray-2015

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـــاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.